پیاده نظام
و
دفــاع مقــدس

مؤلفان:

سرتیپ ستاد ناصر آراسته

سرتیپ۲ ستاد علی نیکفرد

آموزش معارف جنگ

ویژه افسران دوره‌های مقدماتی، عالی، دافوس

ارتش جمهوری اسلامی ایران

۱۳۹۳

مؤلفان: سرتیپ ستاد ناصر آراسته، سرتیپ۲ ستاد علی نیکفرد
حروف‌نگاری اولیه: حامد خدمتی
حروف‌نگاری نهایی و صفحه‌آرایی: الهه آموزگار
مقابله منابع با متن و ویرایش تخصصی: سرتیپ۲ ستاد مسعود بختیاری
ویرایش ادبی: الهه آموزگار
بررسی نهایی و ناظر چاپ: سرتیپ۲ ستاد صادقی‌گویا
نوبت و سال چاپ: اول/ ۱۳۹۳
شمارگان: ۲۰۰۰
قیمت: ۱۰هزار تومان
مرکز پخش: تلفن: ۲۲٤۸۸۷٦٥ **نمابر:** ۲۲٤۸۸٦٥۰ **صندوق پستی:** ۱۷۱-۱۹٥٦٥

کلیه حقوق برای هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» محفوظ است.

معارف جنگ

هیئت معارف جنگ نهادی است که توسط شهید والا مقام امیر سپهبد علی صیاد شیرازی بنیانگذاری شد. در بدو تأسیس این نهاد دو هدف عمده مد نظر آن شهید بزرگوار بود :

۱- ثبت و ضبط حوادث هشت سال دفاع مقدس

۲- انتقال تجربیات جنگ به نسل‌های آینده ارتش

در اجرای هدف اول تعدادی از پیش‌کسوتان جبهه و جنگ که سال‌ها طراحی و هدایت عملیات را به عهده داشتند با تلاش شبانه‌روزی و بازسازی حوادث در مناطق عملیاتی توانستند حوادث و آنچه که در طول ۸ سال دفاع مقدس در میدان‌های جنگ اتفاق افتاده بود را به صورت کتاب، نوار و فیلم‌های ویدیوئی تهیه نمایند. که اینک آرشیو هیئت معارف جنگ یکی از غنی‌ترین مدارک و اسناد مربوط به جنگ تحمیلی را در خود جمع آوری کرده است.

در اجرای هدف دوم، برنامه‌های آموزشی برای دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) توسط آن شهید و سایر پیش‌کسوتان به مورد اجراء گذاشته شد. به تدریج آموزش‌های نظری و میدانی در مناطق عملیاتی به سایر دانشکده‌های افسری ارتش نیز تسری یافت. سپس اجرای آموزش معارف جنگ به مراکز آموزشی درجه‌داری نیروهای سه گانه ارتش و مراکز آموزشی وظیفه ارتش جمهوری اسلامی ایران توسعه داده شد و هم چنان ادامه دارد.

هیئت معارف جنگ در ادامه آموزش‌های نظری و میدانی فوق، انتقال تجربیات جنگ را به دانشجویان دوره‌های مقدماتی و عالی رسته‌های مختلف نیروی زمینی مورد توجه قرار داد.

از آنجائیکه دانشجویان دوره‌های مقدماتی و عالی آموزش‌های معارف جنگ را قبلاً در دانشکده افسری طی کرده‌اند، تکرار آموزش‌های قبلی برای آنان ضروری تشخیص داده نشد. لذا با توجه به اینکه دانشجویان دوره مقدماتی و عالی آموزش‌های تخصصی رسته مربوطه را فراگرفته و دانشجویان دوره عالی از تجربه خدمتی در یگان‌ها نیز برخوردار شده‌اند، نگرش تخصصی و تحلیلی به شیوه‌های طراحی، اجرا و هدایت عملیات در جنگ تحمیلی در دروس معارف جنگ برای آنان در نظر گرفته شد. بدین منظور اقدام به تهیه کتاب‌های آموزشی برای رسته‌های مختلف با هدف انتقال تجربیات در دستور کار قرار گرفت.

کتاب حاضر برای آموزش در دوره‌های مقدماتی، عالی و دافوس با هدف ارتقاء سطح دانش تخصصی و آگاهی افسران پیاده از روند اداره یگان‌ها در جنگ تحمیلی و انتقال تجربیات آن دوران به این همرزمان عزیز تدوین شده است.

هیئت معارف جنگ «**شهید سپهبد علی صیاد شیرازی**»

معرفی نویسنده

سرتیپ ناصر آراسته جانشین رئیس گروه مشاوران نظامی فرماندهی معظم کل قوا بوده که با حفظ سمت رئیس هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی نیز می‌باشد.

نامبرده در سال ۱۳۵۰ وارد دانشکده افسری نیروی زمینی گردید، در سال ۱۳۵۳ با درجه ستوان دومی و رسته توپخانه فارغ التحصیل شد.

تحصیلات علمی، نظامی

- دیپلم ریاضی
- لیسانس علوم نظامی
- فوق لیسانس مدیریت دفاعی
- لیسانس حقوق قضائی از دانشگاه شهید بهشتی
- طی دوره مدیریت استراتژیک دانشگاه عالی دفاع ملی

اهم فعالیت های انقلابی و جنگی

- فعالیت‌های انقلابی در ارتش از اواخر سال ٥٦ تا پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی
- تشکیل انجمن اسلامی در پادگان و انتشار نشریه مالک اشتر در ارتش انقلاب
- فعالیت در کمیته‌های انقلاب در ارتش و در شهر تهران
- حضور در جنگ با ضدانقلاب از سال ۵۸ تا اواخر سال ٦۰ به عنوان افسر انتظامات و تأمین پادگان بانه، دیده‌بان توپخانه، فرمانده گروهان پیاده، فرمانده یگان تکاور
- حضور در جنگ تحمیلی از سال ٦۰ تا پایان دفاع مقدس در کلیه عملیات‌های تهاجمی و دفاعی در مشاغل افسر ش.م.ر لشکر، رئیس بازرسی لشکر۲۱، جانشین و رئیس بازرسی نزاجا

- سه بار مجروحیت و جانبازی ۵۰٪ (از دست دادن بینایی یک چشم و شنوایی یک گوش.
- تلاش در ایجاد و تعمیم وحدت و انسجام ارتش و سپاه در کنار شهید صیادشیرازی در مبارزه با ضد انقلاب، در جنگ و بعد از آن.

در مدت هشت سال دفاع مقدس به منظور ارزیابی عملیاتی یگان‌های نیروی زمینی و سایر یگان‌های رزمندگان اسلام که در کنترل عملیاتی نیروی زمینی بود، در شرایط آفندی و پدافندی دو بار با پای پیاده از اشنویه در شمال‌غرب تا نهر قمیجه در دهانه فاو را طی کرده و حتی بیشتر سنگرهای کمین و پست‌های شنود کلیه گردان‌های پیاده نظام را بازدید و ارزیابی نموده است.

مشاغل در طول جنگ

دیده‌بان توپخانه، معاون آتشبار، فرمانده گروهان پیاده و فرمانده یگان تکاور در مبارزه با ضدانقلاب، افسر ش.م.ر لشکر، رئیس بازرسی لشکر، جانشین و رئیس بازرسی نیروی زمینی.

مشاغل بعد از جنگ

فرمانده دانشگاه افسری امام علی(ع)، جانشین رئیس ستاد ارتش، جانشین فرمانده کل ارتش، مشاور نظامی مقام معظم رهبری در امور زمینی و جانشین رئیس گروه مشاورین نظامی فرماندهی معظم کل قوا، رئیس هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی.

تألیف و تدوین مقالات، کتب و متون درسی و سخنرانی‌های علمی متعدد در موارد زیر:

- منش فرماندهی
- کلیاتی از جنگ و مواردی از دفاع مقدس
- جنگ و جنگ‌ها در قرن بیستم
- تحلیل جنگ‌های دهه پایانی قرن بیستم و سال‌های اول قرن بیست و یکم

- احتمال، چرایی و چگونگی تحمیل جنگ در آینده
- استراتژی دفاعی حضرت امام رضوان الله تعالی علیه
- این زمین در آن زمانه (ایران در زمان جنگ)
- امریکا قبل و بعد از اشغال عراق
- مبانی و شیوه‌های جنگ نامتقارن
- توپخانه در دفاع مقدس
- قتال و جهاد در قرآن و حدیث
- چرا و چگونه باید از جنگ بدانیم؟
- طرح و برنامه از منظر قرآن
- عشق سرخ (حسین ابن علی علیه السلام)
- بررسی تخصصی نهایی قریب به ۵۰ جلد آثار منتشره هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی
- تحلیل و نقد قریب به ٤٨ جلد کتب علمی و نظامی و آثار نوشتاری دفاع مقدس

امتیازات

نامبرده علاوه بر چندین فقره تقدیرنامه از فرماندهان نزاجا و ارتش و فرماندهی معظم کل قوا در مجموع به دریافت چهار سال ارشدیت و اخذ دو درجه موقت نائل گردیده و در سال ۷۰ به دریافت درجه سرتیپی از دست مبارک ولی امر مسلمین مفتخر گردید.

معرفی نویسنده

سرتیپ۲ پیاده ستاد علی- بخشی نیکفرد در سال ۱۳۳۹ پس از طی دانشگاه نظامی وارد ارتش شد.

نامبرده در سال ۱۳٤۷ وارد دانشکده افسری و در سال ۱۳۵۰ فارغ التحصیل شد و در سال ۱۳۷۳ به افتخار بازنشستگی نائل گردید. مشاغل وی در دوران خدمت در یگان‌های پیاده عبارتنداز:

- فرمانده دسته پیاده در لشکر٤ پیاده (ارومیه)
- افسر عملیات گردان پیاده در لشکر٤ پیاده (پیرانشهر)
- فرمانده گروهان دانشکده افسری (تهران)
- استاد تاکتیک مرکز پیاده (شیراز)
- استاد تاکتیک دافوس (تهران)
- افسر طرح و برنامه دانشکده افسری (تهران)
- افسر عملیات تیپ دانشجویان دانشکده افسری در آغاز جنگ تحمیلی (خرمشهر)
- معاون عملیاتی تیپ۱ لشکر۲۱ پیاده سال ۱۳٦۰ (جبهه جنوب)
- فرمانده تیپ۱ لشکر ۲۱ پیاده سال ۱۳٦۱ (جبهه جنوب)
- معاون عملیاتی لشکر٦٤ پیاده سال ۱۳٦۳ (جبهه شمال‌غرب)
- فرمانده لشکر۷۷ پیاده سال ۱۳٦۵ (جبهه جنوب)
- جانشین معاون آموزشی نزاجا سال ۱۳٦۷ (تهران)
- معاون آموزشی نزاجا سال ۱۳٦۸ (تهران)
- مدیر طرح‌های استراتژیک نزاجا سال ۱۳۷۱ (تهران)

فعالیت عملیاتی

- شرکت در عملیات پدافندی در خرمشهر و آبادان در آغاز جنگ تحمیلی (افسر عملیات تیپ دانشجویان دانشگاه امام علی)

- شرکت در کلیه عملیات‌های آفندی و پدافندی در مناطق جنوب ، غرب و شمال‌غرب به ویژه در عملیات های آفندی بیت‌المقدس ،رمضان، محرم، قادر و کربلا ٦ در مسئولیت‌های معاون و فرمانده تیپ و معاون و فرمانده لشکر

فعالیت ستادی

- رکن سوم گردان و تیپ ، استاد تاکتیک مرکز پیاده و دافوس (قبل از انقلاب)
- جانشین ومعاون آموزشی نیروی زمینی و رئیس طرح های استراتژیکی نزاجا (بعد از جنگ)
- پس از بازنشستگی در امور تحقیقاتی، آموزشی و تدریس در دانشگاه افسری امام علی (ع) و هیئت معارف جنگ فعالیت‌های خود را ادامه داد.

تحصیلات

علمی: دیپلم ریاضی، لیسانس علوم نظامی، کارشناس ارشد مدیریت آموزشی از دانشگاه آزاد

نظامی: دوره مقدماتی پیاده (شیراز)، دوره عالی پیاده (امریکا)، دوره فرماندهی و ستاد (انگلستان) دوره افسر رابط هوائی، دوره تکنولوژی آموزشی (امریکا)، دوره چتربازی

امتیازات: نامبرده علاوه بر دریافت جایزه به علت احراز رتبه دوم دانشکده افسری در سال ۱۳۵۰ و تقدیر نامه و تشویقات متعدد، در جنگ تحمیلی موفق به دریافت شش ماه ارشدیت و نشان فتح شدند.

تألیفات

- ترجمه آئین‌نامه موشک دراگون
- تألیف مدارک آموزشی پیاده نظام
- نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس (جلد یکم).

تقدیم به:

کلیه رزمندگان پیاده نظام که برای حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی و میهن خویش، در جنگ تحمیلی از هیچ‌گونه ایثار حتی بذل جان ، مال و خانواده خود در راه اسلام عزیز و در اجرای امر حضرت امام رضوان الله تعالی علیه دریغ نکردند.

فهرست مطالب

مقدمه ۱۹
بخش یکم: نقش پیاده نظام در طول تاریخ ۲۵
جنگ در دوران باستان ۲۵
جنگ در قرون متأخر ۲۵
نیروی اصلی یا مؤثر در رزم ۲۶
ویژگی‌های پیاده نظام ۲۷
مشخصات و تعریف رزمنده پیاده نظام ۲۷
سازمان‌دهی نیروها ۲۸
مشخصات فرمانده گردان پیاده ۲۹
کاربرد گردان پیاده ۲۹
مشخصات گردان پیاده ۳۰
بخش دوم: تاریخچه تحولات پیاده نظام در ایران (۱۳۰۰ش تا ۱۳۵۷ش) ۳۳
تاریخچه پیاده نظام قبل از انقلاب (مفاهیم، مبانی، اصول) ۳۳
تشکیل ارتش نوین ۳۴
استعداد نیروی زمینی (سال ۱۳۲۰ش) ۳۷
اصول و مبانی نظامی (دکترین) ۳۸
ارتش بعد از جنگ جهانی دوم ۳۸
یگان‌های پیاده ارتش (سال ۱۳۲٤ – ۱۳۲۰ ش) ٤۰
تجدید سازمان ارتش (سال ۱۳٤۲ – ۱۳۲٤ ش) ٤۰
آخرین سازمان نیروی زمینی قبل از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی ٤۱
جنگ‌افزار سازمانی پیاده نظام ٤۲
تعیین آمادگی رزمی یگان‌های پیاده ٤۳
عوامل برترساز در توان رزمی ٤٤

روحیه ارتش بعد از انقلاب تا جنگ تحمیلی ٤٤
متن پیام امام راحل در مورد نقش ارتش در اوایل انقلاب ٤٥
فرماندهی و انضباط در یگان‌های پیاده نظام آجا بعد از انقلاب ٤٧
بخش سوم: تحولات آموزشی ارتش (۱۳۵۷ – ۱۳۰۰) ٥١
اهمیت تعلیم و تربیت در ارتش ٥١
وضعیت آموزش (۱۳۲۰ تا ۱۳۰۰ ش) ٥١
مدارس نظامی فعال تا سال ۱۳۲۰ ..... ٥٢
وضعیت آموزش (۱۳۵۷ – ۱۳۲۰ ش) ٥٣
نظام آموزشی نیروی زمینی ٥٤
دانشکده افسری (آموزش و پرورش عملی، نظامی) ٥٤
نقش دانشکده افسری در جنگ تحمیلی ٥٥
مراکز آموزش تخصصی رسته‌ها ٥٦
مرکز آموزش پیاده شیراز ٥٧
وظایف آموزشی مرکز پیاده ٥٨
مرکز آموزش ۰۱ کادر ٥٩
آموزش افراد وظیفه ٦٠
آموزش فرماندهان و مسئولین رده تیپ به بالا (فوق تخصص) ٦١
نقش دانشکده فرماندهی و ستاد(دافوس) در جنگ تحمیلی ٦٣
بخش چهارم: طرح‌ریزی مشترک ارتش و سپاه در جنگ تحمیلی ٦٥
اهمیت طراحی عملیات ٦٥
تعاریف و اصطلاحات عملیاتی ٦٥
طراحی عملیات مشترک ٦٧
طراحی عملیات آفندی تا عملیات رمضان (تیرماه۱۳٦۱) ٦٩
طراحی عملیات آفندی بعد از عملیات رمضان ٧٠

طراحی عملیات پدافندی ۷۱
ارزیابی طراحی مشترک ۷۲
چگونگی فرماندهی عملیات مشترک در یگان‌های پیاده نظام ۷۵
ارزیابی فرماندهی مشترک ۷۵
برش تاکتیکی در طراحی‌ها ۷۹
سازمان‌دهی رزم در طراحی‌ها ۸۰
تناسب و همخوانی برش تاکتیکی و سازمان رزم با ماهیت و ساختار یگان ۸۲
ساختار و ماهیت یگان‌های عملیاتی ارتش و سپاه ۸۲
فرآیند تهیه طرح‌های عملیاتی ۸٤
بخش پنجم: مقایسه تطبیقی لشکرهای پیاده ارتش و سپاه در جنگ تحمیلی ۸۷
وضعیت لشکرهای پیاده و پیاده مکانیزه ارتش ۸۷
وضعیت یگان‌های پیاده سپاه پاسداران ۹۲
کنترل و فرماندهی در ارتش و سپاه ۹٦
سازمان‌دهی یگان‌های جدید پیاده نظام ارتش و سپاه در جنگ تحمیلی ۹۹
ارزیابی یگان‌های پیاده جدید ارتش ۱۰۱
بخش ششم: عملیات پیاده نظام (۱) ۱۰۳
مراحل جنگ تحمیلی ۱۰۳
مرحله یکم: متوقف کردن دشمن (دو ماه اول جنگ) ۱۰٤
تحلیل نقش پیاده نظام در متوقف کردن دشمن (دو ماه اول جنگ) ۱۰۹
مرحله دوم: عملیات پدافندی (سال اول) ۱۱۱
عملیات آفندی و پدافندی سال اول جنگ ۱۱۲
۱- عملیات شاخص ۱۱۲
۲- عملیات آفندی گسترده سال اول جنگ ۱۱۵
دلایل عدم موفقیت برخی از عملیات آفندی سال اول جنگ ۱۱۷

مرحله سوم: عملیات آفندی (سال دوم جنگ) ۱۱۸
تحلیل نقش پیاده نظام در عملیات آفندی سال دوم ۱۲۰
مقایسه تحلیلی عملیات‌های آفندی سال اول و دوم جنگ ۱۲۱
مرحله چهارم: عملیات آفندی داخل خاک عراق (شش سال پایانی جنگ) ۱۲۳
اهداف کلی عملیات تعاقبی ۱۲۳
اهداف تاکتیکی عملیات برون‌مرزی در هریک از مناطق عملیاتی ۱۲۳
تحلیل نقش پیاده نظام در عملیات آفندی درون خاک عراق (شش سال پایانی جنگ، تنبیه متجاوز) ۱۲٤
اهداف پنج‌گانه پیش‌بینی شده در شش سال پایان جنگ ۱۲۵
موارد قابل بحث و تعمق در عملیات برون مرزی ۱۲٦
بخش هفتم: عملیات پیاده نظام(۲) ۱۲۹
مبانی نظری کاربرد اصول جنگ ۱۲۹
نقش پیاده نظام در عملیات موفق ۱۳۰
عوامل (سازمانی و برون سازمانی) مؤثر در کارایی پیاده نظام ۱۳۱
نقش پیاده نظام در عملیات آزادسازی سال دوم جنگ ۱۳۳
عملیات آفندی ثامن الائمه (۱۳٦۰/۷/۵) (نقشه شماره ۵) ۱۳۳
بازتاب پیروزی عملیات ثامن الائمه در کلام حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷
عملیات طریق‌القدس (۱۳٦۰/۹/۹) (نقشه شماره٦) ۱۳۸
بازتاب پیروزی عملیات طریق‌القدس در کلام امام راحل ۱٤۳
عملیات فتحالمبین (۱۳٦۱/۱/۲) (نقشه شماره۱۱) ۱٤۵
بازتاب پیروزی عملیات فتح‌المبین در کلام امام(ره) ۱۵۱
عملیات بیت‌المقدس (۱۳٦۱/۲/۱۰) (نقشه شماره۱۲) ۱۵۳
بازتاب پیروزی عملیات بیت‌المقدس در کلام امام راحل(ره) ۱۵۹
عملیات والفجر۸ (٦٤/۱۱/۲۰) (نقشه شماره۱۳) ۱٦۱

عملیات پس از آزادسازی خرمشهر ۱٦٦
راهبرد سپاه پاسداران ۱٦۷
نقش پیاده نظام در عملیات ناموفق ۱٦۷
دلایل عمده نافرجامی اکثر عملیات‌ها بعد از فتح خرمشهر ۱٦۸
بررسی چند عملیات ناموفق ۱۷۰
عملیات رمضان (٦۱/٤/۲۲) (نقشه شماره۱٤) ۱۷۰
عملیات خیبر (٦۲/۱۲/۳) (نقشه شماره۱۵) ۱۷۱
عملیات بدر (۱۳٦۳/۱۱/۲۰) (نقشه شماره۱٦) ۱۷۲
عملیات قادر (۱۳٦٤/٤/۲۳) (نقشه شماره۱۷) ۱۷۳
عملیات والفجر۱۰ (۱۳٦٦/۱۲/۲٤) (نقشه شماره۱۸) ۱۷٤
بخش هشتم: عملیات پیاده نظام(۳) ۱۷۵
۱- پدافند شیمیایی ۱۷۵
۲- پدافند متحرک (استراتژی نظامی عراق پس از آفند ایران داخل خاک عراق) ۱۸۲
۳- عملیات فروغ جاویدان منافقین ۱۸٤
٤- عملیات مرصاد (علیه منافقین) (۱۳٦۷/۵/۵) (نقشه شماره ۱۹) ۱۸۵
۵- اجرای عملیات آفندی در شب ۱۸٦
اقدامات پیاده نظام در مقابله با یگان‌های زرهی ارتش عراق ۱۸۷
علل عدم حفظ و نگهداری برخی اهداف پس از تصرف ۱۸۸
تطابق طرح‌های عملیاتی با مراحل اجرایی (در چند عملیات سرنوشت ساز) ۱۸۹
کاربرد اصول جنگ در عملیات سرنوشتساز ۱۹۲
کاربرد اطلاعات ۱۹۳
لشکرهای پیاده نظام ایران و عراق ایران درآغاز جنگ ۱۹۳
تحلیل مقایسه لشکرهای پیاده ایران و عراق ۱۹٤
شرایط محیطی و اقلیمی وتأثیر آن بر عملیات یگان‌های پیاده ۱۹۵

تأثیر کمک‌های غرب و شرق به عراق درعملیات ۱۹۷
بخش نهم: پشتیبانی رزمی ۱۹۹
۱- پشتیبانی آتش توپخانه صحرایی از عملیات پیاده نظام ۱۹۹
وضعیت سازمانی ۱۹۹
سامانه آتش پشتیبانی سازمانی لشکرها ۲۰۰
فرآیند اصولی تهیه طرح و اجرای آتش پشتیبانی در لشکرهای پیاده ۲۰۰
فرآیند تهیه طرح آتش پشتیبانی و اجراء در جنگ تحمیلی ۲۰۲
انواع آتشهای پشتیبانی در عملیات پیاده نظام ۲۰٤
یگان های توپخانه پشتیبانی‌کننده ۲۰۵
مشکلات عناصر مانوری (پیاده نظام) در طراحی و بکارگیری آتش پشتیبانی توپخانه ... ۲۰۵
ابتکارات توپخانه در پشتیبانی از پیاده نظام ۲۰٦
تحلیل نهایی آتش پشتیبانی توپخانه ۲۰۷
توپخانه پدافند هوایی سازمانی در یگان‌های پیاده ۲۰۸
۲- هوانیروز و یگان‌های پیاده نظام ۲۰۹
رابطه یگان‌های پیاده نظام با هوانیروز ۲۰۹
سازمان هوانیروز ۲۱۰
سازمان‌دهی هوانیروز در جنگ تحمیلی ۲۱۰
چگونگی برقراری ارتباط هوانیروز با یگان‌های رزمی پیاده ۲۱۱
پشتیبانی‌های هوانیروز ۲۱۱
۳- پشتیبانی نیروی هوایی در جنگ تحمیلی ۲۱۲
سازمان نیروی هوایی در عملیات مشترک ۲۱۲
عناصر اصلی قرارگاه عملیات مشترک هوایی ۲۱۳
پشتیبانی هوایی (عادی و اضطراری) ۲۱۳
وظایف مرکز پشتیبانی هوایی (DAsc) ۲۱۳

نقش نیروی هوایی در پشتیبانی نزدیک از یگان‌های پیاده نظام ۲۱٤
سایر پشتیبانیهای هوایی..... ۲۱۷
٤ – پدافند هوایی در جنگ تحمیلی ۲۱۷
رابطه یگان‌های پیاده با یگان‌های پدافند هوایی سازمانی و پشتیبانی‌کننده..... ۲۱۷
چگونگی عملیات پدافند هوایی در جنگ تحمیلی ۲۱۹
سامانه پدافند هوایی در لشکرهای پیاده ۲۲۰
سامانه پدافند هوایی در نیروی هوایی ۲۲۰
بخش دهم: آماد و پشتیبانی ۲۲۳
نقش آماد و پشتیبانی یگان‌های پیاده نظام در جنگ تحمیلی ۲۲۳
تعاریف، اصطلاحات و اصول ۲۲٤
۱– تعریف آماد و پشتیبانی (آماد و پش)..... ۲۲٤
۲– اصول آماد وپشتیبانی طبقات آمادی ۲۲٦
۳– مسئول آماد و پشتیبانی ۲۲۸
٤– فرماندهی پشتیبانی مناطق..... ۲۲۹
آماد و پشتیبانی یگان‌های پیاده بعد از انقلاب (۲۲بهمن۱۳۵۷ الی ۳۱شهریور۱۳۵۹). ۲۳۰
آماد و پشتیبانی یگان‌های پیاده در جنگ تحمیلی (۱۳٦۷ –۱۳۵۹ ش) ۲۳۳
کمک‌های مردمی ۲٤۰
ستاد پشتیبانی جبهه و جنگ ۲٤۲
جهاد سازندگی..... ۲٤۲
بازسازی و توسعه یگان ۲٤۳
بخش یازدهم: تحلیل نهایی ۲٤۷
نتیجه نهایی جنگ ۲٤۷
چرا خود را پیروز جنگ می‌دانیم..... ۲٤۸
تحلیل از دیدگاه مرحله‌ای..... ۲٤۹

بازتاب پیروزی‌های بدست آمده در سخنان امام(ره) ۲۵۸
روایت جنگ به زبان آمار ۲۵۹
دستاوردهای جنگ ۲۶۱
دلایل پیروزی جمهوری اسلامی ایران در جنگ ۲۶۲
بخش دوازدهم: ضمائم ۲۶۵
ضمیمه۱: منشور آموزشی معارف جنگ ۲۶۵
ضمیمه۲: اصول و قواعد اساسی رزم ۲۷۵
ضمیمه۳: نظریات فرماندهان ۲۸٤
ضمیمه٤: نقش دانشکده فرماندهی ستاد در دوران دفاع مقدس ۲۹٤
فهرست نقشه‌ها ۳۰۹
منابع و مآخذ ۳۲۱

مقدمه

به جرئت می‌توان ادعا کرد که جنگ و جدال همزاد انسان است. با توجه به مضامین آیات قرآن کریم، اولین جنگ توسط اولین فرزندان آدم(ع) و حوا به وقوع پیوست، جنگی که موجب قتل یک برادر توسط برادری دیگر شد.[۱]

با افزایش جمعیت طی سال‌های متمادی دامنه نزاع‌ها گسترش یافت. انسان‌ها در ادوار مختلف به شیوه‌های گوناگون و در قالب سازمان‌های رزمی مختلف با ابزارهای متنوع رودرروی یکدیگر قرار گرفتند. در حال حاضر جنگ‌های مخرب و مخوف امروزی به وضعیتی تبدیل شده که حیات بشریت را مورد تهدید جدی قرار داده است.

با شکل‌گیری حکومت‌ها در سرزمین‌های مختلف و جدا شدن کشورها با خطوط مرزی، تأمین نیازمندی‌های جامعه که یکی از وظایف اصلی حکومت‌ها می‌باشد مطرح شد. از طرفی ازدیاد جمعیت و پیدایش تکنولوژی و حرص روزافزون بشر و تغییرات در سبک زندگی، تأمین نیازمندی‌ها را در داخل کشورها با محدودیت منابع مواجه کرد. حکومت‌ها بناچار تأمین منابع را در بیرون از مرزهای خود جستجو کردند و در مواقع بسیاری بجای تعامل جهت رفع نیازها به تسلط بر دیگران برای رفع نیازها اندیشیدند. بدین ترتیب تهدیدات علیه سایر کشورها بوجود آمد.

کشورها برای مقابله با تهدیدات بایستی دارای تدابیر، خط مشی و تمهیدات خاصی باشند، تا بتوانند آئین (دکترین) دفاعی و امنیتی خود را تبیین و آن را با سیاست‌های کلی کشور در یک راستا قرار دهند. آئین دفاعی چگونگی بهره‌گیری از امکانات و توانایی کشورها را مشخص می‌کند و یکی از عناصر مهم و مؤثر آن «قدرت نظامی» است.

بخش اعظم حفظ استقلال و حاکمیت جوامع و کشورها همواره به عهده قدرت نظامی آنان بوده است. گرچه این قدرت در طول تاریخ نام‌های مختلفی داشته است، ولی همان معنی و مفهوم سازمانی را دارد که به نام «ارتش» شناخته می‌شود.

---

۱. مائده: ۳۲.

ارتش‌ها عموماً بر سه عامل نیروی انسانی، تجهیزات و تاکتیک استوارند و سایر عوامل زیر مجموعه اصول مذکور می‌باشند.

نیروهای انسانی در سازمان‌ها دارای ویژگی‌ها و پیچیدگی‌هایی می‌باشند که انسان‌ها به طور عام دارای آن هستند. ولی نیروی انسانی در ارتش‌ها بایستی از چنان توانایی برخوردار باشد که جان باارزش و شیرین خود را در طبق اخلاص گذاشته و نثار آرمان‌های کشور و ملتشان کنند.

توجه به نیروی انسانی ارتش‌ها برای ایفای وظیفه و رسالتی که به آن اشاره شد از جایگاه ویژه‌ای در ابعاد روحیه، آموزش، انضباط و غیره برخوردار است. ولیکن ایجاد انگیزه برای فداکاری و ایثار در راه هدف سایر ابعاد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، از این رو توجه به عواملی که انگیزه را ایجاد می‌کند برای فرماندهان و رؤسای سازمان‌های ارتش حائز اهمیت است و بی‌توجهی به آن ضعف‌ها را به دنبال خواهد داشت.

یگان‌های پشتیبانی رزمی (توپخانه، نیروی هوایی، هوانیروز، پدافند هوایی، مهندسی و...) و یگان‌های پشتیبانی خدمات رزمی (آماد، تعمیر و نگهداری، ترابری، بهداری) با تجهیزات پیشرفته موجب افزایش تحرک، قدرت آتش، حفاظت و تأمین سایر نیازمندی‌های آمادی یگان‌های رزمی شده‌اند، و توان رزمی را به میزان زیادی افزایش داده‌اند ولی آنها هیچ‌گاه نمی‌توانند بدون یگان رزمی (پیاده، پیاده مکانیزه، هوایی هجومی و زرهی) موجب پیروزی شوند. در واقع چنانچه یگان‌های رزمی حضور نداشته باشند حضور سایر یگان‌ها ضرورتی پیدا نمی‌کند. لذا هنوز هم نیرویی که بایستی در میدان نبرد سینه به سینه در مقابل دشمن بایستد و با او دست و پنجه نرم کند، یگان‌های رزمی به ویژه نیروی «پیاده نظام» با انگیزه می باشد.

برخی از صاحب‌نظران معتقدند نقش یگان‌های زرهی در رزم در تقدم یکم قرار دارد؛ زیرا مناسب‌ترین مأموریت برای آنها شرکت در عملیات آفندی به ویژه تعاقب است که می‌توانند با استفاده از تحرک، ضربت و آتش تانک به دشمن نزدیک شده و او را تعقیب کنند، فرصت تجدید سازمان و تحکیم مواضع پدافندی جدید را به او ندهند

و نهایتاً موجب انهدام مقاومت‌های باقی‌مانده او گردند، آنها در نهایت معتقدند عملیات تعاقبی وضعیت صحنه نبرد را مشخص می‌کند.

در جنگ تحمیلی عملیات تعاقبی توسط یگان‌های زرهی به دلایل مختلف که خارج از بحث پیاده نظام است به ندرت اجرا شد و لذا یگان‌های پیاده نظام پس از عملیات آفندی و عقب راندن دشمن از سرزمین‌های میهن اسلامی به منظور تنبیه او اقدام به تعقیب دشمن در عملیات برون مرزی البته در عمق کمتر (زیرا فاقد تحرک و سرعت یگان‌های زرهی برای تعاقب و عمق بخشیدن به صحنه نبرد بودند) کردند. بدین ترتیب یگان‌های پیاده کلیه مأموریت‌ها را در مراحل مختلف جنگ تحمیلی (متوقف کردن و تثبیت دشمن، پدافند، آفند، تعاقب و تنبیه متجاوز) ایفا کردند.

این کتاب حاصل تجربه شرکت در کلیه این عملیات ها به عنوان فرمانده در سطوح مختلف و یا به عنوان بازرسی عملیات در کلیه این عملیات ها، در تمام سطوح از گروهان تا قرارگاه سپاه (قرارگاه اداره کننده ۲ الی ۵ لشکر) و حضور در کلیه خطوط از کمین و پست استراق سمع و خطوط پدافندی تا خطوط خیز و یگان‌های خط‌شکن در عملیات‌های هجومی تا عقبه لشکرها می‌باشد.

البته در زمینه جنگ تحمیلی کتاب‌های متعددی توسط نویسندگان و پیش‌کسوتان تألیف و انتشار یافته است. تمامی کتب تهیه شده شرح حوادث را در انواع عملیات رزمی به‌طور مشروح بیان کرده‌اند. در بعضی از کتاب‌ها نگرش تحلیلی به بعضی از عملیات‌ها شده است. کتابی که گردش فعالیت‌ها را در ستادهای عملیاتی برای تهیه طرح، اجراء و هم‌چنین تحلیلی کامل از عملیات رزمی موفق و ناموفق را به‌صورت علمی و تخصصی بیان دارد کمتر تهیه شده است.

در دفاع مقدس علاوه بر ارتش جمهوری اسلامی (نزاجا، نهاجا، نداجا و پدافند هوایی) نیروی جدیدی به نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با استفاده از نیروهای مردمی داوطلب (بسیج) به عنوان یک نیروی عمده حضوری فعال داشت. چگونگی همکاری چنین نیرویی در هیچ یک از آئین‌نامه‌های تخصصی ارتش تبیین نشده بود.

ولی این نیرو در کلیه مراحل طراحی و اجرای عملیات رزمی در قرارگاه‌ها و یگان‌ها حضور فعال و با ارزشی داشتند. روند فعالیت‌های ارتش و سپاه در طراحی و اجرای عملیات تجربه جدیدی است که بایستی به آن توجه شود. لزوم تهیه مجموعه‌ای که بتواند روند فعالیت‌های ستادی و اجرائی در یگان‌های ارتش و سپاه را در جنگ به صورت تحلیلی بیان کند ضروری بود.

برای تهیه کتاب حاضر پس از مطالعات گسترده مدارک چاپ شده توسط ارتش و سپاه از تعدادی پیش‌کسوتان جنگ تقاضای همکاری کرده و نظریات آنان که حاصل تجربیات در مسئولیت‌های مختلف در دوران دفاع مقدس بود به صورت مکتوب در موضوعات مختلف دریافت شد تا در تدوین کتاب مورد استفاده قرار گیرد. در تدوین کتاب تلاش شده نقش عنصر پیاده نظام، با هر نامی که در میدان نبرد حضور داشته در ابعاد مختلف مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

مطالب کتاب به گونه‌ای تهیه شده است که با سیاست‌های آموزشی هیئت معارف جنگ که تحت عنوان «منشور آموزشی معارف جنگ» اعلام شده به دقت رعایت شود. به ضمیمه۱مراجعه شود.

گرچه عنصر پیاده نظام نقش اساسی در شکست و پیروزی دارد، ولی باید اذعان کرد هر فعالیتی نیاز به همکاری مجموعه‌های دیگری دارد که در صورت نارسایی و عدم هماهنگی کلیه عناصر، نتیجه‌ای از فعالیت حاصل نخواهد شد: لذا نقش هریک از رسته‌های مختلف ارتش در همکاری و پشتیبانی از عملیات پیاده نظام را نمی‌توان و نبایستی نادیده گرفت. لیکن چون این نوشتار به پیاده نظام اختصاص دارد، فعالیت‌های مذبور در آن لحاظ نشده است. امید است سایر رسته‌ها نیز به تبیین نقش رسته مربوطه در جنگ تحمیلی اقدام کنند، تا این نیاز تخصصی نیز مرتفع گردد.

امید است با بهره‌گیری از این کتاب و نکات تجربی مندرج در آن، مبادی زیربط تجدید نظرهای لازم را در آئین‌نامه‌ها و روش‌های آموزشی در مراکز آموزش تخصصی معمول دارند.

از کلیه خوانندگان خواهشمند است با ارسال انتقادات و نظریات تکمیلی در هر چه غنی‌تر کردن کتاب ما را یاری فرمایند.

بدینوسیله از امرا و پیشکسوتان زیر که با نظریات مکتوب و مصاحبه حضوری و در اختیار گذاردن دانش و تجربه خود، ما را در غنی کردن مطالب کتاب یاری کردند صمیمانه تشکر و قدردانی می شود.

۱- سرتیپ۲ ستاد مسعود بختیاری: استاد ممتاز دافوس و طراح عملیات در قرارگاه‌های کربلا و خاتم در جنگ تحمیلی.

۲- سرتیپ ستاد فرضا... شاهین‌راد: فرمانده یگان‌های پیاده در طول جنگ از رده گردان تا قرارگاه عملیاتی سپاه (۲ الی ۵ لشکر).

۳- سرتیپ۲ ستاد مروت آزادبخت: فرمانده یگان‌های پیاده، استاد ممتاز دافوس.

٤- سرتیپ۲ ستاد بهروز صفری‌کیا: فرمانده یگان‌های عمده توپخانه.

۵- سرتیپ۲ خلبان اسماعیل موسوی: خلبان شکاری در نیروی هوایی و فرمانده پایگاه هوایی شکاری در دفاع مقدس.

٦- سرتیپ۲ خلبان اردشیر کریم‌زاده: خلبان هوانیروز.

۷- سرتیپ۲ پدافند هوائی سید محمود یمینی: فرمانده پدافند هوایی در جنگ.

۸- سرتیپ۲ ستاد تراب ذاکری: افسر اطلاعات رزمی قرارگاه‌ها.

۹- سرتیپ۲ ستاد منوچهر نورائی: فرمانده یگان‌های عمده آماد و پش در جنگ.

۱۰- سرهنگ ستاد احمد نوروزی فرسنگی: افسر عقیدتی ـ سیاسی در جنگ و نویسنده و تحلیلگر.

سرتیپ ستاد ناصر آراسته

سرتیپ۲ ستاد علی نیکفرد

بخش یکم

نقش پیاده نظام در طول تاریخ

جنگ در دوران باستان

بیش از ۳۵ قرن از تاریخ مکتوب بشر می‌گذرد و جهان در ۹۲٪ این مدت درگیر جنگ‌های قبیله‌ای، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است.[۱] عنصر اصلی میدان‌های جنگ را همواره نیروی انسانی تشکیل داده است. در سال‌های قبل ازپیدایش جنگ‌افزار گرم، نیروی اصلی در میدان رزم عبارت بود از رزمندگانی که با نیروی جسمانی خود با دشمن به نبرد پرداخته و از جنگ‌افزار سرد برای نابودی طرف مقابل استفاده می‌کردند. این نیرو فرسنگ‌ها مسافت را با پای پیاده یا سوار بر اسب برای رسیدن به میدان رزم طی کرده تا پس از رسیدن به دشمن صف‌آرایی و سپس برای چند ساعتی نبردی سخت را آغاز که حاصل آن پیروزی یا شکست بود. در چنین نبردی، به هر میزانی که قدرت جسمانی رزمندگان بالاتر و در کاربرد جنگ‌افزارهای خود مهارت بیشتری داشتند، به همان میزان اطمینان از پیروزی آنان بیشتر می‌شد.

جنگ در قرون متأخر

در قرن گذشته پیشرفت صنایع و فناوری موجب پیدایش جنگ‌افزارهای گرم (سبک و سنگین) شده است و در عصر حاضر انواع جنگ‌افزارها (متعارف، غیرمتعارف و بین قاره‌ای) در صحنه‌های نبرد به کار گرفته شده‌اند.

امروزه علاوه بر تقویت آتش زمینی و هوایی با پیدایش امکانات ترابری زمینی، هوایی و دریایی تحرک و قدرت آتش پیاده نظام نیز افزایش یافته است.

---

۱. سرتیپ۲ ستاد شهرام رامتین، تاریخ نظامی و هنر جنگ، تهران، دانشگاه افسری امام علی(ع)، ۱۳۸٦، ص۵.

گرچه که تمامی امکانات و تجهیزات پیشرفته موجب کاهش نیازمندی‌های نیروهای رزمی به ویژه پیاده نظام شده است ولی همچنان اعتقاد بر آن است که:

«هنوز هم کسی که بایستی سینه به سینه در مقابل دشمن بایستد و با او دست و پنجه نرم کند، نیروی پیاده نظام است. نیروهای پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی تنها می‌توانند نیروهای رزمی را پشتیبانی کنند ولی خود به تنهایی نمی‌توانند موجب پیروزی گردند.»

نیروی اصلی یا مؤثر در رزم

نیروی اصلی رزم در گذشته، پیاده نظام و سواره نظام بوده و امروزه نیروی زرهی به آن اضافه شده است. نیروی سواره نظام (مکانیزه) و زرهی علاوه بر وابسته بودن به افراد متخصص و همچنین وابستگی شدید به امکانات غیرانسانی (سوخت، قطعه، تعمیر و نگهداری و...) در مقابل آتش‌های سنگین زمینی و هوایی و هم‌چنین در برخورد با موانع طبیعی و مصنوعی با محدودیت فراوانی مواجه‌اند. این نیروها در میدان نبرد عملاً به تقویت‌کننده نیروهای پیاده تبدیل می شوند و یا بالإجبار نقش پیاده نظام را پیدا می-کنند. نیروهای پشتیبانی رزمی (توپخانه، مهندسی، مخابرات و...) و حتی نیروهای پشتیبانی خدمات رزمی نیز در صورت نیاز بایستی مانند پیاده نظام عمل کنند.

بنابراین نیرویی که در میدان رزم می‌بایستی با دشمن به نبرد بپردازد و او را شکست دهد همچنان نیروی پیاده نظام است. لذا می توان گفت:

چنانچه پیاده نظام در صحنه نبرد در مقابل دشمن قرار نگیرد، وجود سایر نیروها لزومی پیدا نمی‌کنند. هدفی فتح نمی‌شود مگر آن که پیاده نظام بر روی آن قدم گذارد و در آن مستقر گردد. همچنین منطقه‌ای به اشغال دشمن در نمی‌آید مگر آنکه پیاده نظام خودی با شکست مواجه گردد.

بنابراین رزمنده پیاده نظام در میدان نبرد تنها کسی است که بایستی بر دست او بوسه زد و او را گرامی داشت و به همین دلیل در طول تاریخ از پیاده نظام به عنوان *«ملکه (عروس) صحنه‌های نبرد»* یاد شده است. البته ناگفته نماند که امروزه با پیشرفت

تکنولوژی و تغییرات وسیع و عمیق در تجهیزات و تسلیحات، جنگ‌هایی نیز بدون حضور پیاده نظام صورت می‌گیرد و چنانچه در مواردی در جنگ‌های امروزی پیاده نظام را نیروی اصلی نبرد نام نبرند، ولی کماکان نیروی مؤثر در نبرد باقی مانده است.

ویژگی‌های پیاده نظام

چنانچه در گذشته روحیه و انگیزه، توان فیزیکی و مهارت در کاربرد جنگ‌افزارهای سرد و ابتدایی شاخصه اصلی پیاده نظام بود، امروزه علاوه بر روحیه توان فیزیکی، توان فکری نیز بایستی به گونه‌ای تقویت شود که: اولاً جوابگوی میدان‌های رزم باشد و ثانیاً در بکارگیری جنگ‌افزارهای نوین و بهره‌گیری از نیروهای پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی توانایی لازم را داشته باشد.

بدیهی است رزمنده‌ای که به عنوان پیاده نظام در خط مقدم نبرد حضور می‌یابد، بایستی کلیه نیازهای وی تأمین و پشتیبانی شود، علاوه بر آن بایستی دارای ایمان، علاقه و انگیزه لازم برای جنگیدن باشد، تا بتواند از قدرت جسمی و فکری و مهارت خود برای تفوق بر دشمن بهره‌گیری نماید. به هر میزانی که این عوامل اصولی، معقول و همراه با ایمان و اعتقاد عمیق، انگیزه و روحیه جنگجویی واقعی باشد، آمادگی وی برای رزم بیشتر خواهد بود.

رزمنده پیاده نظام زمانی می‌تواند با توکل بر خداوند با دشمن بجنگد که از هر حیث آماده گردد تا مانند صفی پولادین در مقابل دشمن بایستد و مصداق آیه شریفه ذیل باشد.

«إن الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفّاً کأنّهم بنیانٌ مرصوص»[۱]

مشخصات و تعریف رزمنده پیاده نظام

مشخصات رزمنده پیاده نظام عبارت است از: قابل دسترس بودن، قابلیت عمل در هرگونه زمین (دشت، کوهستان، جنگل، کویر و...)، قابلیت عمل در هرگونه شرایط

---

۱. صف: ٤.

آب‌وهوا، قانع و خودکفا، مبتکر، ایثارگر، شجاع، پرطاقت، وفادار و قابل انعطاف و شهادت طلب در مکتب عزتمندِ اسلام. با چنین ویژگی‌هایی می‌توان رزمنده پیاده نظام را در جمهوری اسلامی ایران بشرح زیر تعریف کرد:

> رزمنده پیاده نظام عنصر اصلی میدان رزم است و در جمهوری اسلامی ایران به کلیه رزمندگانی اطلاق می شود که با جنگ‌افزار انفرادی و اجتماعی در رده گروه، دسته، گروهان و گردان پیاده و یا پیاده مکانیزه در میدان جنگ حضور یافته و با توکل به خداوند متعال و با اعتقاد و یقین به وعده بر حق الهی (پیروزی یا شهادت) سینه به سینه با دشمن به نبرد پردازد.

این تعریف شامل کلیه رزمندگانی است که در ارتش، سپاه پاسداران، بسیج، نیروی انتظامی و نیروهای داوطلب مردمی سازمان‌دهی شده و در جبهه‌های جنگ حضور می-یابند.

سازمان‌دهی نیروها

ارتش‌های جهان در طول تاریخ ساختار و سازمان های متفاوتی را تجربه کرده‌اند. در این سازمان‌دهی‌ها، همواره عنصر رزم را پیاده نظام تشکیل داده است. آنچه که امروزه به ویژه در قرن اخیر در رده‌بندی نیروهای رزمی معمول گردیده عبارت است از: گروه ارتش‌ها، سپاه، لشکر، تیپ، گردان، گروهان، دسته وگروه.

با بررسی این رده‌ها، مشخص می‌گردد که از صدر (گروه ارتش‌ها) تا رده تیپ و گردان، کلیه یگان‌های دارای ستاد (عمومی، تخصصی، شخصی) می‌باشند، این رده‌ها مسئولیت طراحی، هدایت، تأمین نیازها و نظارت را بر عهده دارند، ولی عملکرد تاکتیکی کلیه این رده‌ها بستگی تام به گردان رزمی و پایین‌تر دارد.

گردان پیاده یگانی است تاکتیکی و اداری که مسئولیت اجرای عملیات طراحی‌شده توسط ستاد رده بالاتر را به عهده دارد. کیفیت و چگونگی اجرای عملیات در صحنه نبرد بستگی کامل به عملکرد گردان و پایین تر داشته، لذا گردان‌های پیاده نیاز به فرماندهانی دارد که دارای شایستگی لازم برای هدایت عناصر پیاده نظام باشند.

مشخصات فرمانده گردان پیاده

فرمانده گردان پیاده بایستی دارای تفکر منطقی برای بکارگیری و رهبری نیروهای تحت امر خود در میدان نبرد باشد. تفکر منطقی نیازمند داشتن علم و تخصص[۱]، هوش، ابتکار، خلاقیت و نوآوری است تا بتواند با انگیزه و اراده ای قوی به گونه‌ای عمیق، همه‌جانبه و منعطف، فکر و عمل نماید.

کاربرد گردان پیاده[۲]

۱- گردان‌های پیاده در لشکرهای پیاده و هوابرد، عناصر اصلی رزم می‌باشند و معمولاً زیر امر تیپ مانورکننده قرار می‌گیرند.

۲- در صورتی که گردان پیاده زیر امر لشکر زرهی و مکانیزه قرار گیرد ضمن افزایش استعداد قدرت لشکر در حقیقت جایگزین گردان‌های مکانیزه شده و نقش گردان پیاده مکانیزه را دارد. با واگذاری خودرو محدودیت تحرک آنان برطرف شده و سرعت جابجایی افزایش می‌یابد. ولی در چگونگی انجام مأموریت و نحوه جنگیدن تغییری حاصل نمی‌شود.

۳- گردان پیاده با آتش و حرکت به دشمن نزدیک‌شده، او را نابود و یا اسیر می-سازد.

٤- گردان پیاده به وسیله آتش و رزم نزدیک قادر است پاتک نموده و تهاجم دشمن را دفع کند.

۵- گردان پیاده برای نگهداری زمین (پدافند) و عملیات آفندی در زمین‌های دشوار و هوای نامساعد، شکافتن مواضع پدافندی ثابت، نزدیک شدن به دشمن از طریق زمین و هوا و انهدام پدافند ضد زره دشمن مناسب است.

٦- قادر به اجرای عملیات ضدچریک در صحرا، کوهستان و جنگل می‌باشد.

---

۱. علم در خصوص مدیریت و تاکتیک و تخصص در زمینه کار با کلیه سلاح‌های سازمانی گردان و بکارگیری آنهاست.

۲. دستور رزمی لشکر ۱۰۰-٦۱، ، بندهای ۳-۱۱، انتشارات دافوس، ۱۳۵۰، ص١٦.

مشخصات گردان پیاده

۱- مأموریت

در آفند نزدیک شدن به دشمن بوسیله آتش و مانور و آتش و حرکت به منظور انهدام و یا اسیر کردن آن و در پدافند عقب راندن هجوم او به وسیله آتش و رزم نزدیک و پاتک.

۲- اختصاص

سازمانی لشکر پیاده و تیپ مستقل پیاده.

۳- مقدورات

الف) توانایی انجام ماموریت واگذاری در آفند و پدافند.

ب) تهیه مبنای آتش و عناصر مانور.

پ) تصرف و نگهداری زمین.

ث) اجرای عملیات مستقل و محدود.

ج) اجرای حفاظت محدود ضد تانک.

چ) اجرای آتش پشتیبانی(منحنی) برای یگان‌های سازمانی و زیر امر.

ح) مانور در هر نوع زمین و شرایط مختلف آب و هوا.

ط) تحرک گردان‌های پیاده در صورتی که موتوریزه یا مکانیزه (خودرو زرهی) شوند موجب پیشرفت عملیات می‌گردد.

ی) با گردان تانک تشکیل گروه رزمی گردانی می‌دهند.

شمای سازمان گردان پیاده (لشکرهای پیاده ـ تیپ‌های مستقل پیاده) (در دوران دفاع مقدس)

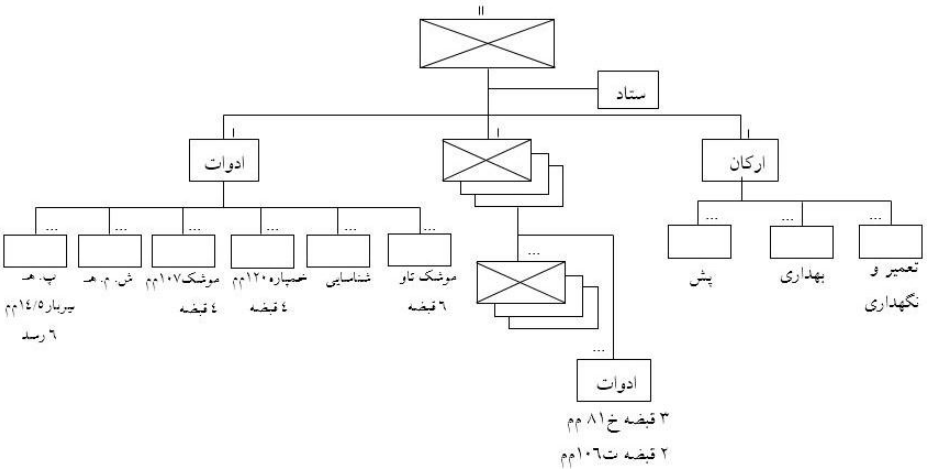

تحرک گردان‌های پیاده

- میزان تحرک گردان‌های پیاده با خودروهای سازمانی ۳۵٪ (فاقد نفربرهای زرهی شنی‌دار و چرخ‌دار می‌باشد).
- گردان‌های پیاده مکانیزه لشکرهای مکانیزه مجهز به خودروهای نفربر زرهی BMP1 و BTR (چرخ‌دار = طرح خشایار) روسی بودند و هم‌چنین نفربر زرهی امریکایی M113.
- نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران دارای لشکر مکانیزه سازمانی نبود، ولی دارای گردان‌های پیاده مکانیزه در لشکرهای زرهی می‌باشد که دارای خودروهای زرهی نفربر می‌باشند.

بخش دوم

تاریخچه تحولات پیاده نظام در ایران (۱۳۰۰ش تا ۱۳۵۷ش)

تاریخچه پیاده نظام قبل از انقلاب (مفاهیم، مبانی، اصول)

قبل از سال ۱۳۰۰ شمسی، ایران توسط دو کشور روس و انگلیس اداره می‌شد. فی-الواقع گرچه کشور ایران مستعمره هیچ‌یک از دو قدرت نبود، ولی با وضعیتی که حکومت و ارتش سلسله قاجار داشت کشور تحت اشغال بود و نیروی مسلح آن تا حدود زیادی در اختیار دو قدرت مذکور قرار داشت.

نیروهای مسلح کشور در آن زمان عبارت بود از:[۱]

۱- دیویزیون قزاق — به فرماندهی افسران روس
۲- بریگاد مرکزی — به فرماندهی افسران ایرانی، سوئدی و لهستانی
۳- ژاندارمری — به فرماندهی افسران ایرانی و سوئدی
۴- پلیس جنوب — به فرماندهی افسران انگلیسی
۵- پلیس ضد چریک خاور (شرق) — به فرماندهی افسران انگلیسی

با خروج افسران روسی پس از جنگ جهانی اول، پشتیبانی حکومت کمونیستی روسیه نیز از ایران کاهش یافت. انگلیس با خارج شدن رقیب دیرینه خود تلاش مضاعفی را برای سلطه بیشتر آغاز کرد. سرانجام این دخالت‌ها منجر به کودتای ۱۲۹۹ شمسی و روی کار آمدن رضاخان (پهلوی اول) در ایران شد.

از طرفی در اوایل سال ۱۳۰۰ جمعی از نخبگان و بعضی از روشنفکران غرب‌گرا، همین‌طور گروهی از مردم، با مشاهده ضعف‌های دوران قاجار و بهم ریختگی امنیت و نابسامانی اقتصادی و فقر، از تشکیل یک دولت مرکزی مقتدر برای نجات مردم از فقر

---

۱. سرتیپ هوشنگ جلالی، تاریخ نظامی ایران، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۹، ص۱۲۸.

و به ویژه برقراری امنیت داخلی استقبال کردند یا حداقل اینکه مخالفت عمده‌ای اظهار نداشتند و این امر به قدرت دیکتاتوری رضاخان افزود.

تشکیل ارتش نوین

برای تحقق این نیاز (برقراری امنیت داخلی) حکم (فرمان) شماره ۱ در آغاز سال ۱۳۰۰ شمسی مبنی بر تشکیل قشونی مشتمل بر یک ارگان حرب و یک هیئت شورای قشون (ستاد عمومی و تخصصی) و پنج لشکر صادر گردید. تشکیلات جدید به نام ارتش نوین شناخته شد و به موجب آن فرمان، عناوین نیروهای نظامی برابر جدول زیر تغییر کرد.

ردیف	عنوان اولیه	عنوان جایگزین
۱	اسامی مختلف مانند ژاندارم، قزاق	قشون
۲	سرباز	نظامی
۳	دیویزیون	لشکر
٤	بریگاد	تیپ
٥	رژیمان	هنگ
٦	باطلیون	گردان
۷	باتری	آتشبار
۸	اسکادران	بهادران[1]
۹	مترالیوز	مسلسل
۱۰	اتاماژور	ارکان حرب

تشکیلات ارکان حرب کل قشون در حکم شماره ۱ از ٥ دایره (رکن) تشکیل شده و عبارت بود از:

۱. این عنوان در رسته سواره نظام بود.

دایره اول:	آجودان کل	(مدیریت نیروی انسانی)
دایره دوم:	عملیات قشونی	(اطلاعات و عملیات)
دایره سوم:	مباشرت قشونی	(سررشته‌داری)
دایره چهارم:	صحیه قشون	(بهداشت و درمان)
دایره پنجم:	بیطاری	(دامپزشکی)

متعاقب فرمان شماره (۱)، سازمان وزارت جنگ تشکیل و در کابینه گنجانده شد. شورای عالی وزارت جنگ مشتمل بر وزیر یا معاون وزیر جنگ و اعضاء ارکان حرب کل قشون بود و وظایف آنان عبارت بود از:

۱- توسعه سازمان وزارت جنگ.
۲- انتخاب مراکز حساس برای استقرار نیرو در نقاط مختلف کشور.
۳- تنظیم لوایح قانونی.
٤- تدوین آئین‌نامه‌ها.
۵- رسیدگی به پیشنهادهای واصله.

این شورا در خرداد ۱۳۰۵ شمسی منحل گردید.

سازمان قشون (سال ۱۳۰۰ش)

در سال۱۳۰۰ شمسی پنج لشکر جدید در قشون تشکیل گردید. محل استقرار، منطقه استحفاظی و استعداد کل آن جمعاً ۱۹۳۰۸ نفر به شرح جدول زیر بوده است:

ردیف	نام شهر	محل استقرار	منطقه استحفاظی	استعداد کل افسر، درجه-دار، سرباز
۱	لشکر مرکز	تهران	تهران، قزوین، گیلان، مازندران، قم، سمنان، دامغان	٤۲۵۹
۲	لشکر شمال-غرب	تبریز	آذربایجان، ماکو، آستارا، اردبیل، ساوجبلاغ، خمسه	٤۰۱۰

۳	لشکر شرق	مشهد	خراسان، گرگان، قائنات، سیستان، بجنورد، قوچان، شاهرود، بسطام	۳۵۱٤
٤	لشکر جنوب	اصفهان	اصفهان، فارس، کرمان، بلوچستان، خوزستان، بنادر جنوب، یزد، کاشان	۲۹۰۹
٥	لشکر غرب	همدان	کردستان، همدان، اراک، ولایت ثلاث، بروجرد، لرستان	٤٦۱٦

لشکرهای فوق دارای سازمان و عناصر تابعه یکسانی نبودند، هرکدام از چند تیپ پیاده مستقل و یا تیپ مختلط شامل (پیاده، سوار، توپخانه) تشکیل می‌شدند. در سال-های بعد، با تشکیل قوه هوایی در قشون و فعال شدن قوه دریایی و به وجود آمدن تشکیلاتی به نام امنیه، عناوین قشون به شرح زیر تغییر یافت:

۱- قشون (لشکرهای جدید) به نام نیروی زمینی
۲- قوه دریایی به نام نیروی دریایی
۳- قوه هوایی به نام نیروی دریایی
٤- امنیه به نام ژاندارمری

تغییرات ساختاری نیروی زمینی تا سال ۱۳۱۹ (جنگ جهانی دوم)[۱]

در سال ۱۳۱٤ سازمان نیروی زمینی تغییرات کلی یافت، به‌طوری‌که تا سال ۱۳۱۹ تعداد ٥ لشکر و ۱۰ تیپ پیاده به ۹ لشکر و ٤ تیپ مستقل، یک واحد توپخانه ۱۰٥م.م، یک واحد ضد هوایی (پدافند هوایی) افزایش یافت. سرانجام در سال ۱۳۱۹ سازمان نیروی زمینی به ۱۸ لشکر پیاده و یک تیپ مکانیزه بشرح جدول ذیل افزایش یافت.

۱. همان، صص ۱٥۸ و ۱٦۰.

ردیف	نام لشکر	محل استقرار
۱	لشکر یکم	تهران
۲	لشکر دوم	تهران
۳	لشکر سوم	تبریز
٤	لشکر چهارم	ارومیه
٥	لشکر پنجم	کردستان
٦	لشکر ششم	خوزستان
۷	لشکر هفتم	فارس
۸	لشکر هشتم	کرمان
۹	لشکر نهم	خراسان

ردیف	نام لشکر	محل استقرار
۱۰	لشکر دهم	گرگان
۱۱	لشکر یازدهم	گیلان
۱۲	لشکر دوازدهم	کرمانشاه
۱۳	لشکر سیزدهم	اصفهان
۱٤	لشکر چهاردهم	کرمان
۱٥	لشکر پانزدهم	اردبیل
۱٦	لشکر شانزدهم	لرستان
۱۷	لشکر هفدهم	خوی
۱۸	لشکر هجدهم	تربت‌جام

استعداد نیروی زمینی (سال ۱۳۲۰ش)

استعداد رزمی نیروی زمینی در سال ۱۳۲۰ شمسی عبارت بود از:

۱- یکصدوشانزده گردان پیاده (هر گردان چهار گروهان).

۲- چهل‌ونه اسواران مسلسل سنگین.

۳- سی آتشبار ۱۰٥ کوتاه کوهستانی.

٤- چهار آتشبار ۷٥ صحرایی سوار.

٥- دو آتشبار صحرایی انگلیسی، نوزده آتشبار کوهستانی روسی، سه آتشبار ضد هوایی.

٦- دو آتشبار ۱٥۰ کرانه در گیلان، یک آتشبار کرانه در تهران.

۷- دوازده گردان مهندسی (هر گردان ٤ گروهان).

۸- یک هنگ مخابرات.

۹- یک تیپ مستقل مکانیزه.

اصول و مبانی نظامی (دکترین)

با بررسی تحولات انجام شده در نیروهای نظامی پس از کودتای ۱۲۹۹ شمسی، به نظر می‌رسد اصول و مبانی جدید در ایجاد تشکیلات نظامی بدین شرح بوده است.

۱. اصول

- تشکیل ارتش متحدالشکل و متمرکز در حکومت.
- تأمین امنیت کلیه نقاط کشور توسط حکومت مرکزی.
- خلع سلاح عمومی به منظور کاهش قدرت خوانین و رؤسای قبایل و عشایر.
- جلوگیری از هرگونه تجاوزات مرزی.

۲. مبانی

- حفظ منافع ملی با قطع دخالت قدرت‌های خارجی.
- بالا بردن غرور ملی.
- دفاع از حقوق مرزنشینان.
- واگذاری مسئولیت و فرماندهی یگان‌های ارتش به افسران ایرانی.

ارتش بعد از جنگ جهانی دوم

با آغاز جنگ جهانی دوم و پیشروی آلمان‌ها در خاک کشورهای اروپا، شوروی و افریقا با وجود اعلام بی‌طرفی ایران، این کشور توسط نیروهای متفقین مورد تجاوز قرار گرفت. ارتش ایران که هنوز دارای توان رزمی کافی نبود ضمن داشتن آمادگی نسبی برای حفظ خاک کشور به دلیل اعلام بی‌طرفی و از طرفی به علل زیر در مقابل نیروهای متجاوز به کار گرفته نشد.[۱]

---

۱. روزنامه همشهری در تاریخ ۸۳/۶/۱۲ در مقاله‌ای تحت عنوان *برگی از تاریخ وقایع شهریور ۱۳۲۰ و تجاوز نیروهای متفقین*، وضعیت نیروهای ایران را این‌گونه شرح می‌دهد:

لشکر ۷ پیاده کرمان حاضر به ترک پادگان نشده و خود را برای نبرد با یک تیپ هندی (از ارتش انگلستان) که تا ۱۰۷ کیلومتری جنوب این شهر پیش آمده بود آماده کرده و این تیپ از بیم مقابله، در جلگه «راین» و دامنه کوه هراز دست به سنگربندی زده است؛ لشکر خوزستان بدون توجه به بخشنامه «نخجوان-ریاضی» با نیروهای

۱- کمبود توان رزمی نسبت به نیروهای متفقین (بهترین یگان‌ها دارای ٤٠٪ نیرو بودند).

۲- صدور دستورالعمل ترخیص سربازان وظیفه به بهانه استخدام سرباز پیمانی برابر دستورالعمل سرلشکر خلبان احمد نخجوان وزیر جنگ که در آن شرایط در حقیقت دستور عدم مقاومت تلقی می‌گردید. ولی یگان‌هایی از ارتش بدون توجه به دستور عدم مقاومت جنگیدند و شهدای مظلومی را در نیروهای مختلف تقدیم کشور نمودند.

پس از خاتمه جنگ جهانی دوم، کشور از وضعیت نابسامانی برخوردار بود. ارتش نابسامان، رکود اقتصادی، قحطی، مشکلات اجتماعی، ناامنی شهرها، بالا رفتن قیمت‌ها و علاوه بر آن اعلام خودمختاری در هر گوشه از کشور، هرج و مرج و نبودن قدرت مرکزی جهت سامان بخشیدن به امور، استقلال و تمامیت ارضی کشور را به خطر انداخته بود.

متجاوز انگلیس درگیر شده و زدوخورد ادامه دارد؛ لشکر تبریز هم به دو قسمت شده؛ قسمتی با توپخانه لشکر از بیراهه برای دفاع از تهران روانه پایتخت شده و قسمت دیگر ترجیح داده که به جای تسلیم شدن به نیروهای شوروی، به ترکیه «بی‌طرف» عقب‌نشینی کند.در تهران، خلبانان پایگاه قلعه مرغی که بر ضد فرمانده سابق خود که به آنان دستور رفتن به منازلشان را داده بود، شورش کرده بودند و تعدادی از هواپیماها را در «یافت‌آباد» فرود آورده و زیر درخت‌ها استتار کرده بودند تا به موقع استفاده کنند.

کارشناسان نظامی بی‌طرف و نگارندگان تاریخ‌های نظامی به صراحت نوشته‌اند که اگر خیانت اواخر اوت در ایران صورت نگرفته بود، در آن زمان شوروی و انگلستان آن نیروی نظامی اضافی را نداشتند که بتوانند از عهده ارتش ایران که با انضباط سخت آموزش دیده بود برآیند، زیرا که شوروی در برابر آلمان حالت دفاعی توأم با عقب-نشینی در پیش گرفته، لنینگراد به محاصره آلمان‌ها افتاده و انگلستان در شمال افریقا و اروپا با آلمان و در خاور دور با ژاپن درگیر بود و تکنولوژی نظامی تا آن حد پیشرفته نبود که ایران فاقد آن باشد و در آن زمان حتی ایران اگر می‌خواست می‌توانست به سرزمین‌های مجاور خود که جز ترکیه و افغانستان زیر سلطه قدرت‌های اروپایی بودند تعرض کند.

چرچیل در خاطرات خود اعتراف کرده است که برای حمله به ایران با زحمت بسیار توانسته بود ۳۵۰۰ تا ۵۰۰۰ سرباز عمدتاً هندی جمع‌آوری کند.

یگان‌های پیاده ارتش (سال ۱۳۲۴ – ۱۳۲۰ ش)

برای احیای مجدد ارتش، تلاش گسترده‌ای معمول شد تا حفظ امنیت داخلی میسر شود. در سال ۱۳۲۰ بنا بر نیاز، تعداد ۹ لشکر پیاده و ۲ تیپ مستقل سوار در نقاط مختلف کشور برابر جدول زیر سازمان‌دهی شد.

ردیف	لشکر پیاده	محل استقرار
۱	لشکر۱	تهران
۲	لشکر۲	تهران
۳	لشکر٤ باختر	سنندج
٤	لشکر٦ جنوب‌غرب	خرم‌آباد
٥	لشکر۷ جنوب	شیراز
٦	لشکر۸ خاور	مشهد
۷	لشکر۹ اصفهان	اصفهان
۸	لشکر۱۰ خوزستان	اهواز
۹	لشکر۳ آذربایجان	تبریز
۱۰	دو تیپ مستقل سوارنظام	تهران

تجدید سازمان ارتش (سال ۱۳۴۲ – ۱۳۲۴ ش)

پس از خاتمه جنگ، کشور امریکا جایگزین کشورهای شوروی و انگلستان در منطقه شد و در ادامه سیاست استعماری و برای حفظ منافع خود به بهانه دفاع در مقابل شوروی سوسیالیستی، کمک به کشورهای منطقه به ویژه ایران را مدّنظر قرار داد. ایران با استفاده از پشتیبانی امریکا نسبت به تقویت نیروی دفاعی کشور اقدام کرد و سازمان جدید نیروهای مسلح را گسترش داد. امریکا با اعزام هیئت مستشاری به سازمان‌دهی، تجهیز، آموزش، تعمیر و نگهداری در ارتش پرداخت.

سازمان نیروی زمینی تا سال ۱۳۳۲ تغییرات عمده‌ای نداشت ولی بعد از آن تا سال ۱۳٤۲ شمسی سازمان آن در ٦ سپاه به شرح جدول ذیل تغییر کرد.

ردیف	نام سپاه	لشکرهای پیاده تابعه
۱	سپاه مرکز	لشکر۱ تهران و لشکر۵ گرگان
۲	سپاه زنجان	لشکر۲ تبریز
۳	سپاه مهاباد	لشکر٤ ارومیه ـ لشکرخانه (پیرانشهر)
٤	سپاه باختر	لشکر۷ کرمانشاه ـ لشکر٦ کردستان ـ لشکر۸ خرم‌آباد
۵	سپاه شیراز	لشکر اهواز ـ لشکر فارس (هنگ ۲۸ رزمی)
٦	سپاه خاور	لشکر خراسان

نیروی زمینی مجدداً در سال ۱۳٤٦ قرارگاه‌های سپاه را منحل و یگان‌های تابعه آنان را در سه قرارگاه ارتش سازمان‌دهی و مجدداً در سال ۱۳۵۰ قرارگاه‌های سپاه را احیا کرد.

آخرین سازمان نیروی زمینی قبل از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی

در سال ۱۳۵۳ تغییراتی به شرح زیر در سازمان نیروی زمینی به عمل آمد که تا سال ۱۳۵۷ شمسی (قبل از انقلاب) ثابت ماند.

ردیف	نوع لشکر	محل استقرار
۱	گارد شاهنشاهی[1]	تهران
۲	لشکر ٦٤ پیاده	ارومیه
۳	لشکر۷۷ پیاده	خراسان
٤	لشکر۲۸ پیاده کوهستانی	سنندج
۵	لشکر١٦ زرهی	قزوین
٦	لشکر۸۱ زرهی	کرمانشاه

۱. گارد شاهنشاهی شامل: گارد جاویدان و مرکز آموزش سلطنت‌آباد و لشکر پیاده گارد.

۷	لشکر۹۲ زرهی	اهواز
۸	تیپ۸۸ زرهی	زاهدان[1]
۹	تیپ۸٤ پیاده	خرم‌آباد[2]
۱۰	تیپ٤۰ پیاده	سراب
۱۱	تیپ۵۵ پیاده هوابرد	شیراز
۱۲	تیپ۲۳ نیروهای ویژه هوابرد (نیروی مخصوص)	تهران

جنگ‌افزار سازمانی پیاده نظام

آخرین جنگ‌افزار، تجهیزات، مواضع و قابلیت‌های رزمی یگان‌های پیاده نظام در سال ۵۷ شمسی برابر جدول ذیل است.

ردیف	شرح	نوع جنگ‌افزار
۱	جنگ‌افزار انفرادی با خط‌سیر کشیده	تپانچه کلت، تفنگ ژ۳ کالیبر ۷/٦۲، تفنگ ام.یک کالیبر۷/٦۲ م.م
۲	جنگ‌افزار اجتماعی با خط‌سیر کشیده	تیربار سنگین کالیبر۷/٦۲م.م (آبی)، تیربار۷/٦۲م.م، تیربار۱۲/۷م.م
۳	جنگ‌افزار ضد تانک	بازوکا ۳/۵ اینچی، آرپی‌جی۷ و ۱۱، تفنگ۵۷م.م، تفنگ۱۰٦م.م، موشک دراگون و موشک تاو
٤	جنگ‌افزار اجتماعی با خط سیر منحنی	خمپاره‌اندازه٦۰م.م، خمپاره‌انداز۸۱م.م، خمپاره-انداز۱۲۰م.م،
۵	تجهیزات	تجهیزات انفرادی، مخابرات و... از منابع داخلی و خا رجی

۱. تیپ۸۸ زرهی بعد از انقلاب و در جنگ تحمیلی تبدیل به لشکر۸۸ زرهی شد.

۲. تیپ۸٤ خرم‌آباد هم در جنگ تحمیلی تبدیل به لشکر۸٤ پیاده شد.

٦	تحرک	یگان‌های پیاده از تحرک موتوری برخوردار بودند. (خودروهای مختلف تا ۲/۵ تن) نفربرهای خشایار نیز در بعضی یگان‌های پیاده وجود داشتند.
۷	مواضع پیش‌ساخته	در تمرچین (پیرانشهر)، اسلام‌آباد (غرب)، عین-خوش (خوزستان)، مواضع دژ (خوزستان).

تعیین آمادگی رزمی یگان‌های پیاده

در فرهنگ واژه های نظامی آمادگی رزمی این گونه تعریف شده است:

«آمادگی رزمی یعنی آماده بودن یک یگان رزمی برای قبول مأموریت رزمی در هر شرایطی .این آمادگی شامل پرسنل، وسایل، تجهیزات، آموزش و دیگر موارد لازم برابر جدول سازمان و تجهیزات مربوطه می‌باشد.»[1]

برای تعیین آمادگی رزمی، آخرین وضعیت هر یک از عوامل اساسی (نیروی انسانی، تجهیزات، آموزش، آماد و پشتیبانی و مخابرات) در جداول مخصوص منظور و ارزیابی می‌گردند. میانگین ارزیابی فوق، میزان آمادگی رزمی یگان را بر مبنای ۱۰۰ نشان می‌دهد و به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شود.[2]

۱- طبقه ۱ ـ ۱۰۰تا ۹۰ (آمادگی کامل)

۲- طبقه ۲ ـ ۸۹ تا ۸۰ (دارای نواقص جزئی)

۳- طبقه ۳ ـ ۷۹ تا ۷۰ (دارای نواقص عمده)

٤- طبقه ٤ ـ کمتر از ۷۰ (فاقد آمادگی)

یگانی که دارای طبقه ٤ می‌باشد برای بازسازی اعزام می‌گردد.

برابر سوابق موجود آمادگی رزمی یگان‌های پیاده قبل از انقلاب با توجه به کلیه عوامل در طبقه ۱ بوده است.

---

۱. سرتیپ ستاد محمود رستمی، فرهنگ واژه‌های نظامی، تهران، انتشارات ایران سبز، ۱۳۸٦، ص ۳٦.

۲. آئین نامه آمادگی رزمی آرشیو مدیریت آمادگی رزمی نزاجا.

در جنگ تحمیلی مأموریت‌های واگذاری به یگان‌های ارتش و سپاه از طبقات آمادگی رزمی فوق تبعیت نکرده و کلیه کمبودها با عشق به انقلاب و ایثار و فداکاری در حفظ سرزمین و رهبری داهیانه حضرت امام راحل جبران و مأموریت ها واگذار و اجرا شد.

عوامل برترساز در توان رزمی

اظهار نظر در مورد کیفیت اجسام، مستلزم تجزیه و تحلیل در آزمایشگاه‌ها می‌باشد. اما ویژگی‌های کیفی انسان و نیروهای انسانی ازجمله ایمان، اعتقاد، شجاعت، روحیه جنگ‌جویی قابل تجزیه و تحلیل در آزمایشگاه نیست، بلکه آن را رفتار فردی و جمعی و عکس‌العمل و رفتار انسان‌ها در حوادث مختلف تبیین می‌کند. از طرفی با بیان چند جمله توصیفی از شجاعت، سلحشوری و برخورداری از ایمان بالای مذهبی بدون ارائه مصادیق و دلایل منطقی نمی‌توان در مورد کمّ وکیف نیروهای انسانی قضاوت کرد.

روحیه نظامی (انگیزه خدمتی، ایمان مذهبی و میل جنگ‌جویی) و کیفیت فرماندهی و انضباط از عوامل مهم برترساز در توان رزمی می‌باشد. این عوامل در جنگ ایران و عراق به گونه‌ای بود که جایگزین بسیاری از کمبودها گردید و نتیجه آن، ایثار و فداکاری را به دنبال داشت. این عوامل در دو دوره به شرح زیر بررسی می‌گردد.

روحیه ارتش بعد از انقلاب تا جنگ تحمیلی

باتوجه به عوامل برترساز و از همه مهم‌تر اطاعت بدنه ارتش و مدیران میانی آن ازحضرت امام خمینی(ره) و پشت کردن به طاغوت و همراهی با انقلاب و مبارزه با ضدانقلاب از روزهای اول پیروزی انقلاب و همچنین صدها افسر و درجه‌داری که در نظام طاغوت با شاه و نظام او مبارزه کرده بودند و توسط طاغوت به زندان و اعدام محکوم شده بودند، می‌توان ادعا کرد که ارتش و ارتشیان از قبل از آغاز جنگ تحمیلی از شجاعت، ایمان مذهبی و انگیزه انقلابی برخوردار بودند.

گرچه در وهله اول مخاطب حق دارد جملات بالا را شعارگونه و دور از حقیقت تلقی کند. اما چنان‌چه شرایط حساس اجتماعی و تاریخی و فضای آن مقطع زمانی به

درستی و به طور شفاف برای مخاطب توضیح داده شود و بسیاری از ویژگی‌های کیفی انسانی برای او مشخص گردد او خود به درستی نسبت به روحیه نظامیان قضاوت خواهد کرد. به طور مثال گزارش‌های مستند تهیه شده توسط اداره سوم ارتش نشان می‌دهد که چگونه در ماه‌های قبل از انقلاب، ارتشیان هر روز و به طور مستمر از یگان-های حکومت نظامی به مردم ملحق می‌شدند. پیوستن ارتشیان به مردم از تمامی درجات تا روز بیست‌ودوم بهمن‌ماه ۱۳۵۷ شمسی و پیوستن تمامی ارتشیان به انقلاب و مردم مسلمان رو به افزایش بود.

این‌گونه واکنش ارتشیان به انقلاب حاکی از علاقه و شناخت و آزادی کامل آنان بود، زیرا که همه آنان مسلمان و فرزندان ملت بودند. حکومت پهلوی انتظار داشت با رودررو قرار دادن ارتش و مردم، راه چاره‌ای برای نجات خود پیدا کند، اما ارتشیان با دعوت و توصیه حضرت امام(ره) در آغوش مردم قرار گرفتند و بدین وسیله موجبات پیروزی انقلاب را فراهم کردند. این ادعا را می توان با فرازی از بیانات آن امام راحل فرزانه ثابت نمود.

متن پیام امام راحل در مورد نقش ارتش در اوایل انقلاب[۱]

«شما دیدید که از اولی که این انقلاب به پیروزی رسید. اولین قدم این بود که ارتش لازم نیست دیگر، اول حرف آنهایی که تابع سیاست‌های خارجی هستند این بود که ارتش طاغوتی است، این ارتش طاغوتی باید از بین برود. این کلمه را هم رویش گذاشتند که مردم را اغفال کنند. خوب، ما هم می دانستیم که مسأله چیست و اینها می-خواهند چه بکنند. از این جهت، ما هم از روز اول این مطلب را محکوم کردیم و گفتیم که ارتش باید باشد، آن هم ارتشی که با قیام ارتش بود که ملت پیش برد و همه با هم دست به هم دادند و مسائل را پیش بردند. آنها می‌خواستند که این قدرت را از ایران بگیرند و ارتش را نابود کنند و ارتش برود سراغ کار خودش و ایران بماند بدون ارتش

۱. ارتش از دیدگاه امام خمینی(ره)، نشر آجا.

و همچون راحت و آسوده آقای صدام بیایند هرجا دلشان می خواهد، آقای کارتر یا ریگان هم بیایند هر کاری دلشان می خواهد بکنند، راه را باز کنند برای این مسائل، باید توجه داشته باشید که اسلام برای ارتش ارج قائل است. اسلام ارتش را لازم می داند و احترام برای او قائل است و پشتیبان اوست و ملت ایران هم که مسلمان هستند و ما هم که به عنوان یک مسلمان هستیم، ارتش را با کمال قدرت حفظ می‌کنیم.»

پیوستن اکثریت جامعه آماری ارتش به انقلاب، همدلی آنان در حکومت نظامی با مردم، خطرپذیری به‌خاطر اتخاد مواضع انقلابی و پاسخ مثبت به دعوت پدرانه رهبر کبیر انقلاب و درنهایت قرار گرفتن ارتش به عنوان بازویی توانمند در اختیار انقلاب و نظام جمهوری اسلامی به ذائقه مخالفین نظام خوش نیامد، دشمنان میهن اسلامی و انقلاب پیوستن ارتش به انقلاب را مانعی در راه رسیدن به اهداف ضدانقلابی خود تلقی کرده و چاره کار را در مخالفت شدید با موجودیت ارتش و ارتشیان دیدند.

این حقایق را فقط می‌توان در پیچ‌وخم تاریخ پیدا کرد، در آن روزهای پرتنش آغاز انقلاب همگان شاهد اصرار مستمر مخالفین مبنی بر انحلال ارتش بودند. قطعاً در چنان شرایطی ارتشیان از روحیه مناسبی برخوردار نبودند، اما آنها چون این راه پرمخاطره و سراسر تنش را با آگاهی انتخاب کرده بودند، ماهیت فکری، اعتقادی و علت دشمنی مخالفین نظام و معاندین چپ و راست برایشان روشن بود و این دشمنی را دلیل حقانیت خود دانسته و هم‌چنین بداخلاقی‌ها و بدرفتاری‌های دوستان ناآگاه در اوایل انقلاب را نیز صبورانه تحمل کردند و با دفاع و حمایت امام(ره) از ارتش، روحیه در حال تضعیف خود را به روحیه‌ای عالی و عزمی آهنین همراه با ایثار و شهادت‌طلبی تبدیل کردند.

حضور مؤثر ارتشیان در روزهای شکل‌گیری انقلاب در آذربایجان غربی، کردستان، گنبد، خوزستان و جای‌جای میهن اسلامی به منظور مقابله با گروه‌های مسلح ضدانقلاب و تقدیم شهدا در آن مقطع حساس، مؤید ایمان، اعتقاد مذهبی و روح جنگ‌جوئی در راه خدا و آرمان‌های انقلابی ارتشیان بود.

مراتب بالای ایمان و اعتقاد مذهبی آنان در فرازی از فرمایشات حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه بدین شرح متجلی شده است.

«در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایادی شرق و غرب و آنها که صداقت و امانت و دینداری و میهن‌داری ارتشیان را در حماسه پیروزی درک نکرده بودند، کمر به نابودی ارتش بستند و با شعارهای به ظاهر انقلابی و فریبنده مصمم به انحلال آن، غارت سلاح‌ها و نابودی امکانات دفاعی کشور شدند و چه بسا ساده‌لوحان نیز تحت تأثیر القائات آنان راه این هدف شوم را هموار نمودند که خداوند متعال کشور و انقلاب اسلامی ما را از توطئه شوم آنان رهایی بخشید و ارتش سرافراز ایران اسلامی همچون برق و صاعقه بر سر توطئه‌گران که در گوشه و کنار مرزها، خواب تجزیه ایران را در سر پرورانده بودند فرود آمد و کردستان، گنبد و ترکمن صحرا گورستان کوردلان شد که همه اینها از افتخارات تاریخی و فراموش نشدنی ارتش قهرمان است.»[1]

فرماندهی و انضباط در یگان‌های پیاده نظام آجا بعد از انقلاب

۱- اهمیت فرماندهی و انضباط

سلسله مراتب در ارتش، یعنی قرار دادن افراد در ساختاری به شکل هرم، مشابه هر سیستمی است که اجزای آن با یکدیگر ارتباط مستقیم داشته و به صورت یک سیستم واحد فعالیت می کنند. دقت در ساختار و نظم در چیدمان هر سیستمی اساس گردش فعالیت‌ها می‌باشد، که در ارتش به آن انضباط گویند. چنانچه در هر ساختاری دقت و نظم وجود نداشته باشد، انتظار عملکرد بی‌نقص از آن را نمی‌توان داشت.

عواملی مانند انتصاب فرماندهان، ساختار، مدل و الگوی مدیریت، ارزیابی یگان‌ها بر اساس الگوی تعیین شده، نقش مؤثری در بهینه‌سازی انضباط ارتش و نیروهای مسلح دارند.

---

۱. صحیفه امام، ج ۱.

لازم به ذکر است تعریف مدیر و شرایط مدیریت در جمهوری اسلامی ایران با تعاریف و الگوهای شناخته شده غربی مغایرت دارد. مسئولین حکومت اسلامی خواهان مدیریتی بر اساس دستورات قرآن و سنت بودند، ولی این‌گونه مدیریت در دانشگاه‌ها تعلیم داده نشده و مدیران کمتر از آن آگاهی داشتند. از طرفی این نوع مدیریت مدون و عملیاتی نشده بود، لذا مدیران جدید نیز هرکدام با برداشت خود از منابع اسلامی قصد اعمال مدیریت داشتند، اما مدیرانی که خواهان اعمال تئوری‌های مدیریتی تعلیم داده شده قبلی بودند، دچار انفعال و سرگشتگی شده، در نتیجه اعمال مدیریت با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده بود.

در این شرایط حضرت امام (ره) ـ فرمانده کل قوا ـ و مقام معظم رهبری ـ نماینده حضرت امام در تمشیت امور ارتش ـ و روحانیون طراز بالا با فرامین، توصیه‌ها و سخنرانی‌ها و ارائه رهنمود، فرماندهان را در اعمال فرماندهی و استقرار نظم در ارتش یاری می‌کردند و خلأ قانونی را جبران و با سوق دادن سلایق و روش‌ها به سمت برداشت فقهی مطلوب و دادن آگاهی بر لزوم اطاعت از نظم و فرامین فرماندهان، مدیران را هدایت و یاری می‌کردند.

۲- قبل از جنگ تحمیلی(۵۹-۵۷)

پس از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، به علت دگرگونی ارزش‌های موجود در ارتش سابق و عدم ارائه الگوی جدید مدیریت نظامی، نظم قبلی به گونه‌ای درهم ریخت که برای مدت کوتاهی فرماندهان یگان‌ها را به صورت کدخدامنشی اداره می‌کردند.

پس از صدور فرمان حضرت امام(ره) مبنی بر رعایت نظم در امور و اطاعت از فرماندهان و هم‌چنین توجه فرماندهان به خواسته‌های ابواب جمعی وضعیت بهتر شد، اما در سطح مطلوب نبود.

دخالت بی‌رویه عناصر تندرو، ناآگاه و یا مغرض موجب سلب اختیار فرماندهان در برقراری نظم و انضباط گردید و مشکلاتی را ایجاد می‌کرد. مشاهده این موارد توسط

برخی از فرماندهان که علاقمند به درگیری نبودند سبب شد نوعی بی‌تفاوتی در فرماندهان برای برقراری نظم به‌وجود آید. تداوم این‌گونه عملکردها ایجاد یک انضباط محکم را به تأخیر می‌انداخت.

نبودن روشی برای ارزیابی، عدم وجود سازمانی مشخص در سطح یگان‌ها و نیروها برای این اقدام و فقدان الگوی مورد قبول برای تعیین سطح ارزیابی (مقایسه‌ای بین خوب، بد، متوسط وجود نداشت) باعث می‌گردید عملکرد فرماندهان و ابواب جمعی حالت سلیقه‌ای داشته باشد.

بینش و بنیان تفکر موجود بعد از انقلاب در بین مردم و نیروهای مسلح بر پایه آزادی، برابری و عدالت بود ولی برداشت‌های سلیقه‌ای از آزادی و برابری و عدالت به انضباط لطمه وارد می‌کرد.

۳- دوران دفاع مقدس(۱۳۶۷- ۱۳۵۹)

با آغاز جنگ تحمیلی ارتشیان در مقابل وظیفه‌ای قرار گرفتند که سال‌ها برای آن تربیت شده و آموزش دیده بودند. این وظیفه عبارت از حفظ مرز و بوم کشور بود، که حال با محوریت اسلام و وجوب دینی ضروری شده بود؛ لذا علی‌رغم نارسائی‌ها و نگرش‌های منفی نسبت به ارتش، آنان با کمبود امکانات و تجهیزات (نسبت به دشمن) به استقبال دشمن شتافتند و در زیر گلوله‌های دشمن به تجدید سازمان پرداخته و آماده انجام وظیفه شدند؛ به ویژه در دوران غربت و مظلومیت ارتش در سال اول جنگ که با متوقف کردن و تثبیت دشمن و ناکام گذاردن او در رسیدن به اهدافی که قصد داشت حداکثر تا یک هفته تأمین نماید، و خوزستان را از ایران جدا سازد به خوبی از عهده این وظیفه برآمدند. در حقیقت دفاع مقدس آزمایشگاهی برای ارزیابی کیفی شخصیت ارتش و ارتشیان در سخت‌ترین شرایط تاریخی انقلاب و جمهوری اسلامی بوده است.

تجزیه و تحلیل چندین عملیات‌های بزرگ و غرورانگیز مانند ثامن‌الائمه، طریق-القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس و در نظر گرفتن فضای روزها و لحظات سراسر

جانفشانی، پایمردی ارتشیان در نبردی نابرابر تنها راه شناخت حقیقت مراتب ایمان مذهبی و روحیه آنان می‌باشد.

با نگاهی کلی به دفاع مقدس و آمار انکارناشدنی ٤٨٠٠٠ شهیدی که ارتش در جنگ تحمیلی از پائین‌ترین تا بالاترین درجه و مقام (از سرباز، درجه‌دار افسر و فرماندهان از گروهان، گردان، تیپ، لشکر، نیروی زمینی، نیروی هوایی، ستاد مشترک و وزیر وفاع) که البته بیشترین این شهدا از پیاده نظام بودند، به میهن اسلامی تقدیم کرده، مصداق بارز و دلیل محکم دیگری بر دارا بودن ایمان مذهبی، روحیه والای نظامی و میل جنگ‌جویی ارتشیان می باشد.

اطاعت عاشقانه و قانونمند از رهبری و فرماندهی کل قوا در راه اسلام، ملت بزرگوار ایران و حفظ سرزمین مقدس ایران بزرگترین افتخار نیروهای نظامی در دفاع مقدس می باشد.

بخش سوم

تحولات آموزشی ارتش (۱۳۵۷ – ۱۳۰۰)

اهمیت تعلیم و تربیت در ارتش

امنیت هر کشور به ارتشی توانمند وابسته است؛ لذا ارتش برای دست‌یابی به این توانمندی به نظام آموزشی کارا نیاز دارد. تعلیم و تربیت نیروی انسانی برای انجام وظیفه در ارتش دو بخش مهم از نظام آموزشی می باشد، زیرا در نظام آموزشی ارتش لازم است همزمان با تعلیم (آموزش) به تربیت نظامی (پرورش) نیز توجه شود.

بررسی نظام آموزشی ارتش از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷، چگونگی آموزش و پرورش نیروی انسانی ارتش در جهت رسیدن به توان رزمی را نشان می‌دهد.

وضعیت آموزش (۱۳۲۰ تا ۱۳۰۰ ش)

قبل از سال ۱۳۰۰ شمسی ارتش از جهت آموزش و پرورش، نوع تجهیزات و لباس از وضعیت نامناسب و آشفته‌ای برخوردار بود. اولین اقدام ضروری در این زمان، اصلاح اوضاع و یکنواخت کردن سازمان‌های ارتش به ویژه سامان دادن وضعیت تعلیم و تربیت بود. در اولین اقدام مدارس و آموزشگاه‌هایی قدیمی مانند «دیویزیون قزاق»، «ژاندارمری»، «بریگاد مرکزی» و «مدرسه نظام مشیرالدوله» ادغام و مدارس و آموزشگاه‌های جدیدی تأسیس شد.

یکی از مشکلات عمده مدارس جدید کمبود مدرس برای تعلیمات نظامی نوین در کشور بود. برای رفع این کمبود و بکارگیری شیوه‌های نوین آموزش، اعزام افسران ایرانی به خارج و استخدام افسران خارجی معمول شد.

مدارس نظامی فعال تا سال ۱۳۲۰[1]

۱- مدرسه نظام: این مدرسه با پذیرش دانش‌آموز در سطح ابتدائی، متوسطه و دبیرستان تا سطح دیپلم فعال بود و در سال ۱۳۱٤ به دبستان و دبیرستان نظام تغییر نام داده شد.

۲- مدرسه صاحب منصبی: این مدرسه آموزش رسته‌های پیاده‌نظام، سواره‌نظام، توپخانه و مهندسی و دوره عالی و هوایی را به عهده داشت. این مدرسه در سال ۱۳۱٤ به دانشکده افسری تغییر نام داده شد.

۳- آموزشگاه ستوانی ارتش: این آموزشگاه در سال ۱۳۰۳ تأسیس و پس از یک سال در سال ۱۳۰۵ تعطیل شد و البته مجدداً در ۱۳۳۷ با نام دانشگاه نظامی بازگشایی گردید و تا سال ۱۳٤۰ نیز فعال بود.

٤- آموزشگاه ستوانی ژاندارمری: این آموزشگاه در سال ۱۳۰۹ تأسیس شد.

۵- دانشکده دیده‌بانی و دانشکده فنی نیروی هوایی: این دو دانشکده به ترتیب در سال ۱۳۰۲ و ۱۳۱۵ تأسیس و تا سال ۱۳۲۰ فعال بودند.

٦- آموزشگاه ستوانی تخشائی (جنگ‌افزار و مهمات‌سازی): این آموزشگاه از ۱۳۱٤ تا ۱۳۲۰ فعال بود.

۷- آموزشگاه فنی نظام وظیفه: این آموزشگاه در سال ۱۳۱٤ تأسیس و در سال ۱۳۱۷ در دانشکده افسری ادغام شد.

۸- آموزشگاه دامپزشکی: این آموزشگاه قبل از سال ۱۳۰۰ تأسیس و از سال ۱۳۰۰ به دانشکده تبدیل شد؛ فارغ‌التحصیلان آن با درجه ستوان دومی در ارتش خدمت می کردند.

---

۱. سرتیپ ستاد هوشنگ جلالی، تاریخ نظامی ایران، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۹، ص ۱٦٤.

۹- آموزشگاه پزشکی و معین پزشکی: این آموزشگاه در سال ۱۳۰۹ در بیمارستان پهلوی (امام خمینی فعلی) تشکیل شد. مدت دوره هشت ماه بود و پس از خاتمه تحصیل با درجه استوار سومی در ارتش خدمت می‌کردند.[۱]

وضعیت آموزش (۱۳۵۷ - ۱۳۲۰ ش)

در پایان جنگ جهانی دوم، ایران با پشتیبانی امریکا به توسعه، گسترش و تقویت نیرهای مسلح کشور اقدام کرد. تجهیز ارتش با جنگ‌افزارهای جدید به روش‌های جدید آموزشی در زمینه تاکتیک و تکنیک نیاز داشت. کشور پشتیبانی‌کننده، موظف به تغییر نظام آموزش و روش‌های اجرائی شد. امریکا با الگو قرار دادن روش‌های آموزشی آن کشور به دو طریق زیر در طراحی نظام آموزشی و برنامه‌های آموزشی اقدام کرد.

۱- اعزام هیئت مستشاری جهت ایجاد نظام آموزشی و طراحی برنامه‌های آموزشی مورد نیاز؛

۲- اعزام دانشجو به خارج از کشور.

کشور امریکا عمده‌ترین محل آموزش دانشجویان نظامی در خارج از کشور بود. طبق آمارهای منتشره تا سال ۱۳۵۲ تعداد ۱۱۰۰۰ نفر افسر به امریکا اعزام گردیدند و از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ بیش از ۱۵۰۰۰ نفر افسر و درجه‌دار برای آموزش به امریکا اعزام شدند.[۲] اولویت اعزام دانشجو به ترتیب با نیروی هوایی، نیرویی دریایی و سپس نیروی زمینی بود.

علاوه بر اعزام دانشجو به امریکا تعدادی دانشجو نیز به کشورهای انگلیس، فرانسه، آلمان، ایتالیا، هند، پاکستان، مصر، شوروی و... اعزام می‌شدند.

---

۱. سرتیپ بیگلرپور، سعید نفیسی، سرهنگ قائم‌مقامی، تاریخ ارتش نوین ایران، تهران، ستاد مشترک، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۶.

۲. شاپور رواسانی، دولت و حکومت در ایران، نشر شمع، ۱۳۷۲، صص ٥٤ و ۲۳۲.

نظام آموزشی نیروی زمینی[1]

با انسجام و شکل‌گیری سازمان ارتش، و حضور افسران تحصیل‌کرده، دلسوز و علاقمند به استقلال آموزشی بتدریج نظام آموزشی نیروهای سه‌گانه نیز از وضعیت مناسبی برخوردار شد. با تشکیل معاونت آموزشی در نیروها فعالیت آموزشی روز به روز تکمیل‌تر شد و در نتیجه از تعداد مستشاران آموزشی به ویژه در نیروی زمینی و به خصوص در پیاده نظام نزدیک به صفر گردید.

نیروی زمینی با تشکیل مراکز آموزشی علمی و تخصصی نسبت به آموزش و تربیت نیروهای پایور (افسر، درجه‌دار، کارمند) و وظیفه اقدام نمود. این مراکز عبارتند از:

دانشکده افسری (آموزش و پرورش عملی، نظامی)

دانشکده افسری یکی از حیاتی‌ترین مراکز آموزش علمی و تربیتی (پرورش) افسران می‌باشد. در این مرکز دانشجویان برای زندگی در شرایط سخت (جنگ) تربیت شده و هم‌زمان تحت آموزش‌های علمی قرار می‌گیرند. این دانشکده از بدو تأسیس در سال ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۵۷ تحولات زیادی را پشت سر گذاشته که عبارتند از:

۱- آموزش و تربیت افسران تا دوره دوازدهم در مدرسه صاحب منصبی و از دوره سیزدهم در سال ١٣١٤ شمسی این مدرسه به دانشکده افسری تغییر نام یافت.

۲- در سال ۱۳۰۱ مدارس نظام از عمارت مسعودیه (میدان بهارستان) به عمارت کامرانیه (محل فعلی دانشگاه امام علی (ع)) منتقل شد.

۳- از سال ١٣١٤ دوره‌های رسته‌ای برای افسران پیاده، سوار نظام، توپخانه، مهندسی، مخابرات و دارائی تشکیل و تا سال ۱۳۲۰ ادامه یافت. فارغ التحصیلان آن به درجه ستوان دومی نائل می‌شدند.

٤- از سال ۱۳۰۲ تا سال ۱۳۲۰ فارغ‌التحصیلان دانشکده افسری بالغ بر ۲۰۹۵ نفر افسر شد.

---

۱. سرتیپ هوشنگ جلالی، تاریخ نظامی ایران، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۹، ص ١٦٦.

۵- از سال ۱۳۲۸ با پیشرفت علوم و فن‌آوری‌های جدید دوره دانشکده افسری از دو سال به سه سال افزایش یافت و موضوعات درسی آن از دانشکده افسری امریکا (وست پوینت) اقتباس گردید. موضوعات درسی شامل ریاضی، علوم تجربی، علوم انسانی، علوم اجتماعی و مهندسی در برنامه‌های آموزشی گنجانده شد.

٦- دانشکده افسری در گردانی بنام رسته‌ها به دانشجویان دانشگاه‌های غیرنظامی کشور در رشته‌های مختلف پزشکی، فنی و مهندسی بورسیه واگذار و آنان پس از پایان تحصیل وارد خدمت ارتش می‌شدند.

۷- ارزش تحصیلی دوره دانشکده افسری به عنوان لیسانس نظامی از طرف وزارت فرهنگ (علوم و آموزش عالی) شناخته شد. دانشجویان پس از فارغ‌التحصیلی برای آموزش‌های تخصصی رسته‌ای برای مدت ٦ الی ۹ ماه به مراکز آموزش تخصصی اعزام می‌شدند.

ضمناً از سال ۱۳۰۰ الی ۱۳٤۰ ارتش به منظور جبران کمبود کادر فرماندهی ۹ دوره یک‌ساله برای تربیت افسران در دانشگاه نظامی تشکیل و افسرانی را با درجه ستوان-سومی فارغ‌التحصیل کرد.

نقش دانشکده افسری در جنگ تحمیلی

۱- دانشکده افسری بیش از ۵۰ سال فعالیت، افسران ارتش را در زمینه آموزش علمی و پرورش نظامی برای انجام وظیفه آماده کرده و فارغ التحصیلان این موسسه عالی- آموزشی با نگرش علمی توانستند بار مسئولیت مدیریت و فرماندهی ارتش را در دوران دفاع مقدس به عهده گیرند و به خوبی از عهده وظایفی که برای آن آماده شده بودند برآیند که شرح آن نیاز به نوشتار جداگانه ای دارد.

۲- دانشکده افسری در آغاز جنگ تحمیلی وظیفه خود دانست که با اعزام تیپ دانشجویان به منطقه جنوب در تقویت یگان‌های درگیر شرکت نماید. این یگان نقش ارزنده‌ای را در عملیات دفاع از خرمشهر به عهده داشت.

۳- تیپ دانشجویان دانشکده افسری پس از ورود به خرمشهر مسئولیت ستاد عملیاتی را با عناصر ستاد تیپ در آبادان به عهده گرفت. این ستاد با بکارگیری و هدایت نیروهای موجود توانست از نفوذ دشمن به آبادان در کوی ذوالفقاری در تاریخ ۵۹/۸/۹ جلوگیری و آبادان را از محاصره کامل نجات دهد.

مراکز آموزش تخصصی رسته‌ها

نیروی زمینی برای آموزش‌های تخصصی ۹ مرکز آموزشی، مشابه ارتش‌های جهان تأسیس کرد. استادان این مراکز اکثراً افرادی بودند که در مراکز مشابه در خارج از کشور دوره‌های لازم را طی کرده بودند. در این مراکز از ترجمه مدارک خارجی برای تدریس استفاده می‌شد. فعالیت این مراکز در ارتقاء آموزش رسته‌های زمینی تأثیر فراوان داشت. در سایر نیروها نیز مراکز آموزشی لازم بر حسب نیاز رسته‌های مربوطه تأسیس شد. مراکز آموزش تخصصی نیروی زمینی عبارتند از:

۱- مرکز آموزش پیاده: برای تخصص‌ها و مهارت های[۱] رسته پیاده در شیراز؛

۲- مرکز آموزش زرهی: برای تخصص‌هاو مهارت های [۲] رسته زرهی در شیراز؛

۳- مرکز آموزش توپخانه و موشک‌ها: برای تخصص‌ها و مهارت‌های رسته توپخانه در اصفهان؛

٤- مرکز آموزش مهندسی: برای تخصص‌هاو مهارت‌های رسته مهندسی در بروجرد؛

۵- مرکز آموزش مخابرات و الکترونیک: برای تخصص‌هاو مهارت‌های رسته مخابرات در تهران؛

---

۱. تخصص برای افسران بود که مسائل علمی وفنی و مدیریتی رسته مربوطه را فرا گیرند و سپس با طی دوره های آتی(عالی و دافوس) سطح علمی و تخصصی خود را تا فرماندهی لشکر و بالاتر ارتقاء دهند.

۲. مهارت برای درجه داران، که بتوانند در یک حرفه تخصصی آموزش دیده و انجام وظیفه نمایند و با سنین خدمتی و کسب تجربه عملی پایه مهارت را افزایش می یافت.

۶- مرکز آموزش دارائی و کامپیوتر: برای تخصص‌ها و مهارت‌های رسته دارائی در تهران؛

۷- مرکز آموزش‌های پشتیبانی: برای تخصص‌ها ومهارت‌های رسته‌های آماد و پش در تبریز؛

۸- مرکز آموزش زبان: این مرکز برای آموزش زبان انگلیسی به منظور مهارت در زبان انگلیسی افسران و درجه‌داران و کارمندان در جهت توانایی برقراری ارتباط با خارجیان و استفاده از منابع خارجی این مرکز در تابعیت دانشگاه افسری فعالیت می-کرد.

۹- مرکز آموزش بهداری: این مرکز به آموزش و تربیت متخصصین پیراپزشکی اختصاص داشت.

مرکز آموزش پیاده شیراز

دانشکده پیاده در سال ۱۳۲۸ در تهران تأسیس گردید و تحت نظارت دانشگاه نظامی فعالیت آموزشی رسته پیاده نظام را آغاز کرد. با گسترش وسایل و تجهیزات پیاده نظام و ورود جنگ‌افزارهای پیشرفته در این رسته، گسترش دانشکده پیاده ضروری تشخیص داده شد. لذا این دانشکده در سال ۱۳۳۹ از دانشگاه نظامی جدا و به صورت یک واحد مستقل فرهنگی به نام مرکز پیاده در شیراز مستقر گردید.

مرکز پیاده شیراز یکی از مراکز مهم آموزشی نیروی زمینی در رسته پیاده می‌باشد. این مرکز آخرین اطلاعات از تاکتیک و تکنیک کاربرد یگان‌های پیاده، وسایل جنگ-افزارهای پیاده نظام را از مراکز آموزشی پیاده کشورهای جهان جمع‌آوری می‌کند و در آموزش‌ها مورد استفاده قرار می‌دهد. این مرکز هم‌اکنون با تجربیات دفاع مقدس و اتکاء به دانش بومی و استفاده از پیشرفته‌ترین وسایل کمک آموزشی برای ارائه آموزش به صورت علمی و عملی فعال می‌باشد و در ارتقاء آموزش نقش مؤثری دارد. این مرکز سالیانه متجاوز از هزار افسر، دوهزار درجه‌دار پایور، و بیش از یک هزار نفر از کارکنان وظیفه را تحت آموزش‌های لازم قرار می‌دهد.

وظایف آموزشی مرکز پیاده

۱- تشکیل دوره مقدماتی پیاده برای افسران فارغ‌التحصیل دانشکده افسری در رسته پیاده. هدف این دوره آماده کردن افسران فارغ التحصیل از دانشکده افسری برای تصدی مشاغل رهبری دسته پیاده، فرمانده و معاون فرمانده گروهان پیاده و کار در ستاد گردان‌های پیاده می‌باشد.

۲- تشکیل دوره عالی پیاده برای آموزش افسران رسته پیاده در درجه سروانی و سرگردی. هدف این دوره آماده کردن افسران رسته پیاده برای تصدی مشاغل فرماندهی گروهان وگردان پیاده و کار در مشاغل ستادی تیپ می‌باشد.

۳- تشکیل دوره مقدماتی و عالی رسته دژبان برای کار در مشاغل مشابه ردیف (۱) و (۲).

٤- مرکز پیاده علاوه بر دوره‌های فوق، دوره‌های آموزشی تخصصی دیگری به نام دوره‌های عرضی کوتاه‌مدت (۳ ماهه) تشکیل داده که عبارتند از:

الف) دوره جنگ‌های شیمیایی، میکربی، رادیواکتیویته (ش.م.ر)؛

ب) دوره تکاور (رنجر)؛

ج) دوره هوابرد (چتربازی)؛

د) دوره اسکی و کوهنوردی؛

هـ) دوره پیاده موتوری ؛

و) دوره پیاده مخابرات؛

ز) دوره هدایت آتش خمپاره انداز؛

مرکز پیاده در جنگ تحمیلی

۱- ارتقاء دانش تخصصی و بالابردن مهارت نیروهای پایور در مراکز آموزش تخصصی به ویژه مرکز آموزش پیاده را می‌توان در عملکرد فرماندهان دسته، گروهان و گردان پیاده در سال‌های جنگ تحمیلی به ویژه در سال اول و دوم جنگ به خوبی مشاهده کرد.

۲- افسرانی که در سال‌های قبل از انقلاب دوره‌های مقدماتی و عالی را طی کرده بودن، توانستند در جنگ تحمیلی نقش اساسی در اجرا و هدایت یگان‌های تحت امر خود داشته و عملیات موفقیت آمیز و اثربخشی را در متوقف کردن دشمن، پدافند در سال اول و بیرون راندن دشمن در سال دوم به خوبی ایفا نمایند.

۳- هم‌چنین در ستادهای عملیاتی قرارگاه‌ها، افسرانی که دوره عالی را طی کرده بودند توانستند همفکر با افسران دافوس دیده کمبود تعداد آنان را جبران کرده و بعضاً در مشاغل فرماندهی در رده‌های تیپ و لشکر با ابتکار و خلاقیت فردی و بر گرفته از آموزش‌های مرکز پیاده و تجربیات خدمتی از عهده اجرا و هدایت عملیات برآیند.

٤- مرکز پیاده علاوه بر آموزش‌های مصوب، در جنگ تحمیلی با اعزام اساتید متخصص به جبهه‌ها در بازآموزی یگان‌ها کمک مؤثری به عمل آورده است.

۵- مرکز پیاده در سال اول جنگ با سازماندهی گردان پیاده آموزشی به صورت گردان پیاده سبک در منطقه عملیاتی جنوب شرکت فعال داشت.

مرکز آموزش ۰۱ کادر

در سال ۱۳۳٦ مرکز آموزش شماره ۱ ارتش برای آموزش دانش‌آموزان پایور و افراد وظیفه تأسیس شد. نام این مرکز به ترتیب به مرکز آموزش ۵۰۱ ارتش، مرکز آموزش تهران، مرکز آموزش ۲۰۲ و ۳۰۱ کادر و سرانجام به نام مرکز آموزش ۰۱ کادر تغییر یافت و سرانجام در پادگان افسریه در شرق تهران مستقر گردید.

این مرکز تا زمان انقلاب با دارا بودن کلیه امکانات زیستی و آموزشی همه ساله دوره‌های افسری وظیفه (مشمولین بالاتر از دیپلم تا دکترا)، آموزشگاه افسری جزء (ستوان‌سومی)، درجه‌داری پایور و وظیفه را به عهده داشت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مرکز آموزش درجه‌داری از این مرکز جدا و به مرکز آموزش ۰٦ منتقل شد و هم اکنون این مرکز صرفاً آموزش دوره‌های افسری وظیفه را عهده‌دار می‌باشد و کلمه کادر از عنوان و مأموریت آن حذف گردیده است.

آموزش افراد وظیفه

۱) چگونگی آموزش

تا سال ۱۳۲٤ برنامه آموزشی منظم و مدونی برای آموزش افراد وظیفه وجود نداشت. هریک از فرماندهان باتوجه به سوابق، تجربیات و آئین‌نامه‌های موجود برای آموزش افراد وظیفه برنامه‌ای تنظیم واجرا می‌کردند.

در سال ۱۳۲۵ پس از تحقیقات و بررسی‌های لازم، اولین برنامه آموزشی یک‌ساله شامل مرحله مقدماتی و تکمیلی انفرادی برای افراد وظیفه تنظیم و به یگان‌های نیروی زمینی ابلاغ شد، ولی به دلیل بی‌سوادی اکثر افراد وظیفه و نبود افسران کارآزموده و مطلع این برنامه با موفقیت همراه نبود.

در سال ۱۳۳۳ با کمک هیئت مستشاری امریکا در برنامه‌های آموزشی تغییرات اساسی داده شد. برنامه آموزشی جدید در دو مرحله به شریح زیر تدوین شد:

۱- آموزش مقدماتی انفرادی برای ۱۳ هفته (سه ماه) در مراکز آموزش وظیفه؛

۲- آموزش تکمیلی انفرادی، برای ۹ ماه در یگان‌های مختلف نیروی زمینی.

۲) مراکز آموزش افراد وظیفه

به منظور اجرای آموزش مقدماتی انفرادی افراد هفت مرکز آموزشی به شرح زیر در نیروی زمینی تأسیس شد.

۱- مرکز آموزش ۰۲ چهل‌دختر (اکنون در تهران)؛

۲- مرکز آموزش ۰۳ عجب‌شیر؛

۳- مرکز آموزش ۰٤ بیرجند؛

٤- مرکز آموزش ۰۵ کرمان؛

۵- مرکز آموزش ۰٦ لشکرک (اکنون مرکز آموزش تکاور افراد وظیفه)؛

٦- مرکز آموزش ۰۷ خرم‌آباد؛

۷- مرکز آموزش ۰۸ خاش.

۳) سوادآموزی افراد وظیفه

در دهه ۱۳٤۰ سربازان وظیفه بی‌سواد در هفته سه روز بعدازظهرها در کلاس‌های سوادآموزی شرکت می‌کردند و توسط مربیان اعزامی از وزارت آموزش و پرورش تحت تعلیم قرار گرفته و در پایان دوره در صورت قبولی، گواهی تحصیلی دوره ابتدائی از وزات آموزش و پرورش دریافت می‌کردند.

۴) آموزش حرفه‌ای

در دهه ۱۳٤۰ لشکرها با تأسیس آموزشگاه حرفه‌ای نسبت به بالا بردن مهارت سربازان در رشته‌های مختلف فنی اقدام می‌کردند. کلیه سربازان فنی و داوطلب در دو ماه آخر خدمت به طور تمام وقت در کلاس‌ها شرکت و در صورت موفقیت گواهی رشته مربوطه را دریافت می‌کردند (اقدامی که امروزه دانشگاه علمی کاربردی انجام می-دهد) .

آموزش فرماندهان و مسئولین رده تیپ به بالا (فوق تخصص)

۱- دانشگاه جنگ

در سال ۱۳۱٤ جهت تحصیل افسران در مشاغل بالای ارتش با کمک هیئت اعزامی از کشور فرانسه دانشگاه جنگ تأسیس گردید. در سال ۱۳۱۸ با مراجعت هیئت فرانسوی برای شرکت در جنگ جهانی دوم، استادان و مدرسین ایران رأساً مسئولیت اداره آموزش این دانشگاه را به عهده گرفتند.

مدت دوره ۲ سال تعیین شده بود و ارتقاء افسران از درجه سرهنگی به سرتیپی منوط به طی این دوره بود. دروس دانشگاه جنگ عبارت بود از آموزش‌های تاکتیک پیاده نظام، توپخانه، مهندسی، سواره نظام و زرهی. دانشجویان دانشگاه جنگ اکثراً افسران رسته‌های مختلف نیروی زمینی بودند.

دانشگاه جنگ در سال ۱۳۲۲ به علت مشکلات ناشی از جنگ دوم جهانی به مدت ٤ سال تعطیل شد و مجدداً در سال ۱۳۲٦ گشایش یافت. در بازگشایی مجدد طول

دوره به یک سال تبدیل و در موضوعات آموزشی تجدید نظر شد. سرانجام در سال ١٣٤٤ نام آن به دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس) تغییر یافت.

٢- دانشکده فرماندهی عالی و ستاد مشترک

در سال ١٣٤٠ باتوجه به نیاز ارتش یک مرکز آموزش عالی نظامی به نام «دانشکده فرماندهی عالی و ستاد مشترک» در محل دانشگاه جنگ تأسیس شد که آموزش‌های آن در سطحی بالاتر از آموزش دافوس و عمدتاً عملیات مشترک و مرکب بود. فارغ التحصیلان آن برای کار در ستادهای مشترک و مرکب آماده می‌شدند.

چهار سال بعد، یعنی در سال ١٣٤٤ برحسب ضرورت و مصالح آموزشی، دانشگاه جنگ منحل و به دو دانشکده با نام دانشکده فرماندهی و ستاد در تابعیت نیروی زمینی و دانشکده فرماندهی عالی و ستاد مشترک در تابعیت ستاد مشترک ارتش تبدیل شد.

٣- دانشگاه پدافند ملی

در سال ١٣٤٤ در دانشکده فرماندهی و ستاد اولین دوره دانشکده فرماندهی عالی و ستاد مشترک با شرکت تعدادی از افسران فارغ‌التحصیل دوره‌های قبلی دانشکده فرماندهی و ستاد تشکیل شد.

در سال ١٣٤٧ دانشکده فرماندهی عالی و ستاد مشترک از دافوس جدا گردید و به نام دانشگاه پدافند ملی با تشکیل دو دوره به نام‌های «فرماندهی عالی و ستاد مشترک» و «دانشکده مدیریت عالی» شروع به فعالیت نمود.

در سال ١٣٥١ دانشگاه پدافند ملی با دو دانشکده به نام‌های «دانشکده مدیریت و امنیت ملی» و «دانشکده ستاد نیروهای مسلح» فعالیت آموزشی خود را ادامه داد.

در سال ١٣٥٨ یازدهمین دوره مدیریت و امنیت ملی و دوره هجدهم دانشکده ستاد نیروهای مسلح و دوره سی‌ودوم دانشکده فرماندهی ستاد(دافوس) به پایان رسید و بلافاصله دانشگاه پدافند ملی منحل شد.

نقش دانشکده فرماندهی و ستاد(دافوس) در جنگ تحمیلی

طراحی و سازمان‌دهی عملیات نظامی نیاز به عناصری دارد که مدارج علمی و تخصصی را در دوره های آموزشی طی کرده و تجربیات لازم را در طول خدمت کسب کرده باشند.

در جنگ تحمیلی این‌گونه عناصر به ویژه افسرانی که دوره‌های علمی و تخصصی به ویژه دوره دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس) را طی، و در مشاغل صف و ستاد تجربیات لازم را کسب کرده بودند، با انتصاب در مشاغل صفی (فرماندهی) و ستادی توانستند با حلم، صبوری و درایت لازم همراه با مظلومیت نقش ارزنده‌ای در طراحی و اجرای عملیات را به عهده گیرند.

برای آگاهی بیشتر در مورد نقش افسران فارغ‌التحصیل (دافوس) در جنگ تحمیلی به ضمیمه ٤ (نقش دافوس در دوران دفاع مقدس) مراجعه شود.

بخش چهارم

طرح‌ریزی مشترک ارتش و سپاه در جنگ تحمیلی

اهمیت طراحی عملیات

ارتش و سپاه پاسداران دو عنصر عمده و اساسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. این دو عنصر در جنگ تحمیلی در کنار هم و دوش‌به‌دوش یکدیگر توانستند با دشمن متجاوز به مقابله پردازند. ارتش پس از متوقف کردن دشمن، در خطوط پدافندی مستقر و برای عملیات آفندی آماده شد.

پس از سازمان‌دهی یگان‌های سپاه پاسداران با بسیج مردمی و در سال دوم جنگ، طرح‌ریزی عملیات مشترک (ادغامی) برای دفع تجاوز دشمن، مشترکاً توسط ارتش و سپاه آغاز شد. ارتش و سپاه با اجرای طرح‌های تهیه شده توانستند مناطق اشغال‌شده را آزاد و سپس به منظور تنبیه متجاوز، دشمن را در داخل خاک عراق تعقیب کنند.

پیروزی‌های بدست‌آمده حاصل ترکیب مقدس دو عنصر ارتش و سپاه بود که مفهوم آن را در عبارت ماندگار فرمانده بزرگوار و شهید نیروی زمینی ارتش امیر سپهبد شهید علی صیادشیرازی می توان احساس کرد.

«ارتشی و سپاهی یک لشکر الهی»

هریک از این دو عنصر مکمل یکدیگر بودند، به طوری که می‌توان گفت چنان‌چه ارتش نبود، سپاه موفقیتی حاصل نمی‌کرد و چنان‌چه سپاه نبود تهیه نیازهای ارتش برای جنگ مشکلاتی را برای کشور به‌همراه داشت و ارتش به تنهایی به نتیجه مطلوب نمی-رسید.

تعاریف و اصطلاحات عملیاتی

در آئین‌نامه‌های نظامی از عملیات مشترک، مرکب، برش تاکتیکی، سازمان رزم و پدافند متحرک تعاریفی ذکر شده است که مفهوم آنها با آنچه در رابطه با موضوعات

فوق در دوران جنگ آمده مغایرت‌هایی دارد؛ ولی از آنجایی که این اصطلاحات در کتاب‌ها، مقالات، سخنرانی‌ها تکرار و به صورت عرف درآمده و مصطلح شده است، لذا لازم است تعاریف اصلی و علمی آنان یادآوری شود.

۱- عملیات مشترک:[۱] عبارتست از عملیاتی که توسط دو نیرو یا بیشتر (زمینی، هوایی، دریایی) از نیروهای مسلح یک کشور اجرا می‌گردد.

در این تعریف طبق آئین‌نامه بایستی قسمت‌های عمده از دو نیرو تحت فرمان یک فرمانده باشند.

در جنگ تحمیلی ادغام نیروهای ارتش و سپاه در عملیات مغایر تعریف آئین‌نامه‌ای، به نام عملیات مشترک مصطلح شده است. لذا در این نوشتار نیز این اصطلاح را با این مفهوم به کار می بریم.

۲- عملیات مرکب:[۲] عبارتست از عملیاتی که توسط نیروهای مسلح دو یا چند کشور «در عملیات مشترک» با یکدیگر اجرا می‌شود. مانند عملیات نیروهای ائتلاف در آزاد کردن کویت و حمله به عراق و افغانستان.

در عملیات مرکب نیز نیروهای عملیاتی تحت فرماندهی یک فرمانده قرار می‌گیرند.

۳- برش:[۳] تعیین نوع و تعداد گردان‌های رزمی در یک لشکر مشخص «برش» نامیده می‌شود و بر دو نوع است.

الف) برش استراتژیکی: عبارتست از تعیین سازمان قبل از گسترش لشکر در منطقه سرزمینی مأموریت.

ب) برش تاکتیکی: عبارتست از انتقال واحدها به وسیله فرماندهان عالی‌رتبه (نیروی زمینی به بالا) از یک لشکر به لشکر دیگر و ازدیاد گردان‌های رزمی یک لشکر

---

۱. محمود رستمی، همان، ص ۵۹۲.

۲. همان، ص ۵۹۳.

۳. آئین‌نامه ۱۰۰-۶۱ (لشکر)، انتشارات دافوس، ۱۳۵۰، ص ۲.

توسط منابع غیرلشکری برای رفع احتیاج معین و یا کسر سازمان لشکر با از زیر امر خارج کردن بعضی از عناصر یا تجهیزات.

سازمان رزم[1] (برش تاکتیکی داخلی): عبارتست از گروه‌بندی مناسب عناصر لشکر و قرار دادن آنها زیر امر تیپ‌ها و سایر قرارگاه کنترل‌کننده به نحوی که بتوانند مأموریت محوله را انجام دهند.

۴- پدافند متحرک:[2]

پدافند متحرک نوعی از عملیات پدافندی است که در آن حداقل نیرو در جلو گسترش داده می‌شود و هدف اصلی آن وارد کردن تلفات زیاد به دشمن می باشد. در این عملیات حق تقدم استفاده تمرکزی از نیروهای رزمی متحرک و آتش‌ها به یگان احتیاط به هنگام وارد عمل شدن داده می‌شود. تکیه اصلی به واحد احتیاط برای انهدام نیروهای مهاجم دشمن از طریق اجرای عملیات تعرضی متقابل (پاتک) می‌باشد.

منظور اصلی از حمله متقابله (در پدافند متحرک) برخلاف پدافند منطقه ای کنترل منطقه جلو و حفظ زمین نیست، بلکه وارد کردن تلفات به دشمن و ترمیم رخنه منظور اصلی آن است و نیروی پدافند متحرک با استقرار حداقل نیرو در خط مقدم پدافندی، نیروهای تهاجمی دشمن را با اقدامات پدافندی، تأخیری و پوششی و یا ترکیب مناسبی از آن، آسیب‌پذیر کرده و به نیروی پاتک‌کننده در عملیات پدافند متحرک کمک می‌کنند.

طراحی عملیات مشترک

در جنگ تحمیلی ستادهای قرارگاه عملیاتی و قرارگاه‌های لشکر مستقر در مناطق مسئولیت تهیه طرح‌های عملیاتی را به عهده داشتند و رده‌های پایین‌تر اجراکننده طرح-های عملیاتی بودند.

---

۱. همان منبع.ص۲

۲. همان منبع، ص ۱۰۳.

یگان‌های ارتش در تمامی رده‌ها (گردان، تیپ، لشکر، نیروی زمینی) دارای ستاد می‌باشند، ولی یگان‌های سپاه پاسداران در دفاع مقدس در رده گردان و تیپ فاقد ستاد و در لشکر دارای نوعی ستاد بودند که با ساختار ستاد لشکرهای ارتش متفاوت بود.

در سال اول جنگ، سپاه پاسداران در طراحی‌ها، تهیه برآوردهای مختلف ستادی و ارائه راه‌کارهای کلی و مشروح عملیاتی از روش علمی نظامی تبعیت نمی‌کرد، البته طراحی سبک برای یگان‌های پیاده نظام مسلح به اسلحه انفرادی را معمول می‌داشتند. در این مرحله آنان فن ارائه ایده‌های عملیاتی طراحی را به صورت ابتدائی و به صورت مشترک با ستادهای ارتشی که دارای عناصر متخصص نظامی بودند انجام می‌دادند.

در قرارگاه‌های عملیاتی طرح‌ها پس از شورهای ستادی در جلسات مشترک ارتش و سپاه، به طور کامل توسط ارتش تهیه و گاه با دو امضاء صادر می‌گردید.

عملیات و اطلاعات سپاه پاسداران با استفاده از عناصر جسور ، باهوش و شهادت طلب در سطوح پایین با نفوذ به مواضع دشمن و با شناسایی دقیق زمین و دشمن و کسب اطلاعات دقیق به ستادهای لشکر و تیپ کمک می‌کردند. هم‌چنین در سطوح بالاتر نظرات خود را در زمینه پیشنهادات (راه‌کارها) عملیاتی به طور شفاهی اعلام تا با هماهنگی فرماندهان رده مربوطه در دستورات عملیاتی گنجانده شود.

سپاه پاسداران با شرکت فعال در شورهای ستادی ارتش و با علاقمندی شیوه‌های طراحی و تهیه برآوردهای ستادی را که به صورت علمی انجام می‌گرفت به صورت صوتی و تصویری ضبط کرده و با بهره‌برداری از آن تلاش می‌کردند در مراحل بعد، از آن روش‌ها الگوبرداری کنند.

طراحی عملیات آفندی تا عملیات رمضان (تیرماه۱۳۶۱)

۱- تا قبل از عملیات ثامن‌الائمه یگان‌های سپاه به استعداد دسته و گروهان (گروهان در عملیات لبیک یا خمینی دارخوین ۶۰/۳/۲۱ و البته با استعداد خاص، نه معادل با استعداد و قدرت آتش گروهان های ارتش) در مناطق مختلف با هماهنگی نیروهای ارتشی و گاه بدون هماهنگی به طور محدود مبادرت به عملیاتی نظیر اعزام گشتی شناسائی، گشتی رزمی، تاخت و دستبرد و یا پدافند می‌کردند.

۲- عملیات ثامن‌الائمه اولین عملیات مشترکی بود که به صورت ادغامی (با همدیگر) توسط نیروهای سه‌گانه ارتش و رزمندگان زمینی سپاه انجام شد، نیروهای سپاه در جمع‌آوری اطلاعات از دشمن به طرح‌ریزی و تهیه راه‌کارها به یگان‌های ارتشی کمک کردند. ولی طراحی عملیات به صورت مشروح و تهیه دستور عملیاتی همراه با پیوست‌های مربوطه توسط لشکر۷۷ پیاده ارتش انجام گرفت. سپاه نیز طرحی را تهیه کرده بود که در نهایت دستور داده شد با طرح لشکر ۷۷ پیاده هماهنگ و مورد استفاده قرار گیرد.

در طرح و دستور عملیاتی ل ۷۷ به صورت علمی وکلاسیک بکارگیری نیروی هوایی، هوانیروز، پدافند هوایی عناصر آماد و پشتیبانی و یگان های سبک پیاده نظام سپاه (سپاه در آن زمان فاقد توپخانه و یگان زرهی بود) در یک عملیات هماهنگ به خوبی لحاظ شده بود

۳- بعد از انتصاب شهید سپهبد علی صیادشیرازی به فرماندهی نیروی زمینی ارتش، قرارگاه کربلا با شرکت اساتید دافوس ، عناصر رده مقدم نیروی زمینی و عناصری از فرماندهی سپاه پاسداران تشکیل شد. این قرارگاه هدایت عملیات طریق-القدس را برابر طرح لشکرهای ۱۶ و ۹۲ زرهی به عهده گرفت. پس از آن، طراحی و هدایت عملیات روال بهتری پیدا کرد و در عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس تکمیل شد. هرچند در مراحلی سپاه تلاش می‌کرد نظرات خود را اعمال نماید و در مواردی نیز با موافقت فرماندهی نزاجا به این کار موفق می‌شد، اما کماکان راه کارهای کلی اولیه

و طرح‌ریزی کامل علمی و تهیه دستور عملیاتی با نیروهای ارتش بود و این شیوه تا پایان عملیات رمضان ادامه داشت.

یادآوری می شود به علت آن که دستورات عملیاتی قرارگاه کربلا با عنوان «قرارگاه مشترک ارتش و سپاه» نوشته و منتشر می‌شد و فرمانده نزاجا و سپاه آن را امضا می-کردند از این‌رو عملیات مشترک به جای عملیات ادغامی مصطلح شد. گرچه با عملیات مشترک آئین‌نامه‌ای همان‌طور که گفته شد متفاوت است.

۴- علاوه بر صدور دستور عملیاتی از طریق قرارگاه مقدم نیروی زمینی به کلیه یگان‌های ارتشی و سپاهی، دستور عملیاتی جداگانه‌ای نیز از طریق سپاه پاسداران به یگان‌های تابعه سپاه ارسال می‌شد که در آن وظیفه یگان‌های سپاه گنجانده می‌شد.

۵- طرح‌ریزی در سطح لشکرها و تیپ‌ها توسط ستاد نیروهای ارتشی با هماهنگی شفاهی فرماندهان سپاه انجام می‌شد. در رده لشکرها و تیپ‌های سپاه طرح و دستور کتبی مشاهده نشده است.

۶- طرح‌ریزی در سطح گردان‌های ارتش و سپاه به صورت حضوری بر مبنای طرح‌های قرارگاه رده بالاتر (لشکر و تیپ) هماهنگ شده و به رده‌های تابعه ابلاغ می-شد.

۷- اجرای عملیات آفندی ادغامی برابر طرح‌های ابلاغ‌شده انجام می‌گرفت، ولی هدایت و فرماندهی در یگان‌های سپاهی با سپاه و در یگان‌های نظامی با فرماندهان ارتش بود، البته در رده گردان‌ها کمتر اثری از ادغام دیده می‌شد.

طراحی عملیات آفندی بعد از عملیات رمضان

۱- بعد از پیروزی‌های بدست‌آمده، سپاه پاسداران با احساس رسیدن به بلوغ عملیاتی از طرح‌ریزی تا اجرا و هدایت عملیات تلاش می‌نمود با انتخاب منطقه عملیات و تعیین شکل کلی مانور طراحی عملیات را عهده‌دار شود. در این مرحله ارتش تلاش می‌کرد نقاط ضعف طرح‌ها را با دیدگاه‌های اصولی گوشزد می‌کرد، ولی

در نهایت ارتش طبق طرح مشترک (مورد توافق یا تعدیل‌شده) در عملیات شرکت می‌کرد.

۲- سپاه پاسداران در سال سوم جنگ خواهان اجرای عملیات مستقل، البته با در اختیار گرفتن بخشی از تجهیزات ارتش (توپخانه، هوانیروز، پدافند و نیروی هوایی) گردید. سپاه در این مرحله تلاش می‌کرد تأیید و حمایت فرماندهی جنگ را برای زیر امر گرفتن یگان‌های ارتش به دست آورد و بر فرماندهان لشکر و تیپ‌های ارتش تسلط عملیاتی و فرماندهی پیدا کند.

۳- از سال چهارم جنگ به بعد سپاه خواهان عملیات مستقل با جدایی محورها و مناطق عملیاتی شد. بدین ترتیب، ترکیب مقدس اولیه، جای خود را به پشتیبانی‌های آتش زمینی، هوایی و پدافند هوایی ارتش به نیروهای سپاه داد. در پاره‌ای موارد نیز یگان‌های پیاده ارتش در تقویت از مانور زمینی سپاه و یا در احتیاط عملیات سپاه قرار می‌گرفتند و این وضعیت تا پایان جنگ ادامه داشت.

٤- سپاه در بعضی از عملیات مستقل آفندی، تعدادی یگان رزمی ارتش (پیاده و زرهی) را تحت امر می گرفت، لکن از یگان‌های رزمی تازه‌تأسیس خود در تلاش اصلی و از یگان‌های رزمی ارتش در تلاش پشتیبانی و از یگان‌های پشتیبانی رزمی ارتش (آتش توپخانه، هوانیروز، نیروی هوایی و پدافند هوایی) استفاده می‌کرد، این یگان‌ها نقش اساسی و محوری در پشتیبانی از عملیات را به عهده داشتند.

طراحی عملیات پدافندی

سپاه از سال پنجم ناگزیر پدافند بعضی از مناطق عملیاتی را به عهده گرفت و البته بعداً عنوان نمود همین امر باعث کاهش توان آفندی آنان شده است. نیروهای ارتشی همواره مأموریت پدافند و آفند را به عهده داشتند، البته بعضاً نیز با تقویت نیروهای سپاهی در خط پدافندی مستقر بودند.

در مواردی که سپاه مبادرت به طراحی و اجرای عملیات آفندی به طور مستقل می‌کرد، در آن منطقه یگان‌های ارتشی را تعویض و در خط پدافندی مستقر می‌گردید و

پس از عملیات، پدافند از مناطق تصرف‌شده را به ارتش واگذارمی کرد، مانند جزایر مجنون، والفجر۹ و... دلیل عمده چنین اقدامی عبارت بود از:

۱- یگان‌های سپاه از کمیت نیروی انسانی بسیجیان مخلص بهره‌مند بودند.

۲- بسیجیان دارای شور وشوق و روحیه شهادت‌طلبی آفندی بوده، ولی از صبر و حوصله و استمرار ماندگاری در خطوط پدافندی و دادن ضایعات و تلفات، بدون مشاهده پیروزی و تصرف مواضع دشمن برخوردار نبودند.

۳- بسیجیان شهادت‌طلب، مشتاق و آرزومند پیروزی یا شهادت در فاصله زمانی (۲ یا ۳ ماهه) اعزام به جبهه بودند، در غیر این صورت باید به موطن و مشاغل خود باز می‌گشتند تا در عملیات بعدی با فراخوان مجدد به همین نحو شرکت کنند.

٤- در مقابل سربازان از روحیه استمرار و مداومت مقاومت در خطوط پدافندی برخوردار بوده و الزاماً خلأ بسیجیان را پر می‌کردند.

ارزیابی طراحی مشترک

معایب

۱- نابرابری دانش و تخصص نظامی ارتش و سپاه موجب صرف وقت برای ایجاد درک متقابل شده و لذا صبر و حوصله بیشتر ارتشیان در متقاعد کردن سپاهیان ضرورت داشت؛

۲- عدم استفاده از ماهیت اصلی یگان‌ها: مثلاً بکارگیری تیپ نوهد و یگان‌های تکاور در عملیات آفندی و پدافندی مانند یگان پیاده نظام؛

۳- بی‌توجهی به نیازهای کاربرد زرهی، مثلاً داشتن برتری هوائی؛

٤- عدم پیش‌بینی امکانات ترابری برای جابه‌جایی سریع نیرو، پای کار آوردن بموقع احتیاط، جابه‌جایی سریع توپخانه؛

٥- مشکلات کنترل و فرماندهی (وحدت فرماندهی)؛

٦- مغایرت نظام آماد و پشتیبانی ارتش و سپاه.

محاسن

۱- افزایش بینش و دانش عملیاتی در فرماندهان جوان؛

۲- بهره‌مندی از جسارت و پویایی در کسب اطلاعات تاکتیکی از دشمن توسط عناصر اطلاعات و عملیات سپاه؛

۳- جسارت در ارائه ایده‌های عملیاتی و قبول مباحثات عملیاتی طولانی و فشرده؛

٤- توجه و تمرکز به دفع تجاوز دشمن علی‌رغم تفاوت نگرش‌ها، افکار، روحیه و دانش در نیروها؛

۵- تعامل دانش و آگاهی تخصصی، بالا رفتن انگیزه، نشاط و پویایی و دمیده شدن روحیه شهادت‌طلبی به دلیل حضور بسیجیان عزیز در کلیه یگان‌های ارتش و سپاه پاسداران؛

٦- رفع اختلافاتی که دشمن امید به افزایش و عمیق‌تر شدن آنها داشت، به ویژه تا سال چهارم جنگ.

تجربیات

در جنگ تحمیلی حقایق زیر عملاً اثبات شد، گرچه در مواردی برای حصول این تجربیات هزینه‌های گزافی پرداخت شده است.

۱- دیپلماسی قوی و کارآمد و همچنین داشتن دکترین و استراتژی نظامی مشخص و پیش‌بینی شده می‌تواند از وقوع جنگ جلوگیری کند.

۲- ارتقاء دانش و تخصص نظامی در فرماندهان نظامی از واجبات است.

۳- لزوم به‌کارگیری علم و تکنولوژی در جنگ، متناسب با تهدیدات؛

٤- صحنه جنگ با دشمن با صحنه خیزش‌های دوران انقلاب متفاوت است. ایستادگی و شهادت‌طلبی انقلابی همراه با مقاومت عالمانه، طراحی، برنامه‌ریزی صحیح و سازمان‌دهی‌شده مستمر نیروها از ضروریات جنگ است و در این صورت عملیات‌ها، نتیجه‌بخش است.

۵- انجام رزمایش‌های حقیقی با شرایط جنگی در زمان صلح به ویژه برای عملیات مشترک و ادغامی و بالأخص در زمینه فرماندهی و کنترل ضرورتی انکارناپذیر است.

٦- عدم مداومت منابع اقتصادی در پشتیبانی از جنگ، رسیدن به اهداف را با مشکل اساسی مواجه ساخته و یا غیرممکن می‌کند.

۷- احساسات ملی و مذهبی، شور، انگیزه، روحیه ایثار و شهادت چنانچه با تعقل، علم، تدبیر و حکمت همراه باشد علاوه بر حصول پیروزی هزینه‌های انسانی را کاهش می دهد.

۸- به کارگیری دیپلماسی خردگرای فعال در سطح بین‌المللی همراه با قدرت و عمل نظامی در جنگ لازم و ملزوم یکدیگرند.

۹- خودکفائی و استقلال در تهیه تجهیزات و تسلیحات نظامی به ویژه در پدافند هوایی و موشک‌های دوربرد و قدرت آتش و تحرک بالا از ضروریات برای استمرار عملیات و حصول پیروزی است.

۱۰- داشتن دوست و یا دوستان استراتژیک قدرتمند از لحاظ سیاسی و کمک‌های تجهیزاتی می‌تواند هزینه‌های مختلف مادی و معنوی جنگ را کاهش دهد.

۱۱- ایثارگری مستمر در صحنه نبرد و ایستادگی ملی زمانی حاصل می گردد که با تهیه و تولید تجهیزات پیشرفته نظامی به ویژه بومی و توزیع بموقع آن همراه باشد، تا کفایت در توانایی رزمی و ایستادگی ملی حاصل شود.

۱۲- بزرگترین عامل وحدت، قدرت روحی و میل جنگجوئی رزمندگان همانا رهبری ولایت فقیه می باشد.

۱۳- بایستی حداکثر بهره‌مندی از بسیجیان جان برکف و عاشورائی در عملیات آفندی به عمل آمده و در عملیات پدافندی ثابت به دلیل استمرار عملیات و کاهش شور و تحرک از حداقل استعداد نیروی انسانی بسیج مگر به ضرورت استفاده کرد.

۱۴- آموزش مستمر و برنامه‌ریزی شده برای بسیج در سازمان‌دهی و کاربرد همراه با رزمایش‌های علمی و عملی در زمان صلح (وجود بسیجی آموزش‌دیده و تمرین کرده) به تقلیل تلفات و ضایعات این نیروی انسانی ارزشمند در زمان جنگ کمک شایانی خواهد کرد.

۱۵- چنانچه به یگان‌های ارتشی نیز نیروی بسیجی آموزش دیده واگذار شود، انگیزه و میل جنگجوئی یگان‌ها به ویژه سربازان وظیفه افزایش چشمگیر خواهد داشت.

چگونگی فرماندهی عملیات مشترک در یگان‌های پیاده نظام

۱- در قرارگاه‌های تیپی هدایت عملیات با فرماندهان ارتش و سپاه پاسداران به طور مشترک قرار داشت و در موارد بسیاری عملاً به طور مستقل انجام می‌شد.

۲- فرماندهی در رده‌های گردان در بعضی از عملیات‌ها به علت دستورات متفاوت با مشکلاتی مواجه می‌شد. علی‌رغم آنکه بعضاً دستور داده شده بود که فرماندهی با فرمانده گردان ارتش و معاونت با فرمانده گردان سپاه (در بعضی موارد هم بالعکس) باشد، ولی فرمانده گردان سپاهی و ارتشی هرکدام تلاش در بکارگیری و تسلط بر یگان دیگری داشتند، اما در نهایت هر فرمانده گردان عملاً یگان خود را هدایت می‌کرد.

۳- در سطح پایین‌تر فرماندهان گروهان ارتش و سپاه با همکاری کامل به فکر پیشرفت و موفقیت عملیات بودند. درواقع می‌خواستند از روحیه خط‌شکنی نیروهای بسیج و تجهیزات و تخصص نیروهای ارتش استفاده مطلوب کنند.

ارزیابی فرماندهی مشترک

نقاط ضعف

۱- عدم تطابق فکری عناصر ارتشی و سپاهی، به خصوص از سال سوم جنگ به بعد؛

۲- یکسان نبودن دانش و تخصص نظامی عناصر ارتش و سپاه و تأثیر منفی آن در بینش فرماندهی؛

۳- عدم روحیه همکاری و رسیدن به تفاهم به علت تغییر نگرش (یک امر مداوم نبود)؛

٤- یکسان نبودن استعداد سازمانی یگان‌های ارتش و سپاه؛

۵- نبود ستاد کارآمد در یگان‌های سپاه؛

٦- عدم همپایی دانش نظامی با روحیه ایثار و شهادت‌طلبی در سپاه و بسیج، در مواردی تأثیر منفی بر تصمیم‌گیری‌های عملیاتی (تاکتیکی و راهبردی) داشت و گاه بالإجبار به انجام عملیاتی خلاف اصول کلاسیک منجر می‌شد.

۷- در مواردی (گرچه به ندرت) احتیاط علمی بیشتر فرماندهان آجا برای کاهش تلفات در یگان‌های ارتشی و عدم تطابق روحیه شهادت‌طلبی در قشر وظیفه نسبت به یگان‌های سپاه و بسیج مشکلاتی را در فرماندهی و یا انجام عملیات جسورانه باعث می شد.

۸- ضعف برقراری چانل های مخابراتی (آمادی ، آتش ، فرماندهی)؛

۹- عدم توانایی استفاده از آتش‌های پشتیبانی برابر طرح آتش تهیه شده به علت ضعف در آموزش همکاری رسته‌ها در نیروهای بسیجی؛

۱۰- ابراز منیّت پس از هر پیروزی؛

۱۱- عدم وحدت فرماندهی در بعضی یگان‌های عملیاتی.

نقاط قوت

۱- تعالی سپاه در کسب تخصص و دانش نظامی و پی‌بردن به اهمیت آن.

۲- هماهنگی تدریجی در قرارگاه‌های عمده، لشکرها و تیپ‌ها.

۳- ایجاد انگیزه رقابت مفید در نیروهای ارتش و سپاه.

٤- آگاهی از ارزش تعاون، وحدت و همدلی.

۵- تلاش در نزدیک کردن نگرش‌ها.

٦- افزایش استعداد و توان رزمی برای غلبه بر دشمن.

۷- تقویت و گسترش فرهنگ حماسه ایثار عاشورایی در سراسر جبهه‌ها توسط بسیج که پیروزی‌های فراوانی را باعث شد.

۸- واگذاری غنائم جنگی در جهت کاهش محدودیت آمادی (عمدتاً برای سپاه)؛

۹- بهره‌مندی از روحیه جسارت و شهادت‌طلبی همراه با هوشمندی عناصر اطلاعاتی سپاه و همین‌طور تشکیل گروه پشتیبانی اطلاعات رزمی و یگان های شناسایی ورزیده و شجاع در ارتش.

ابتکارات

۱- حداکثر بهره‌برداری از توان فکری، فیزیکی عناصر سپاهی و ارتشی و جهاد سازندگی؛

۲- بکارگیری نیروهای خط شکن و شهادت‌طلب بسیج در عبور از میادین مین و موانع دشمن و باز کردن معابر برای نفوذ به خطوط مقدم دشمن؛

۳- بکارگیری عناصر اطلاعاتی جسور سپاه برای کسب اخبار از زمین و دشمن. اخباری که روی نقشه و عکس هوایی نیز مخفی می‌ماند.

٤- حفر تونل زیرزمینی برای عبور از میادین مین دشمن توسط عناصر غیرنظامی داوطلب؛

۵- عبور از رودخانه‌ها با طناب و چوب با وسیله‌ای به نام کلک (نوعی وسیله شناور بر روی آب)، نقاله به منظور توسعه سرپل‌ها؛

٦- اقدامات ابتکاری جهاد سازندگی در احداث جاده (مثل جاده رملی)، پل (مثل پل خیبر) و مواضع به ویژه مواضع پیش‌ساخته تعجیلی؛

۷- آماده به کار نمودن جنگ افزارها و امکانات و وسایل فرسوده و از رده خارج که در انبارها نگهداری می شد.

۸- جلب همکاری روحانیون در جهت برقراری وتقویت انضباط و ارتقاء روحیه ایثار و شهادت؛

۹- برنامه ریزی برای کنترل مصرف مهمات و صرفه جویی های لازم؛

۱۰- تشکیل قرارگاه‌های تاکتیکی و قرارگاه‌های مقدم مشترک و مستقل در منطقه عملیات؛

۱۱- افزایش توان رزمی با تشکیل یگان‌های جدید در طول جنگ، البته بر اساس اصول شناخته‌شده نظامی؛

۱۲- ارائه آموزش به طور نامحسوس در جلسات ستادی قرارگاه‌ها به صورت استاد شاگردی به برادران سپاه و ارتشیانی که دوره دافوس را طی نکرده بودند.

۱۳- تشکیل مجتمع آموزشی توسط لشکرهای ارتش در منطقه عملیاتی به منظور ارتقاء سطح آموزش سربازان جدیدالتحویل و تربیت درجه‌دار وظیفه؛

۱٤- بکارگیری تیپ دانشجویان دانشگاه افسری در دو ماه اول جنگ در خرمشهر؛

۱۵- سازمان‌دهی دو گردان پیاده سبک از مرکز پیاده شیراز (گد ۱۹۱) و مرکز آموزش کرمان (گد ۸۹۲) به طور موقت در سال اول جنگ و اعزام آنان به جبهه.

تجربیات

ارتش و سپاه تجربیات زیادی را در جنگ به دست آوردند. مسلماً تجربه حاصله سپاه در جنگ تحمیلی بیش از تجربه ارتش بود. این تجربیات عبارتند از:

۱- سپاه با هر آنچه آشنا می‌شد، برایش تازگی داشت و از آن بهره آموزشی و عملیاتی می‌گرفت. این امر می‌توانست به رشد تفکر منطقی در طراحی و سازمان‌دهی سپاه کمک کند.

۲- ارتش با دارا بودن تجربه ۵۰ ساله برای اولین بار، تجربه جدیدی در همکاری با یک نیروی انقلابی کسب کرد.

۳- ارتقاء کیفیت سامانه اطلاعات رزمی ارتش (گپار، ارکان دوم، گشتی‌ها، دیده-بان‌ها و عکس‌های هوایی) در همکاری و استفاده از عناصر اطلاعات رزمی سپاه به ویژه در سال اول جنگ.

٤- چگونگی بکارگیری نیروهای غیرنظامی به صورت ادغامی با نیروهای پیاده نظام ارتش.

۵- افزایش استعداد سازمانی یگان‌های پیاده با امکانات موجود مانند تبدیل تیپ-های مستقل به لشکر، تشکیل تیپ‌های چهارم لشکری، افزایش استعداد پرسنلی گردان-ها (تقریباً ۱۲۰۰ نفر) و هم‌چنین تشکیل یگان‌های آتش با خط سیر منحنی در گردان در حد یک گروهان خمپاره انداز.

٦- کاربرد سلاحهای ضدهوایی در خطوط مقدم پدافندی توسط یگان‌های پیاده نظام؛

۷- استقرار مواضع تیر یگان‌های توپخانه در نزدیک‌ترین فاصله به خط مقدم یگان‌های پیاده به منظور استفاده از برد بیشتر در حداقل زمان.

برش تاکتیکی در طراحی‌ها

از سال دوم تا سال چهارم جنگ قرارگاه عملیاتی کربلا (قرارگاه مشترک ارتش و سپاه) و از سال چهارم تا پایان جنگ قرارگاه خاتم‌الانبیاء در مواردی وظیفه تعیین برش تاکتیکی و در مواردی بیشتر برش استراتژیکی را باتوجه به مأموریت، منطقه عملیات، نیروی دشمن و توان خودی به شرح زیر به عهده داشت.

۱- برش تاکتیکی در عملیات مشترک (ادغامی) آفندی: در قرارگاه‌های مشترک لشکری (ارتش و سپاه)، که برحسب مورد تشکیل می‌گردید، برش لازم داده می‌شد. این امر فقط در جهت تقویت توان رزمی قرارگاه عمل‌کننده بود، ولی به هیچ‌وجه مستلزم تابعیت عملیاتی یگان‌ها نبوده و هریک ضمن انجام عملیات به صورت ادغامی، در تابعیت سلسله مراتب ارتشی یا سپاهی خود بودند. ولی چنانچه برش تاکتیکی در واحدهای ارتشی انجام می‌شد، یگان برش داده شده در تابعیت عملیاتی یگان جدید قرار می‌گرفت.

۲- برش تاکتیکی در عملیات مستقل آفندی:

الف) در عملیاتی که ارتش به طور مستقل انجام می‌داد، به ندرت یگان سپاهی به قرارگاه مستقل عملیاتی ارتش اختصاص داده می‌شد و در چند مورد یگان‌های سپاه

عملاً در منطقه عملیات حضور نیافته و عملیات انجام نشد، مانند عملیات کمیل و والفجر۱.

ب) در عملیاتی که سپاه به طور مستقل انجام می‌داد، یگان‌هایی از ارتش (نیروی زمینی، هوایی، دریایی و پدافند هوایی) به قرارگاه عمل‌کننده سپاه اختصاص داده می‌شد و در تابعیت عملیاتی قرارگاه سپاه قرار می‌گرفت، مانند عملیات والفجر۸، کربلا٤، کربلا۵ و کربلا۸.

۳- برش تاکتیکی در عملیات پدافندی

به طور کلی در عملیات پدافندی برش تاکتیکی به مفهوم تقویت یگان‌های ارتش توسط یگان‌های سپاه انجام نمی‌شد. اگرچنین تقویتی انجام می‌شد یگان سپاه در خاکریز جداگانه‌ای مستقر می‌شد و در موارد ویژه که لازمه آن واگذاری بخشی از منطقه پدافندی به سپاه بود، یگان‌های ارتشی از خط پدافندی خارج و در محل دیگری به کار گرفته می‌شدند.

سازمان‌دهی رزم در طراحی‌ها

۱- سازمان رزم در آفند

الف) به طور کلی نیروهای مردمی اعم از بسیجی و سپاهی که در قالب سپاه پاسداران قرار داشتند، حضور در سازمان رزم در عملیات مشترک (ادغامی) را به معنای قرار گرفتن تحت امر (کنترل عملیاتی) ارتش تلقی می‌کردند. آنان خواهان استقلال عمل بودند و در نهایت به شرطی حاضر به انجام عملیات به صورت ادغامی در کنار ارتش بودند که در کنترل فرماندهی سپاهی و بسیجی خود باقی بمانند.

ب) ارتش در سال اول جنگ بنا به تدبیر و دستور رئیس‌جمهور وقت نمی‌توانست توجه اساسی و پایه‌ای به نیروهای مردمی داشته باشد و آنان را در سازمان رزمی منظور نمی‌کرد. اما گروه‌هایی از این‌گونه نیروها مانند گروه جنگ‌های نامنظم شهید دکتر چمران و یا گمجن عشایری و غیره که شاکله اصلی آن را ارتشیان شاغل، مستعفی و

داوطلب تشکیل می‌دادند در بخشی از مناطق به کار گرفته شده و حتی در عملیات آفندی شرکت می‌کردند و در پاره‌ای موارد بسیار مؤثر بودند؛ مانند عملیات الله‌اکبر.

ج) در عملیات ثامن‌الائمه نیروهای سپاه به صورت گردان در سازمان رزم طرح عملیاتی لشکر۷۷ پیاده منظور شدند که به معنای کنترل عملیاتی بودن آنها در تیپ‌های سه‌گانه لشکر مزبور بود، ولی عملاً فرماندهان تیپ‌های لشکر کنترلی بر آنها نداشتند و سپاه اساساً منکر چنین کنترلی می‌باشد. ولی فرماندهان سپاه در اظهارات مکتوب و شفاهی حضور یگان‌های سپاه را به صورت مستقل و در کنار ارتش عنوان می کنند.

د) بعد از انتصاب شهید صیادشیرازی و آغاز دوران راهبرد ترکیب مقدس، قرارگاه-های مشترکی در زیرمجموعه قرارگاه‌های عمل‌کننده به وجود آمد. فرماندهان این‌گونه قرارگاه‌ها به عنوان «همتا» نامیده می شدند. هماهنگی بین فرماندهان تیپ به بالا تا حدودی به وجود آمد، ولی همان طور که قبلاً گفته شد یگان‌های سپاهی و ارتشی هریک تحت فرماندهی سلسله مراتب خود بودند.

هـ) قرارگاه کربلا در عملیات‌های مشترک (ادغامی) با قرارگاه یک لشکر ارتشی و عناصری از سپاه پاسداران یک قرارگاه عملیاتی تشکیل می‌داد، مانند قرارگاه نصر، قرارگاه فتح، قرارگاه قائم. یگان‌های ارتش و سپاه در سازمان رزم این‌گونه قرارگاه‌ها منظور می‌شدند ولی به طور کلی تبعیت عملیاتی از یکدیگر نداشتند. البته در مواردی تبعیت‌هایی دیده می‌شد که بستگی به میزان تفاهم فرماندهان یگان‌ها با یکدیگر داشت.

۲- سازمان رزم در پدافند

سازماندهی رزم در پدافند تا پایان جنگ به عهده نیروهای ارتشی و برابر آئین‌نامه-های عملیاتی انجام می‌شد، به استثنای مناطقی که سپاه پاسداران مسئولیت پدافندی را به عهده می‌گرفت.

تناسب و هم‌خوانی برش تاکتیکی و سازمان رزم با ماهیت و ساختار یگان

یکی از عوامل عمده در برش تاکتیکی و سازمان رزم تناسب و هم‌خوانی ساختار و ماهیت یگان‌های عمل‌کننده با مأموریت می باشد. با توجه به ساختار و ماهیت یگان-های عمل‌کننده در نظر گرفتن این تناسب در جنگ تحمیلی با مشکلاتی مواجه بود.

ساختار و ماهیت یگان‌های عملیاتی ارتش و سپاه

در جنگ هشت‌ساله کاربرد کلیه یگان‌ها ماهیتی پیاده نظام داشت و به تدریج با توجه به نوع عملکرد سپاه، که با بهره‌مندی در بسیج دارای یگان های پیاده سبک بود، شکل پیاده نظام قالب کلی جنگ را تشکیل داد و به همین علت است که حداکثر برد و عمق پیشروی ما در جنگ از ۲۰ تا ۲۵ کیلومتر تجاوز نکرد.

در چنین وضعیتی سازمان رزم در عملیات آفندی و پدافندی حالتی یکنواخت داشت و تنها افزایش توان رزمی از نظر استعداد پرسنلی، قدرت آتش و سیستم‌های آماد و پشتیبانی در برش‌های تاکتیکی و سازمان رزم مورد توجه قرار می گرفت.

۱- یگان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

از آنجایی که یگان‌های سپاه همواره دارای ماهیت پیاده نظام بودند، لذا برای انجام عملیات آفندی فقط برای مدت و عمق محدود متناسب بودند.

سپاه فاقد یگان زرهی و مکانیزه سازمانی بود. از عملیات ثامن‌الائمه به بعد با استفاده از تجهیزات غنیمتی (زرهی و توپخانه) بدست آمده از عراق و یا زیر امر گرفتن واحدهای توپخانه و زرهی ارتش سازمان رزم خود را تشکیل می‌داد. کاربرد یگان‌های مأمور به سپاه، بستگی به شکل و روش خاص مورد نظر سپاه داشت و در هر عملیات متفاوت بود.

۲- یگان‌های پیاده نظام ارتش

ساختار پیاده نظام ارتش دارای ماهیتی بود که برای انجام انواع مأموریت‌ها در عملیات منظم (آفند، پدافند، حرکات به عقب) و نامنظم مناسب بود. این یگان‌ها در صورت بازسازی مستمر و تقویت برای مدت نامحدود قادر به ادامه عملیات بودند.

یگان‌های پیاده نظام عنصر مؤثر در سازمان‌دهی رزم بودند که قبلاً به شرح این یگان‌ها پرداخته شده است.

۳- یگان‌های پیاده مکانیزه ارتش

یگان‌های پیاده مکانیزه دارای ماهیت و ساختار یگان‌های پیاده می‌باشند و قادرند در مأموریت‌های مختلف مانند یگان‌های پیاده نظام شرکت کنند. در آغاز جنگ تحمیلی کمتر از ۲۰٪ یگان‌های مکانیزه از نظر تجهیزات به ویژه خودروی زرهی تکمیل شده بود، لذا همانند یگان‌های پیاده در سازمان رزم منظور می‌شدند.

۴- یگان‌های زرهی ارتش

یگان‌های زرهی از ساختاری برخوردارند که ماهیت و مأموریت ذاتی آنان شرکت در انواع مأموریت‌های آفندی (تک هماهنگ شده، استفاده از موفقیت، تعاقب) با استفاده از تحرک، آتش و ضربت می‌باشد.

یگان‌های زرهی ارتش در ابتدای جنگ تحمیلی با مشکلات نیروی انسانی و نیازهای تعمیراتی روبه‌رو بودند. در طول جنگ نیز محدودیت در جایگزینی تانک‌ها و تجهیزات آنان تشدید شد؛ به طوری که از سال سوم به بعد تا حدود زیادی عملاً ماهیت پیاده نظام پیدا کردند و به دلیل محدودیت‌ها، کمتر توانستند در عملیات آفندی از ماهیت زرهی (تحرک، آتش، ضربت) استفاده نمایند. لذا در مأموریت‌های پدافندی به صورت پیاده نظام و در بیشتر موارد عملاً نقش پشتیبانی آتش را برای پیاده نظام ایفا - کردند.

۵- یگان‌های ویژه

الف) تیپ ۵۵ پیاده هوابرد: در جنگ تحمیلی به علت عمق کم هدف در عملیات آفندی، ضعف کسب برتری هوایی و نامناسب بودن شرایط میدان نبرد امکان استفاده از عملیات هوابرد وجود نداشت، لذا این یگان نیز به علت کمبود وسایل ترابری هوایی و سایر محدودیت‌های عملیاتی و استراتژیکی نتوانست در مأموریت ذاتی خود شرکت

کند. لذا ساختار و ماهیت ویژه، مانند یگان‌های پیاده نظام با تحرک زمینی در عملیات آفندی و پدافندی از شمال تا جنوب و با عملکرد بسیار خوب شرکت داشت.

ب) نیروهای ویژه هوابرد (نوهد) و تکاور:

۱- اصولاً بکارگیری نیروهای ویژه هوابرد (نوهد) در عملیات منظم صحیح نمی‌باشد؛ ولی ضرورت‌های پیش‌بینی نشده و کمبودها این الزام غیراصولی را باعث می شد. نیروهای ویژه هوابرد (نوهد) علاوه بر عملیات ویژه در منطقه کردستان در سایر مناطق مانند پیاده نظام در عملیات آفندی شرکت می‌کردند.

۲- نیروهای تکاور صرفاً مانند یگان‌های پیاده نظام در عملیات آفندی و پدافندی شرکت داشتند.

فرآیند تهیه طرح‌های عملیاتی

وظیفه ستاد مشترک ارتش تبین ماموریت، تهیه طرح‌های عملیاتی و نظارت بر اجرای آن می باشد، ولی در جنگ تحمیلی به ویژه پس از تشکیل قرارگاه کربلا (در سال دوم) و قرارگاه خاتم‌الانبیاء (در سال چهارم) این وظیفه به عهده آنان واگذار و ستاد مشترک ارتش عملاً کنار گذاشته شده بود و در بیشتر موارد نظرات آن ستاد به صورت توصیه و راهنمایی‌های کلی ابلاغ می‌گردید. البته در زمان ریاست شهید فلاحی با حضور ایشان در جنگ، عمدتاً جبهه مرکزی در خوزستان توسط ایشان اداره می‌شد و پس از عزل ابوالحسن بنی‌صدر، اولین رئیس جمهوری اسلامی ایران از مقام فرماندهی کل قوا، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره) طی حکمی به شرح زیر اختیارات فرماندهی کل قوا را به سرلشکر فلاحی تفویض کردند:

بسم الله الرحمن الرحیم

تیمسار ولی فلاحی، جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلام ایران

تا تعیین تکلیف جانشین فرماندهی نیروهای مسلح، ستاد مشترک مجاز است با استفاده از اختیارات مقام رهبری، مأموریت‌های محوله را انجام دهید.

روح‌الله الموسوی الخمینی – ۶۰/۳/۲۱

۱- قرارگاه کربلا (مشترک ارتش و سپاه)

در جلسات مشترک، فرماندهی نزاجا و فرماندهی سپاه، نوع مأموریت و منطقه عملیات را تعیین و پس از تصویب شورای عالی دفاع به ستاد قرارگاه کربلا ابلاغ می‌کردند. ستاد قرارگاه پس از دریافت مأموریت با استفاده از روش‌های علمی نسبت به تهیه طرح کلی اقدام و در جلسات مشترک مأموریت و طرح کلی به فرماندهان قرارگاه‌های تابعه ابلاغ می‌شد. عناصر ستادی قرارگاه بر فعالیت قرارگاه‌های لشکری نظارت و اطلاعات تکمیلی را به آنان ارائه می‌کردند. عناصر فرماندهی و ستاد قرارگاه کربلا با حضور در قرارگاه‌های لشکری نسبت به طرح‌های تهیه شده یگان‌ها تا رده تیپ توجیه می‌شدند.

۲- قرارگاه مشترک لشکر

قرارگاه‌های لشکر متشکل از عناصر ارتش و سپاه با دریافت آخرین اطلاعات از عناصر اطلاعاتی نسبت به تهیه طرح و ابلاغ به قرارگاه‌های تیپی اقدام و ترتیب ذکرشده در قرارگاه کربلا را دنبال می‌کردند.

۳- قرارگاه مشترک در سطح تیپ

هریک از قرارگاه‌های تیپی ارتش و سپاه باتوجه به مأموریت واگذاری به طور جداگانه شناسایی‌ها را معمول و به طور هماهنگ طرح‌ها را تهیه و مأموریت یگان‌های تابعه (منطقه و محورهای عملیاتی) را مشخص و به آنان ابلاغ می‌کردند. عناصر فرماندهی و ستاد قرارگاه تیپ فعالیت گردان‌های تابعه را برای تهیه طرح مانور و آتش، هدایت و با حضور در خط مقدم و دیدگاه‌های گردان از درک صحیح مأموریت و آمادگی آنان اطمینان حاصل می‌کردند. عناصر ستادی تیپ همواره در خط مقدم، بر فعالیت و چگونگی آماده شدن گروهان‌ها و حتی دسته‌های مانوری نظارت و از استقرار عناصر آتش پشتیبانی مطمئن می‌شدند.

قرارگاه‌های تیپی پس از تکمیل طرح نسبت به تهیه طرح و ارسال به قرارگاه مشترک لشکری اقدام کرده و نظریات و نیازمندی‌های خود را ارسال می‌داشتند.

فرماندهان تیپ ارتش و سپاه هرگونه اختلافی در سازمان رزم، منطقه و محور عملیات، مانور، آتش پشتیبانی و سایر پشتیبانی‌ها را با مراجعه به قرارگاه رده بالاتر برطرف می‌کردند.

۴- تصویب طرح

هریک از قرارگاه‌های مشترک تیپی، لشکری پس از تکمیل طرح (با استفاده از طرح‌های هماهنگ‌شده یگان‌های تابعه) آن را به رده بالاتر ارسال و در نهایت به قرارگاه کربلا جهت بررسی نهایی و تصویب ارسال می‌داشتند. قرارگاه کربلا پس از بررسی‌های نهایی و هماهنگی‌های لازم با شورای عالی دفاع و توزیع متناسب منابع پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی نسبت به تهیه طرح مشروح و ابلاغ به قرارگاه‌های تابعه اقدام کرد.

هریک از قرارگاه‌ها تا زمان اجرای عملیات و دریافت ساعت «س» روز «ر» نسبت به جابه‌جایی‌های لازم عناصر رزمی، پشتیبانی رزمی، پشتیبانی خدمات رزمی، تشدید فعالیت شناسایی، آموزش و رفع نواقص اقدامات لازم را به عمل می‌آوردند.

بخش پنجم

مقایسه تطبیقی لشکرهای پیاده ارتش و سپاه در جنگ تحمیلی

تطبیق توان رزمی در ارتش و سپاه از نظر استعداد و قابلیت‌ها، وضعیت نیروی انسانی، آماد و پش، انضباط (روحیه، ایمان، میل جنگ‌جویی) و کنترل و فرماندهی در سه مقطع زیر مورد بررسی قرار می گیرد:

مقطع اول سال ۵۹-۵۸ (یک سال قبل از جنگ)

مقطع دوم سال ٦٢-۵۹ (سه سال اول جنگ)

مقطع سوم سال ٦٧-٦٢ (سال چهارم تا سال هشتم جنگ)

وضعیت لشکرهای پیاده و پیاده مکانیزه ارتش

۱- استعداد و قابلیت

الف) سال ۵۹-۵۸ (یک سال قبل از جنگ)

نیروی زمینی ارتش در آغاز جنگ دارای ٤ لشکر پیاده (۳ تیپی) و ٤ تیپ مستقل پیاده بود و توان رزمی یگان‌ها به دلایل مختلف ـ که فرصت طرح آن در این نوشتار نیست ـ در حداقل آمادگی رزمی قرار داشت. در سازمان نیروی زمینی لشکر پیاده مکانیزه وجود نداشت، ولی تیپ‌های مکانیزه در لشکرهای زرهی منظور شده بود که به علت عدم تکمیل تجهیزات (خودروی زرهی) ماهیت پیاده نظام داشته و در تابعیت لشکرهای زرهی قرار داشتند.

ب) سال ٦٢-۵۹ (سه سال اول جنگ)

استعداد یگان‌های پیاده ارتش با تشکیل تیپ‌های چهارم لشکرهای پیاده و تشکیل ۲ تیپ مستقل جدید جمعاً به ٤ لشکر پیاده (٤تیپی) و ٦ تیپ پیاده مستقل افزایش یافت. توان رزمی یگان‌ها با تلاش فرماندهان نسبتاً افزایش یافت و به طبقه ۳ آمادگی رزمی رسید.

ج) سال ۶۷-۶۲ (سال چهارم تا هشتم جنگ)

با تبدیل ٤ تیپ پیاده مستقل به لشکر پیاده و تشکیل ۳ تیپ تکاور و تیپ ٦٥ نوهد استعداد نیروی زمینی به ۸ لشکر پیاده و ٦ تیپ پیاده مستقل افزایش یافت. ضمناً در این سال‌ها حدود ٦۰ گردان قدس به تناوب توسط معاونت احتیاط نزاجا سازمان‌دهی شد که همواره حدود ۲۰ گردان فعال در منطقه به ویژه در منطقه شمال‌غرب در پدافند داخلی شرکت داشتند. علاوه بر آن تعدادی گردان‌های موسوم به سری ۷۰۰ در لشکرها سازمان‌دهی شدند. یگان‌های جدید با برداشت از موجودی لشکرها و تیپ‌های پیاده تشکیل می‌شد. لذا به استثنای افزایش تعدد یگان در مجموع توان رزمی یگان‌های پیاده تغییر عمده‌ای نداشت.

به طور کلی تعداد ١٦٠ گردان رزمی پیاده نظام در جنگ سازمان‌دهی و استعداد سازمانی هر گردان پیاده ارتش حدوداً ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ نفر بود.

۲- وضعیت نیروی انسانی و آماد و پش

الف) سال ۵۹-۵۸

لشکرهای پیاده از نظر نیروی انسانی و آماد و پش وضعیت نسبتاً آشفته‌ای داشتند. استعداد نیروی انسانی در اکثر یگان‌ها حدود ۵۰٪ بود.

ب) سال ۶۲-۵۹

با آغاز جنگ تحمیلی و اعلام شرایط جنگی در کشور، تلاش فرماندهان و مسئولین کشور به بسیاری از آشفتگی‌ها خاتمه داد و لشکرهای پیاده تا حدودی از نظر نیروی انسانی و آماد و پش به ویژه تعمیر و نگهداری و تلاش برای خودکفائی در وضعیت بهتری قرار گرفتند.

ج) سال ۶۷-۶۲

در این دوره وضعیت نیروی انسانی و تعمیر و نگهداری یگان‌های پیاده مجدداً تا حدودی به علل زیر تضعیف شد:

۱- بکارگیری یگان‌های سازمانی لشکرها به طور مجزا در مناطق مختلف عملیاتی؛

۲- تشکیل تیپ‌های مستقل جدید و ارتقاء آنان به سطح لشکر؛

۳- تشکیل تیپ چهارم لشکرها با برداشت از سایر تیپ‌ها؛

٤- کسورات پرسنلی ناشی از تلفات رزمی و عدم جایگزینی به ویژه در سطح افسران و متخصصین؛

۵- کمبود فرماندهان متناسب در رده دسته، گروهان و گردان به علت تلفات و عدم جایگزینی؛

٦- کمبود وسایل، تجهیزات و جنگ‌افزار و مهمات به ویژه مهمات ضدتانک و توپخانه با برد بلند؛

۷- ضعف تعمیر و نگهداری به علت کمبود قطعات؛

۸- کاهش اعتبارات؛

۹- طولانی شدن توقف در جبهه (سربازان ۲۰ ماه و نیروهای کادر به طور مداوم)؛

۱۰- در هشت سال دفاع مقدس قریب به ۲۱۷هزار نفر کارکنان پایور با متوسط زمانی شصت ماه و نزدیک به دومیلیون‌وپانصدهزار نفر کارکنان وظیفه با متوسط زمانی ۲۰ ماه در جنگ حضور داشتند.

۳- آموزش

الف) سال ۵۹-۵۸

۱- آموزش انفرادی نیروهای پایور و وظیفه در مراکز آموزشی و یگان‌ها با رکود مواجه شده بود.

۲- دوره‌های طولی و عرضی در مراکز آموزش تخصصی اکثراً تعطیل شده بود.

۳- آموزش یگانی در تمامی سطوح به طور کامل فراموش شده بود.

ب) سال ۶۲-۵۹

۱- آموزش انفرادی نیروهای پایور و وظیفه مجدداً احیا شد.

۲- دوره‌های عرضی کماکان با رکود مواجه بود. لشکرهای پیاده برای جبران آموزش با تشکیل دوره‌های تخصصی به آموزش نیروها پرداختند. هم‌چنین لشکرها با

تشکیل آموزشگاه گروهبانی تعدادی از سربازان منتخب را با آموزش کوتاه‌مدت تربیت و به عنوان کادر درجه‌داری از آنان استفاده می‌کردند.

۳- لشکرها با تشکیل مجتمع آموزشی در منطقه عملیات سربازان جدیدالتحویل از مراکز آموزش را قبل از تقسیم به یگان‌ها، با آموزش تکمیلی برای مشاغل مختلف مورد نیاز آموزش داده و سپس به یگان‌های تابعه اعزام می‌کردند. آموزش‌ها در یگان‌های خط مقدم مستمراً ادامه داشت.

٤- دوره‌های عالی و دافوس مجدداً بازگشائی شد.

۵- دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت برای ارتقاء دانش فرماندهان تا رده گروهان در مناطق عملیاتی توسط بعضی از لشکرها اجرا می‌شد.

٦- علاوه بر آموزش در خطوط مقدم، در بعضی از لشکرها با تعویض یگان‌ها به طور نوبه‌ای و استقرار آنان در منطقه عقب آموزش یگانی به صورت تمرینات رزمی اجرا می‌شد.

ج) سال ۶۷-۶۲

۱- آموزش انفرادی نیروهای پایور و وظیفه در دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی انفرادی و تخصصی هم‌چنان فعال بود.

۲- دوره‌های عرضی و طولی در مراکز آموزشی تخصصی و دافوس پی‌گیری شد.

۳- دوره‌های آموزشی در مراکز لشکرها برای نیروهای پایور و وظیفه برحسب نیاز یگانی ادامه یافت.

٤- آموزش‌های یگانی با گسترش یگان‌ها در مناطق مختلف امکان‌پذیر نبود.

۴- انضباط، روحیه، ایمان، میل جنگ‌جویی

الف) سال ۵۹-۵۸

۱- وضعیت انضباط در یگان‌های پیاده تحت تأثیر بحران‌ها و آشفتگی‌های بعد از انقلاب به پایین‌ترین حدّ خود تنزل کرده و برای احیای مجدد آن و ایجاد انضباط معنوی، به جای انضباط صوری، نیاز به زمان و دوران گذار بود.

۲- روحیه نیروهای انسانی به ویژه نیروهای پایور به علت برخوردهای غیراصولی و بداخلاقی‌ها وضعیت مناسب و ایده‌آلی نداشت.

۳- ایمان و میل انجام وظیفه در نیروهای ارتش در اجرای امر امام راحل و راه حفظ کشور و پشتیبانی از ملت بزرگ ایران هیچ‌گاه با کاهش مواجه نشد و نشانه آن شرکت فعال در بازسازی یگان‌ها و حضور در جبهه‌ها و تقدیم ٤٨٠٠٠ شهید بود.

ب) سال ۶۲-۵۹

۱- وضعیت انضباط در یگان‌های رزمی بالأخص در یگان‌های پیاده به تدریج مستحکم و دستورات برابر مقررات انضباطی اجرا می‌شد.

۲- روحیه نیروهای پرسنلی در تمامی سطوح افزایش یافت.

۳- ایمان و میل جنگ‌جویی نیروهای ارتش با حمایت‌های حضرت امام راحل و با تلاش فرماندهان و درگیر بودن در جنگ در بالا بردن توان رزمی یگان‌ها به گونه‌ای افزایش یافت که تبلور آن را می‌توان در همکاری با سایر نیروها و پیروزی‌های حاصل در این سال‌ها و آخرین پیام حضرت امام (ره) خطاب به نیروی زمینی احساس کرد، ایشان فرمودند:

«نیروی زمینی قهرمان که در حقیقت در تمامی حوادث در نوک پیکان حملات ناجوانمردانه دشمنان بوده است، به حق چهره راستین و شکست ناپذیر و استوار خویش در دفاع از مرزهای غرب و جنوب و شمال‌غرب با آن همه خصوصیات جغرافیایی و با سرما و گرمای طاقت فرسای مناطق، آن هم با کمبودها و محاصره‌ها کار آسانی نبوده است.»[1]

ج) سال ۶۷-۶۲

۱- وضعیت انضباط در یگان‌ها با طولانی شدن جنگ و بروز مشکلات خانوادگی و افزایش نابسامانی‌ها، در رسیدگی به وضعیت آنان از متوسط تا خوب متغیر بود.

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص۳٥٦.

۲- روحیه نیروهای انسانی با تلاش سلسله مراتب و مسئولین در حد خوب بود.

۳- ایمان و میل جنگ‌جویی نیروهای ارتش تا پایان جنگ در حد عالی ارزیابی می‌گردد.

وضعیت یگان‌های پیاده سپاه پاسداران

۱- استعداد، و قابلیت ها

الف) سال ۵۹- ۵۸

اولین گردان‌های پیاده سپاه با آغاز شورش‌های ضدانقلاب در فروردین سال ۱۳۵۹ در پادگان ولیعصر تهران به استعداد ۲ گردان تشکیل گردید و به منطقه کردستان اعزام شدند (گردان۲ به فرماندهی احمد اسلیمی که دارای دو گروهان به فرماندهی شهید موحددانش و برادر سپاهی بختیار بود که در آزادسازی کردستان شرکت داشتند) و سپس در منطقه عملیاتی شمال‌غرب همراه با یگان‌های اعزامی از ارتش نسبت به تأمین امنیت اقدام نمودند. تابعیت این نیروها و سلسله مراتب آنان نامشخص بود و به طور مستقل از یکدیگر عمل می‌کردند.

ب) سال ۶۰-۵۹

۱- با آغاز جنگ تحمیلی، سپاه با الگو گرفتن از ارتش و با کمک افسران ارتش به سازمان‌دهی سپاه برای شرکت در جنگ اقدام کرد

۲- در سال اول جنگ عناصری از نیروهای مردمی، که بعداً به سپاه پیوستند، در گروه‌های ۱۰ الی ۲۰ نفری در نقاط مختلف جبهه به تقویت پاسگاه‌های ژاندارمری و نیروهای ارتش به کار گرفته شدند.

۳- با شکل‌گیری سازمان مرکزی سپاه، اولین گردان‌های رزمی سپاه به فرماندهی برادر رحیم صفوی در ۱۳۶۰/۳/۳۱ در دارخوین تشکیل گردید. استعداد هر گردان حدود ۲۰۰ نفر و مجهز به جنگ‌افزار سبک و فاقد آتش پشتیبانی سازمانی بودند.

ج) سال ۶۲-۶۰

عنوان یگان‌های سپاه پس از عملیات ثامن‌الائمه از سطح گردان به تدریج در عملیات‌های بعدی بدین شرح تغییر کرد.

۱- در عملیات طریق‌القدس گردان‌های سبک تبدیل به تیپ پیاده سپاه شدند و استعداد هر تیپ از ۲ الی ۸ گردان سبک متفاوت بود.

۲- سپاه پاسداران در عملیات فتح‌المبین قرارگاه‌های لشکری را تشکیل داد، ولی عناوین تیپ هم‌چنان باقی ماند و تعداد گردان‌ها در هر تیپ به ۵ تا ۱۰ گردان افزایش یافت.

۳- در عملیات بیت‌المقدس تیپ‌های پیاده سپاه به سازمان لشکر تبدیل و قرارگاه-های لشکری سپاه به قرارگاه سپاه تبدیل شدند.

٤- به طور کلی تعداد ۱۹ لشکر در طول جنگ تحمیلی در سپاه عنوان شده است.[۱]

۵- یگان‌های سپاه در تابعیت سلسله مراتب خود و قرارگاه کربلا قرار داشتند.

٦- سپاه در عملیات طریق‌القدس دارای ٤ تیپ پیاده شد.

۷- در عملیات فتح‌المبین سپاه با ۳ قرارگاه لشکر (فجر، نصر، فتح) شرکت نمود.

۸- در عملیات بیت‌المقدس سپاه با ۳ لشکر (قدس، نصر، فتح) شرکت نمود.

د) سال ۶۷-۶۲

۱- بعد از عملیات خیبر سپاه پاسداران خواستار تشکیل سپاه (هر سپاه ۳ الی ۵ لشکر) شد. فرمانده کل سپاه در یک جلسه خصوصی به فرماندهی نیروی زمینی ارتش اعلام کرد ما سازمان خود را به سپاه ارتقاء داده‌ایم. اکنون شما که دارای سازمان لشکر هستید، بررسی کنید تکلیف روابط فرماندهی مشترک چگونه می‌باشد؟ فرماندهی وقت نیروی زمینی (سپهبد شهید صیاد شیرازی) فی‌الفور اعلام کرد ما هم بلادرنگ نسبت به

---

۱. توضیح اینکه تاکنون هیچ مدرک رسمی از استعداد رسمی یگان‌های سپاه منتشر نشده و اطلاعات فوق بر اساس مشاهدات عینی و اظهارات فرماندهان سپاه می‌باشد.

تشکیل ارتش زمینی (مرکب از ۲ الی ۵ سپاه) در نیروی زمینی ارتش اقدام خواهیم کرد. البته هر دو مورد ارتقاء سازمانی ذکرشده در ارتش و سپاه تا پایان جنگ در جایی ثبت و یا رسماً معمول نگردید.

۲- استعداد نیروی انسانی سپاه به توان بسیج نیروهای مردمی بستگی داشت که از نقاط مختلف کشور به جبهه اعزام می‌شدند و در مجموع کل عناصر پایور سپاهی (در نیروهای سه‌گانه سپاه) در میدان نبرد در طول هشت سال دفاع مقدس بنا به گفته فرماندهان سپاه و محاسبات انجام‌شده در معارف جنگ حداکثر قریب ۲۰ الی ۲۵هزار نفر بوده است.

۳- از عملیات کربلا٤ در سال ٦۵ به بعد سپاه با کاهش نیروهای بسیجی و از طرفی با ضرورت استمرار حضور رزمنده پیاده نظام در جبهه مواجه شد و به ناچار خواستار سهمیه‌ای معادل ٦۰هزار نفر از سربازان وظیفه ارتش شد.

٤- در عملیات کربلا۵ تعداد ٦۸هزار نفر سرباز پاسدار وارد سازمان سپاه شدند (طبق آمار سپاه) که البته بیشتر در کارهای پشتیبانی رزمی به کار گرفته شدند.

۲- چگونگی جذب نیروی انسانی سپاه

نیروهای رزمنده سپاه از طریق بسیج نیروهای داوطلب مردمی تأمین می‌شد. این نیروها در شهرها، شهرستان‌ها و استان‌ها از طریق کمیته‌های جذب نیرو جمع‌آوری می‌شدند. پس از ثبت نام در پایگاه‌های محل اقامت (معمولاً مساجد) به صورت گروهان و گردان سازمان‌دهی و تجهیز شده و به جبهه‌ها اعزام می‌شدند تا در اختیار تیپ‌ها و لشکرهای سپاه منطقه سرزمینی خود قرار گیرند.

هر گروهان پیاده سپاهی از ۱۰۰ نفر و هر گردان حداکثر از ۳۰۰ نفر رزمنده داوطلب و یا بسیجی مجهز به جنگ‌افزار سبک تشکیل می‌شد. این تعداد معادل یک-سوم نفرات یگان‌های مشابه در ارتش بود.

۳- آماد و پشتیبانی سپاه

الف- آماد و پش در نیروهای سپاه از طریق وزارت سپاه با بکارگیری امکانات کلیه استان‌های اعزام‌کننده نیرو و امکانات کشور وتجار بازار در قالب پشتیبانی بسیج و کمک‌های مردمی تأمین می‌گردید. فرماندهان سپاه هیچ‌گاه دغدغه امور آماد و پش، اقدامات پرسنلی، بهداشتی و درمان را نداشتند و بیشتر خود را موظف به انجام عملیات و اطلاعات می‌دانستند.

ب- پشتیبانی‌های مهندسی و آمادی در منطقه عملیات توسط مهندس رزمی جهاد سازندگی و نهادهای مردمی استان‌های اعزام‌کننده نیرو و شهرهای محل استقرار تیپ‌ها و لشکرهای سپاه معمول می‌شد.

ج- پشتیبانی‌های آتش و سایر پشتیبانی‌های رزمی سپاه توسط توپخانه، هوانیروز، نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش معمول می‌شد (گرچه سپاه از سال دوم جنگ به بعد با بکارگیری توپ‌های اغتنامی یگان‌های توپخانه خود را نیز تشکیل داد، ولی تا پایان جنگ این پشتیبانی آتش ذکرشده توسط اجا معمول گردید).

۴- آموزش سپاه

الف- تعدادی از فرماندهان سپاه خدمت سربازی را در درجات سربازی، درجه‌داری و افسری وظیفه در ارتش و تعدادی اندک نیز آموزش جنگ‌های چریکی را در خارج از کشور و در مبارزات سیاسی قبل از انقلاب طی کرده بودند.

ب- سپاه از سال ٦١ با گشایش دانشکده فرماندهی ستاد (دافوس) ارتش همواره تعدادی از فرماندهان سپاه در هر دوره را برای آموزش اعزام و در دوره‌های عالی و مقدماتی ارتش نیز همه ساله تعدادی را به دوره‌های متشکل در مراکز آموزش ارتش اعزام می‌کرد.

ج- سپاه فاقد مراکز آموزشی برای نیروهای پایور سپاه و بسیجی بود. آنان ضمن داشتن مراکزی در استان‌ها برای آموزش اولیه از پادگان‌های ارتش نیز استفاده می‌کردند.

د- نیروهای اعزامی بسیجی در صورتی که خدمت سربازی را طی نکرده بودند مدت یک تا دو هفته در استان‌های محل اعزام و یا در پایگاه‌های آموزشی عقب جبهه آموزش ابتدایی را طی کرده و به جبهه اعزام می‌شدند. پادگان دوکوهه و کرمانشاه را می‌توان به عنوان مرکز آموزشی افراد اعزامی در منطقه جنوب و غرب نام برد.

هـ - عناصر پایور سپاه در طول جنگ ضمن آموزش هم‌زمان از طریق نیروهای ارتش در جلسات ستادی، در کلاس‌های آموزشی که بعضاً توسط قرارگاه‌های عملیاتی ارتش در منطقه تشکیل می‌گردید و یا با شرکت در دوره‌های عالی و دافوس ارتش آموزش لازم را دریافت می‌کردند.

و- برداشت صوتی و تصویری از جلسات و مباحثات عملیاتی در قرارگاه‌های ارتش و قرارگاه‌های مشترک و جلسات پرسش و پاسخ عملیاتی در قرارگاه‌های مزبور نقش اساسی در ارتقاء آموزش فرماندهان سطوح بالای سپاه را داشت.

۵- انضباط، روحیه، ایمان، میل جنگ‌جویی

از آنجایی که نیروهای سپاه از افراد داوطلب انقلابی تشکیل می‌شد عناصر پیاده نظام یگان‌های سپاه را بسیجان مخلص و شهادت‌طلب تشکیل می‌دادند. لذا یگان‌های سپاه از روحیه، ایمان و میل جنگ‌جویی و شجاعت بالایی برخوردار بوده ولی انضباط آنان به دلیل طی نکردن دوره‌های نظامی بلندمدت و زندگی نکردن در شرایط و محیط نظامی و پادگانی از وضعیت مناسب نظامی برخوردار نبود.

کنترل و فرماندهی در ارتش و سپاه

فرماندهی کردن بر فردی که برای انجام وظیفه قانونی (قانون محور) برای مدت ۲ سال وارد خدمت شده و تمایل به پایان دوران خدمت همراه با سلامت دارد و فرمانده هم موظف به حفظ سلامت اوست و در این مورد باید پاسخگو باشد، با فرماندهی کردن بر فردی که داوطلب و مشتاقانه برای انجام تکلیف و رسیدن به فیض شهات به جبهه شتافته (تکلیف محور) تفاوت زیادی دارد و فرماندهی بر نوع اول آن هم با فرض

شهادت در مأموریت، با داشتن مسئولیت تمام خدمات پزشکی و لجستیکی او سخت‌تر از فرماندهی بر نوع دوم است.

ارتش جمهوری اسلامی ایران

سلسله مراتب فرماندهی در ارتش مسئول کلیه امور خوب و بد یگان تحت امر می‌باشد. آنان در شرایط صلح موظف به مدیریت نیروی انسانی از نظر ترفیعات، انتصابات، انضباط، آموزش، رفاه و از طرفی تعمیر و نگهداری، آماد و انبارداری و سلامت جسمی و روانی، قدرت بدنی و بهداشت و درمان و غیره می‌باشند، تا بدین ترتیب در بالا نگهداشتن توان رزمی یگان مربوطه مؤثر باشند. در شرایط جنگ علاوه بر موارد فوق موظفند که در حفظ سلامت عملیاتی ابواب‌جمعی بکوشند و مأموریت را با حداقل تلفات به پایان برسانند. فرماندهان موظفند هرگونه عملیات را با رعایت اصول و روش‌های علمی توأم با عقلانیت طراحی، اجرا و هدایت کنند.

نیروهای وظیفه ارتش طبق قوانین و مقررات موظفند در هر شرایطی از سلسله مراتب تبعیت نموده و برابر دستور و طرح آنان عمل کنند.

نگرش کلی از نیروهای ارتش در رزم به ویژه افراد وظیفه عبارت بود از «کشتن و کشته نشدن به منظور انجام ماموریت»[1]، که در آموزش‌های دوره مقدماتی آموزش به آنان تفهیم می‌شد.

نگرش فرماندهان و نیروهای پایور برای کشته نشدن افراد تحت امر خود به عنوان وظیفه‌ای مهم جهت امکان ادامه ماموریت ابلاغی تلقی می‌شد. این نگرش در بطن خود با نداشتن هراس از مرگ و خطرپذیری با اتکاء به فلسفه شهادت همراه بود و البته روحیه شهادت‌طلبی هر روز به ویژه در سال‌های ٦٠ الی ٦٢ با همراهی نیروهای بسیجی بیشتر شد.

---

۱. از اصول مهم رزم انفرادی در آئین نامه ١٤-٧-ز.

بنابراین اعمال فرماندهی و کنترل با توجه به شرایط، محدودیت‌ها و سایر ملاحظات سیاسی، اجتماعی بر نیروهای وظیفه وفق قوانین و آئین‌نامه‌ها و آموزش‌ها مشکلات خاص خود را در پی داشت و دارد. مسلماً اینگونه مشکلات در شرایط بحرانی نظیر دوران انقلاب و صحنه جنگ ملموس‌تر بود. البته بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین ویژگی و امتیاز آن انجام مأموریت رزمی با حداقل تلفات بود.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران

سلسله مراتب فرماندهی در سپاه پاسداران به علت وجود نیروهای انسانی داوطلب اعم از فرماندهان و رزمندگان و نبودن قوانین و مقررات مدوّن و مصوب (در دوران جنگ) نسبت به ارتش متفاوت بود، سلسله مراتب کم و بیش ولی تبعیت از دستور به خوبی وجود داشت.

نیروهای انسانی (مردمی و بسیجی) که برای رزم به طور داوطلب در جبهه حضور می‌یافتند، شرکت فعال در رزم را تکلیف شرعی دانسته، بالنتیجه نیازی به اعمال کنترل مستمر نداشتند. فرماندهان سپاه با در اختیار گرفتن نیروهای داوطلب، موظف بودند آنان را به کار گرفته و در سایر امور مربوط به مدیریت نیروی انسانی (خارج از صحنه جنگ)، امور آمادی، بهداشت و درمان، تعمیر و نگهداری و غیره وظیفه‌ای بر دوش نداشتند. لذا سخت‌گیری‌های انضباطی و شاق خدمتی در یگانهای سپاه وجود نداشت، که خود انگیزه حضور نیروهای مردمی شهادت‌طلب را بیشتر می‌کرد، ولی انضباط خدمتی و تحفظ اطلاعاتی را کاهش می‌داد و در نهایت به صورت نسبی افزایش ضایعات و تلفات را در پی داشت.

از طرفی نگرش نیروهای داوطلب در رزم عبارت بود از «کشتن یا شهادت»، لذا با این نگرش، فرماندهی بر چنین نیروهایی بسیار سهل و آسان است. ضمن اینکه فرماندهان در سپاه فقط مسئولیت تاکتیکی عملیات را داشته نه مسئولیت‌های دیگر که در بالا ذکر شد.

سازماندهی یگان‌های جدید پیاده نظام ارتش و سپاه در جنگ تحمیلی

سازماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آغاز جنگ

تشکیل بسیج نیروهای داوطلب موجب شد قسمت قابل توجهی از نیروهایی که احتیاط ارتش را بایستی تشکیل دهند جذب بسیج شده و در اختیار سپاه پاسداران قرار گیرند. همان‌طوری که قبلاً شرح داده شد سپاه با بکارگیری نیروهای بسیج و داوطلب مردمی گردان‌ها، تیپ‌ها و لشکرهای پیاده خود را تشکیل داد.

ارتش ایران در مقابل ارتشی قرار گرفت که با وجود جمعیت (١٤ میلیونی) و کمتر از ایران (٣٦ میلیونی) دارای استعداد بیشتری بود، هم‌چنین طول جبهه‌ها و درگیری حداقل ۱/۳ نیروهای ارتش ایران در مناطق آشوب‌زده داخلی و مبارزه با ضدانقلاب و کاهش استعداد نیروها به علت بحران‌های ناشی از انقلاب، مشکلات ارتش را مضاعف کرده بود.

بنا به اظهار و اعتقاد تحلیل‌گران ارتشی در دفاع مقدس، تشکیل سپاه پاسداران با جذب نیروهای مردمی (بسیج) تا حدود زیادی کمبود استعداد ارتش را جبران کرده و این دو نیرو توانستند از عهده انجام مأموریت‌ها در طول هشت سال دفاع مقدس برآیند.

پیش‌کسوتان ارتش در دفاع مقدس اذعان دارند که:

«... نه تنها ارتش، که برادران سپاهی همه مدیون بسیج هستیم، آری! همه می‌دانیم: چرا که بسیجیان داوطلبانه آمدند و نیرویی موظف نبودند و در تمامی مراحل یاوران مخلص، پاکباز و عاشق شهادت برای ما نظانیان و رهروان وفادار و عاشق مولایشان امام راحل بودند ودر این راستا بیشترین شهدا را تقدیم کردند.»

هم چنین اعتقاد بر این است که:

«اگر بسیج نبود ما در سپاه بلوغ ساختاری و سازمانی و عملیاتی را شاهد نبودیم و اگر بسیج نبود ارتش آن زمان به تنهایی قادر به بیرون کردن دشمن متجاوز بعثی از کشور اسلامی‌مان نمی‌شد.»[۱]

سازماندهی یگان‌های جدید پیاده نظام ارتش بعد از آغاز جنگ

ارتش در طول جنگ، پویائی خود را حفظ و با تشکیل نیروهای جدید کمک شایانی به بالابردن استعداد خود نمود. توسعه یگان‌های پیاده نظام از سال اول جنگ تا پایان را می‌توان بدین شرح خلاصه کرد:

- تشکیل گردان‌های چهارم در تیپ‌های پیاده؛
- تشکیل تیپ‌های چهارم ازگردان‌های چهارم در لشکرهای پیاده؛
- تشکیل تیپ‌های جدید پیاده نظام (تیپ ۳۰ گرگان، تیپ ۵۸ ذولفقار)؛
- تبدیل چهار تیپ پیاده به لشکر پیاده (لشکر ۳۰ گرگان، لشکر ۵۸ ذوالفقار، لشکر ۸٤ خرم‌آباد، لشکر ۲۳ نوهد)؛
- تشکیل گردانهای تکاور در لشکرهای پیاده؛
- تشکیل سه تیپ تکاور از گردان‌های تکاور؛
- تشکیل گردان‌های ۷۰۰ و ۹۰۰ درلشکرها (درسال‌های آخر جنگ)؛
- تشکیل گردان‌های قدس: از سال سوم جنگ به بعد از طریق معاونت احتیاط نیروی زمینی در مجموع ٦۰ گردان قدس تشکیل شد (در هر مرحله حدود ۲۰ گردان فعال بود).
- تشکیل گردان‌های شهادت‌طلب موقت مانند گردان‌های بلال و شهادت و تیپ شهدای حضرت ابوالفضل(ع)؛
- فعال شدن گروه پشتیبانی اطلاعات رزمی (گپار) از سال دوم جنگ در قرارگاه‌های لشکرهای پیاده و زرهی البته با بهره‌گیری از عناصر با رسته پیاده.

---

۱. سرتیپ ستاد ناصر آراسته، چرا و چگونه، هیئت معارف جنگ، ایران سبز، ۱۳۹۱، ص۸.

در سال اول جنگ تحمیلی یگان‌های آموزشی نیروی زمینی تکلیف خود دانستند نفرات خود را به صورت یگان‌های پیاده سبک سازمان‌دهی کرده و به طور موقت به جبهه‌ها اعزام دارند؛ مانند تیپ دانشجویان دانشکده افسری، گردان پیاده مرکز پیاده شیراز و گردان پیاده مرکز آموزش کرمان. این یگان‌ها پس از حضور عملکرد بسیار مثبتی در جبهه‌ها از خود بجای گذاشتند و پس از سامان یافتن جبهه‌ها به مراکز آموزشی مربوطه مراجعت کردند.

یگان‌های جدید اکثراً با برداشت از نیروهای انسانی، تجهیزات و جنگ‌افزار لشکرهای موجود و منابع نیروی زمینی انجام شد و اگرچه از نظر کمی تعداد یگان‌ها را افزایش داد ولی تا حدودی موجب تضعیف یگان‌های قبلی شده؛ با این حال در کل در کیفیت توان رزمی تا حدود مناسبی تأثیر مثبت داشت. این یگان‌ها توانستند در طول خط مرز (حدود۱۳۰۰ کیلومتری) در خط پدافندی مستقر شده و اقدام به نظارت و کنترل حرکات دشمن نموده و خطوط پدافندی را تقویت و شرکت یگان‌های دیگر را برای عملیات تهاجمی تسهیل نمایند.

ارزیابی یگان‌های پیاده جدید ارتش

الف- نقاط ضعف

۱- ضعف در کنترل، نظارت و هدایت گروهان به علت سازمان‌دهی و بکارگیری افراد وظیفه در کادر فرماندهی مربوطه به ویژه از سال سوم جنگ.

۲- ضعف در پشتیبانی لجستیکی و عدم تحرک کافی.

۳- کارا نبودن اکثر جنگ‌افزارهای اجتماعی خریداری شده در مقایسه با جنگ افزارهای مشابه دشمن.

٤- ضعیف بودن تجهیزات مخابراتی.

ب- نقاط قوت

۱- توانایی بکارگیری در کلیه مناطق و در تمام شرایط جوی.

۲- شرکت در انواع عملیات، به ویژه در جنگ‌های نامنظم و آرام‌سازی مناطق بحرانی داخلی و...

۳- اجرای عملیات در تمامی اوقات شبانه‌روز و دید محدود.

٤- توانایی اجرای هرگونه عملیات محدود.

نتیجه

با توجه به شرایط مذکور، از سال دوم تا پایان جنگ یگان‌های ارتش به ویژه گردان‌های پیاده اصلی‌ترین یگانی بودند که بار کلیه عملیات آفندی را در روز و شب به دوش کشیده و هم‌چنین ۹۵٪ مسئولیت خطوط پدافندی را به عهده داشتند.

فرماندهان یگان‌های پیاده با وجود کمبودها، نواقص و پایین بودن توان رزمی در تمام شرایط با ایثار و فداکاری و توکل به خداوند متعال وظایف خود را به نحو احسن انجام دادند. ضمناً یگان‌هایی که از آموزش برتر و فرماندهان مجرب برخودار بودند موفقیت بیشتری را کسب نمودند. در حقیقت می‌توان گفت بیشتر پیروزی‌های بدست-آمده مدیون یگان‌های ارتش به ویژه گردان‌های پیاده نظام می‌باشد.

برای آگاهی از نظریات و پیشنهادات تعدادی از فرماندهان دوران جنگ تحمیلی در مورد نقاط ضعف و قوت گردان پیاده به ضمیمه ۳ مراجعه شود. البته این نظریات نیاز به بررسی همه‌جانبه دارد و می‌تواند از جمله محورهای پژوهشی افسران پیاده قرار گیرد.

بخش ششم

عملیات پیاده نظام (۱)

مراحل جنگ تحمیلی

در دوران دفاع مقدس در صحنه های نبرد زمینی، نیروهای پیاده نظام (ارتشی و سپاهی) نقش محوری نسبت به سایر یگان‌ها به عهده داشتند و بیشترین موفقیت‌ها مرهون تلاش، ایثار و فداکاری این نیروها بوده است.

در این بخش نقش پیاده نظام در متوقف کردن و تثبیت دشمن در آغاز تجاوز، آزادسازی مناطق اشغالی و در نهایت تعقیب دشمن در شش سال پایانی جنگ مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد. البته در صحنه های نبرد هوایی و دریایی نقش نیروی هوایی و نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی هریک به تنهایی یا به طور مشترک در عملیات مستقل تاکتیکی و راهبردی مانند عملیات آزادسازی مناطق اشغالی، عملیات مروارید، انهدام تأسیسات حیاتی دشمن در عمق خاک عراق، انهدام نیروی دریایی عراق در خلیج فارس در آغاز جنگ و برقراری برتری هوایی و سیادت دریایی از اهمیت فراوانی برخوردار بوده که شرح آن مورد بحث این نوشتار نمی‌باشد و ان‌شاءالله پیش‌کسوتان و اهل قلم نیروهای ذی‌ربط به تبیین اقدامات خود همت می‌گمارند. مراحل جنگ تحمیلی، نوع عملیات، اهداف و مدت اجرای هر مرحله برابر جدول زیر می‌باشد:

ردیف	مرحله	نوع عملیات	اهداف عملیات	مدت اجرا (ماه)
۱	یکم	مقابله با تجاوز دشمن	متوقف کردن و تثبیت دشمن	۲
۲	دوم	پدافند	احراز آمادگی، جمع‌آوری اطلاعات، طرح‌ریزی	۱۰

۳	سوم	آفند در سرزمین خودی	دفع تجاوز و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی	۸
٤	چهارم	آفند در خاک عراق	تنبیه متجاوز	۷٤

مرحله یکم: متوقف کردن دشمن (دو ماه اول جنگ)

قبل از تحلیل عملکرد نیروهای پیاده نظام در مرحله یکم لازم است اطلاعاتی از وضعیت نیروهای دشمن (عراق) و نیروهای خودی (جمهوری اسلامی ایران) و آخرین گسترش آنان در طول مرز، قبل از تهاجم و کلیاتی درباره نوع تاکتیکی که در مقابل عراق اجرا شد شرح داده شود.

۱- نیروهای دشمن

عراق با بهانه قرار دادن ناعادلانه بودن مفاد قرارداد تعیین خطوط مرزی ۱۹۷۵ الجزایر، روز ۱۳۵۹/٦/۳۱ رسماً جنگ را با جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد. پس از تهاجم گسترده هوایی با ۱۹۲ فروند هواپیمای شکاری به شهرها و مراکز حیاتی کشور، با ۱۲ لشکر و ۱۵ تیپ مستقل در طول مرزهای غربی کشور از خرمشهر در استان خوزستان تا باویسی در استان کرمانشاه تهاجم زمینی را آغاز کرد **(نقشه شماره۱)**.

۲- نیروهای خودی

با توجه به شرایط و اوضاع سیاسی بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و وجود بحران‌های سیاسی و اجتماعی، ارتش بنا به مصالح و ضرورت انقلاب در صدر تغییر و تصفیه قرار گرفت. قبل از انقلاب ارتش ایران از قوی‌ترین ارتش‌های منطقه به شمار می‌آمد، ولی بعد از انقلاب به علل زیر توان رزمی خود را تا حدودی از دست داد.

الف- کنار گذاشتن کلیه فرماندهان و رؤسا از رده سرتیپی به بالا و اکثر متخصصین اطلاعاتی، عملیاتی، آماد و پشتیبانی، فنی و...

ب- کاهش شدید انضباط به علت گسسته شدن سلسه مراتب فرماندهی.

ج- تقلیل استعداد نیروی انسانی به علت کاهش مدت خدمت سربازی.

د- درگیر شدن یک‌سوم استعداد باقیمانده در ارتش در مبارزه با ضدانقلاب در مناطق گرگان، کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و خوزستان.

هـ - کاهش روحیه و تضعیف روانی بر اثر دخالت افراد نااگاه و مغرض داخلی.

با توجه به شرایط فوق آن ارتش قوی در محاسبات دشمنان به قدری ضعیف شده بود که کارشناسان آن را یکی از انگیزه‌های عراق برای تهاجم به ایران برشمردند و چنانچه نفس مسیحیایی امام(ره) و دفاع الهی ایشان از ارتش نبود احتمالاً ارتش نمی-توانست از عهده مأموریت و رسالت خویش در دفاع از کشور و انقلاب برآید و عراق موفق به تصرف خوزستان و بخشی از سرزمین‌های غرب کشور می‌شد.

نیروی زمینی ارتش شامل ٤ لشکر زرهی و ٤ لشکر پیاده و ٤ تیپ مستقل پیاده و یک تیپ مستقل زرهی(-) با استعداد و آمادگی رزمی بیش از ۹۰٪ (قبل از انقلاب) به استعدادی معادل ۵۰٪ و آمادگی رزمی نزدیک به طبقه ۳ تبدیل شده بود. به طوری که استعداد هر لشکر در حد کمی بیشتر از یک تیپ و استعداد هر تیپ در حد کمی بیش از یک گردان تقلیل یافته بود. برای نمونه کسری نیروی انسانی لشکر۹۲ زرهی در تاریخ ۱۳۵۹/٦/۱٦ بالغ بر ۱۰۹۱۹ نفر (حدود ۵۰٪) گزارش شده است.[۱] سایر یگان‌ها نیز کم و بیش وضعیت مشابهی داشتند، ولی با توان فوق توانستند وظایف خود را با ایثار و فداکاری و رهبری حضرت امام (ره) انجام دهند و دشمنان داخلی و خارجی را ناکام سازند.

۳- آخرین وضعیت گسترش نیروهای خودی در مرز

عدم باور ملی به تهدید خارجی به ویژه در مسئولین سیاسی، نظامی و انقلابی درون حاکمیت و فقدان نهاد اطلاعاتی قوی، باعث شده بود که قدرت بازدارندگی کشور به شدت تقلیل یافته و درهم شکستن حمله عراق توسط دو لشکر در خط مرز قریب

---

۱. سرتیپ۲ ستاد نصرت‌اله معین‌وزیری، تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان در سال اول جنگ، تهران، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۸۵، ص ۳۰.

۱۳۰۰ کیلومتری (ل۹۲ ـ ل۸۱) میسر نشد، زیرا استعداد بالفعل هریک از لشکرها حداکثر معادل یک تیپ تقویت شده بود.[1] هم‌چنین نیروهای ژاندارمری که به عنوان نیروی تأمینی، وظیفه حفاظت و پوشش از پاسگاه‌های مرزی را به عهده داشتند، وضعیت بهتری از لشکرهای فوق نداشتند، لذا تقویت نیروهای ژاندارمری ابتدا توسط نیروهای مردمی که مجهز به جنگ‌افزارهای سبک انفرادی و اجتماعی بودند انجام شد و با تشدید بحران، لشکر۹۲ و ۸۱ زرهی نیز نیروهای موجود خود را به صورت گروه، دسته یا گروهان در تقویت پاسگاه‌های ژندارمری در طول خط مرز در منطقه جنوب و غرب تقسیم کردند. با چنین استعداد، تفرقه، پراکندگی نیروها و نبود هدایت مرکزی از طریق رده‌های بالاتر، نیروهای ایرانی در سطح گردان چاره‌ای جز آنکه بر حسب حوادث روز با ایثار و ایستادگی عملیات را اداره کنند نداشتند. ضمن اینکه دو لشکر فوق‌الذکر قریب به نیمی از استعداد رزمی خود را در مبارزه با ضدانقلاب در غرب و جنوب مصروف می‌داشتند.

۴- تاکتیک نیروهای ایران

با توجه به تهاجم گسترده زمینی عراق و با بررسی اسناد، مدارک و خاطرات کتبی و شفاهی، چنین به نظر می‌رسد که یگان‌های مستقر در خط مرز (پاسگاه‌های مرزی) به علت عدم توازن نیرو، و فشار قدرتمند دشمن ناخودآگاه و به ناچار مقاومت را با ترکیبی از دو نوع عملیات حرکات به عقب، یعنی عقب‌نشینی تحت فشار دشمن (اجباری)، و عملیات تأخیری به مورد اجرا گذاشتند. این اقدام در حالی بود که هیچ‌گونه طرحی برای این اعمال تاکتیکی از قبل پیش‌بینی نشده بود.

در چنین وضعیتی طبق قواعد اساسی رزم بایستی طراحی متمرکز و اجرا غیرمتمرکز باشدذ، ولی در آغاز تهاجم، نیروهای پیاده نظام (ارتش، ژاندارمری، نیروهای مردمی) و زرهی که فاقد توان رزمی لازم متناسب با دشمن بودند، بالإجبار طراحی و اجرا را توأماً

---

۱. یک تیپ به علاوه دو گردان با استعداد رزمی ٤٠ ٪.

به طور غیرمتمرکز اجرا و بر حسب موقعیت تصمیم‌گیری نمودند. مضافاً اینکه در آخرین دستور به یگان‌های درگیر، اختیار تصمیم‌گیری به آنان محول شده بود[۱] (ضمیمه ۲ اصول و قواعد اساسی رزم).

۵- طرح و ملاحظات تاکتیکی

الف- اصولا طرح عملیات تأخیری به صورت تمرکزی تهیه، ولی اجرای آن می‌تواند در شرایط بحرانی و بنا به دستور به صورت غیرمتمرکزی اجرا شود. در تهیه این طرح لازم است ملاحظات تاکتیکی ذیل در نظر گرفته شود:[۲]

۱- محل جدیدی که بایستی اشغال شود؛

۲- سازماندهی رزم متناسب با وضعیت؛

۳- زمان و ترتیب عقب‌نشینی با تأکید بر حفظ تمامیت نیرو؛

٤- مناطق عمل، خطوط خیز، راه‌های عقب‌نشینی که بایستی مورد استفاده قرار گیرد (کنترل و هماهنگی)؛

۵- پیش‌بینی نیروی پوششی و عوامل پوشش و فریب تاکتیکی؛

٦- پیش‌بینی آتش پشتیبانی سازمانی و پشتیبانی خدمات رزمی؛

۷- پیش‌بینی تخلیه و یا انهدام تدارکات و تجهیزات و تخلیه مجروحین و شهدا؛

۸- پیش‌بینی قطع تماس با دشمن، کنترل عبور و مرور؛

۹- طرح ارتباط و مخابرات؛

۱۰- بسیاری از موارد دیگر.

ب- اجرای تاکتیک عملیات تأخیری و عملیات عقب‌نشینی مستلزم استفاده از مواضع متوالی یا متناوب در عمق و رده‌بندی نیرو می‌باشد. استفاده از این مواضع برای کند کردن حرکات دشمن، گسترش مداوم و زودهنگام وی به منظور ایجاد حداکثر تأخیر در پیش‌روی دشمن می‌باشد.

---

۱. سرتیپ۲ ستاد نصرت‌اله معین وزیری، همان، ص٥٦.

۲. آئین‌نامه لشکر ۱۰۰-٦۱، انتشارات دافوس، ۱۳۵۰، ص۱٤۰.

ج- تهاجم عراق به گونه‌ای غافلگیرانه از نظر سیاسی و آمادگی رزمی و قدرتمندانه در سراسر مرز آغاز شد که نه فقط فرصت طراحی برای رده‌های بالا وجود نداشت، بلکه اصولاً رده‌ها و ستادهای رده بالا سیاسی و نظامی نیز به دلیل عدم باور ملی به تهدید در مسئولین سیاسی با این نگرش که اکثریت مردم عراق شیعه هستند و حاضر به جنگ با ایران اسلامی نبوده و از صدام تبعیت نخواهند کرد، فاقد آمادگی و بازدارندگی بودند. هم‌چنین با توجه به ضعف ارتش عراق در گذشته و قدرت سابق ارتش ایران، مسئولین ارتش نیز از قبل به فکر تهیه طرح‌های عقب‌نشینی و عملیات تأخیری و ملاحظات برشمرده شده نبودند. لازم به ذکر است که طرح پدافندی (طرح ابوذر) که سه ماه قبل از جنگ تهیه شده بود نیز عملاً اجرایی نبود.[1] لذا در هر یک از مناطق نیروها با توکل به خداوند، ابتکار و خلاقیت ذاتی، عملیات عقب‌نشینی را به طور غیرتمرکزی طراحی و اجرا کردند. نیروی هوایی و به ویژه نیروی دریایی در سطح بعدی تا حدود زیادی توانستند به خوبی از طرح‌های تهیه شده قبل از انقلاب در روزها و ماه‌های اول جنگ بهره گیرند که شرح و تفسیر آن مربوط به بحث ما نیست.

د- استعدادی که در هر یک از محورها وجود داشت فقط می‌توانست به عنوان نیروی پوشش برای عقب‌نشینی رده بالاتر مفید باشد؛ در حالی‌که رده بالاتری وجود نداشت و استعداد موجود بایستی به عنوان نیروی پوششی (تأمینی)، نیروی فریب تاکتیکی و هم‌چنین عمده قوا کلیه نیازهای تاکتیکی و عملیاتی خود را برطرف نماید. که این کار صرفاً به اتکاء ایمان، ایثار رزمندگان و درایت و دانش فرماندهان رده در سطوح عالی تا حدود زیادی معمول شد.

۶- عملکرد نیروهای ایران و عراق

نیروهای عراق پس از برخورد با مقاومت ایثارگرانه رزمندگان اسلام و قرارگرفتن زیر آتش پشتیبانی زمینی و هوایی نیروهای ایران متوقف و برای تقلیل تلفات پراکنده

---

۱. سرهنگ ستاد یعقوب حسینی، جبهه جنوب، تهران، هیئت معارف جنگ، ۱۳۸٤، ص۹۲.

می‌شدند و لذا الزاماً زمانی را صرف سازمان‌دهی و ادامه پیشروی مجدد می‌کردند. نیروهای خودی مستقر در خطوط مرزی با هر توقف دشمن و با استفاده از زمان حاصله، با گماردن عناصر تأمینی در جلو و جناحین، مواضع بعدی را اشغال کرده و آماده مقابله می‌شدند و در این فاصله به شرح زیر عمل می‌کردند.

کُند کردن حرکت دشمن و گسترش اجباری نیروهای عراقی به دلیل مقاومت‌های نیروی خودی، اغتنام فرصتی برای نیروهای ایران بود تا بتوانند خود را برای مقابله مجدد آماده کنند. ضمن آنکه در هر فاصله، نیروهای ایرانی پس از تخلیه مجروحین، تجدید تدارکات، رفع نواقص و سازمان‌دهی مجدد اقدام به تغییر موضع نموده و در فرصت‌های بدست آمده با تهیه مواضع تعجیلی و استفاده از آتش توپخانه، هوانیروز، نیروی هوایی و سایر امکانات موجود به پدافند پرداخته و حداکثر تأخیر را در پیشروی دشمن حاصل می کردند.

این اقدامات را می‌توان تماماً حاصل ابتکار، خلاقیت، ایثار و فداکاری رده‌های گروه، دسته، گروهان و گردان دانست، که علی‌رغم فقدان سیستم ارتباطی لازم، زمین را به خوبی می‌شناختند، از توان خود آگاهی داشتند و اعتقاد داشتند دشمن هر قدر قوی باشد، متجاوز است و در برابر او بایستی به مدد خداوند متعال و نیروی ایمان، از وجب به وجب خاک مقدس کشورشان دفاع و حداکثر تلفات را به دشمن وارد کنند.

سرانجام دشمن با تمامی تلاشی که به عمل آورد حداکثر در دهه اول آبان‌ماه ۱۳۵۹ در تمامی جبهه‌ها مجبور به توقف شد و از ادامه پیشروی بازماند. بدین ترتیب راهبرد نظامی صدام مبنی بر تسخیر سه روزه خوزستان و ساقط کردن جمهوری اسلامی ایران در مدت یک هفته به شکست قطعی منجر شد.

تحلیل نقش پیاده نظام در متوقف کردن دشمن (دو ماه اول جنگ)

۱۹ ماه بعد از انقلاب، یعنی در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ جنگ آغاز شد، نیرویی که بتواند مقابل ارتشِ تا دندان مسلح عراق بلافاصله دشمن را در خوط مرزی منهدم کند وجود نداشت و یگان‌های ژاندارمری علاوه بر اینکه دارای چنین مأموریتی نبودند، آمادگی

رزمی لازم را نیز برای این امر نداشتند. نیروهایی که حضور داشتند از توان رزمی لازم حتی برای پوشش نیز برخوردار نبودند. لیکن با ایثار و مقاومت مثال‌زدنی در مقابل دشمن ایستادند.

دشمن پیشروی کرده بود که در شمال به شهرهای اندیمشک و دزفول برسد و با اشغال ارتفاعات آن منطقه خوزستان را از شمال محاصره و همچنین اروندرود را در جنوب خوزستان تصرف کند و خود را به بندر ماهشهر برساند تا بدین‌وسیله علاوه بر محاصره کامل خوزستان، بتواند منطقه بیشتری از سواحل خلیج همیشه فارس را در اختیار گرفته و استان خوزستان را به نفع خود مصادره کند. در غرب نیز تلاش داشت تا هرگونه تهدید احتمالی علیه بغداد و شهرهای مرکزی عراق را از طریق تهاجم احتمالی نیروهای جمهوری اسلامی ایران در داخل خاک ایران خنثی نماید و در نهایت با تجزیه خوزستان نظام نوپای جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار داده تا ساقط شود.

جنگ فرصتی بود که نیروهای نظامی توانستند دین خود را به اسلام، انقلاب، جامعه اسلامی و ملت ایران ادا نمایند و با پشتیبانی ملت بزرگوار ایران و رهبری حضرت امام خمینی(ره) و کمک سایر مسئولین دلسوز در حراست از مام میهن تلاش نمایند. بنابراین دو ماه اول جنگ نه مایه شرمساری، بلکه یکی از درخشان‌ترین برهه‌ها در تاریخ کشور ما می‌باشد که با توان موجود دشمن را متوقف کرده و در اهداف راهبردی خود به شکست کشانید که بایستی شرح آن را با طلا نوشت و یاد آن دلیرمردان را گرامی داشت، زیرا در این وضعیت آنچه از ارتش باقی‌مانده بود با جنگ‌افزار سبک و ضدتانک به صورت یگان‌های پیاده نظام با بهره‌گیری از نیروهای مردمی و پشتیبانی، عناصر توپخانه حاضر در جبهه‌ها، نیروی هوایی و دریایی و هوانیروز قهرمان، و البته یگان‌های زرهی از لشکرهای ۸۱ و ۹۲ زرهی و تیپ ۳۷ زرهی که مأموریت پیاده نظام را نیز انجام می‌دادند و تعدادی گردان‌های پیاده اعزامی از لشکرهای ۸۱، ۲۱، تیپ ۸۴ خرم‌آباد، تکاوران نیروی دریایی و دانشجویان دانشکده افسری پیشروی ۱۲ لشکر عراق را ابتدا کُند و سپس او را بدون آنکه بتواند به یکی از اهداف راهبردی و حتی تاکتیکی

خود برسد متوقف و زمین‌گیر کردند. بدین ترتیب فرصت‌های لازم برای آنکه حکومت جمهوری اسلامی ایران بتواند نیروها را سازمان‌دهی، جمع‌آوری و به سوی جبهه‌ها گسیل دارد فراهم شد تا برای بیرون راندن دشمن از خاک وطن آماده شوند.

مرحله دوم: عملیات پدافندی (سال اول)

پس از متوقف کردن دشمن، عملیات پدافندی فرصتی بود که مسئولین کشور به فکر مدیریت جنگ باشند و فرماندهان در کلیه رده‌ها به وضعیت جبهه‌ها سر و سامانی دهند و از اندوخته‌های علمی و تجربی در جهت منطقی کردن نبرد با دشمن استفاده کنند. در این مرحله نیز نیروی پیاده نظام اعم از نیروهای ارتش، بسیج داوطلب مردمی نقش اصلی را بر عهده داشتند.

اقدامات آمادگی در شرایطی صورت گرفت که نیروهای ارتش در زیر بمباران هوایی و توپخانه دشمن اقدام به سازمان‌دهی، گسترش و آرایش خطوط پدافندی نمودند. این فعالیت‌ها در حالی بود که فرماندهان از رده گردان به پایین آموزش‌های تخصصی رسته‌ای را طی کرده و تجربه عملیاتی رده مربوطه را قبلاً کسب کرده بودند.

یگان‌های ارتش اعم از پیاده نظام، پیاده مکانیزه، زرهی مستقر در خط پدافندی به منظور بالا بردن توان رزمی و نشان دادن عزم و اراده خود در سرکوبی نیروهای متجاوز اقدامات زیر را به عمل آوردند.

۱- تکمیل سازمان از نظر نیروی انسانی و تجهیزات؛

۲- تهیه و اجرای برنامه‌های بازسازی، بازآموزی و تعمیر و نگهداری؛

۳- تحت نظر قرار دادن حرکات دشمن و کسب اطلاعات لازم برای نبردهای تهاجمی به دشمن؛

٤- جلو کشیدن خطوط پدافندی و توسعه سرپل‌ها با عبور ابتکاری از رودخانه‌ها؛

۵- وارد آوردن خسارت و تلفات به دشمن؛

٦- تهیه بررسی‌های ستادی و طرح‌های آفندی.

علاوه بر اقدامات فوق نیروهای مستقر در خط پدافندی به منظور تکمیل اطلاعات و پی بردن به واکنش‌های دشمن و ارزیابی توان رزمی او و با استفاده از اصل آفند در پدافند طرح‌های تک محدود را تهیه و اجرا کردند.

اجرای این‌گونه عملیات‌ها اکثراً در سطح گردان و تیپ طراحی و به مورد اجرا گذاشته می‌شد. رده تیپ و بالاتر تصویب طرح‌های تهیه شده و تأمین نیازمندی‌ها را به عهده داشتند. البته در سه عملیات آفندی (پل کرخه، نصر، توکل) نقش رده‌های بالاتر در زمینه بررسی‌های مختلف ستادی و ارائه تدابیر به خوبی مشهود است که در بخش عملیات آفندی به آن می‌پردازیم.

در سال اول جنگ تحمیلی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حال سازمان‌دهی و جذب نیروهای بسیج مردمی بود. بیشترین عناصر سپاه در کردستان و آذربایجان غربی به همراه لشکرها و یگان‌های پیاده ارتش مشغول مبارزه با ضدانقلاب بودند که آنها نیز سازمان رزمی گردان و تیپ نداشتند.

در تمامی عملیات پدافندی و آفند سال اول جنگ نیروهای داوطلب مردمی به صورت گروه‌ها و یگان‌هایی با استعدادهای متفاوت بین ۱۰ الی ۱۰۰ نفر به عنوان نیروهای مردمی با نیروهای ارتش همکاری می‌کردند که پس از سازمان‌دهی سپاه پاسداران جذب این نهاد شدند.

عملیات آفندی و پدافندی سال اول جنگ

۱- عملیات شاخص

در سال اول جنگ علاوه بر اقدامات پدافندی چندین عملیات آفندی محدود اجرا شد. تعداد هشت عملیات شاخص در منطقه جنوب و غرب کشور اجرا شد که هر یک نقطه عطفی در سال اول جنگ محسوب شده و دارای اثرات راهبردی مهمی بودند که عبارتند از:

الف- عملیات دفاع از خرمشهر (۵۹/۶/۳۱ تا ۵۹/۸/۲)

تکاوران دریایی نیروی دریایی از ۵۹/۷/۱ و دانشجویان دانشکده افسری از ۷/٤/ وارد خرمشهر شدند و به مقاومت رزمندگان پیاده نظام گردان۱۵۱ دژ و عناصری از لشکر ۹۲ زرهی پیوستند و با پشتیبانی نزدیک نیروی هوایی پس از ده روز مقاومت پیشروی دشمن به شهر خرمشهر را در حد فاصل مرز شلمچه تا خرمشهر به تأخیر انداختند. سپس با کمک گروه‌های مردمی اعزامی از نقاط مختلف، گروه فدائیان اسلام، نیروهای مردمی خرمشهر و آبادان توانستند با جنگ تن به تن و خیابانی سقوط خرمشهر را به مدت ۳٤ روز به تأخیر اندازند.

ب- عملیات آفندی شمال آبادان (۱۳۵۹/۸/۳)

گردان ۱٤٤ پیاده لشکر۲۱ پیاده با عملیات آفندی توانست پیشروی نیروهای عراق را قبل از نزدیک شدن به جزیره آبادان به مدت ٤۸ ساعت به تأخیر اندازند و فرصت لازم برای ورود گردان۱۵۳پیاده از لشکر۷۷ پیاده را به آبادان از طریق راه زمینی، دریایی و هوایی فراهم نمایند. این گردان با ورود به جزیره آبادان در محاصره نشدن کامل آبادان نقش سرنوشت‌سازی داشت.

عملیات آفندی گردان۱٤٤ پیاده یک عملیات جسورانه و استشهادی بود، به گونه‌ای که این گردان تلفات و خسارات سنگینی (در حدود ۵۰ درصد) از نظر نیروی انسانی و تجهیزات را متحمل گردید، ولی در مقابل هدف قرارگاه اروند (رساندن نیرو به آبادان) تحقق یافت.[۱]

ج- عملیات آفندی ذوالفقاری (۱۳۵۹/۸/۸)

نیروهای دشمن پس از رسیدن به ساحل شرقی رودخانه بهمن شیر اقدام به عبور از رودخانه برای محاصره کامل آبادان کردند.

---

۱. سرتیپ فرضا... شاهین‌راد، گردان۱٤٤ در نبرد آبادان، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۰، ص۱۳۷.

گردان۱۵۳ پیاده لشکر۷۷ پیاده، عناصر باقیمانده رزمندگان گردان۱۵۱ دژ و گردان تکاوران دریایی، گروه فدائیان اسلام و نیروهای مردمی آبادان[۱] در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۸ با جسارت و شجاعت در عملیاتی خودجوش با هدایت ستاد عملیاتی آبادان[۲] توانستند نیروهای در حال عبور دشمن از رودخانه بهمن‌شیر را در منطقه کوی ذوالفقاری منهدم و مجبور به عقب‌نشینی نمایند. عملیات رزمندگان پیاده نظام، آبادان را از محاصره کامل دشمن نجات داد.

د- عملیات آفندی سوسنگرد (۱۳۵۹/۸/۲۸)

رزمندگان لشکر۹۲ زرهی، رزمندگان گروه شهید چمران، عناصری از تیپ دانشجویان دانشکده افسری و نیروهای مردمی شهرهای سوسنگرد و اهواز توانستند بخش‌های تصرف شده سوسنگرد را آزاد و نیروهای متجاوز را مجبور به عقب نشینی کنند. این عملیات موجب رفع تهدید شهر اهواز از محور سوسنگرد ـ اهواز شد.[۳]

هـ) عملیات آفندی خوارزم (میمک ۱۳۵۹/۸/۱۹)

ارتفاع میمک در منطقه عملیاتی غرب همواره مورد اختلاف دو کشور ایران و عراق قرار داشت و بخشی از آن در آغاز جنگ تحمیلی به اشغال دشمن درآمده بود. رزمندگان پیاده مکانیزه و زرهی از تیپ۱ لشکر۸۱ زرهی، یک گردان پیاده از سماجا، رزمندگان گردان نیروهای ویژه، رزمندگان «ایل خزل» با انجام عملیات آفندی توانستند ارتفاع میمک را از اشغال نیروهای عراقی خارج و آن را آزاد کنند. ضمناً ۷ عملیات محدود آفندی دیگر در منطقه عملیاتی غرب شامل عملیات کلینه و سید صادق(۱)،

---

۱. فرماندهی ستاد عملیاتی آبادان در آن زمان را سرهنگ توپخانه نصیر شکرریز معاون دانشکده افسری بر عهده داشت.

۲. سرتیپ فرض‌ا... شاهین‌راد، همان.

۳. این عملیات با تآکید و پیگیری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مقام معظم رهبری) مبنی بر اجرای عملیات انجام شد.

عاشورا ، کلینه و سید صادق(۲) تنگه حاجیان، چقالوند، بازی دراز(۱)، بازی دراز(۲) و والفجر۷ (مطلع الفجر) علیه دشمن اجرا شد.

۲- عملیات آفندی گسترده سال اول جنگ

قبل از آغاز عملیات آفندی در سال دوم جنگ سه عملیات نسبتاً بزرگ درسه ماهه اول سال اول جنگ در جنوب کشور علیه دشمن برابر جدول شماره۱ اجرا شد. یک عملیات توسط یگان پیاده (لشکر۲۱ پیاده) و دو عملیات توسط یگان زرهی (لشکر ۱۶ زرهی و تیپ ۳۷ زرهی) انجام شد، ولی هر سه عملیات ماهیت عملیات زرهی داشتند، زیرا تیپ عمل‌کننده لشکر پیاده نیز با بکارگیری سه گردان زرهی عملاً تبدیل به تیپ زرهی شده بود.

سه عملیات مذکور به دلایلی که متعاقباً ذکر خواهد شد به تحقق اهدافی که در دستور عملیاتی تعیین شده نائل نشدند، ولی با انجام این سه عملیات اولاً اجازه پیشروی بیشتر به دشمن داده نشد، ضمن اینکه اطلاعات لازم از گسترش، تاکتیک دشمن به دست آمد و ثانیاً ثابت شد چنانچه در طراحی یک عملیات هماهنگ و کلاسیک به علم، تخصص و اصول جنگ توجه نگردد، روش کلاسیک را نمی‌توان ناکارآمد تلقی کرد، بلکه بی‌توجهی به عوامل ذکرشده موجب ناکارآمدی آن می‌شود و البته در این راستا تقدیم شهدا و جانبازانی از ارتش و سپاه، روحیه شهادت‌طلبی، ایثار و میل جنگجویی رزمندگان را به رخ جهانیان کشید و دشمن را به عزم راسخ جمهوری اسلامی در بیرون راندنش واقف ساخت.

جدول شماره۱: عملیات آفندی بزرگ در سال اول جنگ تحمیلی

ردیف	نام عملیات/ تاریخ/ یگان عمل‌کننده	پیاده‌مکانیزه(گردان)				گردان مانوری دشمن	نسبت توان رزمی	اهداف عملیات
		نوع	ارتش	مردمی	جمع			
۱	۲۳ مهر ۱۳۵۹ لشکر۲۱ پیاده نقشه (۲)	پیاده	٤	–	٤	۱۱۷[1]	دشمن چهار برابر خودی	آزادسازی غرب دزفول، خارج کردن شهرهای دزفول، اندیمشک، شوش از برد توپخانه دشمن و تأمین گذرگاه‌های واقع بر روی ارتفاعات تینه به وسعت تقریبی ۲٤۰۰ کیلومترمربع
		زرهی	۳	–	۳			
		جمع	۷	–	۷			
۲	عملیات نصر ۱۳۵۹/۹/۱۵ لشکر۱٦زرهی نقشه (۳)	پیاده	۳	۲	۵	۲۱۹[2]	دشمن دو برابر خودی	آزادسازی منطقه جنوب اهواز، آزادسازی پادگان حمید- و تأمین خط مرز در کوشک و طلائیه و در مرحله دوم آزادسازی تمامی جنوب خوزستان و خرمشهر به وسعت تقریبی ۵٦۰۰ کیلومترمربع
		زرهی	۷	–	۷			
		جمع	۱۰	۲	۱۲			
۳	عملیات توکل ۱۳۵۹/۹/۲۰ تیپ۳۷ زرهی نقشه (٤)	پیاده	۲	–	۲	۳۱۸[3]	دشمن سه برابر خودی	آزادسازی شرق کارون و خارج کردن آبادان از محاصره در مرحله اول و در مرحله دوم با کمک تیپ۲ پیاده لشکر۷۷ آزاد کردن خرمشهر و تأمین مرز در منطقه شلمچه به وسعت تقریبی ۱۷۰۰ کیلومتر‌بع
		زرهی	٤	–	٤			
		جمع	٦	–	٦			

توضیح آنکه از ٤ گردان پیاده لشکر۲۱ پیاده ۳ گردان به علت ناآشنایی با منطقه نتوانستند حتی به مواضع تک برسند، لذا تیپ۱ عملاً با یک گردان پیاده و ۳ گردان زرهی با استعداد ۵۰٪ اقدام به عملیات کرد. نتیجه‌ای که از سه عملیات آفندی سال اول به دست آمد، همان نتایجی است که می‌توان از عملیات «شناسایی با رزم» به دست آورد. اطلاعاتی که در این عملیات به شرح زیر از دشمن به دست آمد در طرح‌های آفندی سال دوم مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

---

۱. سرتیپ۲ ستاد نصرت‌اله معین‌وزیری، همان، ص۲۹٤.

۲. همان، ص ۲۹۵.

۳. سرهنگ مجتبی جعفری، اطلس نبردهای ماندگار، مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس نزاجا، ۱۳۸٤، ص٤۰.

۱- گسترش دقیق دشمن؛

۲- تاکتیک پدافندی دشمن؛

۳- توانائی‌های دشمن به ویژه توانائی ضدزره؛

٤- قدرت رهبری و فرماندهی نیروهای عراقی در عکس‌العمل و اتخاذ تصمیمات تاکتیکی؛

۵- توان پاتک و زمان اجرای آن؛

٦- پی بردن به ضعف نیروهای خودی در تک روزانه و انتخاب خط مشی تک شبانه (جهت غافلگیری و رعایت کمبود گلوله‌های توپخانه و مقابله با پاتک‌های دشمن)؛

دلایل عدم موفقیت برخی از عملیات آفندی سال اول جنگ[۱]

۱- نابرابری نیروهای خودی و دشمن؛

۲- فشار بیش از حد مطالبات ملی که توسط مسئولین برای تسریع در مقابله با دشمن بدون توجه به میزان آمادگی، توانایی و امکانات موجود به ارتش وارد می‌شد؛

۳- حالت انفعالی فرماندهان و مسئولین نظامی به دلیل شرایط بحرانی انقلاب و جوّ حاکم بر آنان موجب پذیرش مأموریت‌ها می‌شد، بدون آنکه موانع و رفع نیازها برای مقامات ارشد حکومتی تبیین گردد. البته شور ملی و غیرت دینی خود رزمندگان هم که می‌خواستند هرچه سریع‌تر دشمن را از ایران اسلامی بیرون کنند این فشار را بر فرماندهان مضاعف می‌کرد.

٤- طراحی عجولانه ستاد رده‌های بالا که بر حسب وظیفه و تکلیف در شرایط و فضای حاکم آن روز، دستورات رده بالا را به طرح‌ها و دستورات عملیات تبدیل می‌کردند. این تعجیل در طراحی و اجرا عدم رعایت ملاحظات اساسی و رعایت دقیق اصول در طراحی و اجرا و رفع نشدن نیازهای اساسی و در نتیجه تحقق نیافتن کامل اهداف و یا عدم امکان نگهداری اهداف را در پی داشت. البته این موضوعی نبود که

---

۱. سرتیپ۲ ستاد علی‌محمد سالارکیا، پیشتازان غرب کرخه، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۰، ص ۱۱٤.

طراحان و مجریان قبل از شروع عملیات به آن آگاهی نداشته باشند. لیکن به دلایل فوق به آن تن می‌دادند، در حالی که خود تا حدود زیادی از دست نیافتن به موفقیت کامل آن آگاه بودند.

۵- کاربرد یگان ها به صورت جزء به جزء در مناطق مختلف (شکسته شدن ساختار سازمانی) و همین‌طور درگیر بودن قسمتی از یگان‌ها در مقابل با ضداتقلاب در مناطق مختلف.

امروزه پس از ۳۲ سال با در نظر گرفتن شرایط انقلاب و نیاز به نشان دادن عزم نظام نوپای اسلامی برای مقابله با هرگونه تجاوز نمی‌توان در مورد تصمیمات اتخاذ شده آن زمان با دید منفی قضاوت کرد و نمی‌توان توقع داشت که مسئولین نظام، ارتش و دیگر نیروهای مسلح امر دفاع و بیرون راندن دشمن را متوقف و موکول به حصول همه شرایط و امکانات لازم و ایده‌آل می‌نمودند و این واجب شرعی و ملی را به دلیل فقدان امکانات و شرایط لازم به تأخیر می‌انداختند.

عملیات‌های مذکور هرگونه ایده و اندیشه ادامه تجاوز و پیشروی را از دشمن سلب کرد و او را در لاک دفاعی فرو برد و در نهایت انگیزه تهاجمی او را به شدت تقلیل داد. متقابلاً اراده ملی ما را بر بیرون راندن دشمن در کوتاه‌ترین زمان و با کمترین امکانات به رخ او کشید و راهبرد تهاجمی او را به راهبرد دفاعی تغییر داد.

مرحله سوم: عملیات آفندی (سال دوم جنگ)

در سال دوم جنگ با به دست آوردن اطلاعات کامل از توانائی‌های دشمن، شناسایی منطقه عملیات توسط کلیه رده‌ها، احراز آمادگی، بالا بردن توان رزمی یگان‌ها و انسجام ستادهای عملیاتی در کلیه قرارگاه‌ها و رده‌های عمل‌کننده، چهار عملیات آفندی بزرگ در جنوب با توانائی و اهداف مندرج در جدول شماره۲ اجرا شد.

جدول شماره۲: عملیات آفندی بزرگ در سال دوم جنگ

ردیف	نام عملیات / تاریخ اجرا	گردان مانوری خودی				گردان مانوری دشمن	نسبت توان رزمی	اهداف عملیات
		نوع	ارتش	سپاه	جمع			
۱	ثامن‌الائمه(ع)[۱] ۱۳۶۰/۷/۵ نقشه(۵)	پیاده	۱۱	۱۰	۲۱	۱۱	خودی سه برابر دشمن	آزادسازی شرق کارون به وسعت ۱۵۰ کیلومترمربع و خارج کردن آبادان از محاصره
		زرهی	٦	–	٦			
		جمع	۱۷	۱۰	۲۷			
۲	طریق‌القدس[۲] ۱۳٦۰/۹/۸ نقشه(٦)	پیاده	۱۲	۳۰	٤۲	۲٤	خودی دو برابر دشمن	آزادسازی دشت آزادگان و شهرها و روستاهای آن به وسعت ٦۰۰ کیلومترمربع
		زرهی	۱۰	–	۱۰			
		جمع	۲۲	۳۰	۵۲			
۳	فتح‌المبین[۳] ۱۳٦۱/۱/۲ نقشه(۱۱)	پیاده	۵۳	۷۰	۱۲۳	۷٤	خودی دو برابر دشمن	آزادسازی مناطق غرب دزفول به وسعت ۲٤۰۰ کیلومترمربع
		زرهی	۱۳	۲	۱۵			
		جمع	٦٦	۷۲	۱۳۸			
٤	بیت‌المقدس[٤] ۱۳٦۱/۲/۱۰ نقشه (۱۲)	پیاده	٤۹	۱۳۱	۱۸۰	۱۲۰	خودی ۱/۵ برابر دشمن	آزادسازی مناطق غرب و جنوب اهواز به وسعت ۵٦۰۰ کیلومترمربع و آزادسازی خرمشهر
		زرهی	۱۲	۳	۱۵			
		جمع	٦۱	۱۳٤	۱۹۵			

توضیح اینکه:

۱- تعداد گردان‌های خودی و دشمن تقریبی است.

۲- استعداد گردان‌های پیاده سپاه هر کدام از ۲۰۰الی ۳۰۰ نفر و مجهز به جنگ-افزار انفرادی بوده است.

---

۱. سرتیپ ستاد روح‌اله سروری، سرتیپ۲ ستاد ابوالقاسم جاودانی، عملیات ثامن‌الائمه، عرشان، ۱۳۸۲، ص۳۲.

۲. سرتیپ۲ مسعود بختیاری، عملیات طریق‌القدس، ایران سبز، ۱۳۸۷، ص۷۲.

۳. سرتیپ۲ نصرت‌اله معین‌وزیری، نگرش علمی به عملیات فتح‌المبین، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس آجا، ۱۳۸٦، ص۱۷۵.

٤. سرتیپ۲ نصرت‌اله معین‌وزیری، تحلیل عملیات بیت‌المقدس، دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۸۲، ص٤۳.

۳- گردان تانک سپاه از تانک‌های غنیمتی ارتش عراق تشکیل گردیده و در عملیات حضور نیافت.

تحلیل نقش پیاده نظام در عملیات آفندی سال دوم

چهار عملیات بزرگ آفندی در سال دوم جنگ از تاریخ ۱۳٦۰/۷/۵ تا ۱۳٦۱/۳/۳ (مدت ۸ ماه) به اجرا درآمد. با دقت در جدول شماره۲ درمی‌یابیم که تعداد گردان‌های پیاده و پیاده مکانیزه خودی در چهار عملیات مزبور نسبت به گردان تانک چندین برابر افزایش را نشان می‌دهد.

گردان‌های پیاده نظام با استقرار در خطوط پدافندی در سال اول با انجام اقدامات زیر در موفقیت چهار عملیات بزرگ آفندی سال دوم نقش مهم و اساسی داشتند:

۱- کمک به ستادهای رده بالا برای طراحی عملیات با جمع‌آوری اطلاعات لازم از منطقه و نیروهای دشمن، به ویژه تاکتیک، استعداد، نقاط ضعف؛

۲- اجرای عملیات شبانه با استفاده از تاکتیک و تکنیک نفوذ در شب و شکستن خطوط مقدم دشمن؛

۳- اجرای مانورهای احاطه‌ای با استفاده از نقاط ضعف دشمن؛

٤- انجام رزم نزدیک و انهدام دشمن؛

۵- به دست گرفتن ابتکار عمل با تغییر مانور در مراحل مختلف؛

٦- تصرف اهداف تعیین شده و آزادسازی بیش از ۸هزار کیلومترمربع از سرزمین اسلامی؛

۷- عقب راندن دشمن و استقرار در مرز بین‌المللی؛

۸- تحمل حداقل تلفات و ضایعات به نیروهای خودی با طراحی دقیق علمی و اعمال فرماندهی اصولی؛

۹- تحمیل تلفات و خسارات فراوان به دشمن و استفاده از غنائم بدست آمده؛

۱۰- نشان دادن توانائی‌های حکومت جمهوری اسلامی ایران به عراق و حامیان او؛

به دست آوردن موفقیت‌های ذکر شده حاصل همکاری کلیه رسته‌های رزمی، پشتیبانی رزمی، پشتیبانی خدمات رزمی، نیروی هوایی، هوانیروز و نیروی دریایی و اعمال فرماندهی و نظارت فرماندهان در کلیه رده‌ها می‌باشد.

همان طور که قبلاً اشاره شد چنانچه در این نوشتار نقش پیاده نظام شرح داده شده است، دلیلی بر نادیده انگاشتن نقش یگان‌های رزهی به ویژه لشکرهای۱۶،۸۱،۹۲و ۸۸ زرهی و تیپ۳۷ زرهی نمی‌باشد. بدیهی است نقش ارزنده گردان‌های زرهی و پیاده مکانیزه در لشکرهای زرهی را نمی‌توان نادیده گرفت و چنانچه حضور یگان‌های زرهی همراه و در پشتیبانی از یگان‌های پیاده نبود، مسلماً نیروهای پیاده به آسانی نمی‌توانستند موفقیتی حاصل کنند.

مقایسه تحلیلی عملیات‌های آفندی سال اول و دوم جنگ

به طور کلی در تبیین مأموریت سه عملیات آفندی سال اول باید اذعان کرد به دلیل تعجیل ناشی از مطالبات ملی و خواست مسئولین نظام و ضیق فرصت، به اصول جنگ و ملاحظات تاکتیکی (شناخت زمین، دشمن و نیروی خودی) توجه کافی مبذول نشد و عملیات با موفقیت کامل مواجه نشد، در صورتی که در سال دوم و در همان منطقه، سه عملیات و در منطقه دیگری یک عملیات با توجه کامل به عوامل ذکر شده صورت گرفت که همراه با موفقیت کامل بود.

در چهار عملیات اخیر قرارگاه‌های عملیاتی با سازمان‌دهی و اعمال فرماندهی مناسب، اختصاص زمان لازم برای احراز آمادگی و پای کار آوردن نیرو و امکانات مناسب و ارتقاء روحیه تعرضی رزمندگان با به کارگیری نیروهای شهادت‌طلب بسیجی در قالب یگان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توانستند طرح‌ریزی‌های اصولی و علمی نموده و آن را اجرا کنند (ضمیمه۲ اصول و قوانین اساسی رزم).

با توجه به مراتب فوق و با مقایسه سه عملیات آفندی سال اول و سه عملیات آفندی سال دوم (جدول شماره۳) این‌گونه نتیجه می شود که عملیات کلاسیک با به

کارگیری اصول جنگ، قواعد اساسی رزم و ملاحضات تاکتیکی کارآمد گردیده و در غیر اینصورت ناکارآمد خواهد شد.

جدول شماره۳: مقایسه سه عملیات آفندی سال اول و دوم جنگ

ردیف	نام عملیات	هدف/ وسعت منطقه (تقریبی)	توان نسبی طرفین	زمان آمادگی
۱	الف: ۲۳ مهر ۱۳۵۹ تک محدود	آزادسازی منطقه غرب دزفول تا ارتفاعات علی-گره‌زد و تپه رادار	دشمن چهار برابر خودی	۴ روز
	ب: فتح‌المبین	آزادسازی منطقه غرب دزفول تا ارتفاعات تینه به وسعت ۲۴۰۰ کیلومترمربع	خودی دو برابر دشمن	۱۶ ماه
۲	الف: نصر	آزادسازی شمال کرخه‌کور، منطقه جفیر، پادگان حمید	دشمن دو برابر خودی	۱۶ روز
	ب: بیت‌المقدس	آزادسازی منطقه جنوب خوزستان و خرمشهر به وسعت ۵۶۰۰ کیلومترمربع	خودی ۱/۵ برابر دشمن	۱۶ ماه
۳	الف: توکل	آزادسازی شرق کارونو انهدام سر پل دشمن	دشمن سه برابر خودی	۷ روز
	ب: ثامن‌الائمه	آزادسازی شرق کارون به وسعت ۱۵۰ کیلومترمربع	خودی سه برابر دشمن	۸ ماه

همان‌طور که در جدول فوق نشان داده شد در عملیات آفندی سال دوم وسعت منطقه عملیات برای آزادسازی (هدف) نسبت به عملیات آفندی سال اول ثابت مانده، ولی استعداد نیروهای خودی و زمان طرح‌ریزی و آمادگی چند برابر افزایش یافته است.

در یک عبارت باید گفت فضای جنگ، نیروهای موجود، امکانات و تجهیزات بکارگرفته در سال اول جنگ با سال دوم بسیار متفاوت است.

توضیح اینکه عملیات بیت‌المقدس در چهار مرحله پیش‌بینی شده بود، مرحله سوم و چهارم آن عملیات برون مرزی برای رسیدن به شرق رودخانه دجله در خاک عراق بود؛ ولی در حین عملیات پس از رسیدن به مرز، مراحل فوق حذف و به جای آن آزادی خرمشهر تعیین شد. تغییر طرح نشان‌دهنده توانایی ستادهای عملیاتی و انعطاف-پذیری فرماندهان بود که با توجه به وضعیت دشمن و خودی تصمیم به تمرکز نیرو برای آزادسازی خرمشهر گرفته شد.

مرحله چهارم: عملیات آفندی داخل خاک عراق (شش سال پایانی جنگ)

پس از آزادسازی خرمشهر در ماه‌های پایانی سال دوم جنگ و استقرار نیروها در اکثر نقاط مرزی، حکومت عراق درخواست آتش‌بس و عقب‌نشینی به مرزهای بین-المللی کرد. جمهوری اسلامی ایران جنگ را به دلایل عمده زیر ادامه داد:

۱- بی‌اعتمادی به ادعای صدام در مورد عقب‌نشینی نیروها به مرزهای بین‌المللی.

۲- استمرار وی برای نپذیرفتن مفاد قرارداد۱۹۷۵ الجزایر (اعلام نکردن پذیرش قرارداد مزبور).

۳- معرفی نکردن صدام به عنوان متجاوز توسط جامعه جهانی.

٤- احتمال مجدد تهاجم صدام در صورت تقویت ارتش عراق.

۵- استمرار اشغال قریب به ۱۵۰۰ کیلومترمربع از مناطق غرب و جنوب توسط ارتش بعث.

اهداف کلی عملیات تعاقبی

۱- بازپس‌گیری مناطقی از کشور که هنوز در اشغال دشمن بود.

۲- استقرار در نقاط سوق‌الجیشی و مناطقی که بتوان در مذاکرات سیاسی در موضع برتری قرار گرفت.

۳- به رسمیت شناختن مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط عراق.

٤- فرسوده کردن متجاوز به منظور جلوگیری از تجاوز مجدد.

۵- تنبیه متجاوز و اخذ غرامت خسارت وارده.

برای تحقق اهداف فوق چندین عملیات با هدف آزادسازی مناطقی که هنوز تحت اشغال بود، در مناطق مرزی و تعدادی از عملیات با هدف فرسوده کردن و تنبیه متجاوز در بیرون از مرزها با ورود به خاک عراق اجرا شد.

اهداف تاکتیکی عملیات برون‌مرزی در هریک از مناطق عملیاتی

۱- در منطقه جنوب: تهدید بصره و تأمین آن و قطع ارتباط زمینی عراق با خلیج فارس و کشورهای عربی جنوب آن کشور.

۲- در منطقه غرب: تصرف نقاط سوق‌الجیشی مرزی و آزادسازی پاسگاه‌های مرزی.

۳- در مناطق شمال غرب: تهدید منابع اقتصادی و حیاتی عراق در شمال آن کشور و قطع ارتباط با کشور ترکیه.

سلسله عملیات برون‌مرزی انجام‌شده در این مرحله مدت شش سال از تاریخ ۱۳٦۱/٤/۲۲ با عملیات رمضان آغاز شد و در ٦۷/۱/۲۸ با بازپس‌گیری فاو به پایان رسید.

عملیات والفجر۸ بزرگ‌ترین عملیات آفندی پیاده نظام سپاه بود که طراحی آن توسط سپاه پاسداران انجام و با پشتیبانی ارتش و با عبور از اروندرود اجرا شد. در این عملیات سپاه موفق به تصرف سرپلی در جزیره فاو گردید، ولی به علت استفاده نکردن از ویژگی سرپل که مبنایی برای حرکت به طرف هدف اصلی (تهدید بصره) می‌باشد، مدت حدود دو سال نیروها در جزیره فاو به پدافند مشغول بودند و سرانجام با آفند قوی ارتش عراق در ۱۳٦۷/۱/۲۸ با تحمل تلفات مجبور به عقب‌نشینی شدند.

تحلیل نقش پیاده نظام در عملیات آفندی درون خاک عراق (شش سال پایانی جنگ، تنبیه متجاوز)

نقش اصلی در کلیه عملیات‌های تعاقبی را یگان‌های پیاده نظام ارتش و سپاه به صورت ادغامی و یا هر کدام به‌طور مستقل به عهده داشتند. در برخی از عملیات برون مرزی، یگان‌های پیاده به علت نبودن خطوط مواصلاتی، فاقد پشتیبانی کافی آتش توپخانه و هوانیروز بودند.

نیروهای پیاده نظام جمهوری اسلامی ایران با ۱۵ عملیات آفندی و پدافندی بزرگ در امتداد مرزها کلیه مناطق اشغالی باقی‌مانده، به استثنای منطقه نفت‌شهر را آزاد کردند و در خط مرز مستقر شدند. نفت شهر نیز پس از پایان جنگ تخلیه شد.

ایران با انجام ۳۷ عملیات آفندی و پدافندی برون‌مرزی در سه منطقه عملیاتی (جنوب، غرب و شمال‌غرب) با تعداد ۱۵ عملیات موفق و ۲۲ عملیات ناموفق به شرح

جدول شماره٤، تلاش کرد با فرسوده کردن دشمن و وارد کردن خسارت به ماشین جنگی عراق، اهداف راهبرد سیاسی نظام را محقق و آن کشور و مجامع بین‌المللی مؤثر را مقتدرانه وادار به مذاکره و قبول شرایط جمهوری اسلامی نماید.

علی‌رغم ناکامی حاصله از عملیات برون‌مرزی در تحقق اهداف تاکتیکی، یک نتیجه استراتژیک مهم برای جمهوری اسلامی ایران در جهان حاصل شد و آن عبارت بود از مصمم بودن حکومت جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به حقوق حقه ملت ایران و ایجاد قدرت بازدارندگی روانی برای اذهان دشمنان و تهدیدهای احتمالی آینده جهت داشتن خیال خام تجاوز به ایران اسلامی.

اهداف پنج‌گانه پیش‌بینی شده در شش سال پایان جنگ

این اهداف عبارت بودند از:

الف- باز پس گیری مناطق تحت اشغال؛

ب- استقرار نیرو در مناطق سوق‌الجیشی مرزی؛

ج- پذیرش قطعنامه ۱۹۷۵ الجزایر توسط صدام؛

د- تنبیه متجاوز؛

هـ- انهدام ماشین جنگی عراق.

در مواردی مثل بازپس‌گیری مناطق اشغالی و پذیرش قطعنامه ۱۹۷۵ الجزایر توسط صدام به صورت صد در صد و بقیه موارد به صورت نسبی حاصل گردید. به عنوان مثال انهدام انجام می‌شد، ولی به علت پشتیبانی کشورهای استعمارگر حامی صدام مجدداً ارتش صدام تجهیز می‌شد؛ لذا در این مرحله موفقیت مرحله‌ای به دست آمد، ولی موفقیت نهایی حاصل نشد.

البته می‌توان نتایج دیگر حاصل از این عملیات برون مرزی جمهوری اسلامی ایران را نیز به صورت زیر برشمرد:

الف- فرسوده کردن ارتش عراق و از بین بردن میل جنگجویی ارتش آن کشور.

ب- الزام متجاوز به پرداخت غرامت: که البته به صورت قانونی و با الزام جهانی می‌بایست معمول گردد که نیاز به ایجاد شرایط و توانایی دولت عراق و تنظیم اساسنامه و روش مدون بین دولتین دارد.

ج- کاهش مقبولیت جهانی و از بین رفتن مشروعیت ملی صدام.

موارد قابل بحث و تعمق در عملیات برون مرزی

۱- نداشتن استراتژی لازم برای تداوم جنگ (مواقعی وجود اختلاف در استراتژی بین مسئولین سیاسی و مسئولی نظامی)؛

۲- تهیه طرح‌های عملیاتی بدون رعایت اصول و ملاحظات اساسی در رزم و بدون توجه به واقعیات موجود، مثل تطابق نداشتن ابزار با هدف (اصل هدف)؛

۳- کاهش اعزام نیروهای مردمی به جبهه‌ها (در سال‌های آخر جنگ)؛

٤- تحریم همه جانبه اقتصادی و نظامی ایران و بی‌تمایلی جهان به پیروزی ایران در جنگ (تحریم سیاسی)؛

۵- کاهش قدرت فرماندهی در رده‌های دسته، گروهان و گردان به علت تلفات وارده در دو سال اول جنگ و واگذاری مسئولیت آنان به افسران رسته‌های دیگر و حتی درجه‌داران و کارکنان وظیفه؛

٦- کاهش روحیه و افزایش فرسودگی نیروها در طول شش سال جنگ (جابجایی و کشاندن مداوم نیروها روی زمین از شمال به جنوب و بالعکس)؛

۷- کاهش شدید توان رزمی یگان‌ها بر اثر کمبودهای آماد و پشتیبانی ناشی از تحریم‌های اقتصادی؛

۸- رزمایش (مانور) در مناطق غیرقابل عبور (زمین‌های رملی، هورالعظیم و کوهستان‌های مرتفع و فاقد محور مواصلاتی) به عنوان تاکتیک‌های ویژه، در مواقعی باعث موفقیت و حصول اهداف اولیه می‌شد، لکن استمرار پشتیبانی از یگان‌های مستقر در روی اهداف متصرفی، تقویت آنان برای مقابله با پاتک‌های دشمن و نیز ادامه پیشروی تا حصول نتیجه نهایی را دشوار و یا ناممکن می‌ساخت.

۹- استفاده از تاکتیک جنگ جهانی اول، یعنی تهاجم با انبوه نیروهای پیاده نظام، که شور انقلابی و عشق به شهادت نیروهای مردمی و خواست عمومی بسیجیان عزیز برای حضور کوتاه‌مدت ولی ضربتی و نتیجه‌بخش (پیروزی یا شهادت) فرماندهان سپاه را به این شیوه طراحی و کاربرد ترغیب و در مواردی وادار می‌کرد.

۱۰- متکی بودن ایران به عوامل اطلاعاتی نیروهای معارض و مخالف حکومت عراق؛

۱۱- واگذاری اطلاعات رزمی توسط ماهواره‌های استکبار به عراق؛

۱۲- ایجاد انگیزه دفاع از کشور در نیروهای عراقی؛

۱۳- برتری کمی و کیفی زرهی عراق نسبت به ایران و استفاده صحیح عراق از نیروی زرهی و دارابودن برتری مطلق هوایی.

جدول شماره۴: عملیات برون‌مرزی در ۶ سال پایانی جنگ (۶۱/۴/۲۲ الی ۶۷/۱/۲۸)[1]

ردیف	منطقه	نام عملیات	تاریخ اجرا	یگان مانوری عمل‌کننده	نتیجه	
					موفق	ناموفق
۱	جنوب	آفند رمضان	٦١/٤/٢٢	مشترک		✓
۲	جنوب	آفند والفجرمقدماتی	٦١/١١/١٧	مشترک		✓
۳	جنوب	آفند والفجر۱	٦٢/١/٢١	مشترک		✓
٤	شمال‌غرب	آفند والفجر۲	٦٢/٤/٢٩	ارتش	✓	
٥	شمال‌غرب	والفجر٤	٦٢/٧/٢٧	مشترک		✓
٦	جنوب	آفند خیبر	٦٢/١٢/٣	مشترک		✓
۷	جنوب	آفند بدر	٦٣/١٢/٢٠	مشترک		✓
۸	شمال‌غرب	آفند حاج عمران	٦٤/٤/٧	ارتش	✓	
۹	غرب	آفند نصر۳	٦٤/٤/٩	ارتش	✓	
۱۰	غرب	آفند ظفر٥	٦٤/٤/١٣	ارتش	✓	
۱۱	جنوب	آفند شرهانی	٦٤/٤/٢٠	ارتش	✓	

۱. سرهنگ مجتبی جعفری، مستخرجه از اطلس نبردهای ماندگار، ایثارگران نزاجا، ۱۳۸۰.

۱۲	شمال‌غرب	آفند قادر	٦٤/٤/٢٣	مشترک		✓
۱۳	شمال‌غرب	آفند چوارتا	٦٤/٦/٦	ارتش		✓
١٤	جنوب	آفند والفجر۸	٦٤/١١/٢٠	مشترک	✓	
١٥	شمال‌غرب	آفند والفجر۹	٦٤/١٢/٥	سپاه		✓
١٦	شمال‌غرب	پدافند چوارتا	٦٤/١٢/١٦	ارتش		✓
١٧	شمال‌غرب	پدافند لولان	٦٥/٢/٣	ارتش		✓
١٨	شمال‌غرب	پدافند حاج عمران	٦٥/٢/٢٤	مشترک	✓	
١٩	شمال‌غرب	آفند کربلا۲	٦٥/٦/١٠	سپاه	✓	
٢٠	شمال‌غرب	فتح۱	٦٥/٧/١٩	سپاه	✓	
٢١	جنوب	آفند کربلا٤	٦٥/١٠/٣	سپاه		✓
٢٢	جنوب	آفند کربلا٥	٦٥/١٠/١٩	سپاه		✓
٢٣	جنوب	آفند تکمیلی کربلا٥	٦٥/١٢/٣	سپاه		✓
٢٤	شمال‌غرب	آفند کربلا۷	٦٥/١٢/١٣	ارتش	✓	
٢٥	جنوب	آفند کربلا۸	٦٦/١/١٨	سپاه		✓
٢٦	شمال‌غرب	آفند کربلا۱۰	٦٦/١/٢٥	سپاه		✓
٢٧	شمال‌غرب	نصر٤	٦٦/٣/٣١	سپاه		✓
٢٨	شمال‌غرب	نصر۸	٦٦/٨/٢٩	سپاه		✓
٢٩	شمال‌غرب	آفند نصر۹	٦٦/٩/١	ارتش		✓
٣٠	شمال‌غرب	آفند بیت‌المقدس۲	٦٦/١٠/٢٥	سپاه		✓
٣١	شمال‌غرب	بیت‌المقدس۳	٦٦/١٢/٢٣	سپاه	✓	
٣٢	شمال‌غرب	آفند والفجر۱۰	٦٦/١٢/٢٤	سپاه		✓
٣٣	شمال‌غرب	بیت‌المقدس٤	٦٧/١/٥	سپاه	✓	
٣٤	شمال‌غرب	آفند بیت‌المقدس٥	٦٧/١/٢٠	ارتش	✓	
٣٥	جنوب	پدافندی فاو	٦٧/١/٢٨	سپاه		✓
٣٦	جنوب	پدافند جزیره مجنون	٦٧/٤/٢١	ارتش		✓
٣٧	شمال‌غرب	بیت‌المقدس٦	٦٧/٢/٢٦	سپاه	✓	

بخش هفتم

عملیات پیاده نظام(۲)

دلایل پیروزی و شکست پیاده نظام در چند عملیات مستقل و ادغامی

مبانی نظری کاربرد اصول جنگ

اصول جنگ و ملاحظات تاکتیکی از تجارب حاصل از عملکرد ارتش‌ها در میادین نبرد در طول تاریخ به دست آمده است. این تجارب پس از آزمون و خطاهای بسیار، توسط اندیشمندان و صاحب‌نظران نظامی مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته، نظریه-پردازی (تئوریزه) شده و نتایج آن به قواعد اساسی رزم تبدیل گشته و به صورت آئین –نامه‌های رزمی مورد استفاده ارتش‌ها قرار گرفته است. مسلماً با هرگونه تغییر در فناوری (تکنولوژی) تجهیزات و تسلیحات و همین‌طور پس از جنگ‌های جدید، تجدید نظرهای لازم در آن مستمراً به عمل آمده و خواهد آمد.

ضریب پیروزی در جنگ زمانی افزایش می یابد که طراحی عملیات نظامی و هدایت آن با رعایت اصول جنگ و ملاحظات تاکتیکی بوده و عوامل اجرایی از توانایی کافی برای اجرا و هدایت آن برخوردار باشند و بالعکس ضریب شکست زمانی افزایش می‌یابد که مأموریت‌ها با بی‌توجهی به اصول و کم‌توجهی و غفلت فرماندهان و ضعف یگان‌های اجرایی همراه باشد، و یا متقابلاً درایت، آگاهی، اطلاعات و برآوردهای دقیق و قدرت برتر دشمن موجب شکست شود.

از دیدگاه علمی، جنگ زمانی موفق است که اهداف راهبردی، سیاسی و دفاعی آن تؤاماً تحقق یابد و از نظر نظامی راهبرد دفاعی زمانی موفق است که هدف‌های تاکتیکی در صحنه نبرد محقق شود. لذا موفقیت در هر سه عامل گفته شده «تاکتیکی، راهبردی و سیاسی» جنگ را با پیروزی به پایان می رساند. نکته مهمی که در این دیدگاه بایستی مد

نظر قرار گیرد تناسب داشتن هزینه‌های مادی و معنوی در مقابل پیروزی بدست‌آمده می‌باشد.

با توجه به مبانی نظری ذکرشده در این بخش نقش پیاده نظام در چند عملیات موفق و ناموفق از نظر طراحی و اجرا مورد بررسی قرار می گیرد. برای آگاهی بیشتر از اصول جنگ، ملاحظات تاکتیکی و قواعد اساسی رزم به ضمیمه۲ مراجعه شود.

نقش پیاده نظام در عملیات موفق

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران پس از متوقف کردن ارتش عراق در سراسر جبهه‌ها، آزادسازی مناطق اشغالی را در دستور کار قرار دادند.

با توجه به نتایج حاصل از عملیات آفندی سال اول، کارشناسان و طراحان عملیاتی در سال دوم به علل زیر یگان‌های پیاده نظام را در رده یکم و یگان‌های زرهی را برای پشتیبانی در رده دوم منظور کردند، گرچه گردان‌های زرهی در لشکرهای پیاده و زرهی در سد پیشروی دشمن در عملیات پدافندی و آفندی نقش اساسی و مهمی داشتند.

۱- انجام عملیات در شب به منظور حصول حداکثر غافلگیری؛

۲- عمق کم هدف‌ها در هر یک از مراحل عملیات؛

۳- عدم طراحی عملیات «استفاده از موفقیت» و «تعاقب» به علت کمبود یگان زرهی؛

٤- عدم برتری کامل هوایی؛

٥- کمبود مهمات؛

٦- نامساعد بودن شرایط زمین برای کاربرد یگان‌های زرهی، به ویژه در مناطق کوهستانی، رملی و مرداب ها.

با تشکیل یگان‌های پیاده نظام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تعداد یگان‌های پیاده نظام نیروهای مسلح افزایش یافت و از آنجایی که یگان‌های پیاده نظام دارای قابلیت عمل در کلیه زمین‌ها (رملی و کوهستانی) بودند، موفق شدند با تلاش‌های مضاعف تا حدودی کمبود یگان زرهی را جبران نمایند.

عوامل (سازمانی و برون سازمانی) مؤثر در کارایی پیاده نظام

پس از سازمان‌دهی قرارگاه‌های عمده، با توجه به ماهیت و ساختار و توانایی‌های پیاده نظام و در نظر گرفتن اصول جنگ، ملاحظات تاکتیکی و قواعد اساسی رزم طرح‌های آفندی با توجه به عوامل زیر تهیه و اجرا شد.

۱- اختصاص نیروی لازم متناسب با هدف‌ها؛

۲- حداکثر تلاش برای بالا بردن روحیه تعرضی در یگان‌های پیاده؛

۳- طراحی رزمایش‌های (مانور) متناسب با زمین و گسترش دشمن با دارا بودن حداکثر قابلیت انعطاف؛

۴- اختصاص توان رزمی مناسب در تلاش اصلی، تلاش پشتیبانی و احتیاط؛

۵- غافلگیر نمودن دشمن با اجرای تکنیک‌های نفوذ در شب، رزمایش‌های احاطه‌ای و عملیات پوشش و فریب؛

۶- کاهش تلفات بی‌مورد با اقدامات تأمینی و حفاظتی؛

۷- ایجاد وحدت‌نظر در مورد انهدام دشمن و ارتقاء وحدت فرماندهی با تشکیل قرارگاه‌های مشترک ارتش و سپاه تا رده تیپ (ترکیب مقدس)؛

۸- بکارگیری حداقل نیرو در مناطقی که فاقد خطر جدی بود؛

۹- طراحی عملیات ساده و قابل استنباط در تمامی رده‌ها؛

۱۰-سازمان‌دهی (برش تاکتیکی و سازمان رزم) متناسب و استفاده از حداکثر ظرفیت پیاده نظام ارتش و سپاه به منظور ارتقاء توان رزمی یگان‌های مانوری؛

۱۱-استفاده از نیروهای پیاده نظام خط‌شکن، به ویژه عناصر سپاه و بسیج برای باز کردن معابر در میادین مین دشمن در شب و شرایط دید محدود؛

۱۲-استفاده از خلاقیت و ابتکارات در بکارگیری پیاده نظام مانند احداث نقب زیرزمینی، پل‌های خیبری و لوله‌ای؛

۱۳-حداکثر استفاده از آتش دقیق پشتیبانی زمینی(توپخانه)، هوایی و هوانیروز؛

۱۴-استفاده از پشتیبانی مهندسی رزمی جهاد در احداث جاده‌ها، خاکریزهای پدافندی، مواضع توپخانه و احداث پل بر روی نهرها و رودخانه‌ها؛
۱۵-برقراری سیستم ارتباط مناسب در کلیه رده‌ها؛
۱۶-بالا بردن روحیه شهادت و ایثار و ایجاد انگیزه برای ترغیب عناصر پیاده نظام با اجرای مراسم مذهبی با حضور روحانیون در خطوط مقدم و گسترش فرهنگ بسیجی در جبهه‌ها؛
۱۷-توجیه فرماندهان پیاده تک‌ور تا رده گروه نسبت به منطقه عملیات با نقشه و جعبه شنی قبل از عملیات؛
۱۸-توجیه کامل عناصر پیاده نظام عمل‌کننده با زمین عملیات، محورهای پیشروی و اهداف تاکتیکی؛
۱۹-اجرای آموزش‌های لازم (قبل از عملیات) به منظور بالا بردن مهارت‌های تخصصی؛
۲۰-تمرین (حتی‌الامکان) در زمین‌های مشابه توسط یگان‌های پیاده نظام.

نتیجه

رمز موفقیت یگان‌ها در کسب پیروزی رعایت اصول جنگ و ملاحظات تاکتیکی، اتحاد و یگانگی با تمسک به آیه شریفه «واعتصموا بحبل ا... جمیعاً و لا تفرقوا»، هم-افزایی توان ارتش و سپاه، پیروی و اطاعت محض از حضرت امام(ره)، روحیه ایثار رزمندگان و حمایت ایثارگرانه ملت بزرگوار ایران از جبهه‌ها، یعنی علم و تخصص، ایمان مذهبی، وحدت ملی، ایثار و شهادت طلبی و فرماندهی حضرت امام(ره) رمز پیروزی‌ها بود.

یگان‌های پیاده نظام با توجه به موارد فوق توانستند چندین عملیات آفندی بزرگ را در منطقه عملیاتی جنوب و غرب با موفقیت به پایان رسانده و مجموعاً بیش از۹۵٪ از مناطق اشغالی جنوب و غرب کشور را از اشغال دشمن آزاد نمایند و بخشی از

سرزمین عراق واقع در منطقه عملیاتی جنوب مانند جزیره فاو و جزیره مجنون و در منطقه شمال‌غرب مانند حاج عمران را به تصرف درآورند.

نقش پیاده نظام در عملیات آزادسازی سال دوم جنگ

در سال دوم جنگ چهار عملیات بزرگ آفندی برای آزادسازی سرزمین‌های اشغالی در منطقه عملیاتی و در سال ششم یک عملیات آفندی در منطقه فاو اجرا گردید که با موفقیت کامل همراه بود. در ادامه به تحلیل عملیات‌های مذکور می‌پردازیم.

عملیات آفندی ثامن‌الائمه (۱۳۶۰/۷/۵) (نقشه شماره ۵)

۱-کلیات[۱]

الف- منطقه عملیات: جنوب خوزستان ـ شرق کارون.

ب- هدف عراق در تجاوز به شرق کارون

ارتش عراق با هدف محاصره آبادان با عبور از رودخانه کارون سرپلی را در شرق آن رودخانه به وسعت ۱۵۰ کیلومترمربع اشغال کرد، ولی مجبور به توقف شد. طبق اصول تاکتیکی و ملاحظات رزم، تصرف سرپل مبدأ حرکت برای تصرف هدف می‌باشد، لذا هرگونه توقف بی‌مورد در آن آسیب‌پذیری نیروی مستقر در سرپل را در پی دارد.

ج- هدف عملیات ثامن‌الائمه

اجرای فرمان حضرت امام(ره) مبنی بر «حصر آبادان باید شکسته شود.» لذا انهدام نیروهای دشمن در شرق کارون و خارج کردن آبادان از محاصره از اهداف تاکتیکی عملیات بود.

د- مأموریت و یگان عمل‌کننده

در این عملیات لشکر۷۷ پیاده با سازمان‌دهی سه تیپ پیاده و بکارگیری ۲۷ گردان رزمایشی شامل ۲۱ گردان پیاده (۱۱ گردان پیاده ارتش هر یک به استعداد ۱۰۰۰ نفر و

---

۱. سرتیپ۲ ستاد روح‌اله سروری، سرتیپ۲ ستاد ابوالقاسم جاودانی، همان.

مجموعاً ۱۱۰۰۰ نفر و ۱۰ گردان پیاده سپاه هر یک به استعداد حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر مجموعاً ۲۵۰۰ نفر) و ٦ گردان تانک با پشتیبانی ۸ گردان توپخانه مأموریت یافت منطقه شرق کارون را پاکسازی و آبادان را از محاصره خارج کند. این عملیات توسط هوانیروز و انواع هواپیماهای نیروی هوایی پشتیبانی شد.

توضیح اینکه:

۱- استعداد گردان‌های پیاده سپاه پاسداران مجموعاً حدود ۲۵۰۰ نفر گزارش شده است که مجهز به جنگ‌افزارهای سبک بوده‌اند.

۲- از مجموع گردان‌های پیاده ارتش یک گردان سبک از ژاندارمری در عملیات شرکت داشت.

لشکر۷۷ پیاده خراسان که منتسب به حضرت ثامن‌الائمه(ع) می‌باشد در دوران انقلاب با کم‌ترین تنش نسبت به سایر یگان‌های ارتش مواجه شد، به همین جهت از استعداد و قابلیت رزمی بیشتری برخوردار بود. لذا لشکر با فرماندهی خوب و توان رزمی نسبتاً مناسبی در منطقه (شرق کارون) مستقر شد.

۲- نقش پیاده نظام در عملیات ثامن‌الائمه(ع)

الف- قبل از عملیات

۱- لشکر بلافاصله پس از استقرار در منطقه، توسط عناصر پیاده با تشکیل پست‌های دیده‌بانی، اعزام گشتی‌های شناسایی و رزمی و سایر منابع اقدامات گسترده‌ای را نسبت به جمع‌آوری اطلاعات از زمین و دشمن به عمل آورد.

۲- لشکر با دارا بودن فرمانده و سلسله مراتب فرماندهی آگاه و کاردان و هم‌چنین وجود افسران مطلع و متخصص و با استفاده از تجربیات عملیات گذشته (عملیات توکل) در این منطقه بلافاصله طرح‌ریزی برای انجام مأموریت را آغاز کرد.

۳- بکارگیری عناصر مسئول سپاه پاسداران در تلاش برای جمع‌آوری اطلاعات و شرکت دادن آنان در طرح‌ریزی عملیات؛

٤- تقویت تیپ‌های پیاده لشکر با سازمان‌دهی گردان‌های پیاده سپاه پاسداران و ادغام آنان با گردان‌های پیاده سازمانی؛
٥- بازکردن معابر در میدان‌های مین در محورهای نفوذی؛
٦- سازمان‌دهی یگان‌های توپخانه و ثبت تیر آتش‌های پشتیبانی؛
۷- هماهنگی‌های لازم با یگان هوانیروز؛
۸- طرح‌ریزی و هماهنگی مشترک با نیروی هوایی در بکارگیری دو پایگاه هوایی دزفول و بوشهر به منظور بالابردن توان رزمی؛
۹- بالابردن روحیه ایثار و فداکاری با اجرای برنامه‌های مختلف؛
۱۰-ارتقاء کیفیت آموزشی مورد نیاز ویژه عملیات.

ب- حین عملیات

۱- نفوذ عناصر پیاده نظام ارتش و سپاه به خطوط پدافندی دشمن؛
۲- شکستن خطوط مقدم دشمن در کلیه محورهای طراحی شده با رزم نزدیک و تن به تن؛
۳- بکارگیری آتش پشتیبانی طرح‌ریزی شده در طول عملیات؛
٤- فرماندهی و هدایت خوب کلیه رده‌ها و عناصر ستاد تا رسیدن به اهداف تعیین شده؛
٥- تداوم عملیات به مدت ٤٨ ساعت تا انهدام کامل دشمن و تحقق هدف‌های واگذاری.

ج- بعد از عملیات

۱- تخلیه بموقع شهدا و مجروحین؛
۲- تخلیه اسراء پس از کسب اطلاعات لازم؛
۳- پاکسازی منطقه و جمع‌آوری غنائم؛
٤- حفظ آمادگی به منظور دفع پاتک احتمالی؛
٥- بازسازی و تعمیر و نگهداری و تجدید سازمان؛

٦- آماده شدن برای عملیات بعدی.

د- نتیجه عملیات

مجموعه نیروهای پیاده نظام توانستند با نشان دادن روحیه هجومی تعرضی، انگیزه بالای اعتقادی، میل جنگ‌جویی و اشتیاق به ایثار و فداکاری در اجرای امر امام(ره) پس از ٤٨ ساعت نبرد با دشمن و تقدیم شهدا، منطقه شرق کارون را به وسعت ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلومتر مربع پاکسازی کنند.

با انجام این مأموریت یکی از وظایف تصریحی فرمانده کل قوا حضرت امام راحل(ره) که فرموده بودند «حصر آبادان بایستی شکسته شود» تحقق یافت و لشکر ۷۷ پیاده به لقب «پیروز» مفتخر شد.

عملیات ثامن‌الائمه عملیاتی بود که تمامی اصول و قوانین عملیات کلاسیک در آن لحاظ شده بود و تجربه جدیدی در تکنیک نفوذ به خطوط پدافندی دشمن به جای آرایش‌های معمول برای نزدیک شدن به دشمن در شب به دست آمد، که می‌توان آن را تغییر تکنیک، و نه تغییر استراتژی نامید.

۳- دلایل عمده پیروزی

الف- وجود انگیزه مضاعف در اجرای فرمان حضرت امام(ره) مبنی بر شکستن حصر آبادان (روحیه آفندی)؛

ب- شناخت دقیق ویژگی‌های زمین (اطلاعات)؛

ج- جمع‌آوری اطلاعات دقیق از گسترش، ترکیب، استعداد و سایر ویژگی‌های دشمن در منطقه (اطلاعات)؛

د- متناسب بودن هدف با توان رزمی اختصاص داده شده (اصل هدف)؛

هـ- وحدت فرماندهی؛

و- طراحی و تدوین دستور عملیاتی مطابق تمامی اصول و ملاحظات علمی جنگ برای یک عملیات برنامه‌ریزی و هماهنگ شده؛

ز- اجرای دقیق تمامی مراحل و موارد دستور عملیاتی توسط فرماندهان و یگان‌های عمل‌کننده؛

بازتاب پیروزی عملیات ثامن‌الائمه در کلام حضرت امام خمینی(ره)

با پایان یافتن عملیات ثامن‌الائمه(ع)حضرت امام راحل در پاسخ به پیام تبریک فرماندهان به محضر ایشان رزمندگان را مورد تفقد قرارداده و پیام زیر را صادر فرمودند:[۱]

«تیمسار سرتیپ فلاحی، تیمسار سرتیپ ظهیرنژاد و جناب آقای محسن رضایی ایدهم الله تعالی

تلگراف شما در خصوص فتحی بزرگ که خداوند تعالی نصیب ارتش، نیروی هوایی و هوانیروز، سپاه پاسداران، بسیج، ژاندارمری، فدائیان اسلام و سایر نیروهای مردمی فرموده و محاصره آبادان به طورکامل شکسته شده است واصل شد. این پیروزی بزرگ را به فرماندهان تمامی نیروهای مسلح، سربازان ارجمند و سپاهیان نیرومند تبریک می‌گویم و امید است این سرافرازی‌ها را که برای اسلام و میهن فراهم می‌کنند منظور نظر مبارک ولی الله الاعظم بقیت الله ارواحنا له الفداء باشد و آخرین پیروزمندی را که بیرون راندن نیروهای متجاوز کافر از سرزمین‌های میهنمان است ملت شریف به زودی مشاهده کند. اینجانب به اسم ملت بزرگ ایران از رزمندگان دلیر ارتش و سپاه و دیگر قوای مسلح ایدهم الله تعالی تقدیر و تشکر می کنم، از خداوند متعال توفیق، نصرت و عظمت اسلام و مسلمین و به خصوص نیروهای مسلح اسلامی را خواستارم.»

و السلام علیکم روح ا... الموسوی الخمینی

۶۰/۷/۵

متن پیام فرماندهان ارتش و سپاه بدین شرح است:

«محضر مبارک حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و فرماندهی کل قوا.

---

۱. حضرت امام(ره)، صحیفه نور.

در اجرای فرمان آن امام امت دایر بر شکستن حصر آبادان و انهدام نیروهای متجاوز درشرق کارون بر اساس طرح پیشنهادی نیروی زمینی و سپاه و شورای عالی دفاع که در حضور جنابعالی ارائه و مورد تصویب قرار گرفت، در سحرگاه روز پنجم مهرماه با شرکت لشکر۷۷ تقویت شده خراسان و سپاهیان انقلاب و نیروی هوایی و هوانیروز و ژاندارمری و فدائیان اسلام و سایر نیروهای مردمی اجرا و ظرف چند ساعت با اجرای یک رزمایش ماهرانه نیروی از دشمن متجاوز عراق به استعداد یک لشکر تقویت شده اسیر، مجروح، منهدم و متواری شد، شمال آبادان و شرق رود کارون بازپس گرفته شد و به طور کلی محاصره آبادان شکسته شد. ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این پیروزی را مرهون لطف خداوند و رهنمودهای امام امت می‌دانند و این پیروزی را به امام امت و ملت ایران تبریک عرض می کنند.»

جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران سرتیپ ولی الله فلاحی
فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران سرتیپ قاسمعلی ظهیر نژاد
فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محسن رضایی

عملیات طریق‌القدس (۱۳۶۰/۹/۹) (نقشه شماره۶)

۱- کلیات[۱]

الف- منطقه عملیات: دشت آزادگان (غرب سوسنگرد تا تنگ چزابه).

ب- اهداف تاکتیکی عراق در تجاوز به دشت آزادگان

۱- ایجاد پیوستگی نیروهای شمال و جنوب منطقه خوزستان؛

۲- تهدید شهر اهواز (مرکز استان خوزستان)؛

۳- تصرف شهرها و روستاهای عرب‌زبان منطقه؛

۴- کاهش تهدید شهرهای استان العماره عراق در مقابل پاتک احتمالی نیروهای ایران.

---

۱. سرتیپ۲ ستاد مسعود بختیاری، همان.

ج- اهداف ایران در عملیات طریق‌القدس:

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی در عملیات ثامن‌الائمه(ع) با توجه به توان موجود، آزادسازی غرب سوسنگرد واقع در دشت آزادگان را با اهداف ذیل برای عملیات آفندی در نظر گرفتند.

۱- آزادسازی شهرها و روستاهای اشغال‌شده و تأمین امنیت مردم عرب‌نشین منطقه؛

۲- رفع تهدید شهر اهواز (مرکز استان خوزستان)؛

۳- خنثی کردن تبلیغات عراق در حمایت از مردم عرب‌زبان خوزستان؛

۴- صرفه‌جویی در قوا با کوتاه کردن خطوط پدافندی،

۵- قطع ارتباط زمینی نیروهای دشمن در شمال و جنوب خوزستان از داخل خاک ایران.

د- مأموریت و یگان عمل‌کننده:

لشکرهای ۱۶ و ۹۲ زرهی به استعداد ۱۲ گردان پیاده و پیاده مکانیزه هر گردان به استعداد ۱۲۰۰ نفر جمعاً ۱٤٤۰۰ نفر و ۱۰ گردان زرهی مأموریت آفندی را بر عهده داشتند. در این منطقه جنس زمین و وجود رودخانه های متعدد و عمود بر سمت تک، استفاده از تحرک زرهی را با محدودیت مواجه می‌کرد.

از طرفی گردان‌های پیاده مکانیزه سازمانی با کمبود خودرو زرهی عملاً به صورت یگان‌های پیاده عمل می‌کردند. علاوه بر آن جنس زمین (رملی) و نوع مأموریت برای کاربرد یگان پیاده مناسب بود.

با اعلام آمادگی سپاه پاسداران مبنی بر آماده کردن ۳۰ گردان پیاده (بسیجی) هر گردان به استعداد ۲۰۰ الی ۳۰۰ نفر مجموعاً ۷۵۰۰ نفر در قالب ٤ تیپ پیاده تعداد گردان‌های رزمایشی دو لشکر به ٤۲ گردان پیاده و پیاده مکانیزه و ۱۰ گردان زرهی افزایش یافت. لذا ماهیت لشکرهای زرهی عملاً به قابلیت‌های لشکر پیاده تبدیل شده بود.

۲- نقش پیاده نظام و پیاده مکانیزه در عملیات طریق‌القدس

الف- قبل از عملیات

۱- استقرار در رده اول خط پدافندی و تحت نظر قرار دادن کوچک‌ترین حرکات دشمن؛

۲- جمع‌آوری اطلاعات از زمین و دشمن با اعزام گشتی رزمی، گشتی شناسائی، عملیات محدود شناسائی با رزم و برقراری پست‌های دیده‌بانی؛

۳- اعزام گشتی در جناحین به منظور یافتن نقاط ضعف و وضعیت جناحین دشمن؛

٤- شناسائی نقاط آسیب‌پذیر خط مقدم دشمن به منظور باز کردن میادین مین؛

۵- اقدام به بازکردن معابر برای عبور تانک و نفربر و شکستن خطوط پدافندی دشمن؛

٦- گردان‌های پیاده و پیاده مکانیزه ارتش با گردان‌های پیاده سپاه (با روحیه تهاجمی و ایثار بالا) به طور مستقل و یا در بعضی نقاط به صورت ادغامی سازمان‌دهی شده و در خط مقدم پدافندی با کم‌ترین فاصله از دشمن مستقر شدند. گردان‌های زرهی در پشتیبانی از گردان‌های پیاده نظام در خطوط مقدم مستقر شده و مجموعاً آماده اجرای مأموریت بودند.

۷- احداث جاده‌ای به طول ۱٦ کیلومتر در داخل زمین‌های رملی توسط جهاد سازندگی که نقش ارزنده‌ای در عبور یگان‌های پیاده برای اجرای رزمایش احاطه-ای و هم‌چنین حرکت یک گردان تانک برای رسیدن به تنگ چزابه داشت.

ب- حین عملیات

۱- اقدام به اجرای تک احاطه‌ای غافلگیرانه در جناح راست در بخش شمالی رودخانه کرخه (نقشه شماره ۷و۸) به منظور:

الف- انهدام نیرو؛

ب- تأسیسات و پاسگاه‌های فرماندهی دشمن؛

ج- درگیر کردن یگان احتیاط دشمن؛

د- خاموش کردن گردان‌های توپخانه مستقر در حوالی احتیاط.

۲- بستن تنگ چزابه با گردان پیاده مکانیزه (گر۱۰۰ مکانیزه) و سپس تقویت آن با گردان ۲۹۳ تانک؛

۳- اقدام به بازکردن معابر برای عبور تانک و نفربر در جناح جنوبی رودخانه کرخه؛

۴- شرکت در تک به خطوط مقدم دشمن در جناح جنوبی رودخانه کرخه (نقشه شماره ۹)؛

۵- مقاومت در مقابل پاتک‌های مداوم دشمن در جناح جنوبی رودخانه کرخه؛

۶- مسدود کردن پل سابله با انهدام تانک و نفربرهای در حال عبور دشمن و جلوگیری از ورود نیروی تقویتی برای بازپس‌گیری شهرستان؛

۷- آزاد سازی و پاک‌سازی منطقه جنوبی شهر بستان و مسدود کردن عقبه دشمن در منطقه پل سابله توسط نیروهای پیاده نظام سپاه؛

۸- ادامه تک در جناح سمت چپ (جنوب کرخه)، عقب راندن دشمن و تأمین ساحل شمالی رودخانه نیسان (نقشه شماره ۱۰).

ج- بعد از عملیات

۱- دفع پاتک‌های متعدد دشمن به ویژه پاتک به تنگ چزابه پس از ۲۵ روز؛

۲- اعزام یک تیپ پیاده شامل سه گردان پیاده و یک گردان تانک از منطقه غرب دزفول از لشکر۷۷ پیاده برای کمک به دفع پاتک دشمن در تنگ چزابه و تثبیت مواضع پدافندی خودی؛

۳- تشکیل خط پدافندی در ساحل شمالی رودخانه نیسان و تنگ چزابه؛

۴- تخلیه شهدا و مجروحین و اسراء؛

۵- جمع‌آوری غنائم، بازسازی، تجدید سازمان و آماده شدن برای عملیات بعد.

د- نتیجه

در عملیات طریق‌القدس نیروهای پیاده نظام و پیاده مکانیزه (ارتش، سپاه و ژاندارمری) با اقدامات فوق موفق شدند تمامی اهداف پیش‌بینی شده در عملیات طریق‌القدس را تحقق بخشند و در این راستا نقش کلیدی را بر عهده داشته باشند.

هرچند عملیات طریق‌القدس از وحدت فرماندهی با تعریف نظامی برخوردار نبود و هر یگان تحت فرماندهی سلسله مراتب خود عمل می‌کرد، ولی کارها به گونه‌ای تخصصی تقسیم شده بود که تداخل وظایف را به وجود نمی‌آورد. مثلاً بازکردن معابر و شکستن خط پدافندی به صورت ادغامی و رزمایش احاطه‌ای به عهده پیاده نظام سپاه بود و نفوذ و انهدام و تعقیب دشمن به عهده گردان‌های پیاده مکانیزه و گردان‌های زرهی ارتش بود.

نکته قابل توجه دیگر در عملیات طریق‌القدس عدم سادگی طرح رزمایش در بخش شمالی، به ویژه در زمین‌های رملی بود که عبور یگان پیاده نظام را برای اجرای رزمایش احاطه‌ای و هم‌چنین عبور گردان زرهی مأمور تصرف تنگ چزابه را با مشکل مواجه می‌کرد؛ کما اینکه گردان زرهی به علت کندی حرکت و انحراف از مسیر نتوانست به موقع به تنگ چزابه برسد.

انتخاب منطقه‌ای غیرقابل عبور (رملی)، یگان عمل‌کننده را ضمن تغییر سمت عمده با مشکل کندی حرکت مواجه می‌کرد و لذا به سادگی به طرح رزمایش لطمه وارد کرده بود، ولی موجب غافلگیری دشمن شد.

در عملیات طریق‌القدس۲ لشکر زرهی (٤ تیپ زرهی ارتش و ٤ تیپ پیاده سپاه) با انجام رزمایش احاطه‌ای یک طرفه توانستند پس از ۲۲ روز منطقه دشت آزادگان به وسعت ٦۰۰ کیلومترمربع را آزاد و اهداف تاکتیکی فوق را محقق سازند، به گونه‌ای که حضرت امام راحل(ره) عملیات طریق‌القدس را «**فتح‌الفتوح**» نامیدند.

در پایان اشاره می‌شود که ایمان، ایثار، شجاعت، وحدت نظر در تفکر و داشتن اعتقاد به لزوم بیرون کردن دشمن از سرزمین آباء و اجدادی و دفاع از اسلام و انقلاب

موجب شد که نیروها ضمن رعایت اصول جنگ و قواعد اساسی رزم هرگونه مشکلی را با توکل به خداوند متعال برطرف سازند و در جهت انجام مأموریت اتحاد و یگانگی را در رأس تمامی امور قرار دهند.

۳- دلایل عمده پیروزی عملیات طریق‌القدس

۱- تناسب هدف‌های تاکتیکی با توانایی‌های نیروی خودیِ اختصاص‌داده‌شده (اصل هدف)؛

۲- فراهم کردن کلیه نیازمندی‌های آمادی و نیروی انسانی و بهره‌برداری از روحیه ایثار رزمندگان (اصل آفند)؛

۳- طراحی رزمایش یک‌طرفه در جناح راست (شمال کرخه) و رسیدن به عقبه دشمن (اصل رزمایش)؛

۴- بکارگیری و تمرکز نیروی برتر نسبت به دشمن با ۵۲ گردان رزمایشی خودی در برابر ۲۴ گردان رزمایشی دشمن؛

۵- بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن با توجه به جنس زمین و نوع گسترش دشمن (ملاحظات تاکتیکی)؛

۶- برداشت نیرو از مناطق کم‌خطر و اختصاص حداکثر نیرو به منطقه عملیات (صرفه جویی در قوا)؛

۷- احداث جاده مستحکم به منظور تسهیل حرکت گردان‌های پیاده نظام مأمور رزمایش احاطه‌ای و گردان۲۹۳ زرهی برای تسریع در بستن تنگ چزابه؛

۸- غافلگیر نمودن دشمن با احداث جاده در مناطق رملی و عبور گردان تانک و گردان‌های مأمور به رزمایش احاطه‌ای در منطقه‌ای که دشمن آن را مانع غیرقابل عبور می دانست.

بازتاب پیروزی عملیات طریق‌القدس در کلام امام راحل

در پایان عملیات غرور آفرین طریق‌القدس حضرت امام(ره) در پاسخ تبریک ریاست جمهوری، ریاست ستاد مشترک آجا، فرماندهی نزاجا و فرماندهی سپاه

پاسداران به محضر ایشان، پیام ارزشمندی را خطاب به آنان به این شرح صادر فرمودند:[۱]

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای حاج سید علی خامنه ای رئیس جمهوری محترم اسلامی ایران، تیمسار سرتیپ ظهیرنژاد رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، سرکار سرهنگ علی صیادشیرازی فرمانده نیروی زمینی، جناب آقای محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

اِن تَنصُر الله یَنصُر کُم وَ یُثَبِّت اقدامَکُم

تلگراف‌های شریف که بشارت پیروزی بزرگ قوای مسلّح شجاع را بر قوای شیطا امریکایی صدامیان که با هجوم ظالمانه خود فتح قادسیه را به مرزهای تهی از ایمان به غیب وعده می‌دادند واصل شد. اتکاء به مسلسل و تانک و غفلت از خداوند قادر و جنود الهی انسان‌ها را به ورطه هلاکت و فضاحت می‌کشاند. آنان که رمز پیروزی را مجهز به جهاز شیطانی و میگ‌ها و میراژها می‌دانند و ایمان به غیب و خداوند قادر را به حساب نمی‌آورند و دم از «پیروزی قادسیه» می‌زنند و رمز پیروزی قادسیه و مؤمنان صدر اسلام را بازنیافتند و قدرت ایمان و شهادت‌طلبی را نمی‌فهمند، باید با شکست مفتضحانه روبه‌رو شوند و گوشمالی الهی ببینند. اینان از پیروزی‌های صدر اسلام که پیروزی ایمان و خون بر شمشیر و قوای جهنمی بود باید عبرت بگیرند. مردم ایران و ارتش و سپاه و بسیج و سایر قوای نظامی و غیرنظامی برای حفظ اسلام و کشور اسلامی و رسیدن به لقاءالله دفاع می‌کنند و فرق است بین این عزیزان و آن گول-خوردگان که برای مقاصد پلید امریکا و وابستگان آن به جنگ بر ضد اسلام و قرآن مجید برخاسته‌اند. آنچه برای این جانب غرورانگیز و افتخارآفرین است روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت‌طلبی این عزیزان که سربازان حقیقی ولی الله الاعظم ارواحنا فداه هستند می‌باشد و این است فتح الفتوح. من به ملت بزرگ ایران و به فرماندهان شجاع قبل از آنکه پیروزی شرافتمندانه و بزرگ خوزستان

---

۱. حضرت امام(ره)، همان.

را تبریک بگویم، وجود چنین رزمندگانی که از دو جبهه معنوی و صوری و ظاهر و باطن از امتحان سرافراز بیرون آمده‌اند، تبریک می گویم. مبارک باد بر کشور عزیز ایران و بر ملت شریف ایران که چنین رزمندگانی قدرتمند و عاشقانی چنین محو جمال ازلی و سربازانی چنین دلباخته دوست که شهادت را آرزوی نهایی خود و جانبازی در راه محبوب را آرمان اصیل خویش می دانند. افتخار بر رزمندگانی که جبهه های نبرد را با مناجات خویش و راز و نیاز با محبوب خود عطرآگین نموده‌اند، فخر و عظمت بر جوانان عزیزی که در راهی قدم برداشته و پاسداری از مکتبی می‌کنند که شکست‌ناپذیر و سر تا پا پیروزی است و ننگ بر آنان که در راهی جان خود را هدر می‌دهند و عرض و آبروی خود را می‌برند که پیروزیشان شکست و زندگیشان ننگ-آفرین است. اینجانب از فرماندهان محترم و رزمندگان عزیز قوای مسلّح نظامی و انتظامی ارتشی و سپاهی و بسیج مستضعفان و ژاندارمری و شهربانی و عشایر محترم و نیروهای نامنظم و مردمی تشکر و قدردانی می کنم. درود بر شما و همه آنان که برای اسلام و کشور عزیز خود حماسه می آفرینند از خداوند تعالی پیروزی نهایی رزمندگان اسلام و سلامت و سعادت همگان را خواهانم.»

والسلام علیکم و رحمه ا... و برکاته

روحا... الموسوی الخمینی

۶۰/۹/۱۸

عملیات فتح‌المبین (۱۳۶۱/۱/۲) (نقشه شماره۱۱)

۱- کلیات[1]

الف- منطقه عملیات: غرب رودخانه کرخه واقع در شمال خوزستان (غرب دزفول).

ب- اهداف عراق در تجاوز به غرب دزفول

دشمن در منطقه غرب دزفول با دو لشکر (۱۰ زرهی و ۱ مکانیزه) تجاوز خود را در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ در دو محور آغاز کرد. اهداف دشمن عبارت بود از:

---

۱. سرتیپ۲ ستاد محمد جوادی‌پور، سرتیپ۲ ستاد علی نیکفرد، سرهنگ ستاد یعقوب حسینی، نقش ارتش در ۸ سال دفاع مقدس، تهران، عقیدتی ـ سیاسی آجا، ۱۳۷۲، ص ۲۰۰.

۱- تصرف ارتفاعات شمالی اندیمشک و دزفول به منظور قطع خطوط مواصلاتی زمینی و ریلی استان خوزستان با مرکز کشور؛
۲- قطع خطوط مواصلاتی شمال خوزستان با مرکز خوزستان (اهواز)؛
۳- تصرف شهرها و نقاط حساس و منابع حیاتی در منطقه دزفول؛
۴- دشمن موفق شد حدود ۸۰ کیلومتر به سمت دزفول پیشروی کند و در نهایت بر اثر مقاومت نیروهای ارتش و مردمی پس از ٦ روز در کرانه غربی رودخانه کرخه مجبور به توقف شد. دشمن پس از توقف در جبهه‌ای به عرض ۱۰۰ کیلومتر به صورت نعلی شکل وضعیت پدافندی اتخاذ کرد.

ج- اهداف عملیات فتح المبین

پس از اجرای عملیات طریق‌القدس در دشت آزادگان و صرفه‌جویی نیرو در آن منطقه، نیروی قابل توجهی آزاد شد. با توجه به گسترش دشمن در شمال استان خوزستان مناسب‌ترین موقعیت برای عملیات بعدی منطقه غرب دزفول تشخیص داده شد. اهداف این عملیات عبارت بود از:

۱- آزادسازی مناطق دزفول از غرب رودخانه کرخه تا ارتفاعات تینه به وسعت ۲٤۰۰ کیلومترمربع ؛
۲- خارج کردن شهرهای دزفول، اندیمشک و راه‌های مواصلاتی (جاده‌ای و ریلی) از برد آتش توپخانه دشمن؛
۳- رفع هر گونه تهدید محاصره استان خوزستان از ناحیه شمال.

د- مأموریت و یگان عمل‌کننده

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی پس از توقف دشمن به مدت ۱٦ ماه در خط پدافندی مستقر شدند و اقدام به سازمان‌دهی، تجدید سازمان، احراز آمادگی، جمع‌آوری اطلاعات کامل از زمین و دشمن و طرح‌ریزی عملیات آفندی فتح‌المبین نمودند. نیروهای مسلح با تشکیل یک قرارگاه مشترک عملیاتی موسوم به کربلا و چهار قرارگاه مشترک عملیاتی تابعه (قدس، نصر، فجر، فتح) مشتمل بر ۱۲۳ گردان پیاده (۵۳ گردان

پیاده ارتش به استعداد مجموعاً ۵۳هزار نفر و ۷۰ گردان پیاده سپاه به استعداد مجموعاً ۲۰هزار نفر) و ۱۳ گردان زرهی ارتش با پشتیبانی ۲۲ گردان توپخانه صحرایی و پدافند هوایی ارتش در تاریخ ۱۳٦۱/۱/۲ عملیات را آغاز کردند. در این عملیات یگان‌های هوانیروز، نیروهی هوایی و پدافند هوایی ارتش از یگان‌های تک‌ور پشتیبانی کردند.

۲- نقش پیاده نظام و پیاده مکانیزه در عملیات فتح‌المبین

قرارگاه کربلا با بکارگیری نیروهای پیاده نظام و زرهی، عملیات فتح‌المبین را در چهار مرحله طراحی کرد. عملیات در ساعت ۰۳۰۰ روز ۱۳٦۱/۱/۲ با استفاده از تاکتیک تک شبانه و تکنیک‌های نفوذ در شب آغاز شد. نقش پیاده نظام در چهار مرحله عملیات عبارت بود از:

الف- قبل از عملیات

۱- تلاش برای جمع‌آوری اطلاعات از دشمن با دیده‌بانی، اعزام گشتی‌های شناسایی و رزمی؛

۲- بازکردن و علامت‌گذاری معابر در میادین مین در شب و روزهای مه‌آلود؛

۳- بالابردن آموزش انفرادی، به ویژه کاربرد رزمی جنگ‌افزارها در خط پدافندی و استفاده از تجهیزات باز کردن میادین مین (اژدر بنگال و خرج کمیت)؛

۴- حفر یک رشته نقب (تونل زیرزمینی) به طول ٤۵۰ متر برای رسیدن به خط پدافندی مستحکم دشمن؛

۵- بالابردن سطح آموزش یگانی با تمرین روی زمین‌های مشابه در عقبه خط پدافندی؛

۶- تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده در سطح گردان‌ها و تیپ‌ها با استفاده از نقشه وضعیت برای توجیه کلیه فرماندهان تا رده گروه؛

۷- ثبت تیر جنگ‌افزارهای با خط سیر منحنی؛

۸- طرح‌ریزی فرماندهان در تمامی رده‌ها با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده، اصول جنگ و ملاحظات تاکتیکی؛

۹- تلاش در جهت بالابردن روحیه ایثار و شهادت با بهره‌گیری از آئین‌ها و مراسم مذهبی و حضور روحانیون و فرماندهان در خطوط مقدم؛

۱۰-ایجاد شور و هیجان برای تسریع در اجرای عملیات به منظور بالابردن روحیه تعرضی.

ب- حین عملیات

۱- بکارگیری تکنیک رزم شبانه برای عبور از معابر ایجاد شده در میادین مین و نفوذ در مواضع دشمن؛

۲- خاموش کردن توپخانه دشمن در مرحله یکم عملیات با نفوذ ۲ تیپ پیاده ارتش و سپاه در عمق و تصرف مواضع عمده توپخانه دشمن (تپه‌های علی گره‌زد) که موجب تسهیل پیشروی نیروها در سایر محورها شد؛

۳- اجرای رزمایش احاطه‌ای در جناح راست و عین‌خوش در مرحله یکم عملیات توسط یک تیپ پیاده سپاه و یک گردان پیاده ارتش با اجرای راه-پیمایی حدود ۲۰ کیلومتری در زمین‌های ذوعارضه و تصرف عین‌خوش؛

۴- عبور یک گردان پیاده از تونل زیرزمینی در منطقه پل نادری در مرحله یکم عملیات برای ساقط کردن یکی از مواضع مستحکم دشمن موسوم به کانال هندلی؛

۵- دفع پاتک‌های دشمن پس از مرحله یکم عملیات، به ویژه در جناح راست (منطقه دشت عباس)؛

۶- اجرای رزمایش احاطه‌ای در مرحله سوم عملیات در عمق کم با بکارگیری ۲ تیپ پیاده ارتش و یک تیپ پیاده سپاه برای تصرف ارتفاع ابوصلیبی‌خات به منظور کاهش مقاومت دشمن در مقابل قرارگاه فجر و تسهیل پیشروی آن قرارگاه؛

۷- دارا بودن قابلیت انعطاف فرماندهان و ستادهای مربوطه در تغییر سازمان رزم و سمت رزمایش با توجه به توسعه اطلاعات؛

۸- اعزام عناصر شکار تانک در شب برای ضربه زدن به دشمن؛
۹- اجرای رزمایش احاطه‌ای به استعداد یک تیپ پیاده سپاه در جناح سمت چپ با عبور از تنگ ذلیجان (طرح ابتکاری سپاه) به منظور وصول به عقبه دشمن در تنگ رقابیه که منجر به شکستن مقاومت دشمن در آن منطقه شد؛
۱۰-الحاق نیروهای جناح راست و چپ در تنگ برغازه در مرحله چهارم عملیات؛
۱۱-تصرف ارتفاعات تینه و گذرگاه‌های آن (عین‌خوش، ابوغریب، برغازه و رقابیه)؛
۱۲-هدایت خوب فرماندهان در تمامی رده‌ها با استفاده از تجارب عملیات گذشته.

ج- بعد از عملیات

۱- تخلیه سریع شهدا و مجروحین؛
۲- تخلیه اسرا به عقب؛
۳- جمع‌آوری غنائم و تجهیزات باقیمانده و آماده کردن آنان برای استفاده؛
۴- تجدید سازمان، بازسازی و تعمیر و نگهداری؛
۵- آماده شدن برای حرکت به منطقه عملیات بعدی.

د- نتیجه

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران موفق شدند با بکارگیری گردان‌های پیاده نظام و هدایت بسیار خوب قرارگاه‌های پیاده در سطح گردان، تیپ و لشکر و نقش-آفرینی فرماندهان گروهان پیاده و دسته، عملیات را در مدت هشت روز با حداقل تلفات خودی و حداکثر تلفات و خسارات به دشمن به پایان رسانده و کلیه اهداف تاکتیکی تعیین شده در طرح را محقق سازند.

عملیات فتح‌المبین یکی از موفق‌ترین عملیات کلاسیک در طول هشت سال دفاع مقدس بود که توانست در کمترین زمان (۸ روز) و حداقل تلفات کلیه اهداف تاکتیکی خودی را محقق و اهداف تاکتیکی و استراتژیکی عراق را با شکست مواجه سازد.

۳- دلایل عمده پیروزی در عملیات فتح‌المبین

الف- استفاده مطلوب از ۱۶ ماه فرصت پدافندی برای نزدیک شدن به دشمن (در بعضی نقاط فاصله بین نیروی خودی و دشمن کمتر از ۱۰۰ متر بود) با توسعه سرپل‌ها، ایجاد پیوستگی خطوط پدافندی در غرب رودخانه کرخه و دامنه ارتفاعات شمالی منطقه (کبیرکوه) توسط گردان‌های پیاده و احراز آمادگی نیروها برای عملیات آفندی؛

ب- شناخت کامل زمین و دشمن، به ویژه پی بردن به نقاط ضعف و قوت دشمن (ملاحظات تاکتیکی)؛

ج- اجرای عملیات شناسایی با رزم (محدود) به منظور آگاهی از تاکتیک دشمن در واکنش به عملیات آفندی (ملاحظات تاکتیکی و قواعد اساسی رزم)؛

د- سازمان‌دهی مناسب برای عملیات آفندی با آگاهی کامل از دشمن (ملاحظات تاکتیکی)؛

هـ- طراحی علمی و تخصصی با رعایت کامل اصول جنگ و سایر قواعد اساسی رزم؛

و- تناسب اهداف تاکتیکی با نیروی منظورشده در سازمان رزم (اصل هدف)؛

ز- وحدت فرماندهی مناسب و استفاده از ترکیب مقدس ارتش و سپاه با استفاده از تجارب عملیات‌های قبل (اصل وحدت فرماندهی)؛

ح- حضور پرشور و مخلصانه بسیجیان دلاور در کنار سربازان و جنگیدن ایثارگرانه آنان؛

ط- استفاده از تکنیک عملیات شبانه (اصل رزمایش) و انتخاب رزمایش‌های نفوذی و احاطه‌ای و در نتیجه خاموش کردن توپخانه دشمن؛

ی- حداکثر بهره‌برداری از روحیه آفندی نیروها در یورش به دشمن (اصل آفند)؛

ک- داشتن قابلیت انعطاف در تغییر رزمایش در حین عملیات بر اثر اطلاعات جدید از دشمن (ملاحظات تاکتیکی)؛

ل- استفاده از ابتکارات نیروها در بازکردن معابر در میادین مین و نزدیک شدن به نقاط مستحکم پدافندی دشمن از طریق نقب زیرزمین.

بازتاب پیروزی عملیات فتح‌المبین در کلام امام(ره)

در پایان عملیات پیروزمندانه فتح‌المبین حضرت امام(ره) پیام الهام‌بخشی را خطاب به رزمندگان اسلام بدین شرح صادر کردند:[۱]

بسم الله الرحمن الرحیم

اِنْ تَنصُروا اللهَ یَنصُرْکُم وَ یُثَبِّت اَقدامَکُم

«اخبار غرورآفرین جبهه‌های نبرد علیه قوای شیطانی را یکی بعد از دیگری دریافت نمودم. قلم قاصر است که احساسات خویش را ابراز کنم به قوای مسلح که خدایشان نصرت آخرین را نصیب فرماید. تبریک عرض می‌کنم. مبارک باد بر شما عزیزان افتخارآفرین، پیروزی بزرگی را که با یاری ملائکه الله و نصرت ملکوت اعلی نصیب اسلام و کشور عزیز ایران، کشور بقیه الله الاعظم، ارواحنا له الفدا نمودید. رحمت واسعه خداوند بر آن مادران و پدرانی که شما شجاعان نبرد در میدان کارزار و مجاهدان در شب‌های نورانی را در دامن پاکشان تربیت نمودند. مژده باد به شما جوانان برومند در تحصیل رضای پروردگار که از بالاترین سنگرهای روحانی و جسمانی ظاهری و باطنی پیروزید. مبارک باد بر بقیه الله ارواحنا له الفدا وجود چنین رزمندگان ارزشمند و مجاهدان فی‌سبیل‌الله که آبروی اسلام را حفظ، ملت ایران را روسپید و مجاهدان راه خدا را سرافراز نمودید. ملت بزرگ ایران و فرزندان اسلام به شما سلحشوران افتخار می‌کنند. آفرین بر شما که میهن خود را بر بال ملائکه الله نشاندید و در میان ملل جهان سرافراز نمودید. مبارک باد بر ملت چنین جوانان رزمنده‌ای و بر شما چنین ملت قدردانی که به مجرد فتح و پیروزی توسط رزمندگان به دعا و شادی برخاستید. اینجانب از دوردست و بازوی قدرتمند شما را که دست خدا بالای آن است، می‌بوسم و بر این بوسه افتخار می‌کنم.

---

۱. امام خمینی(ره)، همان.

شما دین خود را بر اسلام عزیز و میهن شریف ادا کردید و طمع ابرقدرت‌ها و مزدوران آنان را از کشور خود بریدید و سخاوتمندانه در راه شرف و عزت اسلام جهاد کردید. «یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما» درود بر فرماندهان بزرگوار، رزمندگان و بر همه مجاهدان راه عظمت کشور و اسلام و نفرت و لعنت بر منافقان و منحرفانی که می‌خواستند یکی از انبارهای مهمات چنین مجاهدانی را به آتش بکشند و غضب و سخط خداوند بر آن خدانشناسانی که با کمک به صدام عفلقی می‌خواستند او را نجات دهند و شکر بی‌پایان خداوندی را که توانستید مفتضحانه، نیروهای کفر را در بارگاه قادر متعال بی‌آبرو و در پیشگاه ملت‌های مسلمان منفور نمایید. من از خداوند تعالی نصرت نهایی شما عزیزان و شکست مخالفان حق را خواستارم.

درود بر شما و رحمت بر شهیدان راه حق و شهدای جبهه نبرد حق علیه باطل سلام بر عباد الله الصالحین.»

روح ا... الموسوی الخمینی

تاریخ ۱۳۶۱/۱/۱۰

عملیات بیت المقدس (۱۳۶۱/۲/۱۰) (نقشه شماره۱۲)

۱-کلیات[۱]

الف- منطقه عملیات: منطقه غرب و جنوب اهواز و شمال خرمشهر.

ب- اهداف عراق

ارتش عراق با ۳ لشکر زرهی، یک لشکر مکانیزه، ۲ لشکر پیاده، چندین تیپ پیاده، زرهی مستقل و یگان‌های جیش‌الشعبی با اهداف زیر تجاوز خود را در جنوب اهواز در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ آغاز کرد.

۱- تصرف بخش جنوبی خوزستان؛

۲- تصرف شهرهای خرمشهر و آبادان؛

۳- تهدید شهر اهواز؛

۴- دست‌یابی به سواحل شمالی خلیج فارس از فاو تا ماهشهر.

عراق پس از برخورد با مقاومت نیروهای ارتش جمهوری اسلامی و نیروهای مردمی در غرب و جنوب اهواز به شرح زیر وضعیت پدافندی اتخاذ کرد.

- غرب اهواز: در امتداد سواحل جنوبی رودخانه نیسان؛
- جنوب اهواز: در امتداد غرب رودخانه کارون از دوب هردان تا خرمشهر؛

ج- اهداف عملیاتی ـ تاکتیکی ایران در عملیات بیت المقدس

۱- آزادسازی منطقه غرب و جنوب اهواز؛

۲- آزادسازی خرمشهر؛

۳- تأمین مرز بین‌المللی؛

۴- ورود به خاک عراق و اتخاذ وضعیت پدافندی در سواحل شرقی رودخانه دجله.

---

۱. سرتیپ۲ ستاد مسعود بختیاری، عملیات بیت‌المقدس، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۷.

د- مأموریت و یگان عمل کننده

۱- قرارگاه عملیاتی کربلا برای اجرای عملیات، سه قرارگاه عمده قدس، فتح و نصر را سازمان‌دهی کرد؛

۲- عملیات در چهار مرحله طراحی گردید. مرحله یکم و دوم در درون کشور به منظور تأمین مرز و مرحله سوم و چهارم در بیرون مرز به منظور حرکت به سمت رودخانه دجله و پدافند در ساحل شرقی آن؛

۳- پس از اجرای مرحله ۱ و ۲ به علت تغییر در استعداد دشمن، دو مرحله بعدی (فرامرزی) حذف و مرحله سوم برای آزادی خرمشهر تعیین شد؛

۴- استعداد نیروی آماده شده در چهار قرارگاه عمده لشکری جمعاً ۱۸۰ گردان پیاده (٤۹ گردان پیاده ارتش به استعداد تقریبی ۵۰هزار نفر و ۱۳۱ گردان پیاده سپاه به استعداد تقریبی ٤۰هزار نفر) و ۱۵ گردان زرهی (۱۳ گردان زرهی ارتش و ۲ گردان زرهی سپاه که در عملیات شرکت نداشت) بالغ شد.

۲- نقش پیاده نظام در عملیات بیت المقدس

الف- قبل از عملیات

۱- استقرار عناصر اطلاعاتی ارتش و سپاه در منطقه جهت جمع‌آوری اطلاعات از فعالیت‌های دشمن در غرب رودخانه کارون پس از عملیات ثامن‌الائمه(ع)؛

۲- آماده شدن یگان‌ها پس از خاتمه عملیات فتح‌المبین و حرکت به منطقه جنوب اهواز به منظور تسریع در اجرای عملیات، قبل از آنکه دشمن نیروهای منهدم شده خود را در عملیات فتح‌المبین بازسازی کند؛

۳- آغاز طراحی در رده‌های مختلف با اطلاعات جمع‌آوری شده قبلی؛

۴- اعزام گشتی شناسایی به منطقه استقرار دشمن به منظور جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی محورهای پیشروی برای تکمیل طرح؛

۵- آماده‌سازی ساحل رودخانه کارون برای روانه کردن پل‌های شناور پی.ام.پی؛

۶- تکمیل طرح‌ها و صدور دستور؛

۷- سازماندهی یگان‌های پیاده برای عبور از رودخانه و استقرار در ساحل غربی.
توضیح اینکه:

۱- دشمن در غرب رودخانه کارون خطوط پدافندی اصلی خود را در مسافتی بین ١٤ الی ۲۰ کیلومتر دورتر از ساحل غربی در امتداد جاده اهواز به خرمشهر مستقر کرده و عناصر تأمین خود را در فاصله ۲ الی ۳ کیلومتری جلوتر از خط پدافندی مستقر کرده بود.

۲- مواضع پدافندی دشمن در منطقه غرب اهواز در جنوب رودخانه کرخه نور هم‌چنین استفاده از مناطق آب‌گرفته سازماندهی شده بود.

ب- حین عملیات

۱- حرکت یگان‌های پیاده در محورهای پیشروی به مسافت ١٤ الی ۲۰ کیلومتری برای رسیدن به مواضع اصلی دشمن؛

۲- دور زدن عناصر تأمین دشمن در مسیر پیشروی؛

۳- در جناح شمالی نیروهای پیاده مستقر در منطقه غرب اهواز (قرارگاه قدس) به علت باتلاقی بودن منطقه و آب‌گرفتگی منطقه موفق به ایجاد رخنه در مواضع دشمن نشدند.

۴- در جناح شرقی، یگان‌های پیاده، پیاده مکانیزه و زرهی قرارگاه فتح در جناح راست پس از عبور از رودخانه کارون به دلیل تحرک بهتر (استفاده از خودروهای زرهی، وانت تویوتا و تانک و فاصله کمتر (١٤ کیلومتر) موفق شدند تا روشنایی روز به مواضع اصلی دشمن رسیده و با نبردی نزدیک و رزم تن به تن دشمن را مجبور به عقب‌نشینی کرده و در امتداد جاده اهواز ـ خرمشهر در منطقه مربوطه در خط اول مستقر شدند.

۵- یگان‌های پیاده قرارگاه نصر (جناح چپ قرارگاه فتح) پس از عبور از رودخانه کارون به علت طولانی بودن مسیر تا جاده اهواز ـ خرمشهر(۱۷ الی ۲۰

کیلومتر) تا ۳ کیلومتری جاده مزبور پیشروی کرده و تنها یک تیپ پیاده موفق به عبور از جاده شد که با پاتک دشمن مجبور به عقب‌نشینی شد.

۶- یگان‌های پیاده قرارگاه نصر با تقویت تیپ پیاده از قرارگاه فتح ضمن پوشش شکاف ایجادشده موفق به رسیدن به جاده اهواز ـ خرمشهر در منطقه سرپل شدند.

۷- پاتک های متوالی دشمن به مدت شش روز در جبهه شمالی و شرقی با مجاهدت و ایثار یگان‌های پیاده و پشتیبانی یگان‌های زرهی و آتش توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی دفع شد.

۸- ادامه عملیات برای رسیدن مرز بین‌المللی (مرحله دوم)

از روز هشتم عملیات تک به سمت غرب آغاز گردید و یگان‌های پیاده با پشتیبانی یگان‌های زرهی با سرعت به طرف خط مرز پیشروی کرده و پس از عقب راندن دشمن در خاکریز مرزی مستقر شدند. ولی یگان‌های پیاده و زرهی در جناح شمالی (قرارگاه قدس) هم‌چنان موفق به شکستن خطوط پدافندی دشمن نشدند.

۹- با استقرار نیروها در خط مرزی و اتخاذ آرایش آفندی، دشمن به منظور رفع تهدید نیروهای خود در جنوب رودخانه کرخه نور مبادرت به عقب کشیدن نیروهای خود در منطقه شمالی نمود و بالنتیجه قرارگاه قدس با تعقیب دشمن خود را به منطقه طلائیه ـ کوشک رساند و در خط مرز مستقر شد.

۱۰-قرارگاه عملیاتی کربلا با توجه به آرایش پدافندی دشمن پس از عقب‌نشینی و استقرار در سه رده در مواضع مثلثی شکل در داخل خاک عراق ـ که متکی به موانع طبیعی (هورالعظیم در شمال و کانال ماهی در جنوب) بود ـ مرحله ۳ و٤ عملیات را حذف و به جای آن با تغییر رزمایش به سمت جنوب و تقویت نیروهای موجود (با یک تیپ پیاده از لشکر۷۷ پیاده از منطقه غرب دزفول) آزادسازی خرمشهر را به عنوان مرحله سوم عملیات طراحی کرد.

۱۱-یگان‌های پیاده قرارگاه نصر، فتح و فجر (یگان تقویتی جدید) با نبردی سنگین و عبور از میادین مین انبوه، خطوط پدافندی مستحکم دشمن در غرب خرمشهر را منهدم کرده و موفق شدند خود را در امتداد مرز شلمچه به اروندرود نزدیک و خرمشهر را از سمت غرب محاصره کنند.

۱۲-یگان‌های پیاده سرانجام با محاصره خرمشهر و انهدام پل‌های احداثی دشمن برای فرار از طریق اروندرود، موفق شدند پس از ۲٤ روز نبردی سخت، با توکل به خداوند متعال وارد شهر شده و آن را آزاد و مجدداً خونین‌شهر را به خرمشهر تبدیل نمایند. حضرت امام راحل بعد از فتح خرمشهر فرمودند: «خداوند خرمشهر را آزاد کرد».

ج- بعد از عملیات

۱- اتخاذ وضعیت پدافندی در امتداد مرز؛

۲- تخلیه فوری شهدا و مجروحین؛

۳- تخلیه اسرا و غنائم؛

۴- بازسازی و تجدید سازمان؛

۵- آماده شدن برای ادامه عملیات.

د- نتیجه

۱- قرارگاه عملیاتی کربلا و قرارگاه‌های تابعه با وحدت و یکدلی از سطح لشکر تا تیپ‌های رزمایشی با طراحی اصولی و رعایت کلیه ملاحظات تاکتیکی توانستند عملیات بیت‌المقدس را در مقیاسی عظیم اجرا و هدایت کنند.

۲- فرماندهان گروهان و دسته در آماده کردن یگان‌های تابعه، همراه با ایثار و فداکاری نیروهای پیاده اعم از ارتشی و سپاهی در موفقیت عملیات نقش بسیار مؤثری را به عهده داشتند.

۳- قرارگاه عملیاتی کربلا توانست با برآوردهای صحیح و بموقع، پیشرفت عملیات را ارزیابی و با تغییر رزمایش در زمان و مکان مناسب از ایجاد وقفه در عملیات جلوگیری کند.

۴- در این عملیات ضمن آزادسازی خرمشهر که خواسته عموم ملت بود منطقه‌ای به وسعت ۵۶۰۰ کیلومترمربع از جنوب کشورمان آزاد شد.

۵- عملیات بیت‌المقدس یکی دیگر از عملیات‌های موفق کلاسیک بود که با در نظر گرفتن اصول جنگ، ملاحظات تاکتیکی و قواعد اساسی رزم طراحی شد و با وحدت فرماندهی و شجاعت رزمندگان هدایت و اجرا شد.

۳- دلایل عمده پیروزی

الف- شناخت زمین و نقاط ضعف دشمن، به ویژه در مراحل اول عملیات (ملاحظات تاکتیکی)؛

ب- اجرای رزمایش احاطه‌ای با توجه به غفلت دشمن در مراقبت از سواحل شرقی رودخانه کارون (اصل غافلگیری) و بهره‌گیری از خطای عمده عملیاتی دشمن (دور شدن از ساحل و اتخاذ مواضع پدافندی ۲۰ کیلومتر دورتر از ساحل غربی رودخانه)؛

ج- استفاده از روحیه تعرضی حاصل از عملیات‌های قبل برای پیروزی بیشتر (اصل آفند)؛

د- سرعت در طراحی، جابجایی نیرو و اجرا برای بهره‌برداری از روحیه تعرضی و همین‌طور یقین به غافلگیری دشمن؛

هـ- تناسب هدف با نیروی اختصاص داده‌شده و مشخص بودن هدف در مرحله ۳ (اصل هدف)؛

و- تمرکز نیرو در تصرف و توسعه سر پل (اصل تمرکز)؛

ز- تبلور ترکیب مقدس ارتش و سپاه در عمل؛

ک- وحدت فرماندهی و اعمال فرماندهی صحیح توسط قرارگاه کربلا.

بازتاب پیروزی عملیات بیت‌المقدس در کلام امام راحل(ره)

در پایان عملیات غرور آفرین بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر، حضرت امام(ره) ضمن اعلام اینکه «خرمشهر را خدا آزاد کرد» در پاسخ به تبریک فرماندهان نیروهای مسلح پیام زیر را صادر فرمودند:[۱]

بسم الله الرحمن الرحیم

«با تشکر از تلگرافاتی که در فتح خرمشهر به اینجانب شده است، سپاس بی حد بر خداوند قادر که کشور اسلامی و رزمندگان متعهد و فداکار آن را مورد عنایت و حمایت خویش قرارداد و نصر بزرگ خود را نصیب ما فرمود و اینجانب با یقین به آنکه «ما النصر الامن عندالله» از فرزندان اسلام و قوای سلحشور مسلح که دست قدرت حق از آستین آنان بیرون آمد و کشور بقیه الله الاعظم «ارواحنا لمقدمه الفدا» را از چنگ گرگان آدمخوار که آلت‌هایی در دست ابرقدرتان خصوصاً امریکای جهانخوارند ، بیرون آورد و ندای الله اکبر را در خرمشهر عزیز طنین‌انداز کرد و پرچم پر افتخار لااله الا الله را بر فراز آن شهر خرم که با دست پلید جنایتکاران غرب به خون کشیده شده و خونین‌شهر نام گرفت تشکر می کنم و آنان فوق تشکر امثال من هستند.

آنان به یقین مورد تقدیر ناجی بشریت و برپاکننده عدل الهی در سراسر گیتی، روحی لتراب مقدمه الفداء می‌باشند. آنان به آرم «ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی» مفتخرند. مبارک باد و هزاران بار مبارک باد برشما عزیزان و نور چشمان اسلام این فتح و نصر عظیم که با توفیق الهی و ضایعات کم و غنائم بی‌پایان و هزاران اسیر گمراه و مقتولین و آسیب‌دیدگان بدبخت که با فریب و فشار صدام تکریتی این ابر جنایتکار دهر به تباهی کشیده شدند، سرفرازانه برای اسلام و میهن عزیز افتخار ابدی هدیه آوردید و مبارک باد بر فرماندهان قدرتمند که فرماندهان چنین فداکارانی هستند که ستاره درخشنده پیروزی‌های آنان بر تارک تاریخ تا نفخ صور نورافشانی خواهد کرد و مبارک باد بر ملت عظیم‌الشأن ایران این چنین فرزندان سلحشور جان بر کفی که نام

---

۱. حضرت امام(ره)، همان.

آنان و کشورشان را جاویدان کردند و مبارک باد بر اسلام بزرگ این متابعانی که در دو جبهه جنگ با دشمنان باطنی و دشمن ظاهری پیروزمندانه و سرافراز امتحان خویش را دادند و برای اسلام سرفرازی آفریدند و هان ای فرزندان قرآن کریم و نیروهای ارتشی، سپاهی، بسیج، ژاندارمری، شهربانی و کمیته‌ها و عشایر و نیروهای مردمی داوطلب و ملت عزیز، هشیار باشید که پیروزی هرچند عظیم و حیرت‌انگیز است شما را از یاد خداوند که نصر و فتح که دست اوست غافل نکند و غرور فتح شما را به خود جلب نکند که این آفتی بزرگ و دامی خطرناک است که با وسوسه شیطان به سراغ آدم می‌آید و برای اولاد آدم تباهی می‌آورد و من با آنکه به همه شما اطمینان تعهد به اسلام دارم، از تذکری که برای مؤمنان نفع دارد باید غفلت نکنم، چنانچه از نصیحت به حکومت‌های هم‌جوار و منطقه دریغ ندارم و آنان می‌دانند امروز با فتح خرمشهر مظلوم، دولت و ملت پیروزمند ما از موضع قدرت سخن می‌گویند و من به پیروی از آنان به شما اطمینان می دهم که اگر از اطاعت بی‌چون و چرای امریکا و بستگان آن دست بردارید و با ما به حکم اسلام و قرآن کریم رفتار کنید، از ما جز خیر و پشتیبانی نخواهید دید و شما بدانید آن قدر که ابرقدرت‌ها از صدام، این نوکر چشم و گوش بسته، پشتیبانی کردند، از شماها که قدرت‌های کوچک و حکومت‌های ضعیف هستید پشتیبانی نمی‌کنند و شما عاقبت این جنایتکار و هم‌قطار جنایتکارش شاه مخلوع را به عیان دیده‌اید. قدرت‌های بزرگ پیش از آنکه از شما استفاده نمایند، از شما طرفداری نمی‌کنند و شماها را برای منافع خویش به هلاکت می‌کشند و من نصیحت برادرانه به شما می‌کنم که کاری نکنید که قرآن کریم برای برخورد با شما تکلیف نماید و ما به حکم خدا با شما رفتار کنیم و یقین بدانید که امثال حسنی مبارک مصری و حسین اردنی و دیگر جنایتکاران هم برای شما نفعی ندارند و دین و دنیای شما را تباه می‌کنند و اگر با نشست‌های خود بخواهید طرح کمپ دیوید یا فهد را که مرده‌اند زنده کنید ـ که ما خطر بزرگ برای کشورهای اسلامی خصوصاً حرمین شریفین می‌دانیم ـ اسلام به ما اجازه سکوت نمی‌دهد و اینجانب در پیشگاه مقدس خداوند تکلیف الهی خود را ادا نمودم. اکنون دست تضرع و دعا به سوی خالق یکتا بلند کرده و به قوای مسلح اسلام و فداکاران قرآن کریم و میهن عزیز ایران دعا می‌کنم و سلامت و سعادت و پیروزی

آنان را خواستار هستم. سلام و درود بی‌پایان بر فرماندهان قوای مسلح و بر رزمندگان فداکار و بر ملت دلیر ایران عزیز و سرشار از شادیها.»

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی

سوم خرداد ماه ۱۳۶۱

عملیات والفجر۸ (۶۴/۱۱/۲۰) (نقشه شماره۱۳)[۱]

۱-کلیات

الف- منطقه عملیات

۱- منطقه عملیاتی فاو در غرب اروندرود؛

۲- منطقه عملیاتی کوشک و شلمچه.

ب- اهداف راهبردی عملیات فاو

۱- تصرف شهر فاو، انهدام پایگاه‌های موشکی، انهدام نیروی دشمن، تصرف اسکله‌های البکر و الامیه؛

۲- تأمین سواحل شرقی اروندرود از شلمچه تا نهر کتیبان و شهر بصره.

ج- مأموریت و یگان عمل‌کننده

قرارگاه خاتم‌الانبیاء با تشکیل دو قرارگاه اصلی (خاتم۱ و خاتم۲) و دو قرارگاه فرعی (رعد و سلیمان‌خاطر) عبور از اروند و تصرف فاو را به شرح زیر طراحی کرد.

۱- خاتم۱: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با سازمان‌دهی ٤ قرارگاه عمده شامل ۱۲ لشکر پیاده و ٦ تیپ پیاده سپاه، ۲ تیپ پیاده ارتش، ۲ ناو تیپ سپاه و عناصری از ناو تیپ ارتش با پشتیبانی ۱۸ گردان توپخانه ارتش و ۱۲ گردان توپخانه سپاه (جمعاً ۳۰ گردان) مأموریت داشت در منطقه فاو، رأس‌البیشه، جزیره ام‌الرصاص و ام‌البالی تک نموده، دشمن را منهدم، اسکله‌های البکر و الامیه را تصرف و خط ایثار را در شرق ام‌القصر تأمین کند (تلاش اصلی).

---

۱. آرشیو سازمان ایثارگران- مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس.

۲- خاتم۲: نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی شامل ۳ لشکر پیاده، ۲ لشکر زرهی، ۱ تیپ هوابرد مأموریت داشت در منطقه کوشک و شلمچه تک نموده و به ترتیب خط استقامت را در منطقه کوشک و خط شهامت و نصر را در منطقه شلمچه تأمین کند و بنا به دستور تک را به منظور تأمین سواحل شرقی اروندرود از شلمچه تا نهر کتیبان و شهر بصره ادامه دهد (تلاش پشتیبانی).

۳- قرارگاه رعد (نیروی هوایی ارتش و پدافند هوایی) و قرارگاه سلیمان‌خاطر هوانیروز در پشتیبانی دو قرارگاه خاتم۱ و ۲ قرار داشتند.

د- اجرای عملیات

۱- قرارگاه خاتم۱ با بکارگیری سه قرارگاه اصلی (کربلا، نوح، نجف) و قرارگاه فرعی یونس در سه مرحله موفق شد جزیره فاو را به تصرف درآورده و محورهای مواصلاتی عراق با خلیج فارس و کشورهای جنوبی را قطع کند و به احتمال زیاد به زعم عراق با ادامه عملیات جمهوری اسلامی از محور فاو بصره از جنوب مورد تهدید قرار گیرد و البته پاتک‌های مستمر و سنگین عراق را می‌توان برای رفع این تهدید احتمالی تصور نمود. .

۲- قرارگاه خاتم۲ چنانچه موفق می‌شد با بکارگیری نیروهای واگذارشده در ۵ مرحله سواحل شرقی اروندرود از نهر کتیبان تا غرب خرمشهر را تأمین نماید، شهر بصره از ناحیه شمال مورد تهدید قرار می‌گرفت.

۲- نقش پیاده نظام در عملیات والفجر۸

الف- قبل از عملیات

۱- اجرای آموزش‌های ویژه در مناطق باتلاقی و بیشه‌زارها و عبور از رودخانه؛

۲- آموزش غواصی به عناصر مأمور به تأمین ساحل غربی اروندرود؛

۳- شناسایی کامل سواحل خودی و دشمن برای انتخاب محل‌های مناسب برای عبور از مناطق مختلف رودخانه (عرض رودخانه ۶۰۰ الی ۱۵۰۰ متر)؛

۴- آموزش زندگی در شرایط سخت در سواحل لجن‌زار و بیشه‌های اطراف رودخانه؛

۵- دقت در حفاظت از طرح عملیاتی با توجه به اقدامات مراقبتی دشمن، به ویژه دستگاه‌های ردیاب زمینی (رازیت) و نورافکن‌های دشمن؛
۶- اقدام به ساحل‌سازی با استفاده از عناصر جهاد مهندسی سپاه و جهاد سازندگی؛
۷- سازمان‌دهی گروه‌های عبور از رودخانه از داوطلبین رزمنده اقشار مختلف؛
۸- برقراری سلسله مراتب فرماندهی از نیروهای کادر سپاه پاسداران؛
۹- آماده کردن پشتیبانی‌های مردمی به منظور پشتیبانی مداوم؛
۱۰- اجرای مراسم مذهبی، دعا و توسل جهت بالا بردن روحیه ایثار، فداکاری و شجاعت.

ب- حین عملیات

۱- اعزام عناصر غواصی در طول جبهه اروندرود در ساعت ۰۰ ۲۰ شب عملیات؛
۲- باز کردن معابر و برداشتن موانع سیم خاردار در محورهای ورودی به جزیره؛
۳- اعزام عناصر تأمین جهت برقراری تأمین محورهایی که غواصان اقدام به باز کردن آن نمودند؛
۴- ساعت ۰۰ ۲۲ حرکت موج اول عمده قوا به وسیله قایق‌های پارویی به منظور تأمین سرپل در ساحل دشمن؛
۵- ادامه عبور عمده قوا با قایق‌های موتوری برای عبور از سرپل‌ها به منظور توسعه سرپل و پیشروی در عمق؛
۶- اجرای آتش توپخانه با حجم زیاد هم‌زمان با عبور عمده قوا؛
۷- پیشروی نیروها در دو محور جنوبی به سمت کارخانه نمک؛
۸- نبرد با دشمن به مدت شش روز در مناطق نمکزار و باتلاقی اطراف کارخانه نمک؛
۹- عبور وسایل سنگین مهندسی با تراده همراه با موج اول تک؛
۱۰-احداث خاکریز در منطقه کارخانه نمک و آغاز پدافند؛
۱۱-دفع پاتک‌های دشمن به مدت ۷۵ روز و تثبیت کامل خط پدافندی؛
۱۲-اعزام یک تیپ پیاده ارتش از لشکر۲۱ پیاده برای کمک به پدافند و تثبیت آن؛
۱۳-اجرای عملیات ایذایی به منظور فرسوده کردن نیروها و انهدام ادوات زرهی دشمن؛

۱۴-احداث پل ثابت لوله‌ای توسط مهندس جهاد سپاه و مهندسی رزمی جهاد سازندگی برای تسهیل در رفت و آمد و انجام امور پشتیبانی.

ج- بعد از عملیات

الف) سپاه پاسداران (تلاش اصلی)

پس از استقرار در خط پدافندی و دفع پاتک‌های دشمن، امکان پیشروی به سمت شمال (بصره) به علت پدافند مستحکم دشمن مقدور نشد و نیروهای پیاده سپاه در وضعیت پدافندی به مدت بیش از دو سال در شرایط بسیار سخت زیر بمباران هوایی و جنگ‌افزارهای شیمیایی و گلوله‌های توپخانه با ایثار و شهادت‌طلبی مستقر شدند، ولی امکان پیشروی حاصل نشد.

ب) نیروی زمینی (تلاش پشتیبانی)

لشکرهای پیاده نیروی زمینی به تک خود را هم‌زمان با عبور نیروهای سپاه پاسداران از اروندرود آغاز کردند و موفق به فریب دشمن شدند، به طوری که دشمن تک اصلی را در منطقه شلمچه تصور نموده و تمامی نیروهای خود را برای جلوگیری از پیشروی در این منطقه به کار برد، فریب دشمن موجب شد تلاش اصلی(سپاه) موفق به عبور از اروندرود شده و جزیزه فاو را تصرف کند.

۳- نتیجه

الف- عملیات عبور از رودخانه عریض اروندرود یکی از عملیات بزرگ و موفق سپاه پاسداران بود که توانستند سرپل وسیعی را در منطقه فاو تصرف نمایند، ولی امکان ادامه حرکت به سمت هدف نهایی را به دست نیاوردند. چنانچه یگان‌های زرهی قدرتمند در اختیار بود و امکان احداث و برپایی پل در زمان مناسب بر روی اروند وجود داشت، می‌توانستند برای استفاده از موفقیت از آنان بهره‌برداری کنند.

ب- عملیات لشکرهای پیاده نیروی زمینی (تلاش پشتیبانی) هرچند موفقیتی از نظر تاکتیکی به همراه نداشت، ولی توانستند با فریب دشمن توجه او را به شمال بصره جلب و عبور سپاه پاسداران از رودخانه را تسهیل کنند.

ج- مهم‌ترین عامل موفقیت نیروهای پیاده سپاه در تلاش اصلی عبارت بود از شجاعت، ایمان، ایثار و فداکاری، ابتکار و غافلگیری دشمن که مرهون نحوه عبور رزمندگان غواص از آن رودخانه و سپس به دلیل تلاش پشتیبانی در منطقه حساس شلمچه بود.

۴- دلایل پیروزی عملیات والفجر۸

الف- طراحی خوب قرارگاه خاتم در تفکیک تک اصلی و پشتیبانی در دو منطقه مجزا و مستقل (اصل رزمایش)؛

ب- استفاده از اصل غافلگیری به علت بی‌توجهی دشمن در مراقبت کامل از سواحل شرقی اروندرود (اصل غافلگیری)؛

ج- شناسایی دقیق سواحل اروندرود و اطلاعات کافی از دشمن (ملاحظات تاکتیکی)؛

د- رزمایش سریع در عبور از اروندرود (اصل رزمایش)؛

هـ- توانایی تک پشتیبانی در فریب دشمن (اصل غافلگیری)؛

و- حداکثر استفاده از پشتیبانی هوایی، پدافند هوایی و آتش توپخانه (ملاحظات تاکتیکی)؛

ز- استفاده از غواصان نیروی دریایی در تربیت غواص واستفاده صحیح از آنان (ملاحظات تاکتیکی)؛

ح- تقویت نیروهای پیاده سپاه با اعزام یک تیپ پیاده ارتش به منظور تحکیم مواضع در داخل جزیره فاو (اصل تمرکز).

عملیات پس از آزادسازی خرمشهر

پس از عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر (۱۳٦۱/۳/۳) عراق درخواست برقراری آتش‌بس داد.لیکن با توجه به نداشتن اعتماد به صدام، استمرار اشغال قریب به ۲۵۰۰کیلومترمربع از خاک ایران توسط ارتش عراق، اعتراف نکردن صدام به پایبندی به قرارداد تعیین خطوط مرز۱۹۷۵ الجزایر، عدم اعتراف مجامع جهانی به انجام تجاوز توسط صدام، ایران اسلامی با طرح شعار «راه قدس از کربلا می‌گذرد» راهبرد جدید نظامی خود مبنی بر تداوم جنگ را برگزید. البته بعدها معلوم شد که زمینه لازم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی برای این راهبرد کاملاً مهیا نبوده است.

اهداف نظامی

از دیدگاه سیاسی تداوم جنگ در آن مقطع و عبور از کربلا برای آزاد کردن قدس به معنی ساقط کردن رژیم حاکم بر عراق بود، که خود یک هدف سیاسی است، ولی از دیدگاه نظامی و عملیاتی تداوم جنگ در آن مرحله اهداف نظامی زیر را مد نظر داشت.

۱- آزاد کردن بخش‌هایی که تا آن زمان در اشغال دشمن بود؛
۲- رسیدن به مناطق قابل پدافند در جنوب و در داخل خاک عراق و تهدید شهر بصره؛
۳- تصرف مناطق سوق‌الجیشی در ارتفاعات مرزی غرب کشور؛
۴- پایان فعالیت‌های نظامی و خاتمه دادن به جنگ از موضع برتر و اخذ خسارت وارده، که البته هدف راهبردی هم بوده است.

دستیابی به هر یک از اهداف ذکرشده با عملیات نظامی به شیوه‌های عملیات موفق گذشته، در صورت مهیا بودن زمینه‌های لازم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر بود. اما به دلایل مختلف از جمله اختلاف سلیقه و نگرش‌ها در تهیه طرح‌ها و راه‌کارها در قرارگاه‌های مشترک اختلافات جدی در این راستا بروز کرد و در نهایت آن اتحاد و یگانگی موجود به تدریج به جدایی نیروها در طراحی و اقدام تبدیل شد که خود با

مهیا بودن همه امکانات باز حصول و تحقق اهداف ذکرشده را با مشکل مواجه می-ساخت.

از آن تاریخ ضمن کاهش عملیات به اصطلاح ادغامی، اصول جنگ و ملاحظات تاکتیکی و قواعد اساسی رزم کمتر مورد توجه قرار گرفت. در مواردی هم که این امور به خوبی رعایت می شد به علت آنکه توان رزمی یگان عمل‌کننده برخوردار از توان رزمی ملی (بسیج و نیروهای مردمی) نبود، به صورت کامل به موفقیت مورد نظر نمی‌رسید، البته چون عملیات‌ها داخل خاک عراق صورت می‌گرفت باید اذعان داشت که انگیزه ارتش صدام در دفاع از سرزمین عراق هم در عدم موفقیت‌های نیروهای خودی بسیار مؤثر بود.

راهبرد سپاه پاسداران

تصمیمات جدید سپاه بر راهبرد عملیات ویژه انقلابی (بنا به اظهار برادران) تکیه داشت که اصول این راهبرد عبارت بود از:

۱- عبور از مناطق غیرقابل عبور مانند مناطق رملی و مرداب‌ها (هورها)؛

۲- عبور از مناطق کوهستانی مرتفع و فاقد راه‌های مواصلاتی؛

۳- استفاده از انبوه نیروی انسانی ایثارگر و شهادت‌طلب؛

۴- تمرکز نیروی زیاد در یک منطقه یا محور محدود در مقابل خط پدافندی مستحکم شده دشمن، مثلاً شلمچه.

بعد از آزادسازی خرمشهر چندین عملیات در شش سال پایانی جنگ طراحی گردید و توسط یگان‌های پیاده نظام به اجرا درآمد. اکثر عملیات‌هایی که در بیرون مرزها (در خاک عراق) توسط ارتش و سپاه به طور مستقل یا مشترک (ادغامی) اجرا شد به گفته سپاه با «عدم‌الفتح» مواجه شد.

نقش پیاده نظام در عملیات ناموفق

در هیچ یک از عملیات‌های ناموفق نمی‌توان پیاده نظام را به تنهایی مقصر دانست، زیرا نقش پیاده نظام، پیشروی و یورش به دشمن، ایثار، فداکاری در رزم نزدیک و تن

به تن با دشمن می‌باشد که به نحو احسن اجرا می‌شد. چنانچه عملیاتی با شکست مواجه می‌شد علت آن را باید در موارد دیگری هم جستجو کرد، از جمله فقدان امکانات، عدم تناسب نیرو با هدف، پراکندگی امکانات موجود پشتیبانی آتش و سایر پشتیبانی‌ها به دلیل فقدان وحدت عملیاتی در صحنه عملیات و سایر موارد که بخش دلایل عمده در زیر تبیین خواهد شد. از طرفی ورود به خاک هر کشوری انگیزه‌های لازم را برای دفاع از سرزمین به نیروی مقابل می‌دهد و به عنوان عامل بازدارنده مهمی بایستی در نظر گرفته می‌شد.

عملیات رمضان، خیبر، بدر، قادر، والفجر مقدماتی، والفجر۱، والفجر۱۰، کربلا٤، ٥، ٦، ٨ و عملیات پدافندی فاو از مهم‌ترین عملیات‌هایی در جنگ تحمیلی هستند که با عدم‌الفتح یا تحقق نیافتن موفقیت کامل مواجه شدند و یا موفقیت حاصله استمرار و حفظ نمی‌گردید.

نتیجه

نتیجه حاصله از عملیات‌های ذکر شده علی‌رغم بروز بعضی ضعف‌ها و تلفات، نشان دادن عزم و اراده کشور جمهوری اسلامی ایران در دفاع از کشور و دست‌یابی به حقوق ملت به جهانیان و وادار کردن دشمن به پذیرش خواست سیاسی جمهوری اسلامی ایران دائر بر قرارداد ۱۹۷۵ و پروتکل های مربوطه را در پی داشت.

دلایل عمده نافرجامی اکثر عملیات‌ها بعد از فتح خرمشهر

دلایلی که ذکر می‌شوند ارتباط مستقیم با پیاده نظام نداشته‌اند.

۱- تصمیم‌گیری کلان رقابتی به جای تصمیم‌گیری رفاقتی در نیروهای مسلح (اجرای عملیات مستقل)

۲- رعایت نکردن دقیق اصول جنگ و لحاظ نکردن کامل قواعد اساسی در رزم و ملاحظات مربوطه در طراحی عملیات، به ویژه عملیات در مناطق غیرقابل عبور؛

۳- عدم شناخت کافی ویژگی‌های منطقه عملیات؛

۴- کمبود پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی از جمله آتش پشتیبانی توپخانه، مهندسی، تدارکات و غیره؛
۵- نداشتن برتری هوایی خودی و داشتن برتری هوایی توسط دشمن؛
۶- اتکاء بر عوامل اطلاعاتی غیرایرانی، به ویژه در مناطق کردنشین شمال عراق؛
۷- کم‌توجهی به ملاحظات تاکتیکی و قواعد اساسی رزم، به ویژه در کوهستان؛
۸- توقف پیشروی به سمت هدف پس از تصرف سرپل (پدافند فاو)؛
۹- کاهش انگیزه‌های پیاده نظام خودی پس از استقرار طولانی در سرزمین کشور دیگر، به ویژه برای عزیزان بسیجی که برای مدت کوتاهی اعزام می‌شدند و میل جنگجویی و انگیزه آنان براساس شهادت و یا پیروزی سریع بود.
۱۰-ایجاد تراکم یا تمرکز نیرو در منطقه‌ای محدود، بالنتیجه بالا رفتن تلفات؛
۱۱-استفاده اجباری از انبوه نیروی انسانی در عبور از موانع و خطوط پدافندی رده‌بندی شده عراق؛
۱۲-طراحی‌ها با ریسک بالا به دلیل وجود روحیه ایثار و شهادت در رزمندگان؛
۱۳-انتخاب اهداف تاکتیکی دور از دسترس که نگهداری آنها را بعد از تصرف مشکل می‌ساخت؛
۱۴-انتخاب محورهای پیشروی نامناسب، مثلاً پیشروی در داخل رودخانه، مانند عملیات کربلا٤؛
۱۵-رعایت نکردن ملاحظات امنیتی و حفاظتی؛
۱۶-کمبود امکانات، تجهیزات، مهمات و سایر اقلام مورد نیاز بر اثر تحریم‌های بین‌المللی؛
۱۷-پیچیدگی طرح‌ها در مواردی به گونه‌ای که حتی فرماندهان درک یکسانی از مأموریت نداشتند؛
۱۸-در مواردی کاهش رغبت و مشارکت ملی در اعزام نیرو به جبهه‌ها؛

۱۹-عدم بهره برداری از تجربیات حاصله از عملیات کلاسیک سال‌های اول و دوم جنگ توسط قرارگاه‌های عملیاتی؛
۲۰-فقدان حضور نیروهای بسیجی پرانگیزه در عملیات ارتش؛
۲۱-تقسیم و تسهیم تجهیزات و تسلیحات پشتیبانی آتش (هوانیروز، توپخانه، هوایی و پدافند هوایی) در مناطق مختلف و تقلیل انگیزه در یگان‌های بهره-بردار از آنها؛
۲۲-جلب حمایت بین‌المللی توسط عراق و دریافت پشتیبانی تجهیزاتی زمینی و هوایی؛
۲۳-تقویت و توسعه یگان‌های عراق با توجه به نیازها برای جلوگیری از پیشروی نیروهای ایران؛
۲۴-کاربرد جنگ‌افزار شیمیایی به طور انبوه توسط ارتش عراق و تهدید شهرهای بزرگ؛
۲۵-بهره‌برداری ارتش عراق از تجربیات شکست‌های سال‌های اول و دوم جنگ؛
۲۶-ایجاد انگیزه دفاع از کشور در نیروهای عراقی پس از استقرار در داخل خاک عراق.

بررسی چند عملیات ناموفق

عملیات رمضان (۶۱/۴/۲۲) (نقشه شماره۱۴)

این عملیات در حقیقت مرحله۳ و ٤ عملیات بیت‌المقدس بود که انجام نشده بود. پس از آزادی خرمشهر تصمیم به اجرای آن با هدف رسیدن به دجله و تهدید شهر بصره گرفته شد. این عملیات توسط قرارگاه مشترک کربلا با چهار قرارگاه لشکری به مدت پنج روز از تاریخ ٦۰/٤/۲۲ الی ۱۳٦۱/۵/۱ اجرا شد و با عدم موفقیت روبه‌رو شد. دلایل عمده آن عبارتند از:

۱- طراحی انجام‌شده متناسب با مقدورات دشمن در آرایش پدافندی و استحکام مواضع او نبود و مقدورات خودی به ویژه نبود احتیاط مناسب و فرماندهی و کنترل؛

۲- اجرای رزمایش جبهه‌ای به مواضع مستحکم مثلثی شکل؛
۳- عدم هماهنگی پیشروی نیروهای زرهی و پیاده در گرمای ۵۰ الی ٦۰ درجه منطقه؛
۴- اجرای پاتک‌های سنگین و متوالی نیروهای دشمن با پشتیبانی آتش سنیگین زمینی و هوایی و قدرت تحرک و آتش زرهی؛
۵- برتری هوایی دشمن؛
۶- انحراف از سمت اصلی تک و فقدان ارتباط یگان‌های هم‌جوار؛
۷- ایجاد خلأ در پشتیبانی آتش توپخانه.

عملیات خیبر[۱] (۶۲/۱۲/۳) (نقشه شماره۱۵)

عملیات خیبر در هورالعظیم در پی تاکتیک ویژه سپاه پاسداران دائر بر عبور از موانع غیرقابل عبور مطرح شد. ارتش امکانات لجستیکی موجود را متناسب با نیازهای این عملیات نمی‌دانست، ولی سرانجام با تصمیم مسئولین جنگ در عملیات شرکت کرد. به نظر کارشناسان ارتشی «عبور چندین لشکر پیاده و زرهی ارتش و سپاه پاسداران، همراه با یگان‌های پشتیبانی رزمی (توپخانه، مهندس، هوانیروز، جهاد سازندگی) از مرداب هورالعظیم به طول ۱٤٥کیلومتر و عرض بیش از ۳۵ کیلومتر بدون هیچ‌گونه جاده غیرممکن بود. ضمن اینکه چنانچه یک‌سوم نیروهای مانوری فوق نیز موفق به عبور از هور در موج اول می‌شد بدون داشتن آتش پشتیبانی و امکانات مهندسی با پاتک‌های دشمن مواجه شده و موفقیت حاصل نمی‌شد.» تنها راه تدارکاتی، نیرورسانی و اخراجات علاوه بر قایق‌های سبک یک جاده یک‌طرفه ساخته شده از پانل‌های یونولیتی بود که با اجرای آتش توپخانه دشمن امکان استفاده از آن با مشکلات زیادی روبه‌رو بود.

---

۱. سرهنگ ستاد زرهی سید یعقوب حسینی، نبردهای سال٦۲ تا پایان ۱۳٦٤، تهران، هیئت معارف جنگ، ۱۳۸۹، ص ۲۹۹.

این عملیات همان‌طوری که پیش‌بینی می‌شد به علل عمده زیر با موفقیت کامل روبه‌رو نشد و البته در این عملیات جزایر مجنون به وسعت ۱۶۰ کیلومترمربع، که از نظر منابع نفت اهمیت داشت، به تصرف نیروها درآمد.

۱- رعایت کامل اصول جنگ در طراحی عملیات لحاظ نشده بود؛

۲- عدم پشتیبانی‌های لازم از جمله توپخانه، مهندسی، تدارکات و اخراجات به دلیل محدودیت‌های موجود در یگان‌ها؛

۳- وجود برتری هوایی دشمن.

عملیات بدر[۱] (۱۳۶۳/۱۱/۲۰) (نقشه شماره۱۶)

یک سال پس از ناکامی عملیات خیبر، قرارگاه خاتم‌الانبیاء (فرماندهی جنگ) در هورالهویزه تصمیم به اجرای عملیاتی به نام «عملیات بدر» گرفت تا هدف های عملیات خیبر، یعنی دست‌یابی به غرب رودخانه دجله و قطع جاده العماره بصره محقق شود.

این عملیات زمانی طراحی شد که وضعیت زمین و توان دفاعی عراق در غرب هورالعظیم نسبت به عملیات خیبر کاملاً تغییر کرده بود. عراق پیش‌بینی‌های لازم را برای جلوگیری از قطع جاده العماره ـ بصره به عمل آورده و با تهیه مواضع مستحکم بتنی و انواع موانع و اختصاص ۲۱ تیپ (پیاده، مکانیز، زرهی) منطقه را به صورت دژ مستحکمی برای پدافند و حفاظت از جاده العماره ـ بصره تبدیل کرده بود.[۲]

نیروهای خودی در عملیات بدر در چهار قرارگاه عمده به شرح زیر سازمان‌دهی شده بودند.

۱- ۱۲ لشکر پیاده (۸ لشکر سپاه و ٤ لشکر ارتش) و ۵ تیپ مستقل پیاده (٤تیپ سپاه و ۱ تیپ ارتش). تعداد گردان‌های پیاده عبارت بود از: ۳۸ گردان پیاده ارتش به استعداد ۳۸هزار نفر و ٦۹ گردان پیاده سپاه به استعداد حدوداً ۱۷۵۰۰ نفر، جمعاً ۱۰۷ گردان پیاده به استعداد حدوداً ۵۵۵۰۰ نفر؛

---

۱. همان، ص ٤٤۵.

۲. همان، ص ۲۹۹.

۲- توپخانه‌های لشکری و ۳ گروه توپخانه ارتش؛
۳- هوانیروز، نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش؛
۴- گروه مهندسی ارتش و مهندسی سپاه و جهاد سازندگی؛
۵- یک تیپ شناور نیروی دریایی ارتش.

عملیات بدر در تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۰ آغاز شد، نیروی تک‌ور (موج اول) با عبور از هور و تصرف بخشی از سر پل پیش‌بینی شده و عبور عناصری از رودخانه دجله، به علت کمبود وسایل ترابری آبی (شناور) امکان اعزام سریع نیروی متعاقب و سایر نیازمندی‌های پشتیبانی، از جمله آتش توپخانه، رساندن مهمات، تخلیه مجروحین و شهدا، مقدور نشد و سرانجام با پاتک سنگین نیروهای زرهی عراق عملیات به دلایل زیر با عدم الفتح مواجه شد.

۱- فقدان آگاهی کامل از آخرین وضعیت پدافند عراق در غرب هورالهویزه؛
۲- تک به قوی‌ترین نقطه دشمن از طریق محورهای نامطمئن؛
۳- رعایت نکردن کامل اصول جنگ در طراحی عملیات؛
٤- فقدان برتری هوایی خودی و داشتن برتری هوایی دشمن؛
۵- نداشتن آمادراه (راه تدارکاتی) جهت انجام آماد و پشتیبانی؛
٦- برتری آتش توپخانه دشمن.

عملیات قادر (۱۳۶۴/۴/۲۳) (نقشه شماره۱۷)

عملیات قادر در شمالی‌ترین منطقه مرزی ایران و عراق توسط نیروی زمینی ارتش به طور مستقل طراحی و اجرا گردید. هدف از اجرای این عملیات تصرف شهر سیدکان در شمال عراق بود. عدم شناسایی زمین و فقدان همکاری معارضین کرد عراقی، وضعیت زمین و برتری هوایی دشمن باعث شد علی‌رغم پیشروی اولیه با پاتک دشمن مواجه شده و سرانجام نیروها نتوانستند به دلایل زیر مواضع اشغال‌شده را نگهداری کنند و مجبور به عقب‌نشینی شدند.

۱- عدم شناسایی کامل زمین و کمبود اطلاعات از زمین و دشمن؛

۲- اتکاء به عوامل اطلاعاتی کردهای شمال عراق؛
۳- وجود ارتفاعات صعب‌العبور در منطقه عملیات و نداشتن راه تدارکاتی؛
۴- عدم توجه کافی به اصول جنگ و عدم رعایت قواعد اساسی رزم در کوهستان؛
۵- نبود امکانات لجستیکی رزم در کوهستان.

عملیات والفجر۱۰ (۱۳۶۶/۱۲/۲۴) (نقشه شماره۱۸)

عملیات والفجر۱۰ در منطقه عمومی نوسود و حلبچه با هدف تصرف سد دربندیخان و انهدام نیروهای دشمن در منطقه شمال عراق توسط سپاه پاسداران طراحی و اجرا شد. این عملیات بر اثر پاتک دشمن و بمباران شیمیایی مردم حلبچه، که منجر به کشته شدن بیش از ۵۰۰۰ نفر از مردم کرد عراق شد، به نتیجه مطلوب نرسید و نیروها به دو دلیل زیر مجبور به ترک منطقه شدند.

۱- برتری مطلق هوایی دشمن؛
۲- به‌کارگیری جنگ‌افزار شیمیایی به طور انبوه توسط ارتش عراق.

بخش هشتم

عملیات پیاده نظام(۳)

۱- پدافند شیمیایی

تاریخچه کاربرد عوامل ش.م.ر

کاربرد عوامل و مواد سمی و شیمیایی در طول تاریخ سابقه دیرینه‌ای دارد. به نحوی که صدها سال قبل از میلاد مسیح در جنگ‌ها از این حربه استفاده می‌شد. در قرون معاصر با پیشرفت علوم و فنون در کاربرد جنگ شیمیایی تحولات اساسی به وجود آمد و در جنگ‌های اول و دوم جهانی از این جنگ‌افزار استفاده شده است.

در جنگ ایران و عراق رژیم بعثی پس از ناکامی در تأمین اهداف نظامی در جبهه‌ها، با پشتیبانی کارشناسان خارجی اقدام به کاربرد جنگ‌افزار شیمیایی کرد.

کاربرد سلاح شیمیایی توسط عراق

۱- عراق از همان ابتدای جنگ کاربرد آزمایشی جنگ‌افزار شیمیایی را در طول مرزها آغاز کرد و موجب شهید و مصدوم شدن صدها نیروهای ایران شد.

۲- عراق بعد از عملیات‌های خیبر و بدر کاربرد وسیع و گسترده سلاح شیمیایی را با استفاده از گازهای تاول‌زا، خردل، اعصاب، خفه‌کننده و ناتوان‌کننده آغاز کرد و تا پایان جنگ به استفاده از آن ادامه داد.

۳- پس از تصرف شهر حلبچه عراق توسط نیروهای ایران، بزرگ‌ترین کاربرد سلاح شیمیایی عراق در آن شهر انجام شد که منجر به شهادت بیش از ۵۰۰۰ نفر زن و بچه و پیر و جوان آن شهر شد.

۴- عراق از انواع سلاح و جنگ‌افزارها (هواپیما، توپ و...) برای حملات شیمیایی استفاده کرد.

۵- انواع عوامل شیمیایی مورد استفاده عبارتند از: تاول‌زا، اعصاب، سیانور و عوامل مؤثر بر خون، خفه‌کننده، فسفری و ناپالم و VX و V.

آمار تلفات شیمیایی[۱]

۱- عراق از تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۵ الی ۱۳٦۷/٦/٤ در ۵۷۲ نوبت مبادرت به استفاده از حملات شیمیایی کرد.

۲- تعداد تلفات ناشی از حملات شیمیایی عراق عبارتند از:

الف- ایران: تعداد ۱۰۰هزار نفر مصدوم و تعداد ۱۰هزار نفر شهید؛

ب- عراق: تعداد ۲۷هزار نفر مصدوم و تعداد ۷۲۵۰ نفر کشته؛[۲]

ج- جمع تلفات نیروهای ایران ۱۲۷هزار نفر مصدوم و ۱۷۲۵۰ نفر شهید و کشته.

محورهای عملیاتی مورد حمله شیمیایی[۳]

عراق در ٤٤ محور عملیاتی برابر جدول۱ مبادرت به استفاده از جنگ‌افزار شیمیایی کرد، که ۱۳ مورد آن در داخل خاک ایران و ۳۱ مورد در داخل خاک عراق علیه نیروهای ایران انجام گرفت. عراق معتقد بود برای حفظ خاک کشورش از هر وسیله‌ای باید استفاده کرد.

سازمان دفاع شیمیایی در ارتش ایران

۱- ارتش ایران قبل از انقلاب اقدام به سازمان‌دهی گروهان‌های پدافند شیمیایی در لشکرها کرد. تا انقلاب اسلامی سه گروهان در لشکرهای٦٤ پیاده، ۷۷ پیاده، ۹۲ زرهی سازمان‌دهی و تکمیل شده بود.

---

۱. محمدباقر نیک‌خواه بهرامی، گاه‌شمار حملات شیمیایی عراق در جنگ، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، ۱۳۸۹، ص۷۵.

۲. کاربرد عوامل شیمیایی توسط صدام در داخل خاک عراق علیه مردم خود (مثل حلبچه) و تغییر سمت وزش باد و عوامل دیگر موجب مصدومیت نیروهای عراق در مناطق آلوده می‌شد.

۳. همان، ص۷۹.

۲- به موازات تأسیس گروهان‌های فوق در مرکز آموزش پیاده یک کمیته آموزشی پدافند شیمیایی تشکیل گردید و با اعزام افسران به امریکا و مراجعت آنان، کمیته آموزشی مبادرت به آموزش گروهان‌های پدافند شیمیایی و تعدادی افسر شیمیایی برای استفاده در ستاد لشکرها کرد.

۳- در هر گردان پیاده یک گروه رفع آلودگی سازمان‌دهی شد، ولی فعال نشده بود.

۴- در رکن سوم لشکر پیاده دایره ش.م.ر با مأموریت و استعداد زیر سازمان‌دهی شده است

الف- مأموریت

۱- اطمینان از حاضربکاری وسایل و تجهیزات پدافند شیمیایی انفرادی یگان‌ها و یگان‌های پدافند شیمیایی؛

۲- برنامه‌ریزی و نظارت بر آموزش یگان‌ها؛

۳- دادن توصیه‌های حفاظتی بر حسب وضعیت؛

۴- تشکیل و فعال نگهداشتن سیستم اعلام خبر؛

۵- به‌کارگیری یگان‌های پدافند شیمیایی پس از حمله شیمیایی برای رفع آلودگی؛

۶- نظارت بر تأسیسات رفع آلودگی و حاضربکاری آنان؛

۷- کمک به یگان‌ها در صورت نیاز جهت کشف و آشکارسازی و خنثی نمودن عناصر بکارگرفته شده توسط عراق.

ب- استعداد

استعداد عناصر ستادی در رکن سوم لشکر: دو افسر و پنج درجه‌دار.

تجهیزات پدافند شیمیایی

برای کلیه یگان‌ها وسایل و تجهیزات زیر خریداری و به تدریج واگذار می‌شد:

۱- ماسک محافظ ضدگاز؛

۲- آمپول آتروپین و آمپول امیل نیتریت؛
۳- لباس حفاظتی (لباس پلاستیکی، دستکش، پوتین)؛
۴- حمام‌های رفع آلودگی؛
۵- پمپ‌های رفع آلودگی؛
۶- کیف آشکارساز.

پدافند شیمیایی یگان‌های پیاده نظام ایران در جنگ

با وجود تأکیدات فراوان به لزوم همراه داشتن ماسک و سایر تجهیزات لازم در اوایل جنگ، تا عملیات خیبر و بدر اکثر پرسنل خطرات شیمیایی را جدی نگرفته و از تجهیزات حفاظتی استفاده نمی‌کردند. بعد از عملیات خیبر با مشاهده خطرات حملات شیمیایی و ترس از در معرض قرار گرفتن و شیمیایی شدن، به لزوم توجه به تجهیزات شیمیایی پی بردند. در این زمان با نقاط ضعف بسیاری مواجه بودند.

نقاط ضعف

۱- عدم آموزش کافی برای استفاده از تجهیزات و یا استفاده از وسایل ابتکاری؛
۲- پایان یافتن عمر قانونی فیلتر اکثر ماسک‌های محافظ گاز؛
۳- همراه نداشتن ماسک محافظ ضدگاز، به ویژه در مناطق پشت جبهه؛
۴- کسری ماسک برای رزمندگان بسیج سپاه پاسداران و اقدام به خرید ماسک از کشور چین پس از تحمل تلفات؛
۵- نبود دستگاه‌های تهویه در مناطق سرپوشیده؛ نظیر بیمارستان‌ها و ستادها؛
۶- عملکرد ضعیف عناصر رفع آلودگی به علت کمبود تجهیزات ویژه؛
۷- نبود سیستم اعلام خبر تک شیمیایی در جبهه‌ها و حتی شهرها؛
۸- فعال نبودن یک عنصر سازمانی در قرارگاه‌های عمده به منظور تهیه پیوست پدافند شیمیایی و یا دادن مشاوره به فرماندهان برای توجه به حملات شیمیایی؛
۹- آماده نبودن بیمارستان‌های کشور برای معالجه بیماران شیمیایی؛
۱۰-محصور نکردن مناطق آلوده به مواد شیمیایی ماندگار.

نقاط قوت

۱- آموزش اولیه بسیجیان و سپاهیان توسط افسران ش.م.ر لشکرهای ارتش؛

۲- مصون نگهداشتن مراکز طبخ غذا و تدارکات از آلودگی؛

۳- رفع آلودگی سریع جنگ‌افزارها، به ویژه توپخانه؛

۴- فعال شدن تدریجی بیمارستان‌های صحرایی در کمک به مصدومین شیمیایی.

نتیجه

آمار تلفات شیمیایی ایران بیانگر نقاط ضعف برشمرده شده می‌باشد، ان‌شاءالله در آینده با پیش‌بینی‌های لازم و آموزش کافی شاهد این‌گونه تلفات در جنگ‌های احتمالی نباشیم.

محورهایی که مورد حمله شیمیایی قرار گرفته و یگان‌های پیاده ایران مستقر در آن

ردیف	محورهای عملیاتی	یگان‌های پیاده نظام مستقر در محور	
		یگان‌های ارتش	یگان‌های سپاه پاسداران
۱	خیبر و بدر	ل۲۱، ل۲۸، ل۷۷ و تیپ۵۵ هوابرد	قرارگاه کربلا، نجف و نوح
۲	والفجر۸	ل۲۱، ل۳۰، ل۷۷ و تیپ هوابرد	قرارگاه نوح و کربلا
۳	کربلا۵	ـــــ	قرارگاه کربلا
٤	والفجر۱۰	ـــــ	قرارگاه قدس، ثامن‌الائمه و فتح
٥	والفجر٤	ل۵۸، تیپ۲ ل۲۱	ل۸، ١٤، ٢٥، ثارالله، تیپ٤٤
٦	کربلا٤	ـــــ	قرارگاه نجف، قدس، کربلا و نوح
۷	بیت‌المقدس	ل۲۱، تیپ۲ل۷۷،تیپ۲۳ نوهد، تیپ۵۵ هوابرد، تیپ۵۸ ذوالفقار	ل۱، ۳، ٥
۸	فتح‌المبین	ل۲۱، ل۷۷، تیپ۵۵ هوابرد، تیپ۵۸ ذوالفقار، تیپ ۸٤ خرم‌آباد	ل۱، ۳، ٥
۹	میمک	گردان۱۹۹ تیپ٤٠ سراب	ـــــ
۱۰	کربلا۸	ـــــ	قرارگاه قدس و کربلا

۱۱	والفجر۲	تیپ۲ ل۷۷، گد۱۳۲، ۱٦٤ ل٦٤، گد۱۰۵ و ۱٤۵ پیاده مکانیزه ل۹۲ زرهی، گد۸۰۷ پیاده تیپ٤۰	تیپ۳۳ و گد ٦ و ۷، نیروهای نامنظم
۱۲	بیت‌المقدس۵	ـــــ	قرارگاه نجف و قدس
۱۳	کربلا٦ و سومار	ل۲۱، ۵۸، ۷۷ (ـ)، ۸٤ و تیپ۵۵ هوابرد	ـــــ
۱٤	فتح۵	ـــــ	یگان‌های سپاه
۱۵	نصر٤	ـــــ	یگان‌های سپاه
۱٦	کربلا۱۰ ماووت	ل۸٤ پیاده	ل۲۷ (ـ)، ۸ تیپ پیاده از لشکرهای۵، ۱۰، ۱۷، ۲۱، ۲۵، ٤۱ و تیپ٦٦۲
۱۷	محرم و شرهانی	تیپ۱ ل۲۱، تیپ۵۸، تیپ۸٤ گردان ژاجا	تیپ۸، ۱٤، ۱۷، ۲۵، ۳۵ و ۱٤٤
۱۸	والفجر مقدماتی	ل۲۱، تیپ۵۵ هوابرد، تیپ۸٤	قرارگاه۳، ۷ و ۱۱
۱۹	فتح٤	ـــــ	یگان‌های سپاه
۲۰	رمضان	ل۲۱، ۷۷، تیپ٤۰، تیپ۵۸	لشکر۱، ۳، ۵، ۷
۲۱	والفجر٦	ـــــ	یگان‌هایی از سپاه
۲۲	مسلم ابن عقیل	تیپ۳ پیاده مکانیزه ل۸۱ زرهی، تیپ۵۵ هوابرد و گمجن عشایری	ل۵، تیپ۱۸، ۲۱، ۲۷، ۳۱
۲۳	فتح۱۰	ـــــ	عناصری از سپاه
۲٤	فتح۷	ـــــ	عناصری از سپاه
۲۵	ظفر۱	ـــــ	عناصری از سپاه
۲٦	طریق‌القدس	دو تیپ پیاده مکانیزه از ل۱٦ و ۹۲، تیپ۱ ل۷۷	تیپ۱٤، ۲۵، ۳۱، ۳٤ و ۳۵
۲۷	بازپس‌گیری کربلا	ـــــ	قرارگاه قدس، کربلا، نجف و نوح
۲۸	ثارالله	ـــــ	دو گردان پیاده تیپ المهدی
۲۹	بیت‌المقدس۲	ـــــ	قرارگاه نجف و قدس

۳۰	والفجر۹	ـــــ	تیپ۲۹، ۵۷، ۱۰۵، ۱۱۰ و ۱۱۵
۳۱	والفجر۵	ـــــ	یگان‌های سپاه
۳۲	خوارزم میمک	گد۱۲۳، ۱۹۵ پیاده مکانیزه ل۸۱ زرهی، گد۷ سماجا (نیروهای ویژه ارتش) و نیروهای ایل خزل	ـــــ
۳۳	بازپس‌گیری فاو	تیپ ل۲۱ و تیپ ل۳۰	یگان‌های قرارگاه نوح و کربلا
۳٤	بازپس‌گیری جزیره مجنون	لشکر۵۸	ـــــ
۳۵	نصر۸	ـــــ	یگان‌های سپاه
۳٦	ظفر٤	ـــــ	یگان‌های سپاه
۳۷	مطلع‌الفجر	تیپ۵۸، گد۱۹۱ مرکز پیاده، تیم تیپ۲۳ نوهد، گردان ژاجا	سه گردان
۳۸	علی ابن الحسین	ـــــ	یگان‌های سپاه
۳۹	نصر٦	تیپ۱ ل۷۷، تیپ٤۰ سراب، تیپ۱ ل۲۸، تیپ۳ مکانیزه ل۸۱، تیپ۲ ل۸٤، گد تکاور ل۱۱ و گد تکاور ل۹۲	ـــــ
٤۰	حضرت مهدی(عج)	تیپ۳۵ تکاور، تیپ٤۵ تکاور	ـــــ
٤۱	بازی دراز	گروه رزمی۱۱٤، ل۸۱ زرهی	یک گروه رزمی
٤۲	نصر۵	ـــــ	یگان‌های سپاه
٤۳	ظفر۵	یک گردان از ل۳۰	ـــــ
٤٤	**پس از پذیرش قطعنامه**	یگان‌های ارتش	یگان‌های سپاه

۲- پدافند متحرک (استراتژی نظامی عراق پس از آفند ایران داخل خاک عراق)

تعریف پدافند ثابت

پدافند ثابت از نظر نظامی عبارت است از جلوگیری از پیشروی نیروهای مهاجم و حفظ و نگهداری مناطق پدافندی با هدف حفظ زمین.

استراتژی پدافند ثابت عراق

عراق پس از شکست در سال دوم جنگ و عقب‌نشینی به داخل خاک عراق به منظور دفاع از سرزمین عراق با استفاده از شرایط زیر به استراتژی پدافند ثابت، با تشکیل چندین رده پدافندی و مسلح کردن زمین اقدام کرد.

۱- کوتاه شدن خطوط پدافندی در داخل خاک عراق؛

۲- استفاده از ویژگی‌های زمین و موانع طبیعی؛

۳- توسعه یگان‌های رزمی با تشکیل تیپ‌های جیش‌الشعبی؛

۴- استفاده بهینه از توانایی یگان‌های زرهی به صورت احتیاط متحرک با واکنش سریع.

تعریف پدافند متحرک

پدافند متحرک از نظر نظامی عبارت است از کشاندن نیروهای مهاجم به منطقه از پیش تعیین‌شده (منطقه کشتار) به منظور انهدام نیروهای مهاجم با اجرای عملیات آفندی و ترمیم مجدد خطوط پدافندی.

عراق پس از شکست در جزیره فاو در تاریخ ٦٤/١١/٢٠ و از سال ٦٥ مدعی شد استراتژی خود را از پدافند ثابت به پدافند متحرک تغییر داده است، ولی هیچ‌گاه به روش کلاسیک و طبق تعریف فوق اقدام به عملیات پدافند متحرک نکرد.

تدبیر عراق در اجرای استراتژی پدافند متحرک

ستاد ارتش عراق پس از پی بردن به ضعف لشکرهای عمل‌کننده در مقابل تهاجم نیروهای پیاده نظام ایران دو اقدام اساسی زیر را در اجرای این استراتژی به عمل آورد.

۱- توسعه گارد ریاست جمهوری به ۲۸ تیپ در قالب ٦ لشکر (شامل لشکر نیروهای مخصوص) و ارتقاء آمادگی آنان از طریق اجرای آموزش، واگذاری تجهیزات و امکانات پیشرفته و تبدیل آن به یک نیروی احتیاط متحرک قوی.

۲- طراحی عملیات آفندی در سطح ارتش و هدایت عملیات.

با توجه به موارد فوق، عراق با پرهیز از بکارگیری واژه آفند، آن را پدافند متحرک نامید. در حقیقت هدف عراق از تدبیر جدید، دفاع از سرزمین عراق و آزادسازی مناطق متصرفی نیروهای ایران در داخل خاک عراق با اجرای عملیات آفندی بود. بنابراین منظور عراق از عملیات موسوم به پدافند متحرک را می توان به شرح زیر تبیین کرد.

۱- کمک به خطوط ثابت با اجرای پاتک‌های قوی توسط نیروهای زرهی و مکانیزه با استفاده از آتش‌های پشتیبانی زمینی، هوایی و کاربرد عوامل شیمیایی مانند پاتک‌های اجراشده در عملیات کربلا٤، ٥، ٨ و... علیه نیروهای ایران.

۲- بازپس‌گیری مناطقی از خاک عراق که به تصرف نیروهای ایران درآمده بود، مانند منطقه چوارتا، جزایر مجنون، فاو و... .

۳- جلوگیری از پیشروی نیروهای ایران به داخل خاک عراق با تقویت خطوط پدافندی در منطقه سومار برای مقابله با عملیات آفندی کربلا٦.

مقابله با پدافند متحرک عراق

نیروهای پیاده نظام ایران (ارتش و سپاه) در تاریخ ۱۳٦٥/٤/۹ در عملیات کربلا۱ موفق شدند اولین عملیات متحرک را در منطقه غرب (مهران) شکست داده و عراق را مجبور به عقب‌نشینی نمایند.

در سایر عملیات‌های موسوم به پدافند متحرک عراق، نیروهای پیاده نظام تک‌ور ایران در داخل خاک عراق در مقابل تک‌های شیمیایی عراق و عدم توازن نیرو نتوانستند

پیشروی محسوس داشته و در عملیات پدافندی (هر دو در داخل عراق) موفقیتی به دست آورند.

دلایل عدم موفقیت پیاده نظام در مقابل استراتژی به اصطلاح پدافند متحرک عراق

نیروهای مسلح ایران با وجود ایثار و فداکاری نیروهای پیاده نظام به دلایل زیر نتوانستند در مقابل پدافند متحرک عراق موفقیت لازم را کسب کنند.

۱- کمبود نیرو و امکانات لازم؛
۲- نداشتن پشتیبانی آتش توپخانه کافی؛
۳- ضعف پشتیبانی هوایی و هوانیروز (به دلیل برتری هوایی عراق)؛
۴- کاهش روحیه بر اثر تهدید حملات شیمیایی؛
۵- افزایش تلفات ناشی از حملات شیمیایی؛
۶- کمبود قدرت تحرک و آتش پیاده نظام ایران؛
۷- فقدان یگان‌های زرهی انبوه و مناسب به عنوان احتیاط در ایران؛
۸- عدم شناخت کافی از دشمن، محیط داخلی و محیط بین‌المللی؛
۹- قدرت تحرک و جابه‌جایی بالای عراق؛
۱۰-قدرت آتش یگان‌های تازشی ارتش زرهی عراق (احتیاط متحرک).

۳- عملیات فروغ جاویدان منافقین

گروه تروریستی منافقین در عصر روز ۱۳٦۷/۵/۳ با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی و با پشتیبانی حکومت عراق مبادرت به انجام عملیاتی موسوم به فروغ جاویدان نمود. آنان پس از نفوذ از منطقه قصرشیرین به داخل خاک جمهوری اسلامی ایران، در محور سرپل ذهاب و اسلام‌آباد غرب به طرف کرمانشاه حرکت کردند. آنان پس از نفوذ در خاک کشور جمهوری اسلامی ایران (کشورخودشان) و عبور از اسلام‌آباد غرب و رسیدن به تنگه چارزبر واقع در گردنه حسن‌آباد مجبور به توقف شدند و در کمین خودجوش نیروهای ایرانی که پیش‌بینی نشده و در منطقه پراکنده و یا در حال عبور بودند، گرفتار آمده و متلاشی شدند (نقشه ۱۹).

دلایل موفقیت منافقین در نفوذ از مرز و عبور از خطوط یگان‌های پیاده نظام

۱- دارا بودن اطلاعات دقیق از وضعیت نیروهای ایران در محور پیشروی از طریق سیستم اطلاعاتی عراق؛

۲- دراختیار داشتن تحرک ۱۰۰٪؛

۳- دارا بودن پشتیبانی هوایی توسط نیروی هوایی و آتش توپخانه عراق در عبور از مرز؛

۴- انگیزه هجومی به دلیل تصور واهی از برخورداری حمایت مردم در مسیر شهرها.

دلایل عدم موفقیت منافقین

۱- عدم حمایت مردم در مسیر پیشروی؛

۲- قطع پشتیبانی هوایی و توپخانه عراق پس از عبور از مرز؛

۳- حرکت به صورت ستون موتوری بدون توجه به ملاحظات تاکتیکی؛

۴- بسته شدن تنگه چارزبر بر اثر تصادف و تجمع خودروهایی که مردم غیرنظامی را از شهرهای مرزی تخلیه می‌کردند.

۵- متوقف شدن ستون منافقین در پشت ستون‌های خودرویی مردم که در حال حرکت به سمت کرمانشاه بودند.

۶- حضور نیروهای ارتشی و سپاهی مستقر در حوالی محور پیشروی منافقین و محاصره آنان؛

۷- درگیر شدن نیروهای ایرانی به طور خودجوش با منافقین؛

۸- متلاشی کردن ستون منافقین توسط نیروی هوایی و هوانیروز ارتش؛

۹- پاکسازی منطقه توسط نیروهای تقویتی ارتش و سپاه.

۴- عملیات مرصاد (علیه منافقین) (۱۳۶۷/۵/۵) (نقشه شماره ۱۹)

نیروهای منافقین پس از عبور از مرز، پیشروی را به سوی شهرهای اسلام‌آباد غرب و کرمانشاه ادامه دادند.

پس از متوقف شدن ستون خودرویی منافقین در تنگه چارزبر، نیروهای پیاده نظام، با پشتیبانی نیروی هوایی و هوانیروز کرمانشاه عملیات موسوم به مرصاد را به منظور انهدام نیروهای منافقین اجرا کردند و طی دو روز انجام این عملیات، غرب کشور از لوث وجود مهاجمین منافق پاک شد.

دلایل موفقیت پیاده نظام در سد پیشروی منافقین (عملیات مرصاد) و نابودی آنان

۱- پشتیبانی مردم از رزمندگان ایرانی حاضر در منطقه؛

۲- تلاش خودجوش رزمندگان پیاده نظام حاضر در حوالی منطقه (ارتش و سپاه) و محاصره نیروهای مهاجم و کنترل آنان تا روز بعد؛

۳- حضور فعال نیروی هوایی از صبح روز بعد و بمباران ستون مهاجمین و پشتیبانی نزدیک از پیاده نظام خودی؛

۴- حضور فعال امیر سپهبد شهید علی صیادشیرازی در منطقه و بکارگیری هوانیروز کرمانشاه و وارد آوردن تلفات به نیروهای پراکنده منافقین؛

۵- ورود نیروهای پیاده نظام تقویتی از تیپ۵۵ هوابرد، لشکر۸۱ زرهی و نیروهای پیاده نظام سپاه به منطقه و تعقیب نیروهای منافقین تا مرز؛

۶- همکاری نیروهای پیاده نظام ارتش و سپاه در محاصره و انهدام نیروهای منافقین بدون داشتن طرح و برنامه‌ای از پیش تعیین‌شده؛

۵- اجرای عملیات آفندی در شب

در تک روزانه دشمن از مسافت دور پیشروی نیروهای تک‌ور را مشاهده کرده و زیر آتش توپخانه و تانک قرار می‌دهد، لذا دو عامل اصلی زیر موجب اجرای عملیات آفندی در شب بود.

۱- کمتر بودن برد جنگ‌افزارهای نیروی تک‌ور (پیاده نظام) از برد تانک دشمن؛

۲- انبوه آتش توپخانه دشمن و محدودیت مهمات نیروی آفندکننده.

با توجه به دو عامل فوق اجرای عملیات آفندی در شب به دلایل زیر در دستور کار قرارگاه عملیاتی قرار گرفت.

دلایل عملیات آفندی در شب

الف- افزایش غافلگیری؛

ب- اختفاء و پوشش بیشتر برای نیروهای تک‌ور؛

ج- خنثی شدن برتری هوایی دشمن؛

د- کاهش اثر نیروهای زرهی دشمن؛

هـ- متلاشی شدن سازمان و مقاومت پدافندی دشمن پس از نفوذ و رخنه در خطوط پدافندی در تاریکی شب؛

و- داشتن فرصت کافی برای تحکیم هدف و آمادگی مقابله با پاتک دشمن در روز بعد.

اقدامات پیاده نظام در مقابله با یگان‌های زرهی ارتش عراق

۱- از بهترین وسایل برای انهدام ادوات زرهی دشمن کاربرد بالگردهای هوانیروز در پشتیبانی از یگان‌های پیاده نظام بود.

۲- پس از نزدیک شدن نیروهای زرهی دشمن و قرار گرفتن در برد جنگ-افزارهای ضدتانک، یگان‌های پیاده نظام با استفاده از تفنگ۱۰۶ مم، موشک مالیوتکا، موشک تاو، آر.پی.جی (۷، ۹، ۱۱)، تفنگ۵۷ م.م و موشک دراگون (در صورت موجود بودن) نسبت به انهدام ادوات زرهی اقدام می‌کردند.

۳- در پدافند با نزدیک شدن نیروهای زرهی دشمن به خط پدافندی خودی در مسافتی که در برد سلاح‌های ضدتانک پیاده نظام قرار می‌گرفتند، آنها را مورد هدف قرار داده و منهدم می‌کردند.

۴- استفاده از تانک‌هایی که در پشتیبانی از خط پدافندی پیاده نظام قرار داشتند.

۵- استفاده از تیم‌های شکار تانک و کمین در مسیر عبور ادوات زرهی.

۶- نیروهای جمهوری اسلامی به علت داشتن مشی آفندی هیچگاه از میدان مین ضدتانک استفاده نمی‌کردند.

۷- انهدام یگان‌های تانک دشمن توسط نیروی هوایی و هوانیروز، به ویژه در سال اول و دوم جنگ.

علل عدم حفظ و نگهداری برخی اهداف پس از تصرف

روحیه تهاجمی و شهادت‌طلبی تصرف هدف را برای نیروی تک‌کننده میسر می‌سازد، اما نگهداری آن نیاز به صبر بیشتر برای مدت زمانی بیش از زمان تک و ملزومات و پشتیبانی‌های متعدد، متنوع و فراوانی دارد که نیروها پس از رسیدن به هدف فاقد آن بودند و یا کمتر در اختیار آنان قرار گرفت. لذا نگهداری هدف پس از تصرف با مشکل مواجه می شود، البته این‌گونه موارد در عملیات برون مرزی اتفاق افتاده است که عوامل آن عبارتند از:

۱- کاهش استعداد نیرو پس از تصرف هدف به علت تلفات؛

۲- نبودن یگان احتیاط برای جایگزینی، تقویت و یا تعویض؛

۳- اجرای آتش ثبت تیرشده دشمن بر روی زمینی که از دست داده، بدون نیاز به جابه‌جایی مواضع توپخانه ؛

۴- اجرای پاتک دشمن توسط نیروی آماده، قوی و متحرک (اکثراً زرهی) با برخورداری از پشتیبانی قوی هوایی علیه نیروی تک‌کننده؛

۵- تمرین نیروی احتیاط دشمن در مناطق احتمالی نفوذ، قبل از تهاجم نیروی خودی؛

۶- ضعف آتش پیاده نظام مستقر در روی هدف به علت خارج بودن دشمن از برد جنگ‌افزارهای با خط سیر کشیده خودی؛

۷- ضعف آتش پشتیبانی به طور عام، بالأخص توپخانه در پشتیبانی از تحکیم هدف به علل زیر:

الف- گسسته شدن سیستم درخواست آتش پشتیبانی به علت همراه نبودن دیده‌بان توپخانه با فرمانده گروهان.

ب- اختلال در کار مرکز هدایت آتش، مرکز تطبیق آتشبارهای تیر به علت فقدان فعالیت دیده‌بانی بر روی دشمن؛

ج- اجرای آتش بر روی نقاط ثبت تیرشده قبلی که ممکن است در سمت پاتک دشمن قرار نداشته باشد.

د- عدم تغییر مواضع سریع و بموقع برای اجرای آتش مؤثر و مداوم توپخانه به علت کمبود نیازهای جابه‌جایی؛

۸- عدم پشتیبانی کافی و سریع مهندسی برای تهیه سنگر (جان‌پناه) و استحکامات در روی هدف؛

۹- ضعف در هدایت فرماندهان جلو در تحکیم هدف و تجدید سازمان؛

۱۰-عدم نظارت کافی رده‌های مختلف بلافاصله پس از تصرف هدف به منظور پوشش شکاف‌ها؛

۱۱-ضعف پشتیبانی هوایی خودی در کسب برتری هوایی منطقه؛

۱۲-افزایش مقاومت و جنگندگی نیروهای دشمن در حفظ خاک وطن خود؛

۱۳-تمایل شدید نیروهای مردمی به تک و هجوم (با توجه به روحیه شهادت-طلبی) و تمایل کمتر نسبت به استقرار در مواضع پدافندی برای مدت طولانی).

تطابق طرح‌های عملیاتی با مراحل اجرایی (در چند عملیات سرنوشت ساز)

طرح‌های عملیاتی همواره براساس اطلاعات جمع‌آوری شده و بررسی‌های مختلف مراحل نهایی را طی می‌کند. طرح همواره دارای فرضیاتی است که در صورت عدم تحقق آن قبل از عملیات، قابلیت اجرایی را از دست داده و لازم است تجدیدنظرهای لازم در آن به وجود آید. علاوه بر آن در حین عملیات بر اثر عکس‌العمل‌های دشمن و پی‌بردن به نقاط قوت و ضعف نیروهای خودی و دشمن لازم است با داشتن قابلیت

انعطاف در جهت هدایت عملیات به سمت هدف، در طرح‌ها تغییراتی به وجود آید؛ لذا گنجاندن مرحله‌بندی و خط خیز در طرح و صدور دستورات جزء به جزء در حین عملیات بر این اساس می‌باشد. در بررسی چندین عملیات بزرگ پیاده نظام این‌گونه تغییرات کاملاً ملاحظه می‌شود که اهم آن عبارتنداز:

۱- عملیات ثامن‌الائمه

اولین عملیات طراحی شده کلاسیک بود که طرح و اجرا کاملاً با یکدیگر تطبیق داشت و توسط یگان پیاده نظام (لشکر ۷۷ پیاده) اجرا شد.

۲- عملیات طریق‌القدس

عملیات طریق‌القدس دومین عملیات طراحی شده کلاسیک بود که توسط لشکرهای زرهی با به‌کارگیری یگان‌های پیاده نظام اجرا شد. به طور کلی طراحی عملیات با اجرا تطبیق داشت، ولی در بعضی مراحل تغییراتی را به شرح زیر ضروری گردید.

الف- تأخیر در رسیدن گردان۲۹۳ تانک مأمور احاطه سمت راست برای تصرف تنگ چزابه به علت انحراف از مسیر در تاریکی شب موجب شد گردان پیاده مکانیزه پس از رسیدن به بستان بنا به دستور به سرعت به سمت تنگ چزابه حرکت کند و آن را به تصرف در آورد. گردان تانک پس از روشنایی روز خود را به هدف رسانده و در پشتیبانی آن گردان قرار گرفت.

ب- عدم پیشروی کامل جناح چپ بر اثر مقاومت دشمن و تأخیر از برنامه پیش-بینی شده که سرانجام با عقب‌نشینی دشمن پیشروی نیروهای خودی میسر شد.

۳- عملیات فتح‌المبین

عملیات فتح‌المبین از طراحی بسیار خوب برخوردار بوده و سومین عملیات بزرگ کلاسیک موفق یگان‌های پیاده محسوب می‌شود. ضعف بزرگ در فرضیات این عملیات، مبنی بر عدم تک دشمن قبل از تک خودی بود. به همین دلیل به علت تک مختل کننده دشمن که ٤٨ ساعت قبل از اجرای عملیات انجام شد، دو قرارگاه عمده پیاده نظام و زرهی در جناح چپ، در اجرا با مشکلات مواجه شدند. این مشکلات

اجرای کل طرح را زیر سوال برد ولی در نهایت تصمیم بر اجرای عملیات و البته با تأکید بر اجرای عملیات توسط یگان‌های پیاده نظام در جناح راست گرفته شد.

عملیات دو قرارگاه پیاده نظام در جناح راست (قرارگاه نصر و قدس) در مرحله۱ و ۲ با موفقیت اجرا شد. با توسعه اطلاعات از زمین و دشمن، در مرحله سوم و با تغییر مسیر مانور و احاطه ارتفاعات ابوصلیبی‌خات از جناح راست توسط قرارگاه نصر و احاطه تنگ رقابیه با عبور تیپ پیاده۸ نجف سپاه پاسداران از تنگ ذلیجان توسط قرارگاه سمت چپ (قرارگاه فتح) هدف‌های تعیین شده یکی پس از دیگری به تصرف درآمد و سرانجام عملیات با موفقیت کامل به پایان رسید.

۴- عملیات بیت‌المقدس

عملیات بیت‌المقدس چهارمین عملیات طراحی شده با روش کلاسیک بود که در ٤ مرحله طراحی شده بود. عملیات مرحله ۱ و ۲ یعنی رسیدن به جاده اهواز ـ خرمشهر و تأمین خط مرز بین‌المللی توسط یگان‌های پیاده و زرهی با موفقیت اجرا شد.

مرحله سوم و چهارم به علت عقب‌نشینی دشمن و ایجاد خط پدافندی مستحکم و عمق دادن به منطقه پدافند در خاک عراق، علی‌رغم تلاش بسیار محقق نگردید.

با محقق نشدن موفقیت در اجرای مرحله۳ و ٤، قرارگاه کربلا مرحله سوم عملیات را آزادسازی خرمشهر در نظر گرفت و با تغییر محور پیشروی به سمت جنوب و در امتداد مرز توانست خرمشهر را توسط یگان‌های پیاده به محاصره درآورد و آن شهر را از اشغال دشمن آزاد سازد.

۵- عملیات رمضان

عملیات رمضان اولین عملیات فرامرزی بود که هدف آن رسیدن به رودخانه دجله و تهدید شهر بصره بود. عملیات در پنج مرحله طراحی شده بود که به علت عدم برآورد صحیح از توانایی‌های خودی و دشمن و نداشتن اطلاعات لازم از تاکتیک جدید پدافندی دشمن فقط مرحله یکم آن اجرا و بقیه مراحل با ناکامی مواجه شد.

کاربرد اصول جنگ در عملیات سرنوشت‌ساز

ارزیابی اصول جنگ در عملیات بستگی به میزان موفقیت در تصرف اهداف و نتایج حاصل از عملیات دارد. عملیاتی موفق است که طراحی آن با توجه به اصول جنگ و سایر ملاحظات تاکتیکی انجام شده و اجرای آن بستگی به مهارت، تیزهوشی، ابتکار، خلاقیت و شجاعت فرماندهان صحنه عملیات و شجاعت، ایثار، توانایی، مهارت و انگیزه رزمندگان و پشتیبانی‌های ضروری از آنان دارد.

کاربرد اصول جنگ را نمی‌توان از نظر کمی مورد ارزیابی قرار داد و بایستی آن را از نظر کیفی ارزیابی کرد، لذا کاربرد اصول جنگ در چند عملیات بزرگ در دوران دفاع مقدس با معیار ارزشی «خوب، متوسط، ضعیف» برابر جدول ذیل ارزیابی شده است.

نام عملیات / اصول جنگ	ثامن‌الائمه	طریق‌القدس	فتح‌المبین	بیت‌المقدس	رمضان	بدر	والفجر۸	پدافند فاو
اصل هدف	خوب	متوسط	خوب	متوسط	متوسط	ضعیف	ضعیف	ضعیف
اصل آفند	خوب	خوب	خوب	خوب	متوسط	متوسط	خوب	ضعیف
اصل رزمایش	خوب	خوب	خوب	خوب	ضعیف	ضعیف	خوب	ضعیف
اصل تمرکز	خوب	خوب	خوب	خوب	متوسط	متوسط	خوب	متوسط
اصل صرفه‌جویی در قوا	خوب	خوب	خوب	خوب	متوسط	خوب	خوب	متوسط
اصل تأمین	خوب	خوب	خوب	متوسط	متوسط	خوب	خوب	متوسط
اصل غافلگیری	خوب	متوسط	متوسط	خوب	متوسط	خوب	خوب	متوسط
اصل وحدت	خوب	خوب	خوب	متوسط	ضعیف	ضعیف	خوب	خوب
اصل سادگی	متوسط	ضعیف	خوب	متوسط	ضعیف	ضعیف	متوسط	متوسط

کاربرد اطلاعات

لشکرهای پیاده نظام ایران و عراق ایران درآغاز جنگ

تعداد لشکرهای پیاده ایران و عراق در آغاز جنگ تحمیلی عبارت بود از:

۱- عراق با ۵ لشکر پیاده و۲ لشکر پیاده مکانیزه جمعاً ۷ لشکر پیاده و پیاده مکانیزه؛

۲- جمهوری اسلامی ایران با ٤ لشکر پیاده و ۳ تیپ پیاده و فاقد لشکر پیاده مکانیزه.

جدول شماره۵، مقایسه استعداد ۳ لشکر پیاده ایران و سه لشکر پیاده عراق

ردیف	شرح	ارتش عراق			ارتش جمهوری اسلامی ایران		
		لشکر۲ پیاده	لشکر۴ پیاده	لشکر۷ پیاده	لشکر۲۱ پیاده	لشکر۷۷ پیاده	لشکر۶۴ پیاده
۱	تابعیت	ستاد کل	ستاد کل	ستاد کل	نیروی زمینی	نیروی زمینی	نیروی زمینی
۲	استعداد	۱۷۲۶۳	۱۷۲۶۳	۱۷۶۶۳	۱۴۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۲۰۰۰
۳	تیپ پیاده	۳	۳	۳	۳	۳	۳
۴	تعداد گردان مستقل پیاده	۳	۳	۳	–	–	–
۵	تعداد گردان تانک	۳	۳	۲	۲	۲	۱
۶	تعداد گردان شناسایی	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	تعداد گردان ضدتانک	۱	۱	۱	*	*	*
۸	گردان توپخانه صحرایی	۵	۵	۵	۷	۴	۴
۹	گردان پدافند هوایی۲۳مم	۲	۲	۲	۲	۱	۱

۱۰	آتشبار سبک خمپاره‌انداز	۳	–	–	–	–	–
۱۱	گردان مهندسی	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۲	گردان مخابرات	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۳	یگان آماده پش	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۴	گروهان خدمات (قرارگاه)	۱	۱	۱	۱	۱	۱

تحلیل مقایسه لشکرهای پیاده ایران و عراق

۱- لشکرهای پیاده عراق از نظر استعداد یگان‌های رزمی و پشتیبانی رزمی سازمانی نسبت به لشکرهای پیاده ایران برتری نسبی داشتند.

۲- علاوه بر برتری سازمانی، یگان‌های عراق با ۱۰۰٪ استعداد و آمادگی رزمی جنگ را آغاز کردند، ولی لشکرهای پیاده ایران به علت بحران‌های ناشی از انقلاب از استعداد معادل ۵۰٪ و آمادگی رزمی ۳۰٪ برخوردار بودند.

۳- برتری عمده لشکرهای پیاده ایران حفظ وحدت و یکدلی در حفظ میهن اسلامی، رهبری داهیانه حضرت امام(ره) و پشتیبانی ملت بزرگ ایران بود وعراق از چنین ویژگی‌هایی برخوردار نبود.

۴- قدرت تسلیحاتی ارتش عراق با پشتیبانی اکثر کشورهای غربی نسبت به ایران روز به روز افزایش می‌یافت.

۵- پشتیبانی آتش، تعداد جنگ‌افزارهای پشتیبانی آتش، به ویژه ضدتانک و توانایی تأمین مهمات عراق نسبت به ایران در سطح بهتری قرار داشت.

۶- تفکر تاکتیکی و روحیه جنگ‌آوری تا سال سوم جنگ در نیروهای ایران به مراتب بهتر از ارتش عراق بود، ولی در سال سوم به بعد این روند سیر نزولی داشت.

۷- آماد و پش نیروهای ایران با وجود پشتیبانی همه‌جانبه دولت، نسبت به عراق با کمبود مواجه بود.

۸- از نظر مهندسی ارتش عراق نسبت به ایران وضعیت بهتری داشت.

۹- لشکرهای ایران از پشتیبانی هوانیروز برخوردار بودند که عراق فاقد آن بود.

۱۰- فرماندهی نیروهای ایران از نوع الهی و فرماندهی نیروهای عراق از نوع دیکتاتوری بود.

شرایط محیطی و اقلیمی وتأثیر آن بر عملیات یگان‌های پیاده

یگان‌های پیاده نظام در هشت سال دفاع مقدس در مناطق جغرافیایی متفاوت از نظر جنس زمین (رملی، سست، سخت، هموار) و نوع زمین (دشت، کویر، دره، رودخانه و کوهستان) مبادرت به عملیات کردند.

انجام عملیات آفندی و پدافندی در روز و شب در هریک از مناطق ذکر شده، تحت تأثیر شرایط جوّی مانند باد، باران، برف، سرما، گرما، یخبندان و ریزگرد قرار داشته و بر عملکرد افراد، تجهیزات، تحرک، آتش زمینی و هوایی تأثیرگذار بوده است. به همین دلیل شناخت هر یک از عوامل فوق در تهیه طرح‌ها مؤثر می‌باشد و لازم است مدنظر قرار گیرد. جدول زیر تأثیر شرایط اقلیمی و جغرافیایی بر عملیات آفندی و پدافندی را در شرایط اقلیمی متفاوت نشان می‌دهد.

تأثیر شرایط جوّی بر عملیات آفند و پدافند

ردیف	شرایط اقلیمی	تأثیر درعملیات آفندی	تأثیردرعملیات پدافندی
۱	باد و شدت آن	۱- ایجاد مشکل در تصحیح گلوله‌ها، ثبت تیر و پرواز بالگردها. ۲- باد موافق موجب کاهش غافلگیری می‌شود. ۳- باد مخالف موجب کندی حرکت می‌شود.	۱- ایجاد مشکل در تصحیح گلوله‌ها در دیده‌بانی. ۲- در مناطق کویری موجب ازدیاد گرد و خاک می‌شود. ۳- افزایش بیماری‌های پوستی.

۲	باران	۱- با شدت کم موجب غافلگیر کردن دشمن می‌شود. ۲- با شدت زیاد و ناگهانی موجب وارد آوردن تلفات، قطع جاده‌ها وپل‌ها می‌شود؛ مانند عملیات محرم. ۳- تشدید محدودیت تحرک خارج از جاده.	۱- افزایش مشکلات آماد و پشتیبانی را به دنبال دارد. ۲-افزایش بیماری را موجب می‌گردد. ۳- کاهش تحرک حتی در جاده‌ها.
۳	برف سرما و یخبندان	۱- موجب کندی پیشروی، محدود شدن محورهای حرکت و کاهش اثرات گلوله‌های پشتیبانی آتش می‌گردد. ۲- افزایش غافلگیری دشمن را در پی داد. ۳- عملیات در این شرایط نیاز به توانایی جسمی و قدرت بدنی بیشتری دارد؛ مانند عملیات کربلا۷.	۱- مراقبت را کاهش می‌دهد. ۲- افزایش بیماری به ویژه سرمازدگی را موجب می‌شود. ۳-تحرک و آمادرسانی به شدت کاهش می‌یابد.
۴	گرما	۱- افزایش شدید تعریق موجب کاهش توانایی می‌شود. ۲- حرکت به کندی انجام می‌شود. ۳- افزایش بیماری‌های ریوی (اسهال و استفراق).	۱-افزایش تعریق و گرمازدگی توانایی را کاهش می‌دهد. ۲-افزایش مراقبت پزشکی ضرورت می‌یابد. ۳- آمادرسانی با مشکل مواجه می‌شود.
۵	ریزگرد	۱-کاهش دید و مشکلات تنفسی را موجب می‌شود. ۲- در کیفیت آماد، کارائی و نگهداری وسایل و جنگ‌افزارها و سرعت عمل آنها تأثیر دارد.	۱- کاهش دید را موجب می-شود. ۲- مشکلات تنفسی و پوستی افزایش می‌یابد. ۳- کارایی و نگهداری سلاح و تجهیزات را دچار مشکل می-کند.

تأثیر کمک‌های غرب و شرق به عراق درعملیات

تأثیر مستقیم

۱- واگذاری دستگاه‌های رازیت ضدنفر فرانسوی به افزایش توانایی شناسایی عراق در روز و شب اضافه کرد و موجب کاهش غافلگیری پیاده نظام ایران شد.

۲- کمک به طراحان مهندسی عراق در آرایش زمین و مسلح کردن آن، موجب کاهش توانایی پیاده نظام در عبور از میادین مین و موانع شد.

۳- با فعال شدن آواکس‌های امریکا به نفع عراق در عربستان هرگونه جابجایی نیروهای ایران به عراق اطلاع داده می‌شد و لذا غافلگیری را در عملیات پیاده نظام کاهش می‌داد.

۴- واگذاری هواپیماهای میراژ در سال‌های آخر جنگ موجب افزایش برتری هوایی عراق شد.

۵- واگذاری تجهیرات مدرن نظامی موجب تجدید سازمان و توسعه سریع یگان-های عراق و برتری توان رزمی آنان می‌شد.

۶- بکارگیری جنگ‌افزار غیرمتعارف (شیمیایی) از طرف کشورهای اروپایی تلفات نیروهای خودی را افزایش می‌داد.

۷- ایجاد موانع درصدور نفت ایران بر قدرت اقتصاد دفاعی اثر سوء می‌گذاشت.

تأثیرغیرمستقیم

۱- بکارگیری جنگ‌افزار شیمیایی (که توسط غرب در اختیار عراق قرار گرفت) در مواردی باعث کاهش روحیه نیروهای پیاده نظام گردید.

۲- افزایش حملات موشکی و بمباران هوایی بر روی شهرها باعث افزایش نگرانی رزمندگان نسبت به خانواده‌های خود شده و در نتیجه کاهش روحیه را موجب می‌شد.

۳- تحریم‌های فزاینده اقتصادی موجب کاهش توانایی‌های پشتیبانی در جبهه‌ها و شهرها شده که در توان رزمی یگان‌ها مؤثر بود.

بخش نهم

پشتیبانی رزمی

۱- پشتیبانی آتش توپخانه صحرایی از عملیات پیاده نظام

وضعیت سازمانی

هریک از لشکرهای پیاده دارای توپخانه لشکری سازمانی می‌باشند. تعداد گردان‌های توپخانه در لشکرهای پیاده در آغاز جنگ تحمیلی برابر جدول زیر بوده و البته در طول جنگ نیز تغییراتی یافته است.

ردیف	نوع گردان	ل۶۴ پیاده	ل ۲۸ پیاده	ل ۷۷ پیاده	ل ۲۱ پیاده	تی ۸۴ پیاده	تیپ ۵۵ هوابرد
۱	گردان ۱۰۵ (کمک مستقیم)	۳	۳	۳	۲	۱	–
۲	گردان ۱۵۵ کششی	۱	۱	۱	۱	–	–
۳	گردان ۱۵۵ خودکششی	–	–	–	۱	–	–
٤	گردان ۱۳۰م م	–	–	–	۱	–	–
٥	گردان ۲۰۳ م م	–	–	–	۱	–	–
٦	آتشبار ۲۰۳ م م کششی	–	–	–	–	–	–
۷	گردان ۲۳ م م پدافند هوائی	۱	۱	۱	۲	۱	–
۸	گردان خمپاره انداز۱۲۰ م م	–	–	–	–	–	۱

توضیح اینکه:

۱- لشکر۲۱ پیاده به علت ادغام دو لشکر ۱و ۲ پیاده مرکز در آغاز جنگ تعداد گردان توپخانه بیشتری نسبت به سایر لشکرها داشت.

۲- گردان۲۰۳ مم لشکر۲۱ پیاده بعداً به گردان۱۲۲ مم تبدیل شد.

۳- پس از تشکیل تیپ‌های پیاده جدید به ازای هر تیپ یک گردان۱۰۵ مم کمک مستقیم تشکیل شد.

۴- پس از تشکیل لشکرهای پیاده جدید توپخانه لشکری آنان مانند سایر لشکرهای پیاده سازمان‌دهی شد و کمبود گردان‌های۱۰۵مم این لشکرها با توپخانه۱۲۲مم تأمین گردید.

سامانه آتش پشتیبانی سازمانی لشکرها

در سازمان رزم لشکر به هر یک از تیپ‌های پیاده یک گردان توپخانه کمک مستقیم اختصاص داده می‌شد و گردان چهارم در تقدم یکم مأموریت عمل کلی تقویت لشکر و در تقدم دوم در تقویت توپخانه یکی از تیپ‌ها (معمولاً تیپ تلاش اصلی) قرار می‌گرفت.

مسئولیت طراحی پشتیبانی آتش یگان‌های مانوری در عملیات بدین شرح است:

۱- در سازمان آتشبارهای هر گردان کمک مستقیم سه نفر و در مجموع گردان نه نفر افسر دیده‌بان توپخانه منظور شده است که هر دیده‌بان به یک گروهان پیاده اختصاص داده می‌شود.

۲- در گردان توپخانه کمک مستقیم سه نفر افسر رابط منظور شده است که هر افسر رابط به یک گردان پیاده اختصاص داده می‌شود.

۳- رکن سوم گردان توپخانه کمک مستقیم تحت نظر فرمانده گردان مسئولیت تهیه طرح آتش در رده تیپ پیاده را بر عهده دارد.

۴- رکن سوم توپخانه لشکری تحت نظر فرمانده توپخانه لشکری مسئولیت تهیه پیوست پشتیبانی آتش در رده لشکر را دارد.

فرآیند اصولی تهیه طرح و اجرای آتش پشتیبانی در لشکرهای پیاده

طرح آتش پشتیبانی از رده گروهان به بالا شروع و پس از تصویب لشکر به صورت پیوست آتش پشتیبانی به رده‌های پائین ابلاغ و به رده بالا و لشکرهای همجوار ارسال می‌گردد. ترتیب تهیه طرح عبارت است از:

۱- دیده‌بان توپخانه که مشاور فرمانده گروهان مانوری می‌باشد با هماهنگی کامل فرمانده گروهان لیست آماج‌هایی را که در برد سلاح‌های سازمانی

گروهان نیست و یا آماج‌هایی که سلاح‌های سازمانی گروهان توان انهدام آنها را ندارند، هم‌چنین برای آتش دسته خمپاره‌انداز۱۲۰ مم (با هماهنگی فرمانده دسته و دستور فرمانده گروهان) و ایضاً برای آتشبار مربوطه تهیه و پس از تأیید فرمانده گروهان به افسر رابط توپخانه در گردان مانوری ارسال می‌نماید (در این رده مسئولیت هماهنگی با شخص فرمانده گروهان می‌باشد).

۲- افسر رابط توپخانه در گردان پیاده لیست آماج ارسالی از سوی هر سه دیده‌بان توپخانه را دریافت و پس از حذف آماج‌های مضاعف و اضافه کردن آماج‌هایی که مورد نظر فرمانده گردان مانوری می‌باشند، لیست را کامل کرده و آن را به توپخانه لشکری ارسال می‌دارد.

۳- در رکن سوم توپخانه لشکری لیست‌های ارسالی افسران رابط گردان‌های مانوری بررسی می‌گردد و پس از حذف آماج‌های مضاعف و اضافه کردن آماج‌های مورد نظر فرمانده لشکر و مشخص شدن درخواست لشکر از توپخانه‌های عمل کلی که در اختیار سپاه[1] (رده بالاتر) قرار دارند، پیوست پشتیبانی آتش را با کمک افسر رابط هوایی و افسر رابط هوانیروز تهیه کرده و به تصویب فرمانده لشکر می‌رساند. پس از تصویب به یگان‌های اجرایی اعم از رده پائین و بالا ارسال و جهت هماهنگی به یگان‌های هم-جوار نیز ارسال می‌شود.

۴- در رده قرارگاه سپاه معمولاً یکی از فرماندهان گروه‌های توپخانه مسئولیت تهیه پیوست پشتیبانی آتش را دارد و صرفاً در خصوص گردان‌های توپخانه با مأموریت عمل کلی و عمل کلی تقویت طرح‌ها تهیه و به یگان‌های هم‌جوار و لشکرها و تیپ‌های مستقل ارسال می‌شود.

---

۱. منظور از سپاه رده بالاتر از لشکر (۳ الی ۵ لشکر) می‌باشد و نبایستی با سپاه پاسداران اشتباه گردد. در طول جنگ قرارگاه‌های عمده نقش سپاه را به عهده داشتند.

فرآیند تهیه طرح آتش پشتیبانی و اجراء در جنگ تحمیلی

در جنگ تحمیلی تهیه طرح آتش پشتیبانی به ندرت با فرآیندی برابر آئین‌نامه اجراء می‌شد. آنچه که عملاً در میادین جنگ اعم از آفند و پدافند، به ویژه سال‌های آخر جنگ اجراء شد، به دلایل زیر برابر اصول آئین‌نامه‌ای طراحی آتش نبود؛ البته به صراحت باید گفت که غالباً محدودیت‌ها اجازه فرآیند اصولی را نمی‌دادند.

۱- بعد از پیروزی انقلاب با توجه به کمبود افسر، درجه‌دار و سرباز در اکثر آتشبارهای توپخانه و در سال اول جنگ فقط یک نفر افسر وظیفه برای دیده‌بانی موجود بود و از سال‌های بعد به علت کمبود افسر وظیفه از درجه‌داران وظیفه و سپس سربازان دیپلمه و بعضاً از سربازان کم‌سواد که آموزش مختصری، آن هم در جبهه دیده بودند به عنوان دیده‌بان استفاده شد و لذا اصولاً آنها نمی‌توانستند در نقش مشاور فرمانده گروهان پیاده عمل نمایند. البته در مواقعی و در موارد بسیار حساس و جهت اجرای آتش‌های دقیق یا گلوله‌های دارای محدودیت، مشاهده می‌شد که فرمانده آتشبار یا گردان توپخانه یا حتی توپخانه لشکری و فرمانده گروه توپخانه ایثارگرانه و در سخت‌ترین شرایط شخصاً دیده‌بانی را انجام داده‌اند، از جمله برای اجرای آتش یا هویتزر ۱۷۵ مم یا ۲۰۳ مم.

۲- در اکثر گردان‌های پیاده افسر رابط توپخانه حضور نداشت (به علت کمبود شدید افسر جزء در گردان‌های توپخانه) لذا این وظیفه عمدتاً درست انجام نمی‌شد.

۳- در مرکز هدایت آتش آتشبارها و گردان‌ها، وضعیت مشابه بند ۱ و۲ بالا بود و عمدتاً از سربازان باسواد که آموزش مختصری در منطقه دیده بودند استفاده می‌شد.

۴- با توجه به موارد فوق در اکثر گردان‌ها اصولاً لیست آماجی از گروهان و گردان مانوری به مرکز تطبیق آتش تیپ ارسال نمی‌شد، لذا رکن سوم زیر

نظر فرمانده گردان توپخانه کمک مستقیم و با کمک افسر عملیات تیپ و البته با توجه به طرح مانور، تیپ لیست آماج مورد نیاز توپخانه را تهیه و به لشکر ارسال می‌کرد.

۵- در عملیات آفندی، پس از اجرای آتش تهیه که برابر برنامه و طرح اجرا می‌شد با شروع عملیات و در اکثر موارد هیچ دیده‌بانی فرمانده گروهان مانوری را همراهی نمی‌کرد و دیده‌بان توپخانه با تشخیص خود آتش‌های مورد نیاز را از یگان پشتیبانی کننده درخواست می‌کرد (آتش‌های بنا به درخواست).

۶- در عملیات پدافندی گردان‌های توپخانه کمک‌مستقیم در اکثر موارد به صورت آتشبارهای تقریباً مستقل و دور از هم مستقر بودند و دیده‌بان توپخانه با توصیفی که از آن شد در دیدگاهی موسوم به توپخانه مستقر شده و براساس مشاهدات خود درخواست آتش می‌نمود و معمولاً هماهنگی با فرمانده گروهان پیاده کمتر به عمل می‌آمد.

۷- به علت ضعف آموزش در مرکز هدایت آتش و دیده‌بان‌ها در اکثر آتشبارها، تیراندازی‌ها صرفاً به صورت تیر منطقه‌ای و با استفاده از نقشه ۱/۵۰۰۰۰ اجرا می‌شد که احتمال اصابت سه گلوله اول به هدف خیلی بعید بود. اصولاً مرحله ثبت تیر که نیاز به آموزش و تمرین دقیق داشت، از عهده اکثر دیده‌بان‌ها و پرسنل مرکز هدایت آتش برنمی‌آمد، ولی اجرای تیر منطقه و آتش انبوه این ضعف را جبران می‌کرد.

۸- در عملیات ثامن‌الائمه که توسط لشکر۷۷ پیاده در منطقه آبادان با پیروزی کامل اجراء و حصر آبادان شکسته شد، طرح‌ریزی آتش برابر اصول و بسیار دقیق انجام و به نحو احسن اجرا شد. طرح آتش پشتیبانی عملیات ثامن‌الائمه با توجه به سه محور رزمایش (مانور) متقارب برای رسیدن به هدف، یکی از شاهکارهای طراحی محسوب می‌شود. لازم است در مورد

چگونگی انتخاب مواضع تیر و هماهنگی آتش، تحقیق و پژوهش جداگانه‌ای به عمل آید و از نتایج آن استفاده آموزشی شود.

انواع آتش‌های پشتیبانی در عملیات پیاده نظام

۱- عملیات آفندی

الف- آتش‌های قبل از آتش تهیه

آتش‌هایی است که به منظور ثبت تیر و همین‌طور عادی نشان دادن وضعیت در منطقه عملیات اجرا می‌شود.

ب- آتش تهیه

آتشی است به منظور پوشش پیشروی نیروی آفندکننده که در حین عبور از خط عزیمت (قبل و بعد از ساعت«س») بر روی مواضع دشمن اجرا می‌شود. مدت زمان اجرای آن به عوامل متعددی از جمله: مسافت تا هدف، نوع یگان آفندکننده، وضعیت زمین، وضعیت مواضع پدافندی دشمن، مهمات موجود و یگان‌های پشتیبانی کننده و نحوه رزمایش و عمل یگان‌های پشتیبانی شونده بستگی دارد.

در این نوع آتش کلیه یگان‌های پشتیبانی آتش رده‌های تک‌کننده شرکت دارند. معمولاً آتش تهیه در عملیات روزانه طراحی شده اجرا می‌شود، ولی در عملیات شبانه طراحی و اجرای آن بنا به دستور می‌باشد.

ج- آتش بنا به درخواست

آتش‌هایی است که به منظور وارد کردن تلفات بر دشمن و حمایت از پیشروی نیروی آفندی از قبل طراحی و بنا به درخواست یگان تک‌کننده برابر طرح آتش از طریق دیده‌بان‌ها درخواست می‌شود.

د- آتش‌های تعاقبی

آتش‌هایی است که به منظور انهدام نیروهای در حال عقب‌نشینی دشمن و جلوگیری از سازمان‌دهی مجدد آنان بر روی عقبه دشمن اجرا می‌شود و از تحکیم هدف پشتیبانی می‌کند.

۲- عملیات پدافندی

الف- آتش‌های دور

آتش‌هایی است که به منظور بر هم زدن سازمان دشمن بر روی مناطق تجمع، راه-های مواصلاتی، پاسگاه‌های فرماندهی و تأسیسات مخابراتی دشمن اجرا می‌شود.

ب- آتش‌های نزدیک

آتش‌هایی است که به منظور گسترش زودهنگام وارد کردن تلفات و برهم‌زدن آرایشات بر روی محورهای پیشروی دشمن اجرا می‌شود.

ج- آخرین آتش‌های حفاظتی

آتش‌هایی است که به منظور وارد کردن حداکثر تلفات و درهم شکستن آرایش هجومی دشمن قبل از رسیدن به خط مقدم پدافندی اجرا می‌شود. در این نوع از آتش‌ها کلیه جنگ افزارها با خط سیر کشیده و منحنی اعم از انفرادی و اجتماعی شرکت دارند.

د- آتش‌های داخل منطقه نبرد

این آتش‌ها در داخل منطقه پدافندی طرح‌ریزی می‌شوند تا در صورت نفوذ دشمن به منظور انهدام دشمن در منطقه نفوذ و پشتیبانی از نیروی پاتک‌کننده اجرا شوند.

یگان‌های توپخانه پشتیبانی‌کننده

یگان‌های پیاده علاوه بر توپخانه‌های صحرایی سازمانی لشکرهای متبوعه از گروه-های توپخانه صحرایی۱۱،۲۲،۳۳،٤٤و۵۵ نیز از طریق سامانه آتش سازمانی پشتیبانی می‌شوند.

پشتیبانی گروه‌های توپخانه در نقش عمل کلی، تقویت و عمل کلی تقویت در عملکرد یگان‌های پیاده نظام تأثیر وافی داشت.

مشکلات عناصر مانوری (پیاده نظام) در طراحی و بکارگیری آتش پشتیبانی توپخانه

۱- عدم هماهنگی یگان‌های مانوری و یگان‌های توپخانه در انتخاب مواضع تیر؛

۲- عدم توجه به مقدورات و امکانات یگان‌های توپخانه در طرح‌ریزی؛

۳- عدم فعال شدن مراکز تطبیق آتش‌ها در کنار پاسگاه‌های تاکتیکی؛

٤- عدم برقراری شبکه ارتباط آتش مناسب؛

٥- عدم پشتیبانی مداوم و نزدیک به علت جابه‌جا نشدن توپخانه به علل زیر:

الف- کمبود وسائل ترابری؛

ب- کمبود امکانات سنگین مهندسی برای تهیه مواضع جدید و کمبود وسایل سنگرسازی.

٦- افزایش مشکلات اداری و آمادی یگان‌های مانوری به علت عدم بکارگیری گردان‌های توپخانه به طور متمرکز (زیر امر قرارگرفتن آتشبارها)؛

۷- عدم درک صحیح یگان‌های مانوری در بکارگیری توپخانه، به علت ضعف در آموزش همکاری رسته‌ها؛

۸- تداوم آتش توپخانه دشمن به علت فقدان آتش کافی ضدآتشبار ؛

۹- کاهش آتش پشتیبانی توپخانه به علت واگذاری گردان‌های توپخانه به سپاه پاسداران.

ابتکارات توپخانه در پشتیبانی از پیاده نظام

۱- قراردادن توپ‌های ۲۳مم پدافند هوایی در خطوط پدافندی برای ایجاد سد آتش مقتدر؛

۲- استقرار بعضی از یگان‌های توپخانه در کم‌ترین عمق از لجمن برای افزایش برد آنها؛

۳- استقرار بعضی از هویتزرها در خطوط مقدم، برای اجرای آتش ضدتانک و ضد موانع مستحکم دشمن، البته در داخل یگان‌های توپخانه نیز ابتکاراتی صورت گرفت که خارج از بحث ماست، لیکن به چند مورد آن اشاره می‌شود:

الف- اختراع دستگاه الکترونیکی جیبی هدایت آتش توپخانه با کمک افسران متخصص توپخانه و با همکاری وزارت دفاع (صنایع الکترونیک شیراز)؛

ب- اختراع دستگاه الکترونیکی جیبی نقشه‌برداری با کمک افسران متخصص از دانشکده توپخانه و کمیته نقشه‌برداری و همکاری وزارت دفاع (صنایع الکترونیک شیراز)؛

تبدیل سیستم هدایت آتش روسی (خط‌کش تیر) به سیستم امریکایی جهت یکنواخت کردن آموزش و کاربرد آن در یگان‌های توپخانه.

تحلیل نهایی آتش پشتیبانی توپخانه

تجربه کلی حاصله از جنگ‌های گذشته جهان ثابت شده که تیراندازی روی یک هدف به صورت شلیک آتش‌باری مؤثرتر از اجرای آتش شش گلوله با یک توپ می‌باشد. به همین ترتیب شلیک گردانی مؤثرتر از اجرای آتش روی یک هدف با یک توپ که ۱۸ بار تیراندازی شود (حدود سه برابر).

آتشبار یک یگان تاکتیکی است و توانایی انجام مأموریت به صورت آتش‌بار جداشده در یک مأموریت طولانی را ندارد و الزاماً بایستی در قالب گردان توپخانه عمل نماید. در صورتی که آتشبار به مأموریت مستقل اعزام شود با مشکلات اداری، لجستیکی و حتی تاکتیکی جدی مواجه خواهد شد.

توپخانه یک یگان کاملاً تخصصی است؛ هرگونه ضعف در آموزش عناصر سازمانی آن در کارائی آن مؤثر است. لذا به هیچ وجه نبایستی آموزش تخصصی در مراکز ذی-ربط و یگان‌های توپخانه تعطیل شود و یا از نیروهایی که برای کار در یگان‌های توپخانه مناسب نیستند، استفاده شود.

فرماندهان یگان‌های توپخانه در صورت واگذاری یگان خود به یگانی (مانوری) که برای کاربرد توپخانه تخصص و مهارت ندارند، با انهدام یگان خود قبل از آنکه بتواند مفید واقع شود روبه‌رو خواهند شد.

علی‌رغم تمامی معایب و نواقص برشمرده شده، یگان‌های توپخانه در سال اول جنگ و هم‌چنین در مقابل برخی از پاتک‌های دشمن با اجرای آتش‌های انبوه (هر چند

دیده‌بانی نشده) یگان‌های دشمن را زمین‌گیر نموده و موجب به تأخیر انداختن و کند شدن پیشروی آسان آنها می‌شدند.

صاحب نظران توپخانه معتقدند چنانچه به موارد ذیل توجه می‌شد یگان‌های توپخانه از عمل‌کرد بهتری در پشتیبانی از پیاده نظام برخوردار بودند.

۱- اعزام گردان‌های توپخانه به طور متمرکز به مأموریت؛

۲- حداکثر استفاده از ظرفیت آموزشی در مرکز آموزش توپخانه حتی در شرایط بحرانی؛

۳- فعال کردن رسدهای نقشه‌برداری و تهیه سامانه‌های مدرن مانند خودروهای نقشه‌برداری و هواشناسی؛

۴- جلوگیری از کاربرد نامناسب به منظور خارج نشدن توپ‌ها به علت خان‌سائی و فرسایش قطعات،

۵- تهیه و بهره‌برداری از سامانه راداری برای اجرای آتش‌های ضدآتشبار؛

۶- تأمین مهمات مورد نیاز؛

۷- توجه ویژه به آموزش‌های تخصصی، به ویژه چگونگی اجرای ثبت تیر و نحوه استفاده از گلوله‌های دودانگیز و زمانی.

در نهایت اعتقاد بر این است که، به دلیل وجود نواقص شرح داده شده در جنگ تحمیلی، فقط بخشی از ظرفیت‌های یگان‌های توپخانه مورد استفاده قرار گرفت. مسلماً چنانچه امکان استفاده از کلیه توانایی‌های توپخانه فراهم می‌شد، نتایج مطلوب‌تری حاصل می‌گردید.

آنچه مسلم است به اذعان دوست و دشمن، به ویژه اظهارات فرماندهان رده بالای عراقی اسیرشده و نیز فرماندهان یگان‌های مانوری خودی، در طول جنگ تحمیلی توپخانه ایران عملکرد بسیار خوبی داشته است.

توپخانه پدافند هوایی سازمانی در یگان‌های پیاده

۱- مأموریت یگان‌های توپخانه پدافند هوایی لشکرهای پیاده عبارت است از پدافند هوایی نزدیک (سطح پائین تا ۱۰هزار پا) از تأسیسات حساس و حیاتی یگان مانند

قرارگاه لشکر، تیپ، یگان‌های توپخانه صحرائی، بنه مهمات و آمادگاه‌ها با جلوگیری از نزدیک شدن هواپیماهای دشمن به آنها. لیکن به دلیل نیاز مناطق حساس و حیاتی کشور، بخش مهمی از توانایی توپخانه پدافند هوایی یگان‌ها در خارج از مناطق عملیاتی برای دفاع هوایی ملی به کار گرفته شد. چنانچه پرسنل این‌گونه تأسیسات با آموزش کوتاه‌مدت و واگذاری توپ‌های۲۳ مم موجود در مخازن و یا خرید از کشورهای دیگر به کار گرفته می‌شدند، از توپ‌ها و پرسنل نزاجا در مناطق جنگی استفاده می‌شد و از تلفات و ضایعات بسیاری جلوگیری می‌گردید.

۲- سازمان پدافند هوایی در یگان‌های پیاده در لشکرهای پیاده به شرح زیر برای انجام مأموریت سازمان‌دهی شده است.

الف- گردان پیاده دارای ٦ قبضه سهند٦ یا ۷ و ٦ قبضه تیربار کالیبر ۷. ۱۲ می‌باشد.

ب- لشکر پیاده دارای یک گردان توپخانه۲۳مم پدافند هوایی جمعاً ٤٨ توپ (لشکر۲۱ دارای دو گردان پدافند هوایی) می‌باشد.

۲- هوانیروز و یگان‌های پیاده نظام

رابطه یگان‌های پیاده نظام با هوانیروز

هوانیروز[1] یکی از یگان‌های نزاجا می‌باشد. این یگان با دارا بودن وسایل پرنده بالگرد در انواع مختلف قادر است مأموریت‌های مختلفی را در پشتیبانی از یگان‌های رزمی انجام دهد.

مأموریت‌های هوانیروز:

۱- پشتیبانی آتش در انواع عملیات؛

۲- شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات از منطقه؛

۳- ترابری نیروها در منطقه (هلی‌برن)؛

٤- تخلیه مجروحین؛

---

۱. واژه هوانیروز مخفف هواپیمایی نیروی زمینی و ترجمه کلمه ARMY aviation می‌باشد.

۵- حمل بار به ویژه مهمات و تدارکات به صورت بار داخلی و خارجی؛
٦- ترابری فرماندهی برای نظارت بر یگان‌ها؛
۷- برقراری ارتباط بین دو یگان؛
۸- عملیات متحرک هوایی.

در جنگ تحمیلی هوانیروز در تمامی مأموریت‌های فوق به استثنای مأموریت متحرک هوایی شرکت فعال داشت. عملیات متحرک هوایی به علت شرایط خاص منطقه نبرد و عدم نیاز به چنین مأموریتی اجرا نشد.

سازمان هوانیروز

یگان هوانیروز با احداث هشت پایگاه در نقاط مختلف کشور برای پشتیبانی از مناطق مختلف سازمان‌دهی شده که مجموعاً دارای ۷۷۲ بالگرد از انواع مختلف و ٤۰ فروند هواپیمای بال ثابت بود. اسامی پایگاه‌ها و مناطق مسئولیت آنان برابر جدول زیر می‌باشد.

ردیف	نام پایگاه	محل استقرار	مسئولیت
۱	پشتیبانی عمومی	اصفهان	بزرگ‌ترین گروه رزمی در پشتیبانی تمام پایگاه‌ها
۲	مرکز آموزش هوانیروز	اصفهان	تربیت نیروهای انسانی برای یگان هوانیروز
۳	پایگاه هوانیروز مسجدسلیمان	مسجدسلیمان	پشتیبانی از منطقه جنوب از فاو تا دهلران
٤	پایگاه هوانیروز کرمانشاه	کرمانشاه	پشتیبانی از منطقه غرب و شمال‌غرب
۵	پایگاه هوانیروز کرمان	کرمان	پشتیبانی از شرق کشور
٦	پایگاه هوانیروز تهران + یگان هدف‌کش	تهران	مأموریت‌های مناطق مرکز کشور

سازمان‌دهی هوانیروز در جنگ تحمیلی

هر یک از پایگاه‌های هوانیروز با تشکیل تیم‌های عملیاتی متشکل از چند فروند بالگرد از یگان‌های عملیاتی پشتیبانی می‌کردند. در طول جنگ تحمیلی مناطق استقرار تیم‌های عملیاتی عبارت بود از: ارومیه، سقز، سنندج، مراغه، کرمانشاه، سرپل ذهاب،

گیلان‌غرب، ایلام، سومار، آبدانان، دزفول، مسجد سلیمان، اهواز، ماه‌شهر و در ماه‌های اول جنگ در آبادان. این‌گونه بالگردها در اختیار فرماندهان مناطق برای انجام پشتیبانی‌های فوری قرار داشته و در صورت نیاز تقویت می‌شدند.

چگونگی برقراری ارتباط هوانیروز با یگان‌های رزمی پیاده

۱- در عملیات آفندی و پدافندی در هر تیپ پیاده یک افسر خلبان هوانیروز به عنوان رابط و مجهز به جیپ Ivcs و بی‌سیم PRC77 مستقر و درخواست‌ها از طریق وی به رده بالا منعکس می‌شد.

۲- در لشکرهای پیاده یک افسر رابط هوانیروز وظیفه مشاورت و تأمین نیازهای مربوط را به عهده داشت.

۳- در قرارگاه‌های مشترک نماینده هوانیروز به عنوان مشاور فرمانده و ستاد حضور داشت.

۴- در سازمان رزم لشکرها و قرارگاه‌های عمده، یگان‌های هوانیروز منظور می‌شد.

پشتیبانی‌های هوانیروز

۱- هر گونه نیاز به بالگرد در رابطه با مأموریت‌های هوانیروز از طریق افسران رابط در یگان‌های مانوری و نمایندگان آنان در قرارگاه‌ها انجام می‌شد.

۲- در دوران دفاع مقدس به ویژه سال اول جنگ به علت شور انقلابی و تلاش در سرکوب کردن دشمن انجام مأموریت‌ها به چگونگی تبادل اطلاعات فرمانده یگان زمینی و فرمانده تیم هوانیروز مستقر در منطقه بستگی داشت.

۳- ترابری نیرو، تجهیزات، مهمات و تخلیه مجروحین از مأموریت‌های مهمی بود که هوانیروز فعالانه در آن شرکت داشت. بدین منظور در حوالی بهداری هر تیپ مانوری، چندین محل (پد) برای فرود بالگرد پیش‌بینی می‌شد و مجروحینی که نیاز به تخلیه فوری داشتند با بالگرد به عقب تخلیه می‌شدند.

۴- در طول جنگ هوانیروز در دید محدود (مانند شب، مه، برف و بوران) به علت کمبود وسایل تجهیزات ناوبری با محدودیت پرواز مواجه بود. هوانیروز با تمرین‌های ضروری، اقدامات ایثارگرانه و ابتکارات لازم در عملیات برون

مرزی مانند عملیات خیبر و بدر و از سال ۱۳٦٤ در شب و در شرایط دید محدود از پیاده نظام پشتیبانی کرد.

۵- هوانیروز در انهدام تانک‌های دشمن که در مقابل پیاده نظام قرار داشتند و همچنین در انهدام ستون‌های خودرویی و نفرات مجتمع دشمن نقش ارزنده‌ای ایفا کرد.

۶- هوانیروز با جابه‌جایی فرماندهان در منطقه و در حین عملیات، در هدایت و نظارت بر عملیات مؤثر بود.

۷- در شمال‌غرب علاوه بر اقدامات فوق، هوانیروز در پشتیبانی از پیاده نظام از نظر پشتیبانی آتش و حمل نفرات، مهمات، تجهیزات و رساندن تدارکات در شرایط سخت زمستان و معابر صعب‌العبور و همین‌طور انهدام سنگرهای کمین ضدانقلاب در ارتفاعات دارای نقش بسیار ارزنده و مؤثری بود.

۸- موفقیت در خارج کردن پاسگاه‌ها و پایگاه‌های محاصره شده توسط ضدانقلاب و برف سنگین موجود در شمال‌غرب نیاز به ایثار و فداکاری فوق‌العاده داشت که هوانیروز به خوبی از عهده آن برآمد.

۳- پشتیبانی نیروی هوایی در جنگ تحمیلی

نیروی هوایی اولین عنصر ارتش جمهوری اسلامی در آغاز انقلاب بود که به انقلاب پیوست و فضای کشور را با حضور خود در محضر رهبر کبیر انقلاب پوشش داد. جنگ به گونه‌ای آغاز شد که کشور در شرایط خاص قرار داشت و انتظار تهاجم گسترده‌ای وجود نداشت، لذا ارگان‌ها و نیروهای نظامی از آمادگی و سازماندهی لازم برای عکس‌العمل مناسب برخوردار نبودند. نیروی هوایی نیز با حضور قدرتمندانه خود در عمق خاک دشمن و پهنه نیلگون خلیج فارس به پوشش هوایی در صحنه‌های رزم به پشتیبانی در زمین و دریا، به ویژه از پیاده نظام ادامه داد و به حق لقب «تیزپرواز» را به خود اختصاص داد.

سازمان نیروی هوایی در عملیات مشترک

برابر اصول عملیات مشترک هم‌زمان با تشکیل قرارگاه تاکتیکی زمینی لازم است قرارگاه عملیات مشترک هوایی نیز توسط نیروی هوایی در جوار قرارگاه تاکتیکی زمینی

تشکیل گردد تا نسبت به طراحی، اجرا و هدایت پشتیبانی‌های نیروی هوایی از یگان‌های مانوری اقدام شود.

عناصر اصلی قرارگاه عملیات مشترک هوایی

۱- مرکز پشتیبانی هوایی (DASC)؛

۲- افسران رابط هوایی جهت اعزام به قرارگاه‌های عمل‌کننده (Lo)؛

۳- افسران ناظر مقدم هوایی (FAC) جهت اعزام به گردان‌ها و تیپ‌های مانوری؛

۴- پایگاه‌های هوایی پشتیبانی‌کننده (شکاری، بمباران، مراقبت، پدافند، پشتیبانی اداری) فرآیند درخواست پشتیبانی هوایی.

پشتیبانی هوایی (عادی و اضطراری)

۱- افسران ناظر مقدم (FAC) مستقر در یگان‌های خط مقدم درخواست فرماندهان در خط را پس از بررسی به افسر رابط لشکر ارسال می‌نمایند تا از آن طریق به مرکز پشتیبانی هوایی (DASC) مستقر در قرارگاه مشترک ارسال گردد. در بعضی از یگان‌ها به علت محدودیت افسر ناظر مقدم، این وظیفه را افسران رکن سوم یگان‌های پیاده که آموزش‌های لازم را طی کرده بودند، انجام می‌دادند.

۲- مرکز پشتیبانی هوایی(DASC) مراتب را پس از کارشناسی‌های لازم و هماهنگی عناصر ستاد به تصویب فرمانده می‌رساند.

۳- پس از تصویب مأموریت، مراتب جهت اجرا به پایگاه‌های هوایی مربوطه و افسران ناظر مقدم درخواست کننده اعلام می‌گردد.

۴- در شرایط اضطراری مانند محاصره شدن نیروهای خودی، پاتک دشمن، عقب‌نشینی و عملیات تأخیری درخواست‌های پشتیبانی هوایی مستقیماً به (DASC) ارسال و در اولویت قرار می‌گیرد.

وظایف مرکز پشتیبانی هوایی (DASC)

۱- تهیه آتش پشتیبانی نزدیک هوایی و قطع خطوط مواصلاتی عقبه دشمن؛

۲- عکس‌برداری هوایی از وضعیت استقرار و گسترش دشمن؛

۳- تأمین سایر پشتیبانی‌های هوایی (ترابری نیرو، حمل کالا و تجهیزات، تخلیه مجروح و غیره)؛

۴- پدافند هوایی از فضای عملیات (کسب برتری هوایی).

نقش نیروی هوایی در پشتیبانی نزدیک از یگان‌های پیاده نظام

۱- سال اول جنگ

الف- در آغاز جنگ نیروی هوایی مانند سایر نیروها، هنوز سازمان‌دهی اصولی لازم را برای بکارگیری هرچه بهتر توان خود تشکیل نداده بود تا بتواند عملیات را بر اساس اصول علمی و از پیش طراحی شده به اجرا درآورد.[۱] ولی این نیرو از همان ساعات اولیه تهاجم هوایی عراق به پایگاه‌ها و نقاط حساس ایران پس از کسب مجوز از مقامات ارشد حکومتی و هماهنگی‌های لازم با سلسله مراتب فرماندهی در کمتر از ۲ ساعت اولین مأموریت استراتژیکی خود در جنگ را در خاک عراق انجام داد و صبح روز بعد با به پرواز درآوردن ۱٤۰ فروند هواپیمای شکاری و بمب‌افکن علیه خطوط مواصلاتی عقبه دشمن حملات خود را آغاز و ضربات شدیدی به نیروهای مهاجم وارد کرد. چنین اقدامی نشانه بطلان تصور دشمن مبنی بر انهدام نیروی هوایی ایران در روی زمین بود. همچنین حضور یک افسر ناظر مقدم (FAC) در آبادان پشتیبانی هوایی لازم را برای رزمندگان پیاده نظام در به تأخیر انداختن سقوط خرمشهر به مدت ۳٤ روز فراهم کرد.

ب- نیروی هوایی در سال اول تا خاتمه عملیات ثامن‌الائمه(ع) پشتیبانی هوایی از نیروی زمینی را مستقیماً از طریق برخی از پایگاه‌ها به دستور فرماندهی آن نیرو پس از کسب مجوز از مقامات ارشد حکومت در شورای عالی دفاع و اطاق جنگ مستقر در اهواز اجرا می‌کرد. نیروی هوایی تلاش داشت که فرمانده یک پایگاه را به عنوان فرمانده عملیات هوایی مشترک تعیین کند تا مستقیماً با فرمانده یگان عمل‌کننده همکاری و تعامل نماید. جدول شماره۱ عملیات پشتیبانی هوایی را در سال اول جنگ نشان می‌دهد.

---

۱. سرتیپ علیرضا نمکی، نیروی هوایی در دفاع مقدس، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۹، ص۸۲.

ج- در سال اول جنگ نیروی هوایی جمعاً ۳۳۷۵۹ سورتی پرواز شامل بمباران هوایی، مراقبت مسلحانه هوایی، شناسایی، مراقبت دریایی و پشتیبانی ترابری از نیروهای سطحی به عمل آورده است.[۱]

عملیات زمینی سرنوشت‌ساز سال اول جنگ با پشتیبانی نیروی هوایی[۲]

ردیف	تاریخ	منطقه/محور عملیات	قرارگاه زمینی	یگان‌های پیاده/ زرهی پشتیبانی شونده	پایگاه هوایی پشتیبانی کننده
۱	۷/۱/ الی ۵۹/۸/٤	شلمچه ـ خرمشهر عملیات دفاع از خرمشهر	ستاد عملیاتی آبادان	گد۱۵۱ پیاده ـ گد تکاوران دریایی دانشجویان دانشکده افسری ـ نیروهای مردمی	بوشهر
۲	۵۹/۸/۳	جاده ماهشهر ـ آبادان	قرارگاه اروند	گد۱٤٤ پیاده ل۲۱	بوشهر
۳	۵۹/۸/۹	آبادان ـ کوی ذوالفقاری	قرارگاه اروند	گد۱۵۳ پیاده ل۷۷ نیروهای مردمی	بوشهر
٤	۷/۱/ الی ۵۹/۷/٦	محورهای الف) عین‌خوش ـ اندیمشک ب) فکه ـ شوش	لشکر۹۲ زرهی	تی۲ زرهی، گد۱۸۳ زرهی، گروه رزمی ۲۳۷ زرهی، گد۱۳۸ و ۱٤۱ پیاده	دزفول
۵	۵۹/۱۰/۱۵	کرخه نور ـ هویزه (عملیات نصر)	لشکر۱٦ زرهی	یگان‌های ل۱٦ زرهی	دزفول ـ بوشهر
٦	۵۹/۱۰/۲۰	شرق کارون (عملیات توکل)	قرارگاه اروند	تی۳۷ زرهی، ژاندارمری نیروهای مردمی	بوشهر

۱. همان، ص۱۲۰.

۲. همان، صص ۱٦٦-۱٦۰.

۲- سال دوم و ششم جنگ

الف- پس از عملیات ثامن‌الائمه با تشکیل قرارگاه مشترک کربلا (ارتش و سپاه) فرماندهی عملیات هوایی مشترک نیز تشکیل و طراحی و اجرای پشتیبانی هوایی به ویژه پشتیبانی نزدیک هوایی از روند اصولی مناسبی برخوردار شد.

ب- در سال دوم و ششم عملیات مشترک (زمینی- هوایی) برابر جدول شماره(۲)

ج- نیروی هوایی فقط در عملیات بیت‌المقدس و والفجر۸ تعداد ۸۲۳۳ سورتی پرواز شامل بمباران، مراقبت هوایی، پشتیبانی ترابری و عکسبرداری از یگان‌های پیاده نظام سپاه به عمل آورد.

عملیات مشترک (زمینی ـ هوایی) سال دوم و ششم جنگ[1]

ردیف	تاریخ	منطقه/ محور و نام عملیات	قرارگاه مشترک زمینی	یگان‌های پشتیبانی- شونده	پایگاه هوایی پشتیبانی‌کننده
۱	٦۰/۷/۵	شرق کارون- ثامن‌الائمه	قرارگاه تاکتیکی ل۷۷ سپاه	یگان‌های ل۷۷ پیاده، تی۳۷ زرهی ارتش، سپاه پاسداران	بوشهر، دزفول، شیراز، اصفهان، تهران
۲	٦۰/۹/۸	دشت آزادگان- طریق‌القدس	قرارگاه کربلا	ل۱٦ و ۹۲ زرهی، تی ۵۵ هوابرد، سپاه پاسداران	کلیه یگان‌های نیروی هوایی
۳	٦۰/۱/۲	غرب دزفول، فتح‌المبین	قرارگاه کربلا	قرارگاه قدس، نصر، فجر، فتح	کلیه پایگاه‌ها
٤	٦۰/۲/۱۰	جنوب اهواز، بیت‌المقدس	قرارگاه کربلا	قرارگاه قدس، فتح، نصر	کلیه پایگاه‌ها
۵	/۱۱/۲۰ ٦٤	والفجر۸	قرارگاه خاتم‌الانبیاء	نیروی زمینی ارتش ، سپاه پاسداران	قرارگاه رعد مستقر در امیدیه

۱. همان، صص ۱۷۸، ۲۱۲، ۲۳۳، ۲۵۲، ۲۹۳.

سایر پشتیبانی‌های هوایی

۱- علاوه بر پشتیبانی از عملیات بزرگ از کلیه عملیات‌های محدود و گسترده در منطقه غرب و جنوب پشتیبانی نزدیک به عمل می‌آمد.

۲- مأموریت عملیات پشتیبانی هوایی در هر عملیات به تاریخ شروع عملیات و خاتمه آن و عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی محدود نبود، بلکه نیروی هوایی حدوداً از یک ماه قبل از شروع عملیات‌ها تا ۱۵ روز بعد از آن پشتیبانی‌های هوایی مانند عکسبرداری هوایی، جمع‌آوری اطلاعات، ترابری نیرو و امکانات، تخلیه مجروحین و جابه‌جایی نیرو از منطقه‌ای به منطقه دیگر را به عهده داشت.

۳- نیروی هوایی ضمن انجام پشتیبانی نزدیک هوایی، عملیات استراتژیکی خود را در عمق خاک دشمن انجام می‌داد که مورد بحث در این کتاب نیست.

۴- در عملیات آفندی گسترده به علت اجرای عملیات در شب پشتیبانی نیروی هوایی در روز بعد جهت مقابله با پاتک‌های دشمن حتمی و حیاتی بود که در طرح‌ریزی‌ها مورد توجه قرار می‌گرفت.

۵- فرآیند پشتیبانی هوایی در عملیات پدافندی مطابق عملیات آفندی بود.

۴ - پدافند هوایی در جنگ تحمیلی

رابطه یگان‌های پیاده با یگان‌های پدافند هوایی سازمانی و پشتیبانی‌کننده

اجرای موفقیت‌آمیز هر عملیاتی علیه نیروهای دشمن مستلزم وجود سامانه قوی و قدرتمند پدافند هوایی است که با بکارگیری انواع سامانه‌های پدافند هوایی (هواپیماهای طرح پدافندی، سامانه‌های موشکی و توپخانه ضدهوایی) بتواند توان عملیات هوایی دشمن را سلب نموده و آسمان کشور را به خصوص در مناطق عملیاتی خودی برای دشمن ناامن سازد، در غیر این صورت برتری هوایی به دشمن واگذار خواهد شد و نیروهای عمل‌کننده زمینی به سهولت قادر به انجام مأموریت خود نخواهند شد و یا با تلفات و خسارات بسیاری که نتیجه بمباران‌های دشمن است، مواجه خواهند شد. لذا

برای انجام هر عملیاتی لازم است قبلاً در مورد تأمین پدافند هوایی منطقه عملیاتی اقدامات لازم صورت گیرد.

طبق مدارک مصوب، پدافند هوایی ارتفاع پست (تا ۱۰هزار پا) یگان‌های نزاجا به عهده یگان‌های پدافند هوایی سازمانی آنها می‌باشد. یگان‌های پدافند هوایی مذکور موظفند برابر دستور سلسله مراتب فرماندهی، ضمن تأمین پدافند هوایی نقاط مهم مورد نظر فرماندهان (مانند پست‌های فرماندهی، مراکز مخابراتی، توپخانه، منطقه احتیاط و...) با گسترش سامانه‌های موشکی و توپ‌های ضدهوایی، پدافند هوایی ارتفاع پست مناطق عملیاتی را تأمین نمایند.

مأموریت اصلی فرماندهی پدافند هوایی نهاجا و هم اکنون قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء(ص) به عنوان سازمان اصلی و عمده پدافند هوایی کشور پشتیبانی‌کننده سایر نیروها عبارت است از:

۱- پاسداری از قلمرو فضایی کشور.

۲- تأمین پدافند هوایی کشور، هماهنگی، هدایت و کنترل کلی عملیات پدافند هوایی سایر نیروها و سازمان‌هایی که در زمینه پدافند هوایی مسئولیت‌هایی را بر عهده دارند.

فرماندهی پدافند هوایی نهاجا (قرارگاه پدافند هوایی فعلی) چهار وظیفه عمده عملیاتی به عهده دارد که عبارتند از: کشف، شناسایی، رهگیری و درگیری و انهدام هواپیماهای مهاجم دشمن و یا خنثی کردن مأموریت آنها.

نیروی هوایی با بکارگیری سامانه‌های راداری، شبکه دیده‌بانی، فرماندهی اطلاعات و شناسایی الکترونیکی (فاشا) و استفاده از هواپیماهای طرح پدافندی و سامانه‌های موشکی و توپخانه ضدهوایی از طریق مرکز دفاع منطقه (SOC) مأموریت پدافند هوایی را به عهده داشت.

وظایف مرکز دفاع منطقه (SOC)

مرکز دفاع هوایی SOC زیرمجموعه معاونت پدافند هوایی نیروی هوایی در فرماندهی نیروی هوایی بود و وظیفه جمع‌آوری اطلاعات زیر را به عهده داشت.

۱- اطلاعات هواپیماهای مهاجم و دفاعی خودی؛

۲- اطلاعات وضعیت توپخانه و موشک‌های زمین به هوا؛

۳- اطلاعات ایستگاه‌های رادار مراقبتی و جستجوکننده؛

۴- اطلاعات مربوط به چگونگی کنترل آتش خودی و دشمن.

اقدامات مرکز پدافند هوایی منطقه نبرد (SOC)

۱- هواپیماهای رهگیر را در موقعیت مناسب قرار می‌دهد.

۲- رادارهای موشک زمین به هوا را در حالت آماده قرار می‌دهد.

چگونگی عملیات پدافند هوایی در جنگ تحمیلی

یگان‌های پدافند هوایی کلیه یگان‌های مستقل پیاده و پیاده مکانیزه از طریق پست-های فرماندهی به عنوان اعضای شبکه فرماندهی و کنترل (C3I) پدافند هوایی قرار داشته و کنترل می‌شدند.

دفاع هوایی از نقاط مهم و مناطق عملیاتی بنا به درخواست سازمان‌های ذی‌ربط و امریه ستاد نهاجا (معاونت عملیات، مدیریت پدافند هوایی)، توسط فرماندهی پدافند هوایی نهاجا تأمین می‌گردید.

درخواست‌های مذکور پس از بررسی در ستاد نهاجا با هماهنگی معاونت عملیات نهاجا (مدیریت پدافند هوایی) به فرماندهی پدافند هوایی ابلاغ می‌شد.

با تشکیل ستاد کل پدافند هوایی فقط مسیر درخواست و صدور امریه گسترش سیستم‌های پدافند هوایی تغییر نمود، اما هدایت و کنترل عملیات پدافند هوایی نیروهای زمینی، هوایی و دریایی اجا و سپاه پاسداران کماکان به عهده فرماندهی پدافند هوایی نهاجا بود، که از طریق سامانه ارتباطی بین رده‌های مختلف شبکه فرماندهی و

کنترل (C3I) پدافند هوایی، از جمله پست‌های فرماندهی یگان‌های پدافند هوایی سازمانی یگان‌های مستقل پیاده و پیاده مکانیزه اجرا می‌شود.

سامانه پدافند هوایی در لشکرهای پیاده

عناصر زیر در لشکرهای پیاده نظام مأموریت پدافند هوایی ارتفاع پایین تا ارتفاع ۱۰هزار پا را در آفند و پدافند به عهده دارند.

۱- هر لشکر پیاده دارای یک گردان ۲۳ مم پدافند هوایی است (لشکر۲۱ پیاده دارای دو گردان پدافند هوایی). کاربرد این گردان تأمین پدافند هوایی پاسگاه‌های فرماندهی، یگان‌های توپخانه، احتیاط و خط مقدم در آفند و پدافند است. تقدم آن را فرمانده تعیین می‌کند.

۲- در هر گردان پیاده عناصر زیر مأموریت پدافند هوایی را بر عهده دارند.

الف- یک گروه سهند۷ در هر گروهان ادوات.

ب- تیربار کالیبر ۱۲/۷ مم در گروهان ارکان گردان.

کلیه عناصر فوق در شبکه ارتباطی پدافند هوایی منطقه قرار دارند.

سامانه پدافند هوایی در نیروی هوایی

سازمان پدافند هوایی در معاونت پدافند هوایی نیرو

۱- جنگنده‌های رهگیر (F-14)؛

۲- هواپیماهای شکاری شناسایی (RF-4E)؛

۳- هواپیماهای (F5-E) مجهز به موشک هوا به هوا (سایدوویندر)؛

٤- هواپیماهای خفاش در فرماندهی اطلاعات و شناسایی الکترونیکی (فاشا)؛

٥- سایت موشک «هاوک» زمین به هوا؛

٦- توپ ضدهوایی ۳۵ مم اورلیکن؛

۷- توپ ضدهوایی ۲۳ مم پدافند هوایی؛

۸- توپ ١٤/٥ مم پدافند هوایی؛

۹- موشک‌های راپیر؛

۱۰- رادارهای مستقر در مناطق مختلف کشور.

این عناصر سراسر فضای کشور را پوشش داده و پدافند هوایی را از تأسیسات پایگاه‌ها، منابع حیاتی، لنگرگاه‌ها، جزایر و پایانه‌های نفتی و همین‌طور در عملیات آفندی و پدافندی پشتیبانی پدافندی را از یگان‌های عمل‌کننده به عمل می‌آوردند.

ابتکارات پشتیبانی پدافند هوایی در عملیات پشتیبانی از پیاده نظام در والفجر۸

در عملیات والفجر۸، قرارگاه رعد مسئولیت پدافند هوایی از عملیات را به عهده داشت. در این عملیات سرلشکر شهید منصور ستاری (معاون فرمانده قرارگاه رعد در امور پدافند هوایی) «سیستم دفاع هوایی منطقه نبرد یا صحنه نبرد» را به گونه‌ای ابتکاری شرح زیر تغییر داد.

۱- به صحنه آوردن سامانه موشک زمین به هوای «هاوک» و توپ‌های ضدهوایی اورلیکن (۳۵ مم) که تا آن زمان بی‌سابقه و در عقب منطقه گسترش داشتند.

۲- استفاده از موشک‌های «هاوک» با سکوهای پرتاب ثابت در میدانی که امکان عقب‌نشینی و پیشروی آن در هر لحظه قابل تصور بود.

این ابتکارات موجب احیاء قدرت دفاعی نیروی هوایی که تعداد قابل ملاحظه‌ای از هواپیماهای دفاعی خود را از دست داده بود، شد.

از عمده ابتکارات دیگر نیروی هوایی در قرارگاه رعد عبارتند از:

۱- تغییر سیستم موشکی زمین به هوای «هاوک» از حالت استاندارد نزدیک بودن رادار آن با سکوی پرتاب به دور کردن این دو از یکدیگر. بدین ترتیب هواپیماهای دشمن مجبور بودند آن‌قدر جلو بیایند که با فاصله کمتر از ٦٥ کیلومتر بتوانند موشک «هاوک» را هدف قرار دهند. در چنین حالتی موشک «هاوک» می‌توانست هواپیماهای دشمن را هدف قرار دهد و هم‌چنین هواپیماهای (F-14) قادر بودند هواپیمای دشمن را با موشک فنیکس مورد هدف قرار دهند.

۲- قرار دادن موشک زمین به هوای «هاوک» در زیر هواپیمای (F-14) با نام پروژه «سجیل».

۳- استفاده از توپ‌های **۳۵** مم اورلیکن در خط مقدم علیه نیروهای مهاجم دشمن.

بخش دهم

آماد و پشتیبانی

نقش آماد و پشتیبانی یگان‌های پیاده نظام در جنگ تحمیلی

یکی از عوامل اساسی در تعیین آئین نظامی (دکترین) مسئله تهیه ساز و برگ مناسب و تدارکات لازم برای پشتیبانی از نیروهای مسلح هر کشور می‌باشد. دارا بودن توان رزمی مناسب برای بکارگیری نیروها در صحنه رزم همواره یکی از دغدغه‌های اصلی فرماندهان در تمامی رده‌ها می‌باشد.

در جنگ‌های نوین فرماندهان در صحنه رزم به عملیات و هدایت آن می‌پردازند و تدارک و آماد یگان را به سامانه مسئول آماد و پشتیبانی واگذار می کنند.

هرگونه عملیات نظامی اعم از عملیات منظم یا نامنظم به سه فعالیت عمده و مرتبط به یکدیگر وابسته است. این فعالیت‌ها عبارتند از:

الف- فعالیت رزمی: این فعالیت مربوط به یگان‌های رزمی رسته پیاده و عناصر زرهی و دیگر رسته‌هایی است که در کنار و داخل این یگان‌ها در عملیات آفندی و پدافندی شرکت می‌کنند. مانند دیده‌بان‌ها و افسران رابط توپخانه، فرماندهان دسته‌های جلویی مخابرات و عناصر مهندسی رزمی.

ب- فعالیت پشتیبانی رزمی (پ.ر): این فعالیت مربوط به یگان‌های پشتیبانی رزمی مانند توپخانه، مهندسی، مخابرات و... می‌باشد.

ج- فعالیت‌های پشتیبانی خدمات رزمی (پ.خ.ر): این فعالیت مربوط به یگان-های پشتیبانی عمومی که در خدمت رزم هستند، مانند آماد، ترابری، نگهداری، مهمات، بهداری و... می‌باشد.

هدف از تهیه این بخش آشنا نمودن فرماندهان آینده یگان‌های رزمی پیاده با چگونگی فعالیت‌های آماد و پشتیبانی یگان‌های رزمی توسط یگان‌های پشتیبانی خدمات رزمی در جنگ تحمیلی می‌باشد.

تعاریف، اصطلاحات و اصول

۱- تعریف آماد و پشتیبانی (آماد و پش)[۱]

فعالیت آماد و پش به تحقیق، طرح‌ریزی، توسعه، تولید، تهیه، ذخیره‌سازی، ترابری، تعمیر و نگهداری، انبارداری، تخلیه مجروحین و شهدا، بستری کردن و درمان، امور ساختمانی، سامان دادن و فراهم ساختن خدمات مربوط به اداره یگان‌ها (مانند خدمات اداری، نیروی انسانی، خدمات قضائی و...) اختصاص دارد.

الف- ویژگی‌های آماد و پش

یک سامانه آماد و پشتیبانی مناسب باید دارای ویژگی‌های ذیل باشد:

۱- دارای منابع قابل اطمینان باشد.
۲- فعالیت‌ها مدام، مستمر و بدون وقفه باشد.
۳- نیازمندی‌ها را پاسخ دهد.
۴- تحرک داشته باشد.
۵- منعطف باشد.
۶- توان تأمین نیازمندی‌های رزمندگان را در زمان و مکان معین داشته باشد.

ب- سطوح فعالیت پشتیبانی خدمات رزمی (پ.خ.ر)

فعالیت پ.خ.ر در سطوح نظامی به سه سطح متفاوت تقسیم شده است.

۱- سطح راهبردی: این سطح ارتباط بین منابع ملی (مردم و اقتصاد) و عملیات نظامی را در صحنه تعیین می‌کند. برقراری این ارتباط از وظایف رهبران ملی، سیاسی، نظامی، در بالاترین سطح فرمانده کل قوا و قوه مجریه می‌باشد.

---

۱. این اصطلاح ترجمه کلمه "Logistics" به معنی محاسبه و شمارش می‌باشد.

۲- سطح عملیاتی: فعالیت‌های پ.خ.ر شامل وظایفی مانند درخواست، دریافت، انبار کردن آمادها، نگهداری صحرایی، مدیریت منابع، ایجاد و توسعه تأسیسات و پایگاه‌های آمادی، کنترل حرکات، توزیع، خدمات پزشکی و پشتیبانی‌های اداری شامل خدمات دژبان، خدمات نیروی انسانی، خدمات دارایی، خدمات قضایی و... می‌باشد. مسئولیت این سطح با فرماندهان پشتیبانی مناطق و عناصر فنی می‌باشد.

۳- سطح تاکتیکی: در این سطح انجام کلیه امور پشتیبانی و تهیه تسهیلات لازم در زمان و مکان مناسب منطقه رزم برای یگان‌های درگیر می‌باشد. مسئولیت این امور بر عهده عناصری از لشکرها برای پشتیبانی از یگان‌های تاکتیکی می‌باشد. روش درخواست و ارسال طبقات آمادی در این سطح برابر شِمای زیر می‌باشد.

روش درخواست و ارسال طبقات آمادی در سطح لشکر

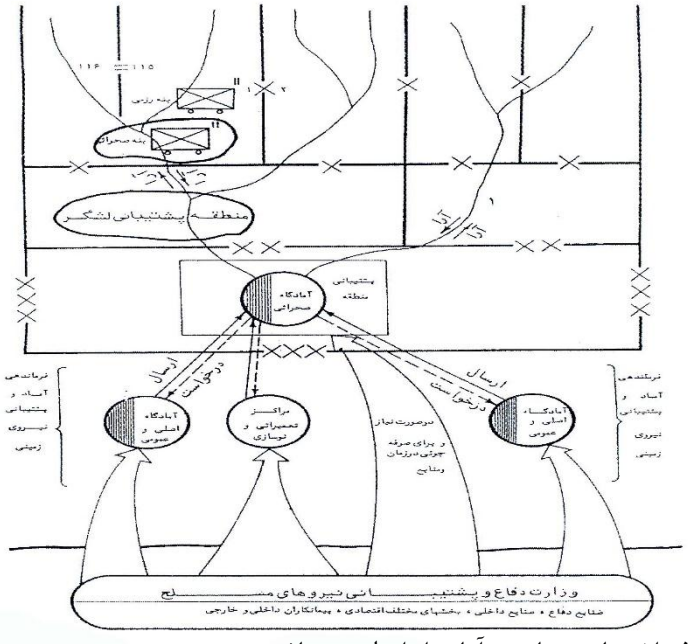

آرا: حروف اختصاری عبارت «آماد راه اصلی» می‌باشد.

ج- نیروی انسانی

وظیفه تأمین نیروی انسانی در ارتش جمهوری اسلامی از طریق معاونت و مدیریت نیروی انسانی، دفاتر استخدام، هسته‌های گزینش، اداره نظام وظیفه معمول و در نهایت نیروهای لازم در اختیار مراکز آموزشی قرار گرفته و پس از آموزش مستقیماً توسط نیروی زمینی به لشکرها و سایر یگان‌ها واگذار می‌شوند.

د- وظایف و اصول آماد و پش

وظایف عمده آماد و پش در تأمین نیازمندی‌ها عبارتند از:

۱- تهیه طبقات آمادی؛

۲- ترابری زمینی (جاده‌ای و ریلی)، هوایی و دریایی و هم‌چنین ترابری در مناطق ویژه (کوهستانی، برفی، جنگلی، مردابی)؛

۳- تعمیر و نگهداری و راهبری بعضی از اقلام آمادی و تأسیساتی از قبیل دستگاه تصفیه آب، موتور برق و...؛

۴- امور بهداشتی (محیط، فرد، یگان، تغذیه و...) و تخلیه مجروحین، بستری و درمان مجروحین و مصدومین، تخلیه وتدفین شهدا و تدفین کشته‌های دشمن؛

۵- امور ساختمانی؛

۶- .امور مالی

۲- اصول آماد وپشتیبانی طبقات آمادی

یکی از اصول اولیه تدارک یگان‌ها عبارتست از تدارک از رده بالا به رده پایین. با توجه به این اصل طبقات آمادی مورد نیاز به دور روش زیر توزیع می‌گردید:

۱- توزیع به یگان؛

۲- توزیع در نقطه

طبقات آمادی: کلیه آمادها به ۱۰ طبقه زیر تقسیم شده است.

آماد طبقه ۱: شامل جیره (برای نیروی انسانی) و علیق (برای یگان‌های سوار و دواب) که در اختیار یگان‌های مختلف قرار می‌گیرد.

آماد طبقه ۲: شامل تجهیزات انفرادی، وسایل زیست، انواع دست‌ابزارها برای رده-های تعمیراتی، وسایل و تجهیزات اداری و نوشت‌افزار، برخی از گازها و روغن‌های مخصوص نگهداری تجهیزات و...

آماد طبقه ۳: شامل انواع مواد سوختی و روغن‌ها مانند بنزین، گازوئیل، روغن موتور، گاز و...

آماد طبقه ۴: شامل وسایل و تجهیزات مهندسی و ساختمانی مورد نیاز برای احداث سنگرها، مواضع و موانع.

آماد طبقه ۵: شامل انواع مین‌ها و مواد منفجره و انواع مهمات تمامی جنگ‌افزارهای زمینی با کالیبرهای مختلف زمینی، انواع موشک‌ها، راکت‌ها و انواع مهمات هوایی و دریایی و...

آماد طبقه ۶: شامل وسایل شخصی غیررزمی.

آماد طبقه ۷: شامل اقلام عمده جدول سازمان و تجهیزات، مانند جنگ‌افزارها، خودروهای چرخ‌دار، شنی‌دار، اقلام مهندسی، مخابراتی و ارتباطی، هواپیماها، ناوها و سایر اقلام عمده تسلیحاتی در نیروی زمینی، هوایی و دریایی.

آماد طبقه ۸: شامل اقلام دارویی و تجهیزات مخصوص بهداری و قطعات یدکی آنها.

آماد طبقه ۹: شامل انواع قطعات یدکی برای کلیه تجهیزات و تسلیحات نظامی در نیروهای مختلف.

آماد طبقه ۱۰: شامل اقلام عمده غیرنظامی برای اداره امور غیرنظامیان مناطق تحت اشغال.

تعمیر و نگهداری: تعمیر و نگهداری در سه سطح تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی به پنج رده تعمیراتی تقسیم می شود.

۱- تعمیر و نگهداری سازمانی (رده ۱و۲)؛

۲- تعمیر و نگهداری صحرایی (رده۳) در لشکرها و تیپ‌های مستقل؛

۳- تعمیر و نگهداری در آمادگاه صحرایی (رده ۳و٤) در پشتیبانی مناطق (رده۳ برای پشتیبانی از یگان‌های غیرلشکری)؛

۴- تعمیر و نگهداری و نوسازی (رده۵) در مراکز تعمیرات فرماندهی آماد و پش.

۳- مسئول آماد و پشتیبانی

یکی از وظایف اصلی هر فرماندهی در تمامی رده‌ها اطمینان از تأمین پشتیبانی خدمات رزمی یگان تحت امر می‌باشد. در سازمان ارتش جمهوری اسلامی ایران از رده پایین به بالا به طور یک در میان، به ترتیب گردان، تیپ مستقل، لشکر، نیروی زمینی، وزارت دفاع، مسئولیت آماد و پشتیبانی را بر عهده دارند. در سازمان هر رده عناصر سازمانی به شرح زیر برای این امر پیش‌بینی شده است.

الف- گردان پیاده

در هر گردان سازمانی لشکرها و تیپ مستقل پیاده یک دسته پشتیبانی برای انجام فعالیت‌های آمادی، تعمیرات رده سازمانی(در رده۱ و ۲)، ترابری، تخلیه و درمان، فوریت‌های پزشکی، درخواست، دریافت، نگهداری و توزیع آمادها پیش‌بینی شده است.

گردان، محلی به نام بنه رزمی برای انجام امور آماد طبقه۳، ۵، تعمیر و نگهداری و تخلیه بیماران و مجروحین فوق تشکیل می‌دهد. سایر اقلام آمادی از طریق بنه صحرایی تیپ انجام می شود.

ب- لشکر و تیپ مستقل پیاده

در هر تیپ مستقل پیاده یک گردان پشتیبانی سازمان‌دهی شده و کلیه آماد و ترابری، تعمیر و نگهداری امور بهداشتی و سایر فعالیت‌های مرتبط را در ناحیه رزم و سطح تاکتیکی انجام می‌دهند.

یگانی به نام فرماندهی پشتیبانی لشکر سازمان‌دهی‌شده که فعالیت‌های آماد و ترابری، تعمیر و نگهداری، بهداری و کلیه فعالیت‌های مرتبط با آماد و پشتیبانی را در ناحیه رزم و سطح تاکتیکی انجام می‌دهد.

ج- نیروی زمینی

در رده نیروی زمینی، سازمانی به نام فرماندهی آماد و پشتیبانی برابر شِمای زیر کلیه فعالیت‌های آماد و پشتیبانی را در رده دپوئی (انبار کردن)، نوسازی در سطح کشور برای صحنه عملیات و حتی صحنه جنگ انجام می‌دهد. این فعالیت‌ها مکمل فعالیت-های آماد و پش در سطح تاکتیکی است و به امکانات سطح کشور وابسته است.

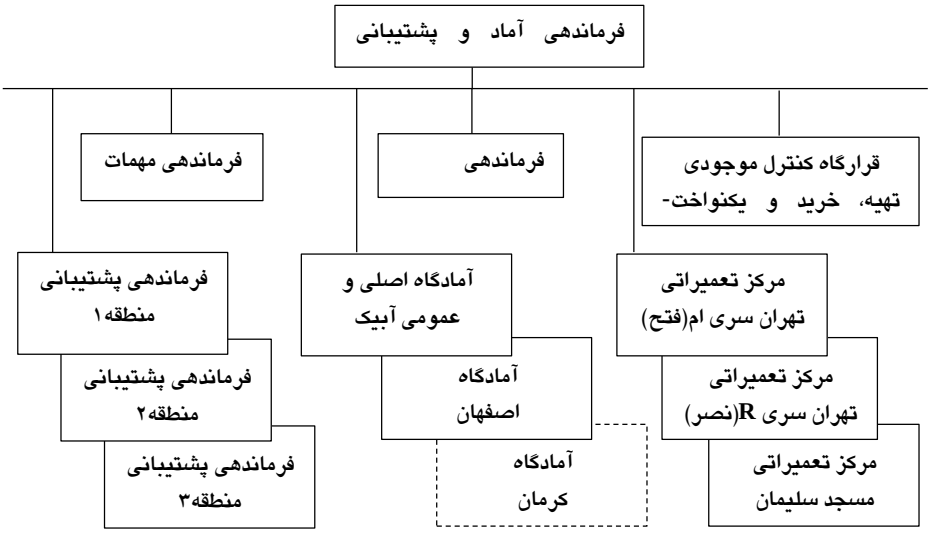

۴- فرماندهی پشتیبانی مناطق

این فرماندهی مسئولیت پشتیبانی یگان‌های نیروی زمینی مستقر در نقاط مختلف کشور را به شرح ذیل به عهده دارد.

الف- فرماندهی پشتیبانی منطقه۱: یگان‌های مستقر در استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، کردستان، کرمانشاه، ایلام از طریق دو آمادگاه صحرایی تابعه مراغه و کرمانشاه.

ب- فرماندهی پشتیبانی منطقه۲: یگان‌های مستقر در استان‌های خوزستان، لرستان، بوشهر، فارس، کرمان، سیستان‌وبلوچستان از طریق یک آمادگاه صحرایی در دزفول، پنج بیمارستان ٦٠ تختخوابی، پنج بیمارستان منطقه‌ای.

ج- فرماندهی پشتیبانی منطقه۳: یگان‌های مستقر در استان‌های تهران، زنجان، قزوین، همدان، مرکزی، استان‌های شمالی، با دو آمادگاه صحرایی تابعه تهران و مشهد.

توضیح اینکه پس از جنگ تحمیلی ساختار فرماندهی آماد و پش و فرماندهی پشتیبانی مناطق با توجه به توسعه یگان‌ها و تجربیات حاصله از جنگ تغییر نموده و به ٦ فرماندهی پشتیبانی منطقه افزایش یافته است.

آماد و پشتیبانی یگان‌های پیاده بعد از انقلاب (۲۲بهمن۱۳۵۷ الی۳۱شهریور۱۳۵۹)

با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در ۲۲بهمن۱۳۵۷ نظام آماد و پش نیز مانند سایر نظام‌های لشکری و کشوری دستخوش بحران و سپس تغییر شد. با برکناری بعضی از عناصر کلیدی و متخصص، نقل و انتقال برخی دیگر به سایر یگان‌ها و اشتغال در مشاغل غیرتخصصی و هم‌چنین انتقال به محل‌های غیرضرور روزبه‌روز ضعیف‌تر گردید و در بعضی از بخش‌ها با تعطیلی یا انحلال مواجه شد.

عناصر باقیمانده آماد و پش که اکثراً بدنه سازمان را تشکیل می‌دادند، ولی به انقلاب و کشورشان صمیمانه و دلسوزانه عشق می‌ورزیدند، در جهت زنده نگهداشتن سازمان تلاش گسترده‌ای را به عمل آورده و به تدریج با پشت سر گذاشتن بحران، سازمان را در جهت انجام مأموریت ذاتی به حرکت درآوردند.

با آغاز بحران در مناطق آشوب‌زده کشور و نیاز به اعزام نیرو برای پاکسازی و برقراری آرامش و امنیت، تلاش سازمان آماد و پش نیز گسترده‌تر شد.

پش خدمات رزمی در عملیات نامنظم تابع اصول کلی آماد و پش بوده، ولی ویژگی‌های عملکرد نیروی چریک، جوّ و زمین و استعداد نیروی خودی تغییراتی را بر حسب زمان و مکان در روش‌های اجرایی ایجاب می‌کرد.

آماد و پش در این دوره را می‌توان به دو قسمت زیر خلاصه کرد:

۱- آماد و پشتیبانی یگان‌های مستقر در پادگان‌ها

امور پ.خ.ر برابر روش جاری آمادی انجام می‌شد. اولویت فعالیت‌ها به بازسازی، تعمیر و نگهداری، سازمان‌دهی و جایگزینی نیروهای انسانی، آماده کردن یگان‌ها برای اعزام به مناطق بحرانی اختصاص داشت؛ البته تکمیل استعداد نیروی انسانی و تجهیزات با استفاده از نیرو و تجهیزات سایر یگان‌ها و منابع پشتیبانی‌کننده انجام می‌شد.

۲- آماد و پش یگان‌های اعزامی به مناطق بحرانی و درگیر با ضدانقلاب

امور آماد و پش یگان‌های پیاده نظام اعزامی به مأموریت آرام‌سازی و امنیت در مناطق بحرانی با خلاقیت فرماندهان و سازمان‌های آماد و پش در قالب اصول آمادی مندرج در آئین‌نامه ها و آموزش‌های داده شد به شرح زیر انجام می‌شد:

الف- آماد طبقات ده‌گانه

در عملیات پاک‌سازی مبارزه با ضدانقلاب یگان‌ها از جیره همراه و اضطراری برای مدت ٢٤ تا ٤٨ ساعت استفاده کرده و به تدریج با احداث پایگاه در مناطق پاک‌سازی-شده نسبت به دریافت آماد طبقه۱ و آماده کردن آشپزخانه‌های صحرایی نسبت به طبخ غذا و پخت نان (روی ساج) اقدام می‌شد.

پس از پاک‌سازی مناطق، هر گردان پیاده با تشکیل ۱۰ الی ۱۵ پایگاه در منطقه‌ای به شعاع تقریبی ده کیلومترمربع گسترش می‌یافت. دسته‌های پشتیبانی و بنه رزمی گردان نسبت به آمادرسانی به پایگاه‌ها برابر روش‌های تدارکاتی اقدام می‌کردند.

چنانچه در شرایط جوی نامناسب و یا صعب‌العبور بودن مسیر، امکان آماد روزانه و ارسال غذای گرم به پایگاه‌ها با دشواری مواجه بود، لذا جیره و مواد غذایی به صورت خشک در اختیار پایگاه‌ها قرار می‌گرفت تا هر پایگاه با امکانات اولیه آشپزی که در اختیارشان قرار داشت، برابر برنامه غذایی نسبت به طبخ غذا و پخت نان روی ساج اقدام کنند.

در صورت مسدود شدن راه‌ها، براثر بارش شدید برف، ناامنی راه‌ها و یا صعب-العبور بودن مسیر برخی از پایگاه‌ها، تجدید تدارکات طبقات ده‌گانه آمادی با استفاده از هوانیروز انجام می‌گرفت.

ب- تعمیر و نگهداری

تعمیرات رده ۱و ۲ سازمانی در گردان‌ها و سایر رده‌های تعمیراتی ذی‌ربط انجام می‌گرفت. به علت مشکلات ویژه منطقه و نوع فعالیت ضدانقلاب، سایر رده‌ها با اعزام تیم‌های تعمیر و نگهداری اقدام به تعمیرات در محل نموده و یا رأساً نسبت به تخلیه وسایل و تجهیزات تغییری اقدام می‌کردند.

ج- ترابری و تخلیه بیماران و مجروحین

۱- ترابری نیرو از طریق هوا

برای اعزام سریع نیرو در مسافت زیاد مثلاً رساندن نیرو برای آزادسازی سنندج و اعزام نیرو به مناطق درگیر برای تقویت و تعویض یگان‌های محاصرهشده توسط ضدانقلاب (مانند پادگان سردشت) از ناوگان ترابری هوایی نیروی هوایی و هوانیروز استفاده می‌شد.

۲- ترابری و تخلیه بیماران و مجروحین

باتوجه به ناامن بودن راه‌ها و محدود بودن زمان رفت و آمد، به ویژه در منطقه شمال‌غرب، معمولاً هرگونه جابه‌جایی، تردد و آمادرسانی در محدوده زمان‌های مجاز از ساعت ۰۸۰۰ الی ۱۶۰۰ پس از برقراری تأمین و اطمینان از عدم وجود مین و مواد منفجره اجرا می‌شد. در صورت اضطرار، تخلیه بیماران از راه هوا به وسیله بالگرد از طلوع آفتاب تا قبل از غروب در شرایط جوی مجاز انجام می‌شد. در مناطق کوهستانی و غیرقابل عبور از دواب برای آمادرسانی و تخلیه بیماران و مجروحین استفاده می‌شد.

د- نیروی انسانی

رساندن نیروهای جایگزین و خارج کردن پرسنل به صورت جمعی تحت هر عنوان فقط در ساعات مجاز با استفاده از وسایل ترابری گردان ترابری و رده‌های بالاتر انجام

می‌شد، ولی برای تردد انفرادی یا گروهی (تا یک دسته پیاده و گاه تا یک گروهان) از امکانات سازمانی گردان پیاده استفاده می‌شد.

آماد و پشتیبانی یگان‌های پیاده در جنگ تحمیلی (۱۳۶۷ -۱۳۵۹ ش)

جنگ تحمیلی از ۵۹/۶/۳۱ به مدت هشت سال ادامه یافت. یگان‌های عمده با در اختیار گرفتن یگان‌های سازمانی که از آنها جدا شده بودند، آماده مقابله با دشمن شدند. نابسامانی‌های بعد از انقلاب با فرماندهی، حمایت و پشتیبانی حضرت امام(ره) و سایر مسئولین دلسوز و معتقد به ارتش، به ویژه امام خامنه‌ای که در آن زمان تمشیت امور ارتش را به عهده داشتند، به تدریج و با دلسوزی و تلاش زیاد رفع گردید و سطح آمادگی و توان رزمی نیروها از جمله نظام آماد و پش بهبود نسبی یافت.

پس از متوقف کردن دشمن در دو ماه اول، ضرورت حفظ وحدت و انسجام نیروهای نظامی و غیرنظامی آشکار شد، به گونه‌ای که پس از حدود یک سال آمادگی‌ها به حدی رسید که یگان‌ها برای دفع تجاوز و آزاد کردن مناطق اشغالی آماده شدند. پس از آزادسازی مناطق، یگان‌ها مدت شش سال علاوه بر استقرار در خط پدافندی در طول مرز، در مأموریت‌های آفندی درون و برون مرزی نیز شرکت فعال داشتند.

سامانه آماد و پش کلیه رده‌ها با گذشت زمان و تجارب حاصله به ظرفیت‌های سازمانی خود رسید، به گونه‌ای که با توسعه یگان‌ها و وسعت منطقه عملیات توانستند وظایف خود را علی‌رغم تمامی کمبودها با افتخار انجام دهند. یگان‌های پیاده در مدت هشت سال از فعال‌ترین نیروها در برابر دشمن بودند و توانستند با برخورداری از ایمان، انضباط و آموزش نیازهای آماد و پش خود را با تلاش دلسوزانه و ایثارگرانه یگان‌های آماد و پشتیبانی رده‌های ذی‌ربط در حد لزوم برطرف نمایند.

ویژگی‌های عملیات منظم ایجاب می‌کند که نظام آماد و پش به طور مستمر، بدون وقفه و سریع در جهت حفظ آمادگی رزمی یگان‌ها تلاش شبانه‌روزی داشته باشد. در دفاع مقدس، این خصیصه و ویژگی به خوبی توسط نظام آماد و پش به منصه ظهور رسید.

گردان‌های فرماندهی آماد و پشتیبانی لشکرها و گردان آماد و پش تیپ های مستقل پیاده در منطقه عقب مستقر شده و از آن محل یگان‌های تابعه را با اعزام گروهان‌های جلویی پشتیبانی می‌کردند.

دسته پشتیبانی گردان‌های پیاده فعالیت پ.خ.ر را با درخواست از آماد و پش لشکر و تیپ مستقل به شرح زیر اقدام می کردند:

۱- طبقات ده‌گانه آمادی

الف- آماد طبقه۱

در هشت سال جنگ تحمیلی به استثنای دو سال آخر، آماد طبقه۱ از وضعیت مناسبی برخوردار بوده و به شکل زیر انجام می‌شد.

۱- با استقرار گردان‌های پیاده در یک منطقه، دسته پشتیبانی گردان با مستقر کردن آشپزخانه صحرایی نسبت به طبخ غذا به صورت تمرکزی اقدام و با خودرو، موتور سیکلت و در برخی مواقع نفر (در شرایط آتش سنگین دشمن) به گروهان‌ها و دسته-های مستقر در خط مقدم توزیع می‌شد.

۲- در عملیات آفندی غذای گرم در بسته‌های انفرادی تهیه و مستقیماً به وسیله خودرو، موتور و نفر در یگان‌ها توزیع می‌شد. در مواقعی نیز به دلیل شدت عملیات یا حوادث عملیاتی، وقفه و یا تأخیر در این امر حاصل می‌شد.

توجه: آشپزخانه‌های صحرایی خارجی به علت کمبود وسایل سوختی، انهدام (بر اثر ترکش‌ها) و همین‌طور نداشتن کیفیت مناسب غذای طبخ‌شده به وسیله آنها، به سرعت بلااستفاده می‌گردید.

۳- نان توسط پشتیبانی مناطق در مناطق عقب و یا با احداث خبازخانه موقت در نزدیک‌ترین محل ممکن به خطوط پدافندی، پخت و روزانه به یگان‌ها توزیع می‌شد.

٤- سایر مواد غذایی از جمله دسر، یخ و... همواره از طریق پش مناطق تهیه و از طریق گردان‌های آماد و ترابری لشکرها به یگان‌ها تا سطح گردان توزیع و از آنجا به یگان‌های تابعه تحویل می‌شد. البته همان‌طور که در خصوص غذای گرم مطرح شد در

مواردی نادر، ارسال نان و سایر مواد غذایی با مشکل و تأخیر و کمبود مواجه می‌شد که قابل تحمل بود و باعث خللی در عملیات نمی‌شد.

۵- آب مصرفی یگان‌ها توسط تانکرهای آب از چاه‌های آب و سایر نقاط آماد آب تهیه و تا رده دسته در داخل تانکرهای ثابت توزیع می‌گردید. گردان مهندسی لشکر در تهیه و تصفیه آب، یگان‌های آمادی را یاری می کرد.

ذکر این نکته ضروری است که یگان‌ها هیچ‌گاه مشکل تهیه آماد طبقه۱ را نداشتند، ولی همواره با مشکل توزیع یا آمادرسانی (غذا، نان، آب) به علت وسعت منطقه گسترش یگان و کمبود خودرو و یا آتش شدید دشمن مواجه بودند.

ب- آماد طبقه۲

برابر جدول سازمان و تجهیزات نیازها از گردان درخواست و به یگان‌ها توزیع می‌شد. در جنگ تحمیلی یکی از خسارات عمده انهدام تجهیزات انفرادی و سایر اقلام آمادی طبقه۲ بر اثر بمباران هوایی و توپخانه دشمن، هم‌چنین وسایل بجامانده در منطقه اشغال‌شده توسط دشمن بود. این اقلام بلافاصله از طریق لشکر جایگزین می شد.

ج- آماد طبقه۳

در بنه رزمی هر گردان یک نقطه سوخت پیش‌بینی می‌شد که مواد سوختنی مورد نیاز از طریق لشکر واگذار و در آن ذخیره و برحسب نیاز مصرف می‌شد.

د- آماد طبقه۴

هرگونه نیاز عملیاتی مانند تجهیزات مهندسی و ساختمان برای سنگرسازی، تهیه مواضع و احداث موانع برابر طرح تقسیم تیپ با درخواست گردان و از آماد و پش لشکر تهیه و توزیع می‌گردید، که در مواردی به ویژه در آفند با کمبودهایی مواجه بود، ولی باعث توقف یا خدشه عملیاتی نمی‌شد.

هـ - آماد طبقه۵

هر گردان نیازهای آماد طبقه۵ (مهمات و مواد منفجره) را درخواست می‌کرد و پس از تأیید افسر مهمات لشکر، رأساً از پش مناطق تحویل و توزیع می‌گردید. هر گردان دارای ٤ نوع مهمات بدین شرح بود:

۱- بار همراه: عبارتست از میزان مهماتی که هر نفر و قبضه‌های سازمانی (سلاح) موظف به همراه داشتن آن می‌باشند.

۲- بار مبنا: میزان مهمات مجازی است که طبق جداول مصوبه در اختیار گردان می‌باشد، ولی بدون اخذ مجوز حق استفاده از آن را ندارد.

۳- ذخیره عملیاتی: هر یگان سهمیه‌ای به عنوان ذخیره عملیاتی برابر طرح تقسیم لشکر در اختیار دارد و در مواقع عملیات از آن استفاده می‌کند. میزان آن به نوع و مدت عملیات بستگی دارد.

٤- **سهمیه روزانه**: با توجه به کمبود برخی از مهمات‌ها، به ویژه در جنگ‌افزارهای ضدتانک و اجتماعی (خمپاره اندازها و توپخانه) به منظور جلوگیری از مصرف بی‌مورد و صرفه‌جویی، سهمیه مهمات برای مصرف روزانه هر قبضه تعیین می‌شود.

دو مشکل اساسی زیر تدارکات مهمات را با محدودیت مواجه می‌کرد:

الف- کمبود مهمات جنگ‌افزارهای ضدتانک، به ویژه موشک تاو، خمپاره‌اندازهای ۱۲۰ مم، و مهمات تندمصرف توپخانه‌های سنگین، به ویژه توپ ۱۳۰مم، ۱۷۵ مم، ۲۰۳ مم در پشتیبانی یگان‌های پیاده.

ب- کمبود امکانات ترابری با توجه به طولانی بودن مسیر از مخازن تا پای کار، پراکندگی و وسعت منطقه گسترش یگان‌ها.

و- آماد طبقه۶ الی ۱۰

این‌گونه آمادها برابر روش جاری تدارکاتی از لشکر درخواست می‌شد و لشکر باتوجه به نیاز یگان‌ها رأساً طرح تقسیم، تهیه و اقلام را واگذار می‌نمود.

۲- ترابری

از ویژگی‌های عملیات منظم در صحنه عملیات، فرسودگی شدید و انهدام وسایل ترابری به علت حرکت در جاده‌های نامناسب و بمباران هوایی و توپخانه دشمن می-باشد. لذا جایگزینی وسایل منهدم‌شده همواره با مشکل مواجه است. نیازمندی ترابری یگان‌های پیاده از طرق مختلف بدین شرح تأمین می‌شد:

۱- جابه‌جایی یگان‌ها در یک منطقه از طریق گردان آماد و ترابری لشکرها و فرماندهی ترابری آماد و پش نزاجا با وسایل ترابری زمینی جاده‌ای سازمانی یا اجاره‌ای و یا امانی از یگان‌های مجاور و یا با وسایل ریلی انجام می‌شد.

۲- در صورت نیاز به جابه‌جایی سریع یگان‌های عمده از منطقه‌ای به منطقه دیگر علاوه بر وسایل زمینی (جاده‌ای و ریلی) از ترابری نیروی هوایی و سطح ملی استفاده می‌شد.

۳- در صحنه عملیات در صورت نیاز به رساندن نیروهای تقویتی و یا هرگونه کمک‌رسانی دیگر از بالگردهای هوانیروز استفاده می شد.

۴- وسایل ترابری به غنیمت گرفته‌شده از دشمن تا حدودی به تأمین نیازها کمک می‌کرد، ولی مشکلات تعمیر و نگهداری را به دنبال داشت و از طرفی دائمی نبود.

۵- در آب‌راه‌ها مانند رودخانه‌ها (کارون، بهمن‌شیر، اروند)، هورالعظیم و پهنه خلیج فارس نیازهای ترابری از طریق قایق، طراده جی.اس.پی، هاورکرافت و کشتی، البته با رعایت طرح‌های عملیاتی و توجه به انواع آتش‌ها و عملیات دشمن انجام می‌شد.

۳- تعمیر و نگهداری

تعمیر و نگهداری در حفظ آمادگی و بالا بردن توان رزمی یکی از عوامل حیاتی می‌باشد. تعمیر و نگهداری از وسایل و تجهیزات انفرادی رزمندگان تا وسایل و

تجهیزات عمده یگان در تمامی رده‌ها، یکی از وظایف مهمی است که لازم است هر فرمانده توجه ویژه‌ای به آن داشته باشد.

نیازمندی سریع به قطعات یدکی، کمبود نیروهای تعمیراتی، بعد مسافت، کمبود اعتبار، زمان‌بر بودن تعمیرات، فشار مداوم دشمن، بی‌توجهی نیروها که تحت فشار روحی قرار می‌گرفتند، بی‌توجهی یگان‌های غیرسازمانی که تجهیزات و تسلیحات را به صورت امانی یا مأمور در اختیار می‌گرفتند و بسیاری از مسائل دیگر از عوامل اساسی در کاهش و افت توان تعمیر و نگهداری یگان‌ها بود.

در جنگ تحمیلی، چگونگی تعمیر و نگهداری را می‌توان بدین شرح خلاصه کرد:

الف- هر گردان با فعال کردن دسته تعمیر و نگهداری در بنه رزمی نسبت به تعمیرات رده ۱ و ۲ سازمانی اقدام و بر تعمیرات رده ۱ یگان‌های تابعه نظارت می‌کرد.

ب- لشکرها با اعزام گردان‌های جلویی تعمیراتی به مناطق تیپ‌ها تعمیرات رده۳ را بر عهده داشتند.

ج- فرماندهی آماد و پش نزاجا ضمن انجام تعمیرات رده ٤و٥ و نوسازی با اعزام تیم‌های تعمیراتی نسبت به آماده به کار کردن وسایل و تجهیزات انفرادی و اجتماعی اقدام می‌نمود و در صورت ضرورت با تخلیه تجهیزات به عقب نسبت به تعمیر آن اقدام می‌شد.

د- با آغاز جنگ، جهاد سازندگی که نهادی مردمی و متشکل از نیروهای متخصص داوطلب مردمی بود، در مناطق مختلف با احداث کارگاه‌های تعمیراتی نسبت به تعمیرات وسایل خودرویی اقدام می کرد.

هـ- با سازمان‌دهی معاونت جهاد خودکفایی در نیروهای سه‌گانه ارتش اکثراً قطعات، تجهیزات و تسلحیات مشابه‌سازی شده و در اختیار یگان‌ها قرار داده می‌شد.

و- با افزایش حجم تعمیرات و به منظور سرعت بخشیدن به تأمین قطعات یدکی بخشی از اعتبارات به گردان‌های پیاده و سایرین واگذار می‌گردید تا رأساً نسبت به خرید قطعه از بازار، تعمیرات رده۳ را با کمک افراد متخصص موجود انجام دهند.

هرچند این اقدام از نظر سرعت بخشیدن به کار مفید بود، ولی دارای مضراتی بود که در مواقعی به شدت منافع آن را کاهش می داد. از جمله آنکه فرماندهان به جای صرف وقت در امور عملیاتی، مجبور بودند وقت زیادی را به امور تدارکاتی و تعمیراتی اختصاص دهند.

۴- تخلیه و بستری کردن و امور بهداشتی

الف- هر گردان پیاده با تأسیس یک پست امدادی و تشکیل تیم‌های کمک اولیه، فوریت‌های پزشکی را در محل انجام می‌داد و در صورت نیاز بیماران و مجروحین را به پایگاه امدادی رده بالاتر تخلیه می‌کردند.

ب- بیمارستان‌های صحرایی در عقبه لشکرها و بیمارستان منطقه‌ای در مناطق پشتیبانی اقدامات پزشکی لازم نسبت به مجروحین و بستری کردن بیماران را انجام می‌دادند و در صورت نیاز به مراقبت بیشتر، آنان را به وسیله ترابری هوایی و زمینی به بیمارستان شهرهای مختلف اعزام می‌کردند.

ج- امور بهداشتی منطقه از جمله پیشگیری‌ها، واکسیناسیون و بهداشت محیط زیست (سمپاشی) از طریق عناصر پزشکی لشکر و بهداری استان‌ها پی‌گیری می‌گردید و اقدامات لازم به عمل می‌آمد. در این مورد بهداری استان‌ها همکاری و کمک می-کردند.

د- پیکر پاک شهدا پس از تخلیه به گردان و ثبت و ضبط مشخصات آنان، مستقیماً از طریق گردان پیاده به معراج شهدا، مستقر در مناطق پشتیبانی منطقه تخلیه می‌گردید و از آنجا به شهرستان‌های مربوطه انتقال داده شد.

هـ- در صورت نیاز به تخلیه مجروحینی که نیاز به فوریت‌های پزشکی داشتند از هوانیروز استفاده می‌شد. بالگردها از نزدیک‌ترین نقطه به خط مقدم، مجروحین را به نزدیک‌ترین بیمارستان منطقه‌ای تخلیه می‌کردند.

و- بسیج امکانات غیرنظامی و دولتی: کلیه امکانات کشور برای پشتیبانی از جبهه‌ها عبارت بود از:

۱- بسیج دولت و ارگان‌های تابعه، کارخانجات و مؤسسات دولتی در تهیه و ساخت نیازها و از طرفی جمع‌آوری کمک‌های نقدی و جنسی مردمی.
۲- بسیج کمک‌های مردمی در تأمین نیازمندی‌های خودرویی، قطعه، مایحتاج ضروری زیست در سنگرها و پایگاه‌ها به منظور تقویت سامانه آماد و پش نیروهای نظامی.
۳- فعال شدن جهاد خودکفایی نیروها در پشتیبانی از جبهه‌ها در تولید قطعه، تعمیرات و غیره.
۴- فعال شدن مهندسی رزمی جهاد در پشتیبانی از جبهه‌ها برای ساخت جاده، خاکریز، احداث پل و... با توجه به اینکه یگان‌های سپاه پاسداران فاقد گردان‌های مهندسی بودند، مهندسی رزمی جهاد بیشتر خدمات خود را معطوف به سپاه پاسداران می‌کرد.

کمک‌های مردمی

نیازهای پشتیبانی از جبهه‌ها به قدری گسترده بود که سازمان‌های پشتیبانی نظامی و غیرنظامی کشور به تنهایی قادر به تأمین بموقع و سریع آن نبودند. ملت بزرگ ایران ضمن اعزام نیروهای رزمنده اعم از نظامی، داوطلب مردمی، بسیجی، سپاهی همواره تلاش داشتند نیازهای شخصی آنان را در حد امکان تأمین کنند. کمک‌های مردمی انجام‌شده در طول جنگ عبارتند از:

۱- **آمادهای طبقه۱:** جیره، علیق.
۲- **آماد طبقه۲:** تجهیزات انفرادی (به استثنای جنگ‌افزار)، وسایل زیست از انواع مختلف، انواع دست‌ابزارها، وسایل و تجهیزات اداری و نوشت‌افزار، برخی از گازها و روغن‌های مخصوص نگهداری.
۳- **آماد طبقه۳:** فقط روغن موتور.
۴- **آماد طبقه۴:** وسایل و تجهیزات مهندسی سبک برای سنگرها، مواضع و موانع (کیسه گونی، پلیت، تراورس، نایلون...)

۵- **آماد طبقه۶:** وسایل شخصی غیررزمی (لباس زیر، چراغ والر، کلمن، مسواک، خمیر دندان...)
۶- **آماد طبقه۸:** اقلام دارویی و تجهیزات مخصوص بهداری و قطعات یدکی آن.
۷- اعزام نیروهای متخصص داوطلب به پشتیبانی مناطق، لشکرها و حتی تیپ‌ها برای انجام تعمیرات وسایل و تجهیزات.
۸- اعزام تیم‌های پزشکی جراحی و کمک‌های اولیه همراه با وسایل و تجهیزات به بیمارستان‌های منطقه‌ای و سایر مناطق مورد نیاز از طریق وزارت بهداشت و درمان.
۹- واگذاری انواع موتورسیکلت، خودروهای سبک و سنگین، آمبولانس، اتوبوس، قایق‌های سبک.
۱۰-اعزام وسایل سنگین مهندسی (لودر، بولدوزر، گریدر، غلطک، کمپرسی و غیره) از طریق فعال شدن نهاد مردمی مهندسی رزمی جهاد.

روش‌های اجرای کمک‌های مردمی

در طول جنگ تحمیلی شیوه‌های گوناگونی برای رساندن کمک‌های مردمی تجربه گردید و به تدریج از وضعیت بهتری برخوردار شد. شیوه‌های به‌کار گرفته شده عبارتند بود از:

۱- اعزام کاروان کمک‌های مردمی از روستاها، شهرها، استان‌ها به سوی جبهه‌ها و توزیع آن از طریق یگان‌های عمده مستقر در منطقه.
۲- اعزام کاروان‌های کمک مردمی از شهرهای مختلف برای یگان‌هایی که از آن شهرها به منطقه اعزام شده بودند.
۳- اعزام کاروان‌های کمک مردمی از نقاط مختلف کشور و توزیع مستقیم آن به نیروهای رزمنده در خط مقدم.

۴- یکی از فعال‌ترین نهادهای جمع‌آوری کمک‌های مردمی، اقشار مختلف، بازاریان، تجار و کارخانجات در شهرهای مختلف بودند. هر صنف و گروهی از این طبقه به جمع‌آوری کمک‌های مورد نیاز جبهه‌ها اقدام می‌نمود و سپس بخشی را مستقیماً به لشکرها، تیپ‌ها و حتی گردان‌ها در منطقه و بخشی دیگر را به ستاد پشتیبانی جبهه و جنگ تحویل می‌دادند.

۵- فعال شدن کارکنان وظیفه و کادر هر یگان جهت جمع‌آوری کمک‌های مردمی از منابع موجود در موطن خود و رساندن آن به یگان مربوطه.

۶- فعالیت نهادهای عقیدتی ـ سیاسی یگان‌ها در جمع‌آوری کمک‌های مردمی از مناطق مختلف و توزیع به یگان‌های مربوطه.

ستاد پشتیبانی جبهه و جنگ

با افزایش روزافزون نیازها و طولانی شدن جنگ، به منظور هماهنگ کردن تهیه و توزیع عادلانه کمک‌های مردمی به جبهه‌ها، نیروی زمینی ستادی به نام ستاد پشتیبانی جبهه و جنگ را در فرماندهی آماد و پش تهران و سایر استان‌ها تشکیل داد. این ستاد کمک‌های مردمی را پس از جمع‌آوری تفکیک و برحسب نوع عملیات و وضعیت جغرافیایی منطقه برابر روش آمادی با طرح تقسیم از طریق سلسله مراتب و یا دستور مستقیم فرمانده نیرو توزیع می‌نمود. البته علی‌رغم تشکیل این ستاد سایر شیوه‌های ذکر شده کم‌وبیش ادامه داشت.

جهاد سازندگی

جهاد سازندگی یکی از مؤثرترین نهادهایی بود که با آغاز جنگ تحمیلی در تمامی جبهه به یاری رزمندگان شتافت. این نهاد مردمی در تقدم یکم با تجمیع کلیه امکانات و تجهیزات سنگین مهندسی از بخش‌های مختلف دولتی و خصوصی توانست مهندسی رزمی جهاد را تشکیل دهد. برخی از فعالیت‌های حیاتی این جهاد بدین شرح است:

۱- احداث جاده‌ها در پشت جبهه و در خط مقدم برای آمادرسانی و تردد.

۲- مرمت، تسطیح، قیرپاشی و آسفالت بعضی جاده‌ها در سطح مناطق.

۳- تهیه خاکریزها و مواضع پدافندی در طول خطوط پدافندی.
۴- تهیه جان‌پناه برای یگان‌های تک‌ور و پشتیبانی‌کننده در عملیات آفندی.
۵- تهیه مواضع توپخانه، پناهگاه‌های ستادی، بیمارستان‌های صحرایی.
۶- حفر چاه‌های آب در مناطق برای تأمین آب مورد نیاز مصرفی.
۷- احداث و فعال کردن ایستگاه‌های صلواتی.
۸- تأمین وسایل ترابری برای تردد نیروهای اعزامی به مرخصی و مرجعت آنان.
۹- تأسیس نقاط تعمیراتی در پشت جبهه‌ها برای برطرف کردن نیازهای تعمیراتی خودروهای در حال تردد.
۱۰-شرکت در پاک‌سازی میادین مین.
۱۱-هرگونه نیاز دیگر مربوط به مهندسی و استحکامات و تعمیرات اضطراری.
۱۲-انجام اقدامات ابتکاری، به ویژه در خصوص زدن پل‌ها بر روی رودخانه‌ها و عبور از روی هور و آب‌های ساکن با وسائل ابتکاری.

بازسازی و توسعه یگان

۱- بازسازی یگان

در صورتی که در عملیات، یگانی بیش از ۵۰٪ از نیروی انسانی یا تجهیزات سازمانی را از دست دهد، از نظر توان رزمی در طبقه ٤ آمادگی قرار گرفته و کارایی عملیاتی خود را از دست می‌دهد. چنین یگانی، برای بازسازی از صحنه نبرد به عقب منطقه عملیات، خارج از برد توپخانه دوربرد دشمن در مناطقی به نام اردوگاه استراحت (بازسازی) اعزام می‌گردد تا نسبت به بازسازی آن توسط یگان آماد و پش لشکرها اقدامات لازم به عمل آید. این اقدامات عبارت است از:

الف- اختصاص نیروی انسانی جدید توسط گردان جایگزینی لشکر از طریق دریافت نیروهای جدید از مراکز آموزشی، تعدیل عناصر کلیدی در یگان‌های دیگر و یا در خواست از رده بالا؛

ب- سازمان‌دهی عناصر فرماندهی توسط آجودانی لشکر از طریق منابع داخلی لشکر و یا درخواست از رده بالاتر؛

ج- تهیه برنامه آموزشی و اجراء آن بلافاصله پس از استقرار در منطقه عقب؛

د- اجرای برنامه‌های نگهداری وسایل و تجهیزات موجود و جایگزین کردن کسورات از منابع لشکری و آمادی رده بالاتر؛

هـ- انجام تعمیرات اساسی (رده٤ و ٥) جنگ‌افزارها و تجهیزات (خودرویی، مخابرات و غیره) با اعزام تیم‌های تعمیر و نگهداری؛

و- قطعه‌برداری از تجهیزات فرسوده و استفاده از آن در آماده به کار نمودن سایر تجهیزات؛

ز- تعدیل جنگ‌افزار و تجهیزات بین یگان‌های سازمانی؛

ح- ارتقاء روحیه با اجرای برنامه‌های سخنرانی و آئین‌های سنتی و مذهبی؛

ط- حداکثر استفاده از وسایل و تجهیزات اغتنامی؛

ی- مراقبت‌های پزشکی، به ویژه تحت نظر گرفتن افراد از نظر روحی و روانی.

۲- توسعه یگان

در جنگ تحمیلی به منظور بالا بردن توان رزمی لشکرها و تیپ های پیاده نظام نسبت به تشکیل گردان های پیاده به شرح زیر اقدام شد:

الف- هر تیپ پیاده یک گروهان پیاده را طبق جدول سازمان با برداشت از گردان-های زیر امر سازمان‌دهی می‌کرد.

ب- هر تیپ نسبت به سازمان‌دهی یک گروهان ارکان گردان پیاده، با برداشت از گروهان قرارگاه تیپ و گروهان‌های ارکان گردان‌های تابعه سازمان‌دهی می‌کرد.

ج- در سطح لشکر با برداشت از قرارگاه لشکر و قرارگاه‌های تیپ، فرماندهی و ستاد گردان جدید را سازمان‌دهی می‌کرد.

د- لشکر تلاش می‌کرد تجهیزات مخابراتی، مهندسی و غیره را از منابع داخلی لشکر تأمین و کسری آن را از منابع رده بالا درخواست و واگذار کند.

هـ- پس از سازماندهی گروهان‌ها و ارکان گردان و اطمینان از واگذاری اقلام تجهیزاتی در حد ٦٠٪ به بالا، با تجمیع گروهان‌ها، گردان جدید با نام و یا شماره‌ای که از رده بالا تعیین می‌شد فعالیت خود را آغاز می‌کرد.

ر- گردان‌ها پس از آموزش و رزمایش‌های تاکتیکی در ترتیب نیروی لشکر قرار می‌گرفتند.

ز- متعاقباً گردان‌های سازماندهی شده در لشکر تجمیع شده و تشکیل تیپ‌های چهارم لشکر و سپس با تجمیع چند تیپ لشکرهای جدید سازماندهی می‌شد.

بخش یازدهم

تحلیل نهایی

سرانجام جنگ در تاریخ ۱۳٦۷/٤/۲۹ به پایان رسید و جبهه ها در آرامش کامل فرو رفت. کشور بلافاصله دوران سازندگی را آغاز کرد. نیروهای مسلح به تدریج به مناطق سرزمینی خود حرکت کرده و در پادگان‌های مربوطه مستقر شدند. تعدادی از یگان‌ها هم مراقبت از خطوط مرزی را بر عهده گرفتند و به نوبت تعویض شدند.

یگان‌های ارتش اعم از آنهایی که در پادگان‌ها بودند و یا در مأموریت‌های مراقبتی مشغول انجام وظیفه بودند، شروع به بازسازی بنیادی، تجدید سازمان، آموزش، تعمیر و نگهداری نمودند. مراکز آموزشی جهت تربیت نیروهای پایور و وظیفه بر فعالیت‌های آموزشی خود افزوده و ظرفیت‌ها را افزایش دادند و با استفاده از تجربیات حاصل از جنگ در برنامه‌ها و محتوای آموزشی تجدید نظر لازم را به عمل آوردند.

نتیجه نهایی جنگ

جنگ پر از فراز و نشیب است، ولی نتیجه جنگ در تحقق اهدافی است که جنگ برای آن آغاز شده است. در پایان جنگ (البته بعد از حمله عراق به کویت) هیئت تعیین‌شده از سوی دبیر کل سازمان ملل آغازگر جنگ را کشور عراق و حکومت بعثی آن اعلام کردند.

آیا عراق به اهدافی که مد نظر داشت دست یافت؟ مسلماً خیر؛ لذا در پایان جنگ بازنده اصلی جنگ آن کشور و پیروز میدان، جمهوری اسلامی ایران بود. ایران در این جنگ توانست برای اولین بار در جنگ‌های دو قرن گذشته تمامیت ارضی کشور را حفظ کند، به طوری که حتی یک وجب از خاک مقدس کشور از سرزمین اصلی جدا نشود. این پیروزی عظیم حاصل نشد مگر با وحدت نیروها، شرکت تمامی ملت ایران، توکل به خداوند متعال و فرماندهی الهی حضرت امام خمینی(ره) و بدین ترتیب یک

بار دیگر راز ماندگاری ملت ایران در طول بیش از ۲۵ قرن گذشته به جهانیان نشان داده شد.

فرازی از رهبری حضرت امام خمینی در رابطه با بسیج کلیه نیروها و امکانات برای بیرون راندن دشمن از سرزمین اسلامی:

«بر قوای مسلح اسلامی، از ارتش، سپاه، بسیج و سایر قوای نظامی و انتظامی تا نیروهای مردمی در جبهه و پشت جبهه است که چون سیلی خروشان به جبهه روند و مزدوران را از کشور اسلامی‌شان برانند.»[۱]

چرا خود را پیروز جنگ می‌دانیم[۲]

با توجه به اهداف عراق در آغاز جنگ و رسالت جمهوری اسلامی ایران در مقابله با دشمن متجاوز، چرایی پیروز جنگ را می‌توان از دو دیدگاه کلی و مرحله‌ای مورد تحلیل قرار داد .

تحلیل از دیدگاه کلی (به صورت بسیار خلاصه)

با توجه به اهداف صدام، که عبارت بودند از لغو عهدنامه مرزی ۱۹۷۵ الجزایر، تجزیه جمهوری اسلامی با الحاق خوزستان به عراق که منجر به ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران می‌شد، تحلیل زیر حاصل می‌گردد.

۱- در پایان جنگ دیدیم که صدام مجبور به پذیرش عهدنامه ۱۹۷۵ شد.

۲- زمین‌های متصرفی را رها کرده و به کشور خود بازگشت.

۳- موفق به تجزیه کشور ایران نشد.

۴- هم‌چنین حامیان صدام نیز به اهداف خود، یعنی محبوس کردن انقلاب، تهی کردن انقلاب، به سازش کشیدن انقلاب و ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران نرسیدند.

در نهایت با توجه به اهداف دفاعی جمهوری اسلامی ایران:

---

۱. صحیفه امام، ج۱۲، ص۲٤۱.

۲. سرتیپ ستاد ناصر آراسته، کلیاتی از جنگ و مواردی از دفاع مقدس، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۹، صص ۹۱-۷٤.

۱- قرارداد ۱۹۷۵ مستقر شد (اراده سیاسی ما بر صدام تحمیل شد).
۲- سرزمین‌هایمان آزاد شد.
۳- صدام به عنوان متجاوز معرفی شد.
۴- از تجزیه و تفکیک قسمت‌هایی از ایران جلوگیری شد.
۵- جمهوری اسلامی ایران ساقط نشد.
۶- عزت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران اعتلا یافت و به جهانیان نشان داده شد.
۷- ساختارهای دفاعی کشور نهادینه و مقتدر شد.
۸- در قطعنامه۵۹۸ بیشترین نظرات اعلامی ایران پذیرفته شد.

لذا طرف پیروز جنگ، ایران اسلامی است، زیرا عراق و حامیانش در رسیدن به اهدافشان با شکست مواجه شدند و جمهوری اسلامی ایران در رسیدن به اهداف دفاعی خویش پیروز شد.

تحلیل از دیدگاه مرحله‌ای

چنانچه جنگ را به صورت کلی مرحله‌بندی کنیم می‌توانیم از بررسی تحلیلی پیروزی، یا شکست، در هر مرحله طرف پیروز نهایی جنگ را دریابیم. در این نوشتار تحلیل مشروح هر مرحله مقدور نیست، لذا مراحل و نتیجه‌گیری در دو سطح هدف و استراتژی جمهوری اسلامی ایران و راهبرد نظامی صدام به صورت فشرده بیان می‌شود.

۱- مراحل جنگ در سطح سیاست‌های ملی و اهداف کلی جمهوری اسلامی ایران در صحنه نبرد

مرحله یکم: بازدارندگی

بازدارندگی یعنی جلوگیری یا ممانعت از ایجاد تفکر تهدید در ذهن متجاوز و یا ایجاد خدشه مؤثر در اتخاذ تصمیم دشمن در حمله و در نتیجه دشمن حاضر به پذیرفتن خطرپذیری تهاجم نمی‌گردد.

در این مرحله باید اذعان گردد ما صد در صد شکست خوردیم، یعنی به هیچ وجه دارای قدرت بازدارندگی نبودیم. البته باید توجه شود در دنیای امروز قدرت بازدارندگی صرفاً با مؤلفه نظامی تبیین نمی‌شود. گرچه فرصت تحلیل و تبیین عوامل بازدارنده ضروری در آغاز جنگ نیست، ولی می‌توان به تعدادی از مؤلفه‌های عمده قدرت بازدارندگی در کشورها به شرح زیر اشاره کرد:

- نفوذ سیاست خارجی در همسایگان، منطقه و جهان؛
- سیاست داخلی نهادینه شده و مقتدر؛
- ساختارهای اقتصادی محکم و مولّد؛
- ذخایر کافی اقتصادی و مالی؛
- وجود طرح‌های اقتصادی و سیاسی بنیانی، مؤثر و عملی برای بحران؛
- امنیت کامل داخلی ؛
- حاکمیت مقتدر ملی؛
- یکپارچگی و وحدت ملی هدف‌دار؛
- ساختارهای نظامی و دفاعی مستحکم؛
- سازمان، آموزش، انضباط و آمادگی قبلی نیروهای مسلح؛
- ارائه نمایش قدرت نظامی به بیگانگان؛
- رهبری واحد و مقتدر ملی؛
- انسجام و هماهنگی ساختارها و سامانه‌های سیاسی کشور؛
- وجود آرمان‌ها و علایق ملی همگانی؛
- ساختارهای هوشمند، عالم و به روز اطلاعاتی که بتواند تهدید را از قبل پیش‌بینی کند؛
- شناخت و باور به تهدید در تمامی زوایای آن؛
- انگیزه و میل ملی به دفاع بر اساس اعتقادات ملی یا مذهبی.

با توجه به موارد فوق و با مطالعه و دقت در تاریخ انقلاب اسلامی از سال۵۸ تا شروع جنگ تحمیلی درمی‌یابیم که به دلیل مبارزات انقلابی ملت بزرگ ایران اسلامی و مقاومت رژیم طاغوت در مقابل مردم و حمایت استکبار شرق و غرب از نظام منحط و مستبد و فاسد پهلوی و بعد خصیصه انقلاب و به تبع آن دگرگونی ساختارهای سیاسی و مواردی دیگر مثل حضور منافقین و گروه‌های ملحد وابسته به غرب و شرق، اداره اجرایی کشور توسط ملی مذهبی‌های مرعوب یا وابسته به غرب، حضور تفکر لیبرالی غربی و مخالف سیره مبارزاتی حضرت امام در رأس امور (بنی صدر)، بسیاری از مؤلفه‌های مزبور وجود نداشت و یا با خلل و اشکال فراوان مواجه بود. مثلاً توان ارتش جمهوری اسلامی ایران در بحران انقلاب به کمتر از نیم تقلیل یافته بود و قریب به ۳۰٪ همین توان در مناطق شمال‌غرب کشور، گنبد و مناطقی از خوزستان درگیر مبارزه با ضدانقلاب بود. سپاه پاسداران نیز دوران اولیه حیات و طفولیت خود را می‌گذراند،با این حال در درگیری‌های مذکور نیز فعال بود، اقتصاد کشور در حال رکود و درهم ریخته بود، نهادهای سیاسی کشور هنوز با شرایط و نیازهای زمان استقرار و استحکام نیافته بود، کشور دستخوش ناامنی‌های ضدانقلاب بود، یکپارچگی و وحدت هدف‌دار دوران انقلاب سست شده بود و برای وضعیت جدید هدف‌دار نشده بود، ساختار دفاعی متزلزل و در مواقعی تعطیل بود، ارائه نمایش قدرت نظامی معمول نشده بود، انسجام و هماهنگی در ساختار و سامانه سیاسی کشور وجود نداشت. از طرفی با شعارهای گروه‌های منحرف و ملحد و ضدانقلاب تا حدودی در کیفیت همگانی آرمان‌ها و علائق ملی خدشه وارد شده بود. از همه مهم‌تر اینکه در ارکان رده بالای سیاسی کشور، به دلایلی از جمله کمیت اکثریت شیعه مردم عراق، تصور مطلق از تنفر مردم عراق از دیکتاتوری صدام، عدم محاسبه درست از رشد توان نظامی عراق در چند سال قبل از انقلاب و حسن نیت بیش از اندازه به مجامع و سازمان‌های جهانی، باور به تهدید از سوی عراق و تصور تحقق این تهدید وجود نداشت. لذا اراده سیاسی برای ورود به یک جنگ ناخواسته دیده نمی‌شد. ضمن اینکه ساختارهای اطلاعاتی و

ضداطلاعاتی فرو ریخته بود و تحرکات و درگیری‌های مرزی بدون تحلیل علمی ـ نظامی به دست مسئولین می‌رسید و قرائنی از جنگ را برای آنان پیش‌بینی نمی‌کرد و آن تعداد از عناصر نظامی که نه به صورت نهادینه، بلکه به صورت فردی و به دلیل دلسوزی و تخصص خویش تحلیل‌های علمی از پیش‌بینی وقوع تهدید را ارائه می‌دادند، قادر به ایجاد باور تهدید در سیاسیون نبودند؛ لذا باور ملی به تهدید وجود نداشت. در مقابل مؤلفه‌های قدرتمند و مؤثر بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در مواردی که احصاء شد عبارت بود از:

۱- حضور رهبریِ پیامبرگونه حضرت امان(ره)؛
۲- انگیزه و میل ملی برای دفاع از کشور بر اساس اعتقادات دینی (منبعث از سیره و مدیریت دینی حضرت امام)؛
۳- وجود ارتش (البته با وضعیتی که در بالا ذکر شد)، آن هم صرفاً به دلیل درایت، آینده‌نگری و دلسوزی حضرت امام و تعداد معدودی از سران از جمله مقام معظم رهبری که برای بقاء ارتش اقدام نمودند؛
۴- تشکیل سپاه و بعد بسیج مستضعفین و سرازیر شدن جوانان مؤمن پرشور به این دو نهاد انقلابی، که این موارد هم مدیون نعمت وجود حضرت امام و رهبری بوده و هست.

و در یک جمله می‌توان گفت:

اگر امام نبود، با شروع جنگ، از ایران اسلامی و اسلام شیعی چیزی باقی نمی‌ماند و این مؤلفه‌های موجود در مراحل بعدی دفاع مقدس محور پیروزی‌ها، حماسه و موفقیت‌ها بود.

لذا باید گفت بعد از مرحله بازدارندگی همین مؤلفه‌های فوق، به ویژه نقش حضرت امام و عشق و ارادت ارتشیان به امام و شهادت‌طلبی ملت شهیدپرور بود که در هفته اول ارتش عراق را در بسیاری از مناطق زمین‌گیرکرد و استراتژی او مبنی بر تجزیه ایران و سقوط جمهوری اسلامی را منجر به شکست نمود و بنیان و پایه دفاع جانانه،

حماسی و ایثارگرانه پیروزمند ارتش، سپاه پاسداران قهرمان و بسیج جان برکف مردمی را برای جمهوری اسلامی ایران بنا نهاد.

نتیجه اینکه در این مرحله موفق نبودیم و پیروز این مرحله دشمن بود که هزاران کیلومترمربع از سرزمین اسلامی ما را اشغال کرد، ولی دلایل ناموفق بودن در مرحله بازدارندگی، به طور غیرارادی برگ برنده سیاسی برای ما بود که به دنیا می‌گفتیم ما قصد جنگ نداشتیم، زیرا انقلاب اسلامی خود را برای جنگ آماده نکرده بود و می‌خواست به ساختار نوپای خود بپردازد.

مرحله دوم: درهم شکستن حمله دشمن در مرزها

به دلایل ذکرشده در مرحله بازدارندگی، استقرار نیروهای نظامی بر مبنای پیش‌بینی و نوع تهدید و متناسب با تهدید در مرزها صورت نگرفته بود و با امکانات سیاسی، اقتصادی و تجهیزاتی آن زمان هم با شروع جنگ، رساندن امکانات نظامی متأسفانه به زمانی بیش از ٤٥ تا ٦٠ روز نیاز داشت که این امور باعث شد در مرحله درهم شکستن حمله دشمن در مرزها هم کاملاً موفق نباشیم و نیروهای موجود ارتشی در مرزها با ایثار جان و شجاعت مثال‌زدنی در مقابل یگان‌هایی تا ده برابر استعداد خود ایستادگی کردند تا در مراحل بعد جنگ به موفقیت برسیم. در هر حال پیروزی این مرحله قریب به ۳۰٪ است.

مرحله سوم: کند کردن، متوقف‌کردن و سد کردن پیشروی دشمن و زمین‌گیرکردن او

در این مرحله با توجه به اینکه دشمن قصد تصرف شهرهای بزرگی همچون کرمانشاه، ایلام، اهواز، آبادان و خرمشهر و در صورت موفقیت تسخیر پایتخت را داشت (البته آرزویی خیالپردازانه بود) و اگرچه شهرهایی چون قصرشیرین، ذهاب، مهران، خرمشهر و... را تصرف کرد، ولی ارتش جمهوری اسلامی ایران در همان بدو حمله دشمن و با تلاش‌های مظلومانه و شجاعانه باعث شد که دشمن به اهداف عمده خود نرسیده و در خرمشهر با دفاع نبردهای گردان دژ، تکاوران دریایی، دانشجویان

دانشگاه افسری و نیروهای مردمی اعزامی از نقاط مختلف کشور قریب به چهل روز موفق به اشغال خرمشهر نشود و بعد در تمامی جبهه ها به تدریج با حضور سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مخلص و شجاع، دشمن کاملاً زمین‌گیر شد. لذا می-توانیم بگوییم ما در این مرحله موفق و پیروز بودیم (این مرحله۸۰٪ ضریب موفقیت ماست).

مرحله چهارم: بیرون راندن دشمن از سرزمین‌های اشغالی

در این مرحله ما در نهایت توانستیم دشمن را از تمام مناطق اشغالی بیرون کنیم و یک وجب از آب و خاک میهن اسلامی از کشور ما جدا نشد و لذا در این مرحله هم کاملاً پیروز شدیم (۱۰۰٪ موفقیت).

مرحله پنجم: تنبیه متجاوز و انهدام ماشین جنگی عراق

در این مرحله با توجه به تعداد اسراء و تجهیزات و تسلیحات انهدامی و به غنیمت گرفته شده از دشمن نه ۱۰۰٪ بلکه تا حدود زیادی موفق بودیم (۸۰٪ موفق بودیم، گرچه بلافاصله دنیای استکبار عراق را بازسازی کرده و زخم‌های او را التیام می‌بخشیدند).

مرحله ششم: تحمیل اراده سیاسی به متجاوز و حامیان او در تسلیم به خواسته‌های ما

با صدور قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل و بعد با اعلام دبیر کل سازمان ملل مبنی بر معرفی عراق به عنوان آغازکننده جنگ و پذیرش قرارداد۱۹۷۵ توسط صدام در این مرحله موفق و پیروز بودیم، گرچه بحث پرداخت خسارات جنگ تاکنون تحقق نیافته است (۱۰۰٪ موفقیت ما حتمی است).

مرحله هفتم (آخرین مرحله): دفع فتنه یا نابودی حاکمیت متجاوز

در این مرحله اگرچه به نوعی و به نظر بعضی‌ها نتوانستیم به پیروزی کامل دست یابیم و دلیل عمده آن این بود که کلیه حامیان صدام، به خصوص امریکا عملاً وارد جنگ با ایران اسلامی شدند و لذا وسعت فتنه و تهدیدات فتنه‌انگیز و عمق و شدت آن بیش از توان ما شد، ولی در این مرحله هم شجاعت حضرت امام(ره) در پذیرش قطعنامه ما را از آسیب فتنه در امان داشت. البته به نظر می‌رسد در این مرحله ما بیش از

٦٠٪ موفق بوده‌ایم، زیرا صدام می‌بایست برای جبران شکست و تأمین اهداف خود جنگ دیگری در حمله به کویت در پیش گیرد. یعنی شکست صدام از ایران اسلامی بزرگ‌ترین دلیل حمله او به کویت بود و بعد با شکست نهایی در حمله به کویت و با توجه به وجود دو شکست (حمله به ایران و حمله به کویت) ارتش عراق از نظر انگیزه، روحیه، میل به جنگ‌جویی، توان و قدرت نظامی، پشتوانه مردمی و بی‌اعتمادی به رهبران به وضعیتی در آمده بود که شکست صدام را خواهان بود. این امر همراه با اراده ملی مردم عراق در مبارزه با حکومت و وابستگی ارتش صدام به شرق و غرب، یعنی همان‌هایی که برای آنها می‌جنگید، شکست صدام را در کوتاه‌ترین زمان ممکن ساخت و همین‌طور چهره منفور و شکست‌خورده‌ای که از صدام در دنیا توسط دفاع جانانه ما ترسیم شده بود خود یک پیروزی سیاسی و معنوی برای ما بود.[۱]

۲- تحلیل شکست صدام در راهبرد جنگ

صدام و استکبار با توجه به اهداف و سیاست‌هایشان ـ که در قبل ذکر شد ـ در جنگ تحمیلی چهار نوع استراتژی نظامی را پیگیری کرد که تعداد مراحل و انواع آن خود نشان از ناموفق بودن در هر مرحله است، که باعث می‌شد نوع و مرحله دیگری از استراتژی را تبیین و دنبال کنند.

مرحله اول: استراتژی جنگ سریع و برق‌آسا

عراق این استراتژی را برای تأمین و تحقق اهداف و سیاست‌هایش مد نظر داشت، به طوری که بتواند نیروی هوایی، مراکز حساس، نقاط حیاتی و روحیه و انگیزه دفاعی ایران را در سه روز اول نبرد منهدم کند و تا یک هفته به کلیه اهداف سیاسی خود نائل گردد. لذا با عملیات تهاجمی نیروی هوایی عراق با ۱۹۲ فروند در ۱۳۵۹/٦/۳۱ به فرودگاه‌ها و پایگاه‌ها در شهرها و در پی آن روز اول مهر۱۳۵۹ با حمله ۱۲ لشکر تا دندان مسلح زرهی و مکانیزه و پشتیبانی آتش هوایی توپخانه، جنگ را آغاز کرد.

---

۱. برای تبیین این وضعیت مناسب است که به کتاب «امریکا قبل و بعد از اشغال عراق»، تحلیل، مؤلف و تنظیم: علی اعوانی، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران مراجعه نمائید.

اولین اقدام وسیع جمهوری اسلامی ایران عملیات ۱٤۰ فروندی شکاری بمب افکن‌های نیروی هوایی ارتش بود (کمان ۹۹ که به دلیل داستان آرش کمان‌گیر نام عملیات کمان و به دلیل پرونده ۹۹ برگی آن کمان ۹۹ نام گرفت) و البته تعداد کل هواپیماهای شرکت‌کننده در این عملیات به قریب ۱۹۰ فروند می‌رسید، گرچه عصر روز ۳۱ شهریور نیز تعدادی از عقابان تیزپرواز نیروی هوایی چند عملیات را داخل خاک عراق انجام دادند، ولی با توجه به وسعت این عملیات هوایی ارتش حزب‌الله (کمان ۹۹)، این عملیات طلیعه شکست استراتژی جنگ سریع و برق‌آسای عراق بود.

ارتش عراق گرچه در روی زمین در کمتر از سه روز در مناطقی تا عمق بیش از ۷۰ کیلومتر پیشروی داشت، ولی با دلاوری یگان‌هایی از ارتش که در مرزها بودند و رشادت و شهادت‌طلبی هوانیروز و نیروی هوایی و سپاهیان آن شهرستان‌ها و کمک‌های مردمی نتوانست از کرخه جهت تصرف شوش، دزفول، اندیمشک و اهواز بگذرد و در غرب هم به تصرف کرمانشاه موفق نشد و توقف ۳٤ روزه ارتش مقتدر عربی (دومین ارتش بعد از مصر) در پشت دیوارهای خرمشهر قهرمان، شکست این استراتژی را در تاریخ نظامی رقم زد. همین‌طور نابودی نزدیک به دوسوم نیروی دریایی عراق و محبوس کردن بقیه آن نیرو در ام‌القصر، در ۷ آذرماه سال ۵۹، در کمتر از سه ماه از آغاز حمله عراق، توسط دریادلان قهرمان نیروی دریایی ارتش که با پشتیبانی نیروی هوایی و در عملیات مروارید انجام شد، (گرچه یاد و خاطره ناوچه پیکان در این عملیات جاویدان شد و شهدایی تقدیم کشور و اسلام شد) چنان شکست تلخی را به عراق تحمیل کرد که تا پایان جنگ وی را از خلیج فارس و سواحل و بنادر خود در آن محروم کرد و مُهر پایانی بر استراتژی جنگ برق‌آسای سریع عراق زد و رویای صدام مبنی بر فتح سه روزه خوزستان و یک هفته‌ای تهران بر باد رفت.

مرحله دوم: استراتژی تثبیت

عراق در این مرحله استراتژی تثبیت اشغال را پی گرفت تا به این شیوه، جمهوری اسلامی ایران را به زانو درآورده و به تسلیم و در نهایت به سقوط وادارد، که این

استراتژی نیز با عملیاتی چون خوارزم، الله اکبر، بازپس‌گیری دهلاویه، سوسنگرد و بعد ثامن‌الائمه بیمار گشت و با عملیات طریق‌القدس بانگ رحیل خودش را نواخت تا شاهد مرگ خویش بعد از عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس باشد و آرزوی تثبیت صدام در مناطق اشغالی نیز تحقق نیابد.

مرحله سوم: استراتژی جنگ فرسایشی

این استراتژی را حامیان صدام برایش تدارک دیدند، تا با این شیوه بتوانند آن چنان توان رزمی و قدرت ملی جمهوری اسلامی را تحلیل ببرند که سطح و عمق نارضایتی ملی، جمهوری اسلامی را ساقط نماید که در این مرحله نیز با انجام عملیات برون‌مرزی رزمندگان اسلام به صورت گسترده و عمیق، انهدام ماشین جنگی عراق در زمین و هوا و افزایش روحیه ایثار و مقاومت، شهادت‌طلبی مردم بزرگ و درایت و رهبری الهی امام و ایستادگی نیروهای مسلح نه تنها سودی عاید صدام نکرد، بلکه کفه ترازو را در این استراتژی به سود ایران سنگین نمود و موفقیت ایران را در اداره موفق یک جنگ فرسایشی به منصه ظهور رساند (البته تعدادی از صاحب‌نظران اتخاذ این استراتژی را از طریق جمهوری اسلامی ایران می‌دانند).

مرحله چهارم: استراتژی پایان‌دهی متوازن جنگ

صدام و حامیانش این استراتژی را به عنوان آخرین گزینه انتخاب کردند و حضور علنی امریکا در جنگ نفتکش‌ها، حمله به هواپیمای مسافربری ایرانی، حمله به ناوشکن‌های ارتش جمهوری اسلامی و به سکوهای نفتی در اجرای این استراتژی بود تا به این وسیله صدام را از شکست مفتضحانه و پرتگاه سقوط نجات دهند. این مرحله بود که پذیرش قطعنامه۵۹۸ را باعث شد. گرچه پذیرش قطعنامه نتیجه این استراتژی نظامی بود، ولی زمانی توسط جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شد که حداکثر خواسته‌های جمهوری اسلامی در آن لحاظ شد، لذا نه تنها این مرحله هم پیروزی برای صدام نبود بلکه به دلیل در برداشتن نظرات ایران در مفاد قطعنامه۵۹۸، پیروز سیاسی این مرحله نیز ایران اسلامی بود.

نتیجه

با توجه به تحلیل مرحله‌ای که نتیجه جنگ بود و تحلیل شکست در استراتژی صدام درمی‌یابیم که از نظر کمّی مراحلی که برای ما همراه با پیروزی بود، بیشتر است، یعنی در هر یک از چهار مرحله ذکرشده بیشترین مراحل با پیروزی همراه بود است. از طرفی اگر به صورت کیفی نیز به آن بنگریم تغییر در استراتژی‌های صدام به دلیل شکست در استراتژی قبلی بوده است، که توضیح آن داده شد. لذا به ضرس قاطع می‌توان گفت ما در تمام مراحل پیروز بوده‌ایم، لذا پیروز نهایی و واقعی جنگ، ایران اسلامی بوده است.

در خاتمه مجدداً یادآوری می‌شود: رهبری دینی حضرت امام، هوشمندی و آینده‌نگری معظم‌له، ارادت ارتش به ایشان، روح شهادت‌طلبی مردم عزیز ما، آموزه‌های اعتقادی دین شریف اسلام، وحدت ملی در امر دفاع از کشور، اعتلای روزافزون سپاه و تلاش ایثارگرانه سپاهیان و حضور مخلصانه و شهادت‌طلبانه بسیجیان در صفوف اول نبرد و اثر نفوذی حضرت امام در قلب‌های یکایک مردم شریف ایران دلیل این پیروزی‌ها بود، که نقش اساسی و محوری متوجه حضرت امام، احیاگر و مجدّد اسلام ناب محمدی است و سپس روحانیت معزّز پیرو خط حضرت امام، به ویژه رهبر معظم که با تمشیت امور ارتش و همین‌طور حضور مداوم و مؤثر در جبهه‌ها نقش برجسته و منحصر به فردی در این خصوص ایفا نمودند. مثل نجات سوسنگرد که در حقیقت مرهون فرماندهی اعلام نشده ایشان است.

بازتاب پیروزی‌های بدست آمده در سخنان امام(ره)

«من به ملت بزرگ ایران و به فرماندهان شجاع، قبل از آنکه پیروزی شرافتمندانه و بزرگ خوزستان را تبریک بگویم، وجود چنین رزمندگانی که از دو جبهه معنوی و صوری و ظاهر و باطن از امتحان سرافراز بیرون آمده‌اند، تبریک می‌گویم.»[1]

---

۱. پیام امام خمینی(ره) به مناسبت عملیات پیروزمندانه طریق‌القدس.

روایت جنگ به زبان آمار[۱]

آمار کل نیروهای شرکت‌کننده در جنگ با احتساب مدت حضور در جبهه:

ردیف	نوع حضور	تعداد نفر	متوسط حضور (به ماه) در جبهه
۱	سرباز ارتش	۲/۵۰۰/۰۰۰	۲۱
۲	نیروی پایور ارتش	۲۷۰/۰۰۰	٦۰
۳	نیروی بسیجی (نیروی داوطلب)	۲/۱۳۰/۰۰۰	۱۱
٤	نیروی پایور سپاه، جهاد، شهربانی، کمیته، ژاندارمری	۱۸۰/۰۰۰	٦۰
٥	سرباز پاسدار	٦۰/۰۰۰	۲۱

آمار هزینه‌های ارزی در جنگ تحمیلی برابر جدول زیر:

ردیف	شرح	ایران	عراق
۱	ذخیره ارزی در آغاز جنگ	٦ میلیارد دلار	۳٤ میلیارد دلار
۲	هزینه خرید تسلیحات سال‌های پایانی جنگ	۱/٥میلیارد دلار (در سه سال آخر جنگ)	۸/۸ میلیارد دلار (در دو سال آخر جنگ)
۳	کل هزینه جنگ	رقم رسمی اعلام نشده است. به نظر می‌رسد نزدیک به ۱۸۰ میلیارد دلار باشد.	۲۷۸/۸میلیارد دلار
٤	بدهی خارجی در پایان جنگ	٥ میلیار دلار	میلیاردها دلار حداقل ۷۰ ملیارد دلار تا حال ذکر شده است

۱. سرتیپ ستاد ناصر آراسته، چرا و چگونه، تهران، ایران سبز، ۱۳۹۱.

آمار نیروی انسانی و تلفات آن برابر جدول زیر:

ردیف	شرح	ایران	عراق
۱	جمعیت در آغاز جنگ	۳٦/۰۰۰/۰۰۰	۱۳/۵۰۰/۰۰۰
۲	جمعیت در پایان جنگ	٤۲/۰۰۰/۰۰۰	۱٦/۵۰۰/۰۰۰
۳	جمعیت فعال درگیر و مؤثر در جنگ (از هشت سال جنگ)	۳۰/۰۰۰/۰۰۰	قریب ۱۰۰۰۰۰۰۰ نفر
٤	نیروی درگیر مستقیم در جنگ (در هشت سال جنگ)	۵/۱٤۰/۰۰۰	۲/۰۰۰/۰۰۰
۵	درصد رزمندگان به تناسب جمعیت	٪۷/۵	٪۱۰
٦	شهدای درگیری مستقیم	۱۷۲/۰۵٦	۲۱۸/۰۰۰
۷	شهدای بمباران شهرها	۱۵/۹۵۹	نا مشخص
۸	شهدای سایر حوادث مربوط به جنگ	٦/۸۷۸	نا مشخص
۹	جمع کل شهدای ایران و کشته-شدگان عراق	۱۹٤/۸۹۳	۲۱۸/۰۰۰
۱۰	مجروحین	۱/۰۰۰/۰۰۰	۱/۵۰۰/۰۰۰
۱۱	آزاده (ایران) و اسیر (عراق)	٤۱۱۷۵	۷۰۰۰۰
۱۲	کل تلفات نیروی انسانی	۱/۲۳٤/۸۹۳	۱/۸۵۱/۰۰۰
۱۳	درصد شهدای ارتش نسبت به کل شهدا	٪۲۳	–
۱٤	درصد شهدای سپاه	٪۲۱	–
۱۵	درصد شهدای بسیج	٪٤۳	–
۱٦	درصد شهدای ناجا	٪۳	–
۱۷	درصد سایر شهدا	٪۱۰	–

دستاوردهای جنگ

جمهوری اسلامی ایران پس از هشت سال جنگ ضمن تحمل تلفات انسانی و اقتصادی به دستاوردهای ذیل نائل شد.

۱- عراق در رسیدن به اهداف سیاسی ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران با شکست مواجه شد.

۲- عراق مجبور به قبول مجدد قطعنامه۱۹۷۵ الجزایر (بهانه‌ای که با آن جنگ را آغاز کرد) مبنی بر حاکمیت ایران بر اروندرود شد.

۳- حفظ تمامیت ارضی کشور با آزادسازی سرزمین‌های اشغالی.

۴- حقانیت جمهوری اسلامی ایران به جهانیان ثابت شد.

۵- به عنوان یک نظام مقتدر سیاسی شناخته شد.

۶- پس از جنگ، سیاست مستقل ملی را با پشتوانه حضور مقتدرانه نیروهای مسلح ادامه داد.

۷- پرچمدار نهضت‌های استقلال‌طلبانه کشورهای تحت ستم شناخته شد.

۸- افزایش غرور ملی و در نتیجه حفظ عزت ملت ایران و پشتوانه راه سازندگی و استقلال کشور.

۹- ایجاد باور همگانی به داشتن ارتشی ولایی (مؤمن، منضبط، مقتدر) و مجهز به جنگ‌افزارهای پیشرفته با برخورداری از علوم و تخصص روز.

۱۰-پی‌ریزی اساسی در جهاد خودکفایی علمی و صنعتی، به ویژه در بخش-های دفاعی.

۱۱-ایجاد روحیه خودباوری در سیاست، علم و فناوری.

در اینجا ضروری و شایسته است که دستاوردهای جنگ را از منظر حضرت امام(ره(بیان داریم:

امام فرمودند ما هر روز در جنگ برکتی داشتیم که در همه صحنه‌ها بهره جسته‌ایم.

ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم.

ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم.
ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم.
ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.
ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم.
ما در جنگ ریشه‌های پربار انقلاب اسلامی‌مان را محکم کردیم.
ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم.
ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد.

جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند، از همه اینها مهم‌تر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافته است.

همه اینها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، همه اینها از تلاش مادران، پدران و مردم عزیز ایران در ده سال مبارزه با امریکا، غرب و شوروی شرق نشأت گرفت.

دلایل پیروزی جمهوری اسلامی ایران در جنگ

در دنیای امروز تعریف قدرت صرفاً شامل عوامل مرئی قدرت (عوامل فیزیکی) نیست، زیرا جنبه نامرئی (عوامل برترساز) نیز محور تشکیل‌دهنده و به قولی مهم‌ترین عنصر آن است که ابعاد مهم این جنبه عبارتند از:

- رهبری و فرماندهی؛
- وفاق و وحدت ملی؛
- انگیزه؛
- صبر در مقاومت؛
- شجاعت عناصر رزمنده؛
- شأن و منزلت فداکاری در مسیر هدف؛

- علم و دانش نبرد، به ویژه در طراحان عملیات.

ایران اسلامی در زمان جنگ و هم اکنون از این عناصر در بالاترین مرتبه برخوردار بوده و می‌باشد، یعنی:

- عنایت حق‌تعالی،
- رهبری پیامبرگونه حضرت امام(ره) و سرفرماندهی عالی آن بزرگوار،
- ایمان مذهبی،
- وحدت ملی،
- انگیزه مبارزه با دشمن متجاوز،
- خودباوری علمی، فنی در تعمیرات و بهینه‌سازی و ساخت قطعات و ابزار جنگی مورد نیاز،
- نگهداری مطلوب تجهیزات و سلاح‌های جنگی و استفاده بهینه از آنها،
- خلاقیت و ابتکار در طراحی و اجرای عملیات نظامی،
- روحیه صبر فردی و ملی (همگانی)،
- توکل فردی و جمعی،
- مقاومت شجاعانه ملی (تمامی ملت)،
- روحیه شهادت‌طلبی رزمندگان،
- درایت و کاردانی، علم و شجاعت طراحان و فرماندهان جنگ و تک تک رزمندگان که سرآمد آنان شهید بزرگوار سپهبد علی صیادشیرازی بود،
- هوشمندی سیاستمداران،
- روحیه ایثار جمعی امت که بیشترین شهید را تقدیم کرده و پشتیبانی از جنگ را با تمام توان معمول داشتند.

عنایت خداوند جل‌جلاله را برای این ملت جلب کبده و پیروزی‌ها را باعث شد. در انتها ذکر یک نکته ضروری است که آن هم نقش راهبردی فرماندهی و رهبری حضرت امام(ره) بود که در یک جمله می‌توان گفت:

عوامل مرئی و نامرئی قدرت ملی که در ابتدای جنگ و در مرحله بازدارندگی بسیاری از آنها وجود نداشت و بسیاری نیز دچار خدشه شده بود، با فرماندهی و رهبری آن پیر فرزانه تمامی مؤلفه‌های نامرئی ایجاد و اکثر مؤلفه‌های مرئی نیز ساخته و پرداخته شد تا با لطف خدا پیروزی‌ها حاصل شود.

عوامل ذکرشده، از عمده عوامل پیروزی ما در جنگ می‌باشد. امید است همواره این جنبه قدرت به همراه جنبه مادی قدرت، سلاح و آموزش و امکانات و تجهیزات و وسایل در حد اعلا و مورد نیاز نظام حفظ شود.

نظامیان از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عوامل حفظ قدرت مادی و معنوی، مرئی و نامرئی این نظام و محورهای اصولی قدرت ملی و توان رزمی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند و این ارتش وفادار، مجهز، منضبط، مؤمن و آموزش‌دیده از ارکان اساسی آن است. در خاتمه اشاره می شود که با توجه به حضور ۲،۵۰۰،۰۰۰ سرباز ارتش در هشت سال دفاع مقدس که قریب ۲،۰۰۰،۰۰۰ نفر آن در یگان‌های پیاده نظام خدمت کرده و ۲،۱۳۰،۰۰۰ بسیجی که همه به عنوان پیاده نظام خدمت کرده‌اند، می‌توان گفت نقش یگان‌های پیاده نظام در این پیروزی بی‌بدیل بوده است.

رهبر فرزانه انقلاب، خلف صالح امام(ره)، حضرت امام خامنه‌ای دفاع مقدس را این چنین تبیین فرموده‌اند:

«دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی و پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است. روایت آن جهاد نیز مقدس و جهاد است.»

در انتها کتاب را با فرازی از فرمایشات حضرت امام(ره) خاتمه می‌دهیم.

«هشت سال دفاع مقدس منتهی به تمامیت ارضی کشور و شکست طرح‌های توسعه‌طلبانه دشمنان انقلاب اسلامی‌مان شد.»[1]

---

۱. حضرت امام خمینی(ره)، صحیفه امام، ج۲۱، ص۱۳۳.

بخش دوازدهم

ضمائم

ضمیمه۱: منشور آموزشی معارف جنگ

۱- ابعاد جنگ عبارتند از:

علم، تدبیر، حکمت، هوشمندی، فرمانبری، فرماندهی، ایمان، ایثار، شجاعت، حماسه، عرفان، احساس و عاطفه، قدرت، اخلاص و شهادت و از طرفی شقاوت، ظلم، جنایت، فتنه، نفاق و توطئه جهانی.

اینها مواردی است که از فرمایشات رهبر فرزانه انقلاب، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، استخراج شده است.

باید دقت شود در درس‌ها یک یا چند بعد از این امور متجلّی شود و در مجموع دروس یک دوره، همه اینها تا حدودی تبیین گردند، که البته استاد با عنایت به موضوع آموزشی خود ابعادی از موارد فوق ارائه می‌دهد و معارف جنگ باید بتواند در جمع سرفصل‌های آموزشی و متون درسی همه این امور را لحاظ کند.

۲- اهداف کلی هیئت معارف جنگ که در آموزش باید مدنظر باشد، ارائه تاریخ پرافتخار گذشته دفاع مقدس با ابعاد بالا و به دلایل ذیل است:

۱- بیان تاریخ پرافتخار و سخت آن دوران؛

۲- نقش ارتش و مردم در دفاع از نظام و اسلام و میهن اسلامی؛

۳- ایجاد روحیه حماسی و افتخار به لباس سربازی؛

۴- ترویج روحیه ایثار و خدمت به این نظام مقدس؛

۵- انتقال ارزش‌های فرهنگی دوران دفاع مقدس به نسل جدید؛

۶- افزایش بصیرت؛

۷- افزایش آگاهی‌های نظامی؛

۸- انتقال تجربه؛
۹- ایجاد احترام در نسل جدید نسبت به گذشتگان؛
۱۰-ایجاد این روحیه که کاش ما هم حضور داشتیم تا در این ثواب و امر مقدس شریک بودیم؛
۱۱-رفع شبهات ایجادشده در مورد دفاع مقدس؛
۱۲-ایجاد روحیه امید در مقابل تهدید و خطرات و بحران‌ها (این نظام از یک جنگ هشت ساله سرفراز بیرون آمده، لذا در مقابل سایر مشکلات نیز چنین خواهد بود)؛
۱۳-تبیین نقش الهی امام و رهبری در اداره جنگ؛
۱۴-اهمیت نقش ولایت فقیه در اتحاد، وحدت ملی، ترغیب و تحریض به دفاع و حفظ اصول اسلام و انقلاب؛
۱۵-رسالت خطیر جوانان در حفظ این انقلاب و دستاوردهای آن؛
۱۶-مقابله با هجوم فرهنگی بیگانگان.

۳- چرایی و چگونگی دلایل آغاز و پایان جنگ نیز از اهداف این کلاس‌ها است.

٤- تاریخچه معارف جنگ، میراث گران‌بهای شهید صیاد و اوامر حضرت آقا در خصوص معارف جنگ و اهداف جنگ و مأموریت کلی آن در افتتاحیه توسط مسئولین معارف و فرماندهان بازگو شود.

۵- نقش امام در جنگ باید در تمامی درس‌ها باشد، به ویژه در زمینه موارد زیر:

- بقای ارتش؛
- اعتلای ارتش؛
- تشکیل سپاه؛
- تشکیل بسیج؛
- شکست حصر آبادان؛
- آزادسازی پاوه؛

- در فتوحات و شکست‌ها.
- اگر امام نبود ارتش نبود و از ایران اسلامی چیزی نبود. باید بعد از این دوره، عشق به امام و رهبری در جوانانی که امام را ندیده‌اند ایجاد گردد و افزایش یابد و ضرورت ولایت فقیه (به صورت غیرمستقیم) در حفظ، بقا و اعتلای ایران اسلامی روشن شود.

٦- نقش ارتش در روزها و سال اول جنگ و مقاطع زمانی مختلف یا دوره‌های عملیاتی تبیین شود. دلایل فداکاری ارتش را بدانند. قریب ۲۷۰,۰۰۰ نفر کادر در متوسط زمانی پنج سال و ۲,۵۰۰,۰۰۰ نفر وظیفه در متوسط زمانی ۲۰ ماه در جبهه بودند. بدانند ارتش دو سپهبد، دو رئیس ستاد، دو فرمانده نیرو، دو وزیر دفاع، دو جانشین نیرو، چندین معاون عملیاتی و فرمانده لشکر و جانشین لشکر، فرمانده پایگاه و... و در بدنه و قشر عظیم خود نیز ٤۸۰۰۰ شهید داده است و این مجموعه ۲۳٪ شهدا را دارد. البته طوری این آمار ارائه شود که خدای نکرده سپاه و بسیج تضعیف نشوند، زیرا بسیج مخلص از مجموع ۱۹۰هزار نفر شهید جنگ قریب به ٤۳٪ شهدا را به خود اختصاص داده و عزیزان سپاهی ۲۱٪ شهدا را، با اینکه سپاه و بسیج قانوناً موظف به حضور در جنگ نبودند و داوطلبانه به تشکیل سپاه و سپس حضور در جنگ شتافتند، که این عشق، ایثار و شهادت‌طلبی آنان را بیان می‌کند.

۷- نقائص سپاه به عنوان عیب سپاه مطرح نشده و این نهاد انقلابی تضعیف نشود. عشق به شهادت و شور و انگیزه جنگندگی جایگزین نقائص این نهاد انقلابی شود. ذکر نقائص که توپخانه، هوایی، دریایی، آموزش و... نداشتند، تضعیف سپاه را در پی نداشته باشد. اینکه با نداشتن‌ها برای حفظ داشتن‌های انقلاب و اسلام ایثار کردند ارزشی، ستودنی است.

۸- بیان خاطرات سند نمی‌خواهد، بلکه انصاف، صداقت، هوشیاری، هنر و ظرافت می‌خواهد. دقت شود که تاریخ سند می‌خواهد و خاطره، صداقت و هنر. البته اگر سند هم باشد بهتر است.

۹- دقت شود بیان هرگونه خاطره بایستی معطوف به یک جریان عملیاتی و بیانگر آن ابعادی باشد که در اولین مورد گفته شد (ابعاد جنگ: علم، تدبیر جنگ، ایمان و...)، البته مرتبط با موضوع درس.

۱۰- اطلاعات مختصر و مفیدی از قهرمانان جنگ، ارتشی و سپاهی و بسیجی داشته باشیم، حتی اگر هم‌رزم ما نبودند. اگر هم بودند که واجب است، مثلاً شهیدان صیادشیرازی، قرنی، چمران، فلاحی، نامجو، فکوری، کلاهدوز، نیاکی، اقارب‌پرست، آبشناسان، نصرت‌زاد، ستاری، بابایی، اردستانی، دوران، خضرایی، همتی، کوشا، انشایی، همت، بروجردی، خرازی، جهان‌آرا، باکری و عزیزان بسیجی.

۱۱- دقت شود اصول و ارزش‌های انقلاب و آرمان‌های امام زیر پای تاکتیک و استراتژی و سلاح و مهمات آسیب نبیند و له نشود و خدشه‌دار نگردد، که همه این امور (تاکتیک، استراتژی، تجهیزات و تسلیحات و جان‌ها و مال‌ها) برای حفظ و اعتلای اصول و ارزش‌های مکتب امام(ره) و امامِ این مکتب بوده است، یعنی برای اسلام بوده است.

۱۲- دقت شود صدور انقلاب، انقلابی بودن و دوران انقلاب به سخره گرفته نشود، به ویژه در بررسی دلایل آغاز جنگ (این چه حرفی است که گفته شود ما فکر می‌کردیم با جنگ انقلاب صادر می‌شود، جنگ هم کردیم، ولی انقلاب با جنگ صادر نشد). امام و حضرت آقا بارها فرمودند با قوه قهریه انقلاب را صادر نمی‌کنیم، با فرهنگ صادر می‌کنیم و می‌بینیم که فرهنگ انقلاب یعنی روح مبارزه با ظلم و استکبار، دفاع از مظلوم و مبارزه با مظاهر کفر و فساد به عنوان دفاع از اسلام و انسانیت صادر شد و البته بخش عمده آن در جنگ و به عنوان فرهنگ دفاع مقدس صادر شد و ملت‌های مستضعف منطقه آن را فراگرفته‌اند و به آن روی آورده‌اند.

۱۳- دقت کنیم قدرت تکنولوژیک، برتری عِدّه و عُدّه و تجهیزات و تسلیحات مدرن دشمن و ثروت و قدرت رسانه‌ای استکبار اگر ذکر می‌شود ـ که بلا اشکال است ـ ایجاد رعب و وحشت و یأس در مخاطب ننماید و مرعوب نشود و یا او را مفتون

سلطه نسازد. مخاطب باید بداند که قدرت بازدارندگی ملی، فقط ناشی از این امور نیست. کما اینکه بعد از رحلت امام قریب به ۲۳ مورد از جنگ و فتنه و براندازی را دشمن ایجاد کرد، تا ما را درگیر و نابود سازد، او موفق نشد و ما هم هر روز مقتدرتر و عزیز شدیم و امروز، الگوی آزادی‌خواهان و مردم فهیم و مستضعفین دنیا هستیم.

اسلام، قرآن، قدرت ایمان فردی و جمعی، وحدت ملی، ولایت فقیه، شهادت‌طلبی، ابتکار، خلاقیت، اعتماد به نفس، توکل به پروردگار، دعا و نیایش، پیشرفت‌های علمی و صنعتی و نظامی و میل جنگ‌جویی با استکبار، هوشیاری ملی و مدیریت رهبری کشور، بنیان‌های عوامل بازدارندگی ما هستند که در جنگ و انقلاب پی‌ریزی شدند.

۱۴- مخاطبین بدانند اگر اسرائیل و امریکا مطمئن باشند در حمله به ما پیروز خواهند شد، لحظه‌ای از حمله به ما درنگ نمی‌کنند. آنچه که آنها را از انجام تهدید بازداشته، یقین به مقاومت رهبری و ملت بزرگ ایران و قدرت معنوی ماست، که آنها را مطمئن ساخته در صورت حمله نظامی به ما، هزینه بالا و نتیجه‌ای نزدیک به صفر عایدشان خواهد شد و مبارزه استکبار با فلسطینیان در غزه و با حزب‌الله در لبنان و مقاومت این عده قلیل با دست خالی در مقابل آنها و در نهایت پیروزی فلسطینیان و حزب‌الله، گوشه کوچکی از قدرت مقاومت ناشی از انقلاب ماست و این درسی است که دفاع مقدس (فرهنگ دفاع مقدس) به آزادی‌خواهان سراسر جهان ارائه داد.

۱۵- مراقب باشیم ناخودآگاه کلامی نگوییم که بوی توجیه و رغبت به نفاق قدیم، نفاق جدید و فتنه، استکبار، دنیاپرستی و بیگانه دوستی و یا مفتون و مرعوب غرب بودن داشته باشد.

۱۶- مراقب باشیم دفاع ناخودآگاه از خائنین یا آنها که به زعم دیگران در موردی خائن هستند، نداشته باشیم. چه لزومی دارد که از بنی‌صدر خائن در خصوص بعضی از تصمیماتش در خصوص ارتش و سپاه دفاع کنیم؟ دیگران خطا را در تصمیم‌های سال اول جنگ متوجه بنی‌صدر می‌دانند و درست هم هست و ما ناخودآگاه او را مبرّا کنیم؟! این کار یعنی خطا و جنایت او را متوجه خود کردن.

۱۷- تاکنون از شما عزیزان روحیه ایثار و فداکاری، عشق به ولایت، عشق به نظام و عشق به خدمت بدون توقّع، به این جوانان منتقل شده است که این مهم‌تر از انتقال متن دروس به دانشجویان است و ان‌شاءالله این شیوه استمرار یابد.

۱۸- نقش مردم در جنگ در قالب بسیج تبیین شده و بدرخشد. ۹۳هزار شهدای بسیج، یعنی حضور مردم شهیدپرور در جنگ، آن هم با خلوص و شوق شهادت و در همه اقشار مختلف این امت و ملت بزرگ. جنگ بدون حضور مردم به پیروزی نمی‌رسید و هنر سپاه سازمان‌دهی و آموزش این نیروی مخلص الهی بود که این کار هم با مساعدت ارتش انجام شد.

۱۹- پاسخ به این سؤال که چرا سپاه با اینکه آموزش کافی نداشت و یا بسیج با کم‌ترین دانش نظامی در جنگ شرکت کردند، نباید تضعیف آنان را در پی داشته باشد و از طرفی نباید حاوی اغراق و دروغ باشد. مخاطبین بدانند یک امت با هرچه از بعد معنوی و مادی در توان داشت، برای دفاع از دین، ناموس، سرزمین، انقلاب و شرف خویش به پا خاست و نشان داد دفاع را نمی‌توان متوقف بر امر دیگری کرد. حتی اگر لازم باشد با دست خالی، ولی سرِ پرشور و دل پرعشق برای انجام تکلیف با امید به شهادت و یا پیروزی و با مشت گره کرده باید از حیات و دین خویش دفاع کرد.

۲۰- مخاطب بداند فرماندهان در جنگ علاوه بر رسالت انجام مأموریت، رسالت حفظ جان سربازان را نیز بر عهده داشته‌اند. مأموریت با کمترین هزینه از اصول طراحی عملیاتی و دقت در اجرا بوده است. ما در هر سال متوسط بین ۲۵ الی ۳۵ هزار نفر تلفات در تصادفات داریم، آن وقت در جنگی که یک طرف ما و طرف دیگر همه سلطه و استکبار جهانی بوده متوسط تلفات در سال کمتر از این رقم بوده است. یعنی عالمانه، عاقلانه و هوشیارانه جنگیدیم.

۲۱- همه باید دلایل اینکه چرا خود را پیروز جنگ می‌دانیم بدانند.

۲۲- در پاسخ به این سوال که چرا ما بیشتر از فعالیت‌های ارتش می‌گوییم، پاسخ بگوییم ما معارف جنگ ارتش هستیم، ضمن اینکه کلیه یگان‌ها و نیروهای درگیر در

جنگ را نام می‌بریم و از طرفی مسئولیت داریم با دید آموزشی نقش ارتش در جنگ را در این جاها مطرح کنیم و تا حدودی غفلت و کم‌لطفی رسانه‌ها یا ضعف‌های خود در آگاه کردن مردم با این نقش را جبران نمائیم.

۲۳- اگر سؤال می‌شود ارتش با داشتن علم و تجربه نظامی و آموزش‌ها و تمرینات سالیانه چرا بیشتر شهید داده باید بدانیم پاسخ چیست؟

در جبهه‌ها روزهای اول فقط ارتش بود. بعد هم ارتش در دو مأموریت آفند و پدافند حضور داشت، از طرفی در تلاش اصلی و هم در تلاش‌های فرعی شرکت می‌نمود. سپاه عزیز ما فقط در قالب نیروی زمینی بود و از سال ۱۳٦۵ به بعد صاحب نیروی دریایی و هوایی شد. ارتش نه تنها در بخش زمینی که در هوا و دریا و پدافند هم شهید داده است.

۲٤- بدانند وظیفه‌های ما در ارتش قریب به ۳۸هزار شهید داده‌اند؛ لذا فعالیت این قشر مظلوم و نجیب و دلاور و شأن کارکنان وظیفه در جنگ تبیین شود.

۲۵- بدانند راهبرد جنگ برق‌آسای عراق را در روز دوم جنگ نهاجا با عملیات ۱٤۰ فروندی، بعد از آن نداجا در هفتم آذر، یعنی سه ماه از جنگ نگذشته، با نابودی نیروی دریایی عراق و نزاجا با متوقف کردن عراق پشت کرخه، دزفول و شوش و مردم و نیروهای مسلح از جمله گردان دژ و تکاوران دریایی و دانشجویان دانشگاه افسری ارتش با ۳٤ روز زمین‌گیر کردن ارتش عراق پشت دروازه‌های خرمشهر شکست دادند.

۲٦- استراتژی تثبیت اشغال ارتش صدام را نیز ارتش و سپاه با عملیات‌های ثامن‌الائمه(ع)، طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس و... نابود کردند.

۲۷- دقت شود هیچ نیرویی از آجا در تبیین نقش نیروی دیگر در جنگ تضعیف نشود. مظلومیت و ایثار نیروی زمینی در روزهای اول جنگ با دلاوری هوانیروز (که یگانی از نیروی زمینی بود) و قهرمانی‌های نهاجا در ایجاد تأخیر و زمین‌گیر کردن دشمن، تیره و سیاه نشود.

۲۸- در ارائه مطالب دقت شود امنیت ملی و مصالح کشور مدنظر باشد.

۲۹- تلاش قشر مخاطب (اگر وظیفه هستند، اگر درجه‌دار کادر هستند، اگر افسر هستند) در جنگ تبیین شود و البته به سایر اقشار هم اشاراتی بشود. طوری که پایان درس مخاطب از آنچه هست و آنچه در آتی خواهد شد و مسئولیت‌هایی که بر عهده می‌گیرد، راضی و خرسند و سرافراز باشد.

۳۰- هیچ عملیات مستقلی نه در نیروی زمینی ارتش و نه در سپاه تحقق نیافت؛ تمام عملیات‌ها جمعی و ملی بود، البته می‌شد که نیروی مانوری تلاش اصلی یا تلاش فرعی ادغامی نباشد و یا طرح توسط ارتش و یا سپاه تهیه شود، ولی در اجرا همه عملیات‌ها مشترک بود. دلیل آن همکاری بدون خلل نیروهای هوایی، زمینی، دریایی و پدافند هوایی در عملیات‌های ارتش و شرکت نیروی زمینی، هوایی، دریایی، هوانیروز و پدافند در عملیات‌های سپاه می‌باشد (نیروی زمینی (نیروی مانوری) به عنوان تلاش فرعی و یا احتیاط، هوایی، دریایی، پدافند، هوانیروز، مهندسی، توپخانه ارتش در تمام عملیات‌های طراحی شده سپاه که توسط نیروی مانوری سپاه هم اجرا می‌شد، دوش به دوش سپاه بودند و بدون اینها اجرای هیچ عملیاتی در ارتش و در سپاه میسر نبود.)

۳۱- دقت شود شرح و تحلیل عملیات‌ها مستند و صحیح باشد. سند شما حداقل کتاب‌های عمومی معارف و نهایت اسناد عملیاتی باشد تا اشکالی به مطالب گرفته نشود. همواره بدانیم تاریخ سند می‌خواهد.

۳۲- مطالب به صورت نصفه پر لیوان بیان شود. ولی نه اینکه نیمه خالی لیوان دیده نشود، یعنی واقعیت مدنظر باشد.

۳۳- سعی شود خاطره مستقیماً تعریف از خود نباشد، مگر به صورت ناظر یا راوی که خود گوینده هم در میان آن بوده و البته در صورت درخواست و با ضرورت باید از خود نیز گفت و البته اگر بحث و یا تجمع برای ذکر خاطره باشد، ضروری است که از خود نیز خاطره گفته شود.

۳٤- در زمینه نقش ارتش در جنگ اغراق نشود. آنچه که بر قلب می‌نشیند واقعیت و حقیقت است.

۳۵- دقت شود نحوه بیان، حرکات، سکنات، ایما و اشاره خدای نکرده تمسخر و استهزاء دیگر رزمندگان از سپاه و بسیج و یا دیگر نیروهای ارتش را در بر نداشته باشد.

۳٦- مانعی برای ورود استاد به ناکامی‌های عملیاتی و طرح نقاط ضعف نیست. فقط دقت شود در حد نیاز، ضرورت و درک مخاطبین باشد و مسائل امنیت ملی و شئونات ارتش و سپاه خدشه‌دار نگردد.

۳۷- در بیان واقعیت‌ها آنچه رخ داده بیان شود و در حقیقت‌های تعقلی آنچه دریافته‌ایم مستدل تبیین گردد؛ مثلاً خرمشهر در عمل چگونه فتح شد بیان یک واقعیت است و اینکه چرا بعد از فتح خرمشهر جنگ ادامه یافت حقیقت تعقلی که باید مستدل بیان گردد. بیان رخداد یا واقعیت، آگاهی و صداقت می‌خواهد و بیان تعقلی حقیقت به استدلال نیاز دارد، یعنی برای اخذ تصمیمات در جنگ علم و دلیل، برای چگونگی اجرا، آگاهی و صداقت ضروری است که این موارد را باید به مخاطب منتقل نماییم.

۳۸- دانشجویان بدانند دکترین نظامی جمهوری اسلامی ایران دفاعی است و آغازکننده جنگ نبوده و در آینده هم نخواهیم بود، ولی راهبرد ما در دفاع تهاجمی است و در آینده هم چنین خواهد بود. ما هیچ‌گاه جنگ را آغاز نخواهیم کرد، ولی اگر جنگی در آینده به ما تحمیل شود، در جایی که دشمن بخواهد نمی‌جنگیم، آنجا که صلاح بدانیم پاسخ او را می‌دهیم، آن‌طور که او بخواهد نمی‌جنگیم، در زمانی که او بخواهد جنگ را تمام نمی‌کنیم و مهم‌تر اینکه هر جا که منافع دشمن باشد آن‌جا برای ما سنگر دشمن است و هدف حمله ما خواهد بود و مقاومت ملی و بهره‌گیری از کلیه امکانات برای استمرار آن و نابودی یا وادار کردن دشمن متجاوز به تسلیم از طریق هجمه به متجاوز وظیفه شرعی ما است که با امر ولی فقیه، آحاد ملت ما به آن مبادرت خواهند کرد و اینها نیز راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی است.

خلاصه منشور آموزشی

الف- جز راست نباید گفت و هر راست نشاید گفت، ظرافت کار ماست.

ب- کلاس‌ها محتاج دیانت، امانت، کیاست و صداقت شماست.

پ- فقط با زبان تخصصی با مخاطبین صحبت نکنیم و باید در زبان علمی ما عاطفه انسانی، احساس تجربی، یقین دینی موج بزند تا علم، حس، تجربه، عاطفه، تدیّن و امید به مخاطبین منتقل شود. این یعنی یک کار فرهنگی در حوزه دفاع مقدس و مقابله با هجمه فرهنگی دشمن.

جهاد دفاعی ملّت بزرگ ایران در مدت هشت سال دفاع مقدس سراسر چنین بود و دفاع مقدس به زندگی و عمل ما ارزش و معنا داد و ملت ما را بر تارک تاریخ آزادی-خواهان و دینداران جهان قرار داد که همه این افتخارات را مدیون اسلام، پیامبر اعظم(ص)، ائمه هدی(ع)، امام راحل(ره) و ولایت فقیه(مدظله‌العالی)، شهدا، جانبازان، آزادگان و خانواده‌های صبور آنان و غیرت و خلوص مردم بزرگ ایران و ایثار رزمندگان دلاور هشت سال دفاع مقدس می‌باشیم.

ضمیمه۲: اصول و قواعد اساسی رزم[۱]

تعاریف و اصطلاحات

تاکتیک: کاربرد یگان‌ها در رزم را تاکتیک گویند و آتش و مانور، عوامل اصلی آن است.

اصول جنگ: عبارت است از حقایق مسلمی که حاکم بر میدان نبرد بوده و کاربرد بموقع و مؤثر آن در به دست آوردن موفقیت و پیروزی اثر قطعی دارد. اصول جنگ راهنمای کلی طرح‌ریزی و اجرای جنگ را در رده‌های استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی ارائه می‌دهد.

اصول جنگ مورد قبول ارتش جمهوری اسلامی

۱- اصل هدف:

هدایت هرگونه عملیات نظامی بایستی به سمت هدفی مشخص، قطعی، قابل دسترس، متناسب و در اکثر موارد قابل نگهداری باشد (عملیاتی موفق است که به هدف تعیین‌شده دست یابد).

۲- اصل آفند:

آفند مؤثرترین و قطعی‌ترین عمل برای دستیابی به هدف و کسب و حفظ ابتکار عمل و بهره‌برداری از آنان می‌باشد. آفند محل و زمان رویارویی با دشمن را به دلخواه تعیین کرده و دشمن را نامتعادل و او را وادار به عکس‌العمل می‌نماید. موجب افزایش روحیه خودی و تحمیل اراده به دشمن می‌گردد.

۳- اصل تمرکز قوا (توده):

تمرکز دادن توان رزمی تعیین‌کننده در زمان و مکان قطعی (برش تاکتیکی و سازمان رزم مناسب).

---

۱. براساس کتاب اصول و قواعد اساسی در رزم، سرتیپ۲ نصرت‌اله معین وزیری، مرکز آموزش اطلاعات، ۱۳۸۶.

٤- اصل صرفه‌جویی در قوا:

اختصاص حداقل توان رزمی در تلاش‌های فرعی به منظور بکارگیری نیروی کافی در تلاش اصلی.

۵- اصل رزمایش (مانور):

جابجا کردن و حرکت دادن توان رزمی مؤثر و استقرار آن در وضعیتی برتر نسبت به دشمن.

٦- اصل تأمین:

حفاظت یگان و جلوگیری از غافلگیری، عملیات جاسوسی، خرابکاری، عملیات ایذایی و دیده‌بانی دشمن به منظور کاهش آسیب‌پذیری نیروی خودی.

۷- اصل غافلگیری:

ضربه زدن به دشمن در زمانی که دشمن انتظار و آمادگی آن را ندارد.

۸- اصل وحدت فرماندهی:

قراردادن کلیه نیروهای تحت امر یک فرمانده مسئول و واجد شرایط با اختیارات کافی به منظور ایجاد وحدت تلاش کلیه منابع و نیروها.

۹- اصل سادگی:

تهیه طرح‌های واضح و ساده به منظور اطمینان از درک و فهم کامل و یکسان آن توسط کلیه اجراکنندگان.

توان رزمی

کلیه امکانات موجود جهت اجرای مأموریت محوله. عوامل تشکیل‌دهنده آن عبارتند از:

۱- عوامل محسوس (فیزیکی):

عبارتند از یگان‌های مانوری (رزمی)، یگان‌های پشتیبانی رزمی و یگان‌های پشتیبانی خدمات رزمی.

۲- عوامل نامحسوس (غیرفیزیکی):

عبارتند از هماهنگی و کنترل، عملیات اطلاعات و حفاظت اطلاعات، پوشش، فریب تاکتیکی، عملیات روانی، جنگ الکترونیکی، عملیات سد و موانع، آب و هوا، جو زمین.

۳- عوامل برترساز (روحی):

عبارتند از سازمان، رهبری، آموزش، انضباط، روحیه، ایمان، اعتقاد، انگیزه، شجاعت، ایثار، فداکاری، عشق به شهادت و...

کلیات و اصول رزم آفندی

تعریف آفند: هرگونه پیشروی به سمت دشمن به منظور انهدام او را آفند گویند.

آئین (دکترین) آفند: پیدا کردن، تثبیت کردن، جنگیدن (مانور)، تعقیب و انهدام دشمن.

جنبه‌های تاکتیکی زمین: دید و تیر، اختفاء و پوشش، موانع، عوارض حساس و معابر وصولی.

عوامل شناخت دشمن: گسترش، ترکیب، استعداد، فعالیت‌ها، نقاط قوت و ضعف.

انواع عملیات آفندی: حرکت برای اخذ تماس، تک هماهنگ‌شده، استفاده از موفقیت و تعاقب.

سایر عملیات آفندی: شناسایی با رزم، تک تعجیلی، رزم تصادفی، تک مختل‌کننده، تک فریبنده و تظاهر به تک و یورش و تاخت و تاز.

اصول عملیات آفندی (ملاحظات اساسی)

۱- درک صحیح مأموریت؛

۲- شناخت کامل جوّ، زمین و دشمن؛

۳- طرح‌ریزی مشروح با مشاوره و هماهنگی رده‌های اجرایی و تجسم حوادث احتمالی؛

٤- حفظ اسرار و فریب دشمن از آگاهی یافتن طرح‌های عملیات و تمرکز خودی؛

٥- اختصاص توان رزمی تعیین‌کننده در طرح عملیات؛

٦- خاموش کردن آتش‌های پدافندی دشمن و خنثی کردن موانع؛

۷- درگیر نمودن دشمن در جلو، جناحین، عقب و فضا به طور سریع؛

۸- حفظ دور تک و ابتکار عمل به منظور هدایت تک به عمق دشمن؛

۹- داشتن قابلیت انعطاف در مقابل وضعیت‌های غیرمترقبه؛

۱۰- پیش‌بینی پشتیبانی متحرک و مداوم.

تقسیم نیرو در آفند

۱- **تک اصلی:** مشخصات آن عبارت است از تخصیص یگان مانوری بیشتر، تقدم استفاده از آتش پشتیبانی و سایر پشتیبانی‌های رزمی، استفاده از بهترین معبر وصولی، واگذاری جبهه کم عرض‌تر از حد معمول، حرکت احتیاط به دنبال آن و هدایت تک علیه نقاط ضعف دشمن.

۲- **تک پشتیبانی:** تک پشتیبانی به صورت زیر به موفقیت تک اصلی کمک می‌کند.

الف- تصرف زمینی که مانور تک اصلی را تسهیل کند؛

ب- تثبیت دشمن در موضع؛

ج- منحرف کردن و به اشتباه انداختن دشمن از تک اصلی؛

د- وادار کردن دشمن به استفاده از احتیاط قبل از زمان لازم؛

هـ- جلوگیری از تقویت نیروهای دشمن در منطقه تک اصلی.

۳- **احتیاط:** یگان احتیاط مشت فرمانده می‌باشد و در هر کجا که لازم باشد از آن استفاده می‌کند.

انواع مانور آفندی: عبارتند از مانور رخنه‌ای، احاطه‌ای یک‌طرفه و دوطرفه، جبهه‌ای، نفوذی و مانور دورانی.

اقدامات کنترلی در تک: عبارتند از هدف یا هدف‌ها، خط عزیمت (خ ع)، زمان تک، خطوط حد، محور پیشروی، سمت تک، منطقه تجمع، خطوط خیز و نقاط بازرسی.

عملیات پدافندی

تعریف پدافند: اقداماتی که طی آن با استفاده از کلیه وسایل و امکانات موجود از پیشروی و هجوم دشمن جلوگیری به عمل می‌آورد و منجر به انهدام نیروهای تک‌ور می‌گردد.

منظور از عملیات پدافندی

۱- شکست آفند دشمن (منظور اساسی از عملیات پدافندی)؛

۲- صرفه‌جویی در قوا در یک منطقه به منظور تمرکز در منطقه‌ای دیگر؛

۳- به دست آوردن زمان و ایجاد شرایط مناسب برای عملیات آفندی؛

٤- حفظ زمین حساس و جلوگیری از ورود دشمن به یک منطقه حیاتی؛

۵- مشغول نگهداشتن دشمن در یک منطقه به منظور تک نیروی خودی در منطقه‌ای دیگر؛

٦- فرسوده کردن و کاهش مقدورات آفندی دشمن؛

۷- به دام انداختن و انهدام نیروهای دشمن.

اصول عملیات پدافندی

۱- آشنایی و آگاهی نسبت به دشمن؛

۲- زیر نظر داشتن میدان نبرد؛

۳- اعمال تمرکز در زمان و مکان حساس؛

٤- رزم به صورت گروه مرکب رسته‌های رزمی؛

۵- حداکثر استفاده از امتیاز موقعیت پدافندی.

ملاحظات اساسی پدافند

عبارت است از استفاده صحیح از زمین، تأمین، پشتیبانی متقابل پدافند دورادور، پدافند در عمق، قابلیت انعطاف، پراکندگی، حداکثر استفاده از عملیات آفندی، استفاده از زمان موجود، تهیه و هماهنگ کردن طرح‌های پشتیبانی و طرح پشتیبانی آتش، عملیات سد و موانع و عملیات ممانعتی، پدافند ضدزره و پدافند هوایی.

انواع عملیات پدافندی

پدافند از نظر نوع عملیات عبارت است از: پدافند منطقه‌ای و پدافند متحرک.

عوامل مؤثر در انتخاب نوع پدافند عبارت است از:

۱- مأموریت: برای نگهداری و حفظ زمین، پدافند منطقه‌ای و برای انهدام نیرو، پدافند متحرک مناسب هستند.

۲- زمین: مناسب بودن زمین برای تأخیر و کشاندن دشمن به منطقه کشتار، پدافند متحرک را و در غیر این‌صورت، پدافند منطقه‌ای را می‌طلبد.

۳- تحرک: تحرک بالا، پدافند متحرک و تحرک کم، پدافند منطقه‌ای را ضروری می‌نماید.

٤- برتری هوایی: در اختیار داشتن برتری هوایی، پدافند منطقه‌ای و در غیر این صورت، پدافند متحرک را مناسب می‌نماید.

۵- شرایط هسته‌ای و امکان بکارگیری جنگ‌افزارهای شیمیایی توسط دشمن، پدافند متحرک و در غیر این صورت، پدافند منطقه‌ای را تجویز می‌کند.

٦- زمان: وجود زمان کافی، پدافند منطقه‌ای و در غیر این صورت، پدافند متحرک را الزامی می‌کند.

۷- دشمن: اطلاعات کم از دشمن، پدافند متحرک و داشتن اطلاعات کافی از دشمن، پدافند منطقه‌ای را طلب می‌کند.

تقسیم نیرو در پدافند: عبارت است از رده تأمینی، رده مقدم پدافندی، رده احتیاط.

اقدامات کنترلی در پدافند: عبارت است از لبه جلویی منطقه نبرد (لجمن)، نقاط هماهنگی، مواضع سدکننده، اقدامات کنترلی آتش، اقدامات کنترلی حرکت، وسایل مخابراتی.

اقدامات کنترلی پاتک: عبارت است از خط عزیمت، هدف، سمت تک و خطوط حد، موضع تک و مسیر حرکت و سایر اقدامات کنترلی مانند کنترل آتش و کنترل حرکت.

عملیات حرکات به عقب

تعریف: عبارت است از هر نوع حرکت یا مانوری که یک یگان در حالت و شرایط رزمی، به عقب و در جهت دور شدن از دشمن انجام می‌دهد.

منظور: اجرای حرکات به عقب اغتنام فرصت، اصلاح و بهتر کردن وضعیت جاری و یا پرهیز از وضعیت بدتر، به دست آوردن ابتکار عمل و بکارگیری یگان‌ها در عملیاتی تحت شرایط مطلوب‌تر و در نهایت شکست دشمن می‌باشد.

ویژگی‌های ملاحظات حرکات به عقب

۱- مشکل کنترل و فرماندهی؛

۲- ازدیاد فشار جسمی و روانی بر نیروهای خودی؛

۳- احساس شکست در نیروها بر اثر قطع تماس با دشمن؛

٤- عدم نظم و کنترل که موجب اغتشاش، فرار و وحشت نیروهای خودی می‌شود.

۵- حرکات به عقب بدون سازمان و از هم گسیخته در مقابل دشمن قوی و آگاه، به فاجعه تبدیل می‌گردد.

٦- موفقیت در حرکات به عقب به رهبری، فرماندهی قوی، سازمان‌دهی دقیق، نظم و ترتیب، کنترل شدید و تقویت روانی نفرات نیاز دارد.

۷- اجتناب از درگیری قطعی با دشمن؛

۸- در این عملیات طرح‌ریزی تمرکزی و اجرای عملیات به تصویب رده بالا نیاز دارد.

حفظ روحیه در حرکات به عقب: اقدامات حفظ روحیه عبارتند از رهبری قوی، انضباط شدید، تخلیه فوری شهدا، طرح‌ریزی قبلی.

انواع حرکات به عقب

۱- **عقب‌نشینی:** نوعی از عملیات است که در آن، تمام یا قسمتی از نیروی گسترش یافته با دشمن قطع درگیری می‌نماید و انواع آن عبارتند از عقب‌نشینی اختیاری و عقب‌نشینی اجباری.

۲- **عملیات تأخیری:** نوعی از عملیات پدافندی است که نیروی تحت فشار دشمن در حالی که تلفات را به دشمن وارد می‌سازد، بدون درگیری قطعی مکان را با زمان معاوضه می‌کند و به دو روش اجرا می‌شود.

الف- تأخیر روی مواضع متوالی: اشغال متوالی هر یک از مواضع در عقب وسیله یگان در یک زمان.

ب- تأخیر روی مواضع متناوب: گسترش نیرو در دو موضع پشت سر هم، به گونه‌ای که وقتی موضع اول توسط بخشی از نیرو اشغال شد و با دشمن درگیر شد، بخشی دیگر از نیرو در موضع دوم مستقر گردیده و خود را برای پوشش نیروی اول برای قطع درگیری آماده می‌کند.

۳- **عقب‌روی:** نوعی از عملیات است که نیروها بدون تماس با دشمن برابر طرح به طور منظم به عقب حرکت می‌کنند.

طرح‌ریزی حرکات به عقب

۱- عقب‌نشینی اختیاری: در عقب‌نشینی اختیاری نیرو به دو قسمت عمده قوا و عناصر باقیمانده در تماس تقسیم می‌شود.

۲- عقب‌نشینی اجباری: در عقب‌نشینی اجباری نیرو به دو قسمت عمده قوا و نیروی پوشش تقسیم می‌شود (ممکن است نیروی پوشش در هر رده امکان‌پذیر نباشد).

۳- عملیات تأخیری: در عملیات تأخیری مانند عملیات پدافندی نیرو به سه رده شامل رده تأمین، عمده قوا و احتیاط تقسیم می‌شود.

عملیات تعویض

تعویض در محل: عبارت است از تعویض تمام یا قسمتی از یک یگان در منطقه رزم توسط یگان دیگر.

منظور از تعویض در محل

۱- تعویض یگانی که احتیاج به استراحت و تجدید سازمان دارد.

۲- تعویض یگانی که برای عملیات طراحی شده مناسب نیست.

۳- بکارگیری یگان احتیاط به جای نیروهای خط مقدم.

انواع تعویض در محل

۱- تعویض در محل برای ادامه پدافند.

۲- تعویض در محل برای ادامه تک.

عبور از خط

عبور از خط عملی است که در آن یک یگان با عبور از یگانی که با دشمن در تماس است تک یا عقب‌نشینی می‌کند.

تفاوت عبور از خط و تعویض در محل برای ادامه تک

۱- در تعویض در محل برای ادامه تک یگان تعویض‌شونده از منطقه خارج می‌شود.

۲- در عبور از خط یگان عبورشونده در محل باقی مانده و به یگان عبورکننده کمک می‌کند تا از برد پشتیبانی خارج شود.

ضمیمه۳: نظریات فرماندهان

به منظور آگاهی از نظریات و تجربیات فرماندهانی که در دوران جنگ تحمیلی در رده گروهان و گردان انجام وظیفه نموده‌اند، خلاصه‌ای از مصاحبه آنان در مورد گردان پیاده به شرح زیر می‌باشد:

امیر سرتیپ ستاد محمد حسین دادرس جانشین نزاجا

نظر ایشان در مورد نیازمندی‌های سازمان و تجهیزات گردان‌های پیاده در آینده چنین عنوان شده است:

۱- **سازمان:** گردان‌های پیاده‌ای بایستی به گونه‌ای پیش‌بینی و سازمان‌دهی گردند که ضمن توانایی عمل در انواع زمین‌ها، تأثیر لازم در عملیات مختلف را داشته باشند و دارای سازمانی ساده که حداقل استفاده از کارکنان پایور و حداکثر استفاده از کارکنان وظیفه را در برگیرد، باشند.

۲- **تجهیزات انفرادی:** ایشان معتقدند تجهیزات انفرادی بایستی سبک و قابل حمل در کلیه مراحل رزم و قابل استفاده در هر نوع شرایط جوی باشد، چرا که تجهیزات موجود در دوران دفاع مقدس باعث دست و پاگیری و در بعضی مواقع پایین آمدن اعتماد به نفس در کارکنان شده بود.

۳- **جنگ‌افزارهای ضدتانک:** در آینده جنگ‌افزارهای ضدتانکی می‌تواند کارآیی لازم را داشته باشد که دارای خصوصیاتی از قبیل برد مناسب بوده، به وسیله نفر حمل شود و در همه شرایط رزم و در هر نوع شرایط جوّی قابل استفاده، هدایت‌شونده ، با قدرت تخریب و کشندگی مناسب، سادگی از نظر آموزش و یادگیری، هم ضدتانک باشد هم ضدسنگرهای بتون آرمه، قابل استفاده کلیه نیروها، ضد نفرات مجتمع و کاملاً هوشمند باشد.

۴- **جنگ‌افزارهای پشتیبانی آتش با سهم تیر منحنی:** جنگ‌افزارهای پشتیبانی آتش مورد نیاز گردان‌های پیاده در آینده بایستی با داشتن حداقل خدمه حداکثر کارآیی را داشته باشد و دارای مهمات دودانگیز، روشن‌کننده و

سوختار شدید با حداکثر تخریب باشد. از دیگر خصوصیات این جنگ-افزارها قابل حمل بودن به وسیله نفر و خودرو و قابل استفاده در کلیه مراحل رزم و هر نوع زمین و شرایط جوی است. نهایتاً این نوع جنگ-افزارها بایستی کاملاً هوشمند و انجام محاسبات آن به صورت خودکار باشد.

۵- **تحرک:** به شرط بالا بردن تحرک تا ۱۰۰٪ توسط لشکر و همچنین وسایل محمول هوایی مشکلی نخواهد بود.

امیر سرتیپ دوم جمشید فرقانی نیا فرمانده اسبق لشکر۳۰ پیاده گرگان، جانشین معاونت آموزشی نزاجا و در حال حاضر جانشین اداره آموزش سماجا

ایشان گردان‌های پیاده با تحرک ۱۰۰٪ را توصیه می‌کنند و اظهار می‌دارند گردان-های پیاده بایستی به سه قسمت تقسیم شوند: گردان‌های پیاده کوهستانی، گردان‌های هوابرد و گردان‌های پیاده مکانیزه. ایشان در مورد کارکنان معتقد است که بایستی کارکنان پایور و وظیفه به صورت حرفه‌ای در اختیار ارتش باشند و معتقد به استفاده از سربازان پیمانی نیز می‌باشد. در مورد تجهیزات و جنگ‌افزارهای انفرادی و ضدتانک و پشتیبانی آتش معتقد است ما بایستی تنوع جنگ‌افزارهای موصوف را از بین برده و از جنگ‌افزارهایی استفاده نماییم که بیشتر در بلوک غرب استفاده می‌شود و مورد استفاده بر روی تانک، نفربر و خودرو و قابل حمل به وسیله نفر و مورد استفاده در کلیه شرایط رزم و آب و هوایی باشد و وزن آن متناسب با جثه کارکنان موجود باشد. در خاتمه اظهار امیدواری می‌نماید که در آینده با توجه به مدرنیزه شدن گردان‌های پیاده، ما به لطف خداوند ارتش سرافرازی داشته باشیم.

امیر سرتیپ۲ پیاده ستاد احمد ملک‌زاده استاد درس استراتژی عملیاتی در دانشکده دفاع ملی

ایشان علل نارسایی گردان‌های پیاده را این‌گونه عنوان کردند:

۱- کمبود سلاح و تجهیزات سازمانی و معیوب بودن تعدادی از سلاح‌های موجود.
۲- ناشایستگی افراد در بکارگیری سلاح و تجهیزات.
۳- تنوع سلاح و تجهیزات و مشکلات تعمیر و نگهداری آنها.
۴- ضعف آموزش در رابطه با آشنایی با سلاح و همچنین مسائل تعمیراتی آن.
۵- عدم پیش‌بینی وسایل سنگین مهندسی در گردان‌های پیاده.
۶- تنوع خودروهای واگذاری به گردان‌ها و مشکلات تعمیراتی آنها و کمبود خودروها.
۷- کافی نبودن آتش پشتیبانی عمومی منظورشده در جداول سازمان گردان‌ها.
۸- عدم واگذاری وسایل دید در شب و وسایل و تجهیزات ش. م. ه.
۹- کافی نبودن امکانات سازمانی دسته بهداری گردان‌ها.
۱۰-عدم واگذاری حمام صحرایی به گردان‌ها.

امیر سرتیپ۲ پیاده ستاد محمدباقر دانش، جانشین سابق دانشگاه عالی دفاع ملی

علل نارسایی جداول سازمان و تجهیزات گردان‌های پیاده از نظر ایشان:

ایشان اعتقاد دارند به علت اینکه الگوهای سازمانی در ارتباط با گردان‌های پیاده در جنگ مدّ نظر قرار نگرفته و از نظر پرسنل و تجهیزات گردان‌های پیاده، پشتیبانی و تدارک نشده و همیشه درصد واگذاری کارکنان و تجهیزات به این گردان‌ها کم بوده است، لذا بررسی نارسایی‌های جداول سازمان و تجهیزات به علت اینکه گردان‌ها در یک جنگ منظم کلاسیک شرکت نکرده‌اند و از طرفی آمادگی رزمی آنها در حدود ۹۵ ٪ بوده است مشکل است. وی بر این باور است که علل پیروزی در جنگ‌ها حاصل جان‌فشانی و ایثارگری دلاورمردانی بوده است که با نثار خون پاک خود جبران کمبودها و نارسایی‌ها را نموده‌اند. به نظر وی علل نارسایی‌های جداول سازمان و تجهیزات به شرح ذیل است:

۱- کسر سازمان کارکنان پایور و تجهیزات.

۲- ناتوانی در تحکیم هدف و تجدید سازمان.
۳- عدم پشتیبانی کافی آتش به علت ضعف آتش سازمانی گردان پیاده.
۴- ناتوانی در انجام تدارکات و آمادرسانی، به ویژه تدارک مهمات و آب-رسانی در زمان جنگ.
۵- ضعف در سیستم ترابری، اخراجات و تعمیر و نگهداری در سطح گردان، به علت پایین بودن تحرک گردان پیاده.
۶- ضعف آموزش.
۷- ضعف و نارسابی در سیستم تخلیه مجروح و مداوای مجروحین.
۸- ضعف پدافند هوایی و آسیب‌پذیری گردان در مقابل حملات هوایی و ش. م. ه.
۹- واگذاری مناطق وسیع و خارج از قدرت یگان.
۱۰-عدم کارایی تفنگ۱۰۶ با توجه به وجود موشک‌های مدرن.
۱۱-ضعف کارایی ارتباطی.

امیر سرتیپ۲ ستاد پیاده سعید ضیاءالملکی، پژوهشگر سابق دفتر مطالعات دانشگاه عالی دفاع ملی:

نامبرده در طول جنگ تحمیلی در لشکر۵۸ ذوالفقار خدمت نموده است و اصولاً اعتقاد دارند به دلیل اینکه جنگ ما جنگ کلاسیکی نبوده، که سایر کشورهای دیگر انجام می‌دهند، نمی‌توان الگوی پیاده در جنگ را الگوی مناسبی قلمداد نمود، ولی مشکلات و نارسایی‌های عدیده‌ای وجود دارد که اهم آن عبارتند از:

۱- پیش‌بینی نشدن تحرک مناسب برای یگان‌های پیاده.
۲- کافی نبودن سلاح‌های پشتیبانی که در جداول پیش‌بینی شده است.
۳- پیش‌بینی نشدن دسته‌های ش. م. ه در جداول سازمان گردان‌ها.
۴- کافی نبودن دسته مخابرات در سطح گردان.
۵- تفنگ ژ۳ (سازمانی) کارایی چندانی ندارد.

سرهنگ۲ پیاده محسن قرهی

مقدمه

تغییر و تحول روزافزون علم و تکنولوژی در همه زمینه‌ها لزوماً نگرش جدیدی را در تمامی ساختارهای گذشته می‌طلبد. نیروی زمینی مهم‌ترین نیروی نظامی کشور است که مسئولیت حفظ حدود و ثغور کشور را به عهده دارد و باید با پشتیبانی سایر نیروها چنین مأموریتی را به انجام برساند. گردان‌های پیاده آن نیرو که در اصل واحدهای اجرایی نیروی زمینی هستند، بایستی با اتکاء بر هدایت و فرماندهی تیپ در زمینه‌های اطلاعاتی و عملیاتی و پشتیبانی پرسنلی و لجستیکی لشکر مسئولیت خویش را به انجام برسانند.

اهمیت گردان پیاده که در آفند و پدافند تعیین‌کننده سرنوشت نهایی میدان جنگ است، می‌طلبد که یگان پیاده از تمامی امکانات جهت تقویت و آمادگی و به پای کار بودن آن بهره‌مند باشد. ولی آیا چنین است ؟

آیا در تقسیم پرسنلی، لجستیکی و سایر امور، اهمیت شایسته‌ای متناسب با مأموریت گردان به آن واگذار می‌شود؟

تجزیه و تحلیل

جهت به دست آوردن بهره‌وری بیشتر از گردان‌های پیاده پیشنهاداتی در چهار فاکتور پرسنلی، اطلاعاتی، عملیاتی و لجستیکی بدین شرح ذکر می‌شود:

۱- در زمینه پرسنلی

الف- افزایش سقف درجه فرمانده گردان پیاده از سرهنگ دومی به سرهنگی و افزایش سقف تحصیلات از کارشناسی به کارشناسی ارشد.

ب- افزایش سقف درجه معاون گردان و رؤسای ارکان ستاد گردان و فرماندهان گروهان‌ها به یک درجه بالاتر از وضعیت موجود.

ج- استفاده از بهترین و مجرب‌ترین افسران برای تصدی مسئولیت فرماندهی گردان.

د- پرداخت بالاترین حقوق و مزایا به کارکنان پایور و وظیفه در گردان‌های پیاده.

هـ- احتساب توقف در درجه با مدت قدمت کمتر برای کارکنان شاغل در گردان‌های پیاده، مثلاً سه سال توقف برای ترفیع بعدی.

و- کم کردن خدمت وظیفه برای سربازانی که در گردان‌های پیاده خدمت می-کنند. مثلاً سه ماه تفاوت با سایر سربازان هم‌طراز خود.

۲- در زمینه اطلاعاتی

الف- در اختیار گذاردن وسایل شناسایی جدید از قبیل هواپیماهای بدون سرنشین جهت شناسایی.

ب- دسته‌های شناسایی گردان عملاً در اختیار ارکان دوم گردان‌ها قرار داشته باشد تا ضمن حفظ وحدت فرماندهی بتواند مأموریت شناسایی را انجام دهد.

ج- اعزام کارکنان شاغل در ارکان دوم به طی دوره‌های اطلاعاتی، از قبیل دوره اطلاعات رزمی، تفسیر عکس‌های هوایی و سایر دوره‌های مشابه.

د- عدم استفاده از پرسنل دوره‌دیده اطلاعاتی در مشاغل غیراطلاعاتی، به منظور جلوگیری از تضعیف ارکان دوم یگان‌ها.

هـ- استفاده از کارکنان با ضریب هوشی بالا به وسیله سنجش جهت اعزام به خدمت در ارکان دوم.

و- عدم ارجاء مأموریت‌های غیراطلاعاتی به رکن دوم‌ها، از قبیل تعیین نگهبانی و یا مأموریت های بازرسی با آنان.

۳- در زمینه عملیاتی

الف- استفاده از مجرب‌ترین افسر گردان (پس از فرمانده و معاون گردان) در سمت رئیس رکن سوم گردان و افسرعملیات رکن سوم گردان.

ب- استفاده از کارکنان باتجربه در رکن سوم به عنوان کمک به هدایت عملیاتی گردان.

ج- تجدید نظر در برنامه آموزشی یگان‌های درگیر و غیردرگیر.

د- اختصاص دادن ساعات بیشتر به برنامه‌های ورزش و حتی‌الامکان کوهنوردی و اعتماد به نفس در برنامه آموزش یگان‌های غیردرگیر.

هـ- تعیین محل سازمانی برای افسر ورزش در گردان پیاده با حداکثر درجه سروانی.

و- برنامه‌ریزی علمی ـ ورزشی و اجرای آن تحت نظارت و هدایت افسر ورزش.

ز- اضافه نمودن اقلام و تجهیزات مورد نیاز ورزش‌های مختلف در جدول تجهیزات یگان‌ها و تعیین چانل آمادی برای آنها به منظور مداومت در پشتیبانی ورزش یگان‌ها.

۴- در زمینه لجستیکی

الف- فعال نگه داشتن تحرک خودرویی گردان به صورت ۱۰۰٪ آماده.

ب- واگذاری اعتبار ریالی به گردان برای حاضربکاری خودروهای خود تا تعمیر رده۳ و یا ادغام گروهان‌های تعمیر و نگهداری و تقسیم امکانات گردان تعمیر و نگهداری در گردان‌های پیاده به منظور پشتیبانی بهتر.

ج- تأکید در مورد تخصص کارکنان واگذاری به گردان‌ها در زمینه‌های پشتیبانی و خدماتی و تعمیراتی.

د- حذف چانل‌های ممتد تدارکاتی و پشتیبانی که موجب اتلاف وقت گردان می‌شود.

هـ- حذف اقلام غیرکاربردی سنگین از جدول تجهیزات گردان پیاده.

نتیجه‌گیری

به نظر من توجه به موارد قید شده در متن مقاله در شرایط امروزی گردان‌های پیاده می‌تواند در جهت کاربردی شدن آن کمک نماید. تجربه جنگ‌های امروزی، به خصوص جنگ ایران و عراق و جنگ خلیج فارس و جنگ در افغانستان نشان می‌دهد

که نباید از توجه به گردان پیاده غافل بود. من فکر می‌کنم با توجه به شرایط اقلیمی میهن ما بایستی دو نوع گردان پیاده را تجهیز و سازمان‌دهی نماییم. برای مناطق جنوبی و کویری گردان‌های مکانیزه را تجهیز و از کاربرد گردان پیاده خالص جلوگیری نماییم و برای مناطق کوهستانی از یگان‌های سبک پیاده کوهستانی استفاده نماییم و در جهت کیفی کردن و عملیاتی کردن یگان‌های کوهستانی تلاش نماییم. تجهیز یگان‌ها از نظر وسایل مخابراتی پیشرفته و سبک و آشنایی با علوم نظامی روز برای کارکنان گردان‌ها ضرورت دارد.

بررسی و تجزیه و تحلیل علمی جنگ‌های اخیر خارج از هرگونه حب و بغض و پیش‌فرض و قضاوت اولیه و به دست آوردن نقاط ضعف و قوت آن برای مراکز علمی نظامی ما ضروتی اجتناب‌ناپذیر است، که امید است در آینده نزدیک با توجه به حضور امراء و افسران عالی‌رتبه در این مراکز، که خود آنان یکی از بزرگ‌ترین و طولانی‌ترین جنگ‌های اخیر را تجربه و هدایت کرده‌اند، این مهم به عمل آید.

سرهنگ پیاده امیر رستگارمنش

پیشنهادات

با توجه به پیشرفت تکنولوژی و مدرنیزه شدن سلاح‌ها و ارتش‌های جهان و تأثیر انکارنشدنی آنها در رزم‌ها به نظر می‌رسد یگانی از کارایی و توان رزمی والایی برخوردار می‌باشد که به تمام سیستم‌های مدرن روز مجهز شود تا به نحو مطلوب بتواند اجرای مأموریت نموده و به اهداف از پیش تعیین‌شده خود رسیده و در نگهداری آنها دچار مشکل نشود.

فاکتور ایمان، اعتقاد، شجاعت در امر رزم‌آوری و مبارزه در جایگاه مقدس خود باقیست، ولی چیزی که سرباز را قادر می‌سازد تا به نحو مطلوب از فاکتورهای فوق استفاده نموده و بر دشمن فائق گردد، سلاحی است که با آن به سوی دشمن نشانه رفته و او را هدف قرار می‌دهد. هرچند درجه اهمیت فاکتورهای فوق بالا می‌باشد ، ولی اگر سلاحی که سرباز با آن تیراندازی می‌کند، فاقد کارایی مطلوب و تجهیزات ویژه قرن

حاضر باشد، کاری از پیش نخواهد برد و این امر مسلم در اقصی نقاط جهان به اثبات رسیده و برای هیچ‌کس مبهم نمی‌باشد.

مسئله تکنولوژی در ارتباطات و ساخت جنگ‌افزارهای مدرن امروز باعث بالا رفتن کیفیت و کمیت جنگ امروزی در صحنه عملیات است.

از جمله مزیت‌های برتر در جنگ‌های پیشرفته امروز دنیا سهولت حرکت و تحرک ویژه در یگان‌های مانوری بوده که حقیقت پیروزی در عملیات آفندی را سهل نموده و تسخیر هدف را میسر می‌سازد.

نهایتاً جهت رسیدن به این مهم بایستی کلیه تلاش‌ها جهت مکانیزه شدن یگان‌های مانوری و واگذاری ادوات شنی‌دار و چرخ‌دار به یگان‌های پیاده متمرکز گردد، تا در اجرای مأموریت‌های محوله دچار مشکل نشویم.

یکی از مسائل مهم امروزی خصوصاً در یگان‌های پیاده مسئله تأمین ارتباط است، که سلسله اعصاب فرمانده می‌باشد، زیرا هرچند تصمیم اتخاذشده از سوی فرماندهی با تدبیر عالی باشد، ولی نتواند آن را به موقع به یگان‌های تابعه و زیر امر خود ابلاغ نماید، یگان همچنان در بلاتکلیفی باقی خواهد ماند.

سیستم‌های ارتباطی کنونی در ارتش‌های جهان امروز به حداقل زمان کاهش یافته و بدون استفاده از وسایل دست و پاگیر تماس را به راحتی برقرار نموده و مأموریت‌ها بدون درنگ ابلاغ می‌شود.

در خاتمه به منظور جمع‌بندی اهم موارد یادشده در ارتباط با ساختار فعلی یگان-های پیاده پیشنهادات ذیل تقدیم و ارائه میشود:

۱- مجهز نمودن گردان‌های پیاده به سلاح‌های مدرن امروزی که دارای سیستم دوربین‌های دید در شب باشد.

۲- واگذاری ادوات شنی‌دار و چرخ‌دار که دارای تحرک عالی بوده و در مقابل ارتش‌های امروز قابل رقابت باشد.

۳- تخصیص وسایل مخابراتی و ارتباطی به یگان‌ها جهت تسریع در ارسال و مراسلات پیام‌ها و مکالمات.

۴- تجهیز نمودن سلاح‌های ضدتانک پیاده (از جمله موشک تاو) به تأمین و تحرک کافی (نصب روی نفربر M113).

۵- در خصوص دسته «ش. م. ه» تیپ‌های پیاده تدابیری اندیشیده شود که یگان بتواند در مقابل تک‌های شیمیایی دشمن عکس‌العمل مناسب داشته و ضمن حفظ کارکنان خدمه در مقابل مصونیت‌های شیمیایی عکس‌العمل مناسب را نشان داده و به طور کلی تک متقابل را اجراء کند.

۶- با توجه به نیاز مبرم پشتیبانی آتش (خمپاره انداز۱۲۰) پیشنهاد می‌گردد دو قبضه به سازمان دسته فوق اضافه شود.

ضمیمه۴: نقش دانشکده فرماندهی ستاد در دوران دفاع مقدس[۱]

با توجه به اینکه افسرانی که در قرارگاه‌های مختلف تا رده تیپ مسئولیت داشتند، اکثراً دوره دافوس را طی کرده بودند، لذا مناسب است به نقش دافوس در ارتقاء کیفی عملکرد آنان پرداخته شود.

ابتدا ضروری است به عنوان مقدمه تاریخچه‌ای مختصر از دافوس در سال انقلاب و چگونگی سیر ادامه کار دافوس تا شروع جنگ و سال اول جنگ ارائه شود.

- آخرین دوره دافوس نیروی زمینی (آن موقع دافوس آجا نبود) قبل از انقلاب، روز دهم مهرماه سال۱۳۵۷ طبق مراسم متداول، با حضور طاغوت افتتاح شد.
- به علت خیزش‌های انقلابی مردم ایران اسلامی و البته حضور تعدادی از دانشجویان و اساتید در این خیزش‌ها و تظاهرات ضدشاه و شرایط روزِ آن زمان، انضباط و آموزش از هم پاشیده بود و کلاس‌ها به دلایل مختلف به موقع انجام نشده یا تشکیل نمی‌شد.
- دافوس نهاجا در سال ۱۳۵۰ یا ۱۳۵۱ تشکیل شده بود، ولی نیروی دریایی دارای دافوس نبود و افسران نداجا در خارج از ایران طی دوره می‌کردند.
- آخرین دوره دافوس که در روز ۱۳۵۷/۰۷/۱۰ آغاز شده بود، به دلیل مسائل انقلاب از روز ۱۹ بهمن‌ماه همان سال به طور غیرمنتظره و تا دستور ثانوی تعطیل شد و تعداد قریب به ۲۵۰ نفر دانشجویان که همه افسر ارشد بودند و حدود ۸۰ نفر کادر آموزشی دانشگاه را ترک کردند.
- روز بیست و دوم بهمن‌ماه، تعدادی از مردم به دافوس هجوم آوردند و در این هجوم اغلب ساختمان‌های دافوس به آتش کشیده شد.

---

۱. متن سخنرانی سرتیپ ستاد ناصر آراسته در جمع اساتید و دانشجویان دافوس در سال۹۱.

- البته تا قبل از تعطیلی دافوس، دانشجویان و اساتیدی که در کلاس‌ها هم حاضر می‌شدند بیشتر به بحث و مذاکره درخصوص شرایط سیاسی و حرکت‌ها و تظاهرات انقلابی می‌پرداختند و به خوبی همگرائی و همراهی اساتید (بیشترین تعداد آنها) و بیشترین تعداد دانشجویان با نهضت انقلابی امام خمینی(ره) و حرکت مردم را می‌شد در کلاس‌ها مشاهده کرد.
- روز سی‌ام بهمن‌ماه سال۱۳۵۷ (هشت روز بعد از وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی) رادیو ایران طی اعلامیه‌ای از افسران (اساتید و دانشجویان) دافوس درخواست نمود به دافوس جهت ادامه تحصیل مراجعه نمایند. این امر نشان می‌داد که نظام انقلابی به اهمیت این مرکز و بهره‌گیری از افسران آن واقف و به این امر امید بسته است و در فاصله کوتاهی از این امر انتصاب سرهنگ فروزان (از اساتید دافوس) به رئیس گروه مشاورین امام(ره) در ستاد ارتش و بعد، انتصاب وی به عنوان فرمانده ژاندارمری و با آغاز جنگ فرمانده قرارگاه اروند یکی از ده‌ها دلیل است که این آگاهی به ارزش دافوس از منظر شورای انقلاب و امام راحل را ثابت می کند.
- دافوس بعد از این اعلامیه توسط رادیو به تدریج و مجدداً تشکیل شد.
- در اردیبهشت‌ماه سال۵۸ برابر دستور امیر شهید فلاحی فرمانده وقت نزاجا (که خود توسط سرهنگ فروزان شاغل در گروه مشاورت حضرت امام(ره) که زیر نظر حضرت آیت الله خامنه‌ای «مدظله العالی» فعالیت می-کرد، انتخاب و پیشنهاد شده بود) دوره مزبور پایان یافت و این در حالی بود که دروس دافوس به رده تیپ رسیده بود و تا ورود به رده لشکر هنوز خیلی مانده بود و مراسم فارغ‌التحصیلی دانشجویان همراه با دانشجویان دانشگاه پدافند ملی در خیابان فعلی ستاد کل با حضور مرحوم مهندس بازرگان نخست‌وزیر دوران انقلاب و عبدالله امیر انتظام انجام گرفت و

بلافاصله دانشگاه دفاع ملی منحل و دافوس نزاجا برای تعمیر ساختمان‌ها و تجدید نظر در آموزش‌ها بطور موقت غیرفعال و تعطیل شد.

- بعد از اقدام فوق تعدادی از اساتید و دانشجویان از خدمت رها و بازنشسته شدند و تعدادی نیز در نیروی زمینی به کار گرفته شده و دانشجویان سایر نیروهای دیگر نیز به سازمان خود مراجعت کردند.
- شهید فلاحی به دلیل علاقمندی بسیار به دافوس و وقوف به حساسیت آن، با اختصاص ۱۰ میلیون تومان اعتبار دستور بازسازی دافوس را صادر کرد، که البته تعداد اساتید حاضر در دافوس شاید ۱۰ نفر بیشتر نمی‌شدند که بلاتکلیف یا در انتظار انتصاب بودند.
- قرار بود دافوس در پایان نیمه اول سال ۱۳۵۹ مجدداً افتتاح شود که به علت آغاز جنگ این امر متوقف شد، البته کار بازسازی ساختمان‌های دافوس به اتمام رسیده بود و آغاز به کار میسر بود، ولی جنگ این امر را متوقف کرد.
- چند نفر استادان باقی مانده با آغاز جنگ بلافاصله به اتاق جنگ نیروی زمینی در لویزان اعزام شدند.
- حال بعد از این تاریخچه که مقدمه بحث بود به «نقش دافوس در جنگ» البته به صورت فشرده و در حد ضرورت این زمان پرداخته می شود.
- جهت سهولت کار و نتیجه‌گیری مفید از بحث در این خلاصه ، نقش دافوس در چهار مؤلفه زیر، آن هم در خصوص هر کدام فقط با چند مورد ارائه می‌گردد، تا بتوانیم در مجموع نقش دافوس در دفاع مقدس را به اجمال مشخص نماییم.

۱- نقش اساتید و دانشجویان فارغ‌التحصیل دافوس در آخرین دوره، در شروع جنگ و در مدت جنگ.

۲- نقش فارغ‌التحصیلان دافوس قبل از انقلاب در دفاع مقدس.

۳- نقش دافوس (مستقر در تهران) در پشتیبانی از جنگ.

٤-دروس دافوس و تأثیر آن در جنگ.

در اینجا قبل از شروع بحث، ذکر خاطره‌ای به نقل از دانشمند فرهیخته، استاد عزیز امیر سرتیپ ستاد مسعود بختیاری در مورد شهید سپهبد علی صیادشیرازی را ضروری می دانم، تا اهمیت دافوس را از نگاه یک قهرمان ملی، گل سرسبد نیروهای مسلح، فاتح عملیات‌های بزرگ طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس، امیرالشهداء نیروهای مسلح دریابید. چند سال بعد از پایان جنگ بود، در مراسم افتتاح یکی از دوره های دافوس بعد از خیرمقدم و گزارش کلی توسط فرمانده دافوس ـ امیر سرتیپ خلبان رستمی ـ مدیر آموزش دافوس ـ سرهنگ بختیاری (امیر سرتیپ بختیاری) ـ گزارش آموزشی را به حضار ارائه می‌داد. اواسط گزارش ایشان سرتیپ صیادشیرازی (شهید سپهبد صیادشیرازی) که مقام مدعو بود، گزارش ایشان را قطع کرد و گفت: شما موظّف هستید همیشه این طور گزارش بدهید، که من (سرتیپ صیادشیرازی) وقتی کارآمدی افسران دافوس‌دیده را در جبهه‌ها دیدم، علی‌رغم نیازمندی‌های پرسنلی در گرماگرم جنگ در سال٦١ دستور دادم دافوس گشایش یافته و در درجه اول فرماندهان طراز اول ارتش و سپاه دوره دافوس را در کوتاه‌مدت (کمتر از یک سال) طی کنند (این نظر شأن و جایگاه دافوس در نگاه امیرالشهداء نیروهای مسلح را روشن می‌کند).

مؤلفه اول: نقش اساتید و دانشجویان آخرین دوره دافوس در جنگ و مسئولیت‌های جنگی

۱- با افتتاح نشدن دافوس به دلیل آغاز جنگ، استادان باقیمانده در دافوس بلافاصله به اتاق جنگ نیروی زمینی در لویزان اعزام شدند.

۲- تعدادی از اساتید و دانشجویان آن دوره با وقوع انقلاب و قبل از جنگ و یا با شروع جنگ پس از دریافت درجات اعطائی توسط حضرت امام(ره) و یا بدون اعطاء درجه، با درجه آن زمان خود به مسئولیت‌هایی منصوب شدند. از جمله:

- سرهنگ پیاده زین‌العابدین ورشوساز به فرماندهی تیپ در ل۲ مرکز.

- سرهنگ پیاده احمد نیکزاد (با درجه سرتیپی) به فرماندهی ل۲ مرکز.
- سرهنگ پیاده ماشاءالله صفری به فرماندهی ل۲۸.
- سرهنگ توپخانه هوشنگ عطاریان به فرماندهی ل۱ مرکز.
- سرهنگ زرهی هوشنگ بهرامی به معاونت تی۳ ل۹۲ زرهی.
- سرهنگ زرهی مهدی شیرازیان به فرماندهی تی۱ ل۹۲ زرهی.
- سرگرد پیاده محمود رستمی (بعداً مرحوم سرتیپ رستمی ف تی۵۵ و ف گمجن عشایری) به فرماندهی پش سماجا.
- سرهنگ پیاده کریم عبادت به معاونت تی ۵۵ هوابرد.
- سرهنگ توپخانه علی‌اصغر جمالی رئیس ستاد ل۲۸ کردستان.
- سرهنگ توپخانه غلامحسین امیربیگی افسرتوپخانه نیروی زمینی در جنوب.
- سرهنگ توپخانه مسعود بختیاری جانشین توپخانه ل۲۱.
- سرهنگ پیاده محسن شاهان فرماندهی گد۱۵۱پ دژ ل ۹۲.
- سرهنگ پیاده فروزان به فرماندهی ژاندارمری و بعد فرمانده قرارگاه اروند.
- سرگرد پیاده علی نیکفرد به مدیریت آموزش دانشگاه امام علی(ع) و متعاقباً معاون عملیاتی تی۱ ل۲۱.

۳- تعدادی از اساتید نیز بعد از انتصاب شهید صیادشیرازی، جهت طراحی عملیات به شرح زیر به قرارگاه‌های عملیاتی اعزام شدند:

- سرهنگ توپخانه اقبال محمدزاده به قرارگاه جنوب.
- سرهنگ توپخانه مسعود بختیاری به قرارگاه جنوب.
- سرهنگ توپخانه غلامحسین امیربیگی به قرارگاه جنوب.
- سرهنگ توپخانه هوشنگ نوابی به قرارگاه جنوب.
- سرهنگ توپخانه نصرت‌الله معین‌وزیری به قرارگاه جنوب.
- سرهنگ پیاده محسن شاهان به قرارگاه جنوب.

- سرهنگ پیاده غلامحسین قرائی به قرارگاه غرب.
- سرهنگ پیاده احمد دلگشا به قرارگاه غرب.
- سرهنگ پیاده محمد شکیبامقدم به قرارگاه غرب.

٤- افسران مشروحه بالا اعزامی به قرارگاه‌های جنوب و غرب، در آذرماه سال٦١، با دستور فرمانده نیروی زمینی (سرهنگ صیادشیرازی) ـ که با دستور ایشان دافوس مجدداً آغاز به فعالیت نمود ـ به دافوس مراجعت نمودند، لیکن برای طرح‌ریزی‌های عملیاتی، بنا به دستور نفراتی انتخاب و به منطقه عملیات فراخوانده می‌شدند. طراحی‌های بزرگ عملیاتی، به ویژه طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان در سال دوم و دیگر عملیات‌ها تا پایان فرماندهی شهید صیادشیرازی با حضور و نقش حیاتی این افسران معمول می‌شد.

٥- اساتید دافوس اعزامی به قرارگاه‌های ارتش در مناطق، به ویژه در جنوب و غرب با توجه به وضعیت و شرایط سیاسی، نظامی کشور و ناهمگونی نیروها، مطالبات ملی، توانایی‌ها، مقدورات و محدودیت‌های خودی و دشمن، وظایف خود را در طراحی‌های عملیاتی، اجرا کرده و هدایت عملیات را نیز به نحو زیر معمول می‌داشتند:

الف- در کلیه امور با توجه به داشتن علم و نگرش علمی به جنگ و با عنایت به شرایط پیش‌گفته، الزاماً می‌بایستی با صبر، حوصله، پشتکار، دقت و در نهایت مظلومیت عمل می‌کردند؛ زیرا ممکن بود طرح و تبیین موانع، کمبودها و بحث در مورد به صرفه-ترین راه‌کارها باعث ـ خدای ناکرده ـ ایجاد شبهه نخواستن و نداشتن میل جنگجویی گردد و از طرفی عدم تبیین حقایق، مأموریت را خدشه‌دار نماید. لذا آنان می‌بایست با صداقت و صراحت که لازمه آن، شجاعت بود، نظرات علمی خود را بیان می‌داشتند که چنین هم می‌کردند.

ب- در بسیاری از موارد به دلیل عدم طی دوره دافوس در ایده‌پردازان جنگ در قرارگاه کربلا و قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) و لزوم ارائه طرح‌ها بر اساس اصول و مبانی علمی، اساتید و طراحان ارتش که همان اساتید دافوس بودند، با ظرافت و تواضع و

هوشمندی برای اداره‌کنندگان جنگ تدبیرسازی و یا در مرحله‌ای تصمیم سازی و یا در سطح نازل آن کمک مؤثر به شکل‌گیری تدبیر و اتخاذ تصمیم می‌نمودند.

ج- تبدیل ایده‌ها و نگرش‌های اداره‌کنندگان جنگ (به ویژه برای فرماندهان شهادت‌طلب و انقلابی سپاه) به عبارات و زبان نظامی برای طرح در جلسات و مباحثات عملیاتی، از دیگر اقدامات این عزیزان بود.

د- شکل‌دهی و جهت‌دهی طرح‌های عملیاتی با عنایت به سیاست‌های انقلاب و سیاست‌های کلان جنگ با توجه به توان نظامی و محدودیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ، رعایت صرفه و صلاح (مادی، معنوی) در طراحی و اجرا از امور مهمی بود که باید عالمانه مد نظر قرار می‌گرفت و بر عهده این افسران بود.

به زبان دیگر این افسران عبور دقیق و هوشمندانه طرح‌های عملیاتی را در مسیر طراحی از دالان و زیر سقف مقدورات ومحدودیت‌های نظامی و ملی در پرتو آرمان-های انقلاب اسلامی معمول می‌داشتند.

هـ- بومی نمودن مفاهیم تاکتیکی و راهبردی بکارگرفته‌شده در طرح‌ها با دقت در تدابیر ابلاغی فرماندهی کل قوا حضرت امام(ره)، حضور نیروهای مردمی در جنگ، امکانات موجود ملی، شیوه‌های ابداعی و ابتکاری و صرفه‌جویی الزامی در تجهیزات، امکانات و تسلیحات از دیگر اقدامات آنان بود.

و- ارائه مبانی عمیق علمی و استدلالی در مباحث و جلسات تصمیم‌گیری برای چرایی و چگونگی انجام یا عدم انجام عملیات در یک منطقه با توجه به روحیه شهادت‌طلبی، ایثار، مطالبات برای تسریع در آزادسازی مناطق اشغال‌شده توسط دشمن، حفظ دور تک، تداوم عملیات‌ها، اشغال سرپل، وسعت، عمق و زمان تصرف و نگهداری سرپل، ورود به خاک دشمن، داشتن عمق مقبول پدافندی و... یا در یک کلام به میان آوردن استدلال دقیق و محکم و خشک با کمترین خدشه به عواطف، شور و احساس انقلابی، صداقت و صراحت علمی، کیاست و هوشمندی همراه با عاطفه،

احساس و شور، کار بسیار سختی بود که اساتید دافوس در نقش فرمانده و ستاد (طراح) عملیات می‌بایست معمول می‌داشتند.

ز- ارائه پیشنهادات برای رفع نیازهای جبهه‌ها برای اجرای طرح‌ها با دقیق‌ترین محاسبات طوری که بر توان و وسع ملی فشار بیش از حد تحمیل نشده و خواسته‌های غیرعملی برای مسئولین اداره‌کننده نظام مقدس جمهوری اسلامی از قبیل خواستنِ خرید آخرین مدل تانک و توپ، خرید سلاح هسته‌ای و موشک‌های آن‌چنانی و یا افزایش استعداد نیروی رزمنده به چندین برابر را در پی نداشته باشد؛ یعنی اداره جنگ با کم‌ترین فشار به مسئولین و مردم.

ح- تدوین طرح و برنامه‌های علمی برای عملیات نامنظم در غرب و شمال‌غرب به عوض عملیات نامنظم غیرعلمی از دیگر اقدامات آنان بود.

ط- پیش‌بینی منطقی تلفات و اصرار بر کاهش تلفات عملیاتی با کاهش ریسک عملیاتی در برآوردها و اجرای عملیات بر محور غافلگیری به منظور تحقق این امر از ظرائف سخت کار آنان بود.

ی- پیش‌بینی دقیق تک‌ها و عملیات هماهنگ‌شده زمینی، هوایی، دریایی و پدافند هوایی برای بهره‌وری حداکثری و کاهش خطرات و تلفات خودی از جانب خودی با عنایت به ناهمگونی فرهنگی، انضباطی و آموزش یگان‌های مختلف نیروهای رزمنده صرفاً توسط اساتید طراح دافوس میّسر بود.

ک- دادن قالب (فُرمَت) علمی به ایده‌های عملی و ابتکارات و اندیشه‌های نظامی مطرح در قرارگاه‌ها جهت ایجاد امکان تبدیل آنها به طرح‌های عملیاتی، وظیفه دیگر آنان بود.

مؤلفه دوم: نقش افسران دافوس دیده در قرارگاه‌ها و یگان‌های عملیاتی

در اینجا ضروری است اشاره شود که تا قبل از شهادت شهید عزیز امیر سرلشکر فلاحی، فرمانده، جانشین و معاون هماهنگ‌کننده نیروی زمینی و رئیس ستاد مشترک ارتش، افسرانی بودند که دوره دافوس را طی کرده بودند و در سایر نیروها نیز تا

حدودی چنین بود. لیکن بعد از شهادت ایشان و تغییرات در ارتش، به ویژه در نزاجا و دیگر نیروها، صرفاً رئیس ستاد و هیئت رئیسه ستاد مشترک ارتش در کل نیروهای مسلح این دوره را قبلاً طی کرده بودند و اکثر فرماندهان نیروها و جانشینان آنها نیز دافوس ندیده بودند، که البته این نقیصه با حضور اساتید و فارغ‌التحصیلان دافوس در قرارگاه‌های کربلا و خاتم(ص) و از طرفی مدیریت همراه با هوشمندی، نبوغ، دانش وسیع تخصصی (و مقبولیت حاصل از آن) و تواضع فرماندهان نیروها در بهره‌گیری از دافوس‌دیده‌ها و درک شرایط انقلابی و سیاسی و نیازهای آن دوران توسط افسران دافوس‌دیده به خوبی رفع شده بود.

الف- در کلیه یگان‌های عملیاتی ارتش و در انتصابات سعی وافی بر این بود که از فرمانده، جانشین و یا رئیس ستاد یگان (لشکر، تیپ و یا گروه‌ها و پایگاه‌ها) حداقل یک نفر دوره دافوس را طی کرده باشد و برای تحقق این امر با انتقال اساتید با سواد دافوس و سایر مراکز فرهنگی آجا مثل مراکز پیاده، زرهی، توپخانه، مهن، مخابرات و پشتیبانی به یگان‌های عملیاتی به خوبی بهره گرفته شد؛ به طوری که بیش از ۸۰٪ فرماندهان یگان‌های عمده و یا جانشین آنان دافوس دیده بودند. با ادامه فعالیت دافوس آجا با ظرفیت کامل برای تربیت و آموزش افسران در ارتش و سپاه جهت تصدی این مشاغل و یا حضور در ستادهای عملیاتی این مهم مستمراً ادامه یافت.

ب- از سال ۱۳۶۵ به بعد در نیروهای آجا، به ویژه در نزاجا در سطوح جانشین و معاونت‌های نیرو، ۹۷٪ مشاغل به افسران دافوس‌دیده واگذار شده بود.

ج- در رکن سوم یا رکن عملیات یگان‌های عملیاتی از همان آغاز جنگ بیش از ۹۵٪ رؤسای ارکان عملیات و افسران اطلاعات، دوره‌دیده دافوس بودند و در تمام ارکان عملیاتی غیر از رؤسای رکن حداقل دو افسر دوره‌دیده دافوس شاغل بودند. این تعداد، کمبود آن ۵٪ رؤسای عملیات دافوس ندیده در ۵٪ یگان‌ها (در آن رده و یا رده پایین‌تر) را برای تدوین طرح و دستورالعمل‌های عملیاتی جبران می‌کردند.

د- در کلیه یا در اکثر قریب به اتفاق شورهای ستادی عملیاتی قرارگاه کربلا، فرماندهان یگان‌های عملیاتی، در بسیاری مواقع ملزم و در مواردی مجاز بودند که افسران عملیات یگان خود را (که عموماً دافوس دیده بودند) برای حضور در مباحث عملیاتی به همراه خود داشته باشند و از آنان در موارد مختلف مشورت اخذ نمایند.

هـ- اقدامات اساسی برای افزایش آمادگی رزمی از قبیل تشکیل یگان‌های قدس ـ تشکیل تیپ‌های چهارم ـ افزایش استعداد سازمانی تیپ‌های مستقل به لشکر با امکانات تجهیزاتی و تسلیحاتی موجود، تغییرات در شیوه‌های بکارگیری بهینه هوانیروز، پدافند هوایی، جنگ دریایی، تشکیل قرارگاه‌های تاکتیکی و قرارگاه‌های مقدم در نیروها و مقابله با مدرن‌ترین سلاح‌های دشمن از معجزاتی بود که با عنایت حق تعالی و با دانش و دلسوزی و بینش انقلابی افسران دافوس‌دیده در هیئت رئیسه و معاونت‌های نیروهای آجا محقّق شد.

و- ارائه آموزش ضمنی و اعلام نشده، متواضعانه و دلسوزانه به برادران عملیاتی و فرماندهان سپاه و آن دسته از ارتشیانی که دوره دافوس را طی نکرده بودند در جلسات قرارگاه‌های خاتم(ص)، کربلا، نصر، قدس، فتح و فجر در حین طرح مباحث عملیاتی و ایجاد امکان ضبط صوتی و تصویری جلسات، به ویژه برای برادران سپاه، از دیگر اقدامات مؤثر برای توسعه علم و هنر جنگ در اداره‌کنندگان آن بود که توسط افسران دافوس‌دیده معمول می‌شد، که برادران جان برکف سپاه به دلیل انگیزه بالا و روحیه شهادت‌طلبی و علاقه وافر به انجام مطلوب مأموریت و آزادسازی مناطق اشغالی با هوشمندی و تلاش از این فرصت به خوبی بهره جستند.

ز- پاسخ به سؤالات و شبهات و چرایی و فلسفه پیشنهادات و راه‌کارهای عملیاتی در قرارگاه‌های مختلف مذکور در بالا و یا طرح سؤالات در این زمینه‌ها توسط فرماندهان و اساتید و افسران دافوس‌دیده در جلسات و شورهای عملیاتی به تبادل گسترش نگرش علمی حاصل از دروس دافوس در جمع تصمیم‌گیرندگان جنگ، کمک شایانی می‌نمود.

ح- در اداره جنگ و در کل نیروهای مسلح به وضوح این موضوع روشن شد که افسران دافوس‌دیده قادرند ایده‌ها و طرح‌های عملیاتی را به صورت دستورالعمل‌های عملیاتی مدون و در نهایت اجراء آن دستورالعمل‌ها ارزیابی نمایند.

ط- در اداره جنگ در کل نیروهای مسلح به وضوح روشن شد که افسران دافوس-دیده هستند که قادر به طراحی عملیاتی و تدوین دستورالعمل‌های مربوطه برای تک هماهنگ شده و عملیات چند نیرویی(مشترک و ادغامی) می‌باشند.

مؤلفه سوم: نقش آموزش دافوس (در تهران) در پشتیبانی از جنگ

الف- دافوس آجا از زمان تشکیل مجدد در آذرماه سال۱۳٦۱ تا پایان جنگ و در ٦ دوره آموزشی ۲٤٦ افسر از آجا و ۳۲ نفر از فرماندهان سطوح عالی عزیزان سپاه را در دوره‌های کوتاه و بلندمدت آموزش داده و فارغ‌التحصیل نموده است.

ب- از سال۱۳٦۵ با انتصاب سرتیپ حسین حسنی‌سعدی (سرلشکر فعلی) به فرماندهی نیروی زمینی نقش عملیاتی دافوس از نظر حضور اساتید در جبهه‌ها کاهش یافته، لیکن نقش آموزشی آن افزایش یافت. البته در موارد ضروری فرمانده و ستاد فرماندهی نیروها از اساتید دافوش مشورت‌های موردی اخذ می‌نمودند.

ج- انجام تغییرات ضروری در متون دروس، بومی‌سازی مفاهیم و عبارات متون و لحاظ تغییرات در تاکتیک در رده تیپ به بالا با توجه به ساختار قرارگاهی در مناطق، از رده خارج شدن بعضی سلاح‌ها و تجهیزات، دریافت و ساخت سلاح و تجهیزات جدید و اولویت در تاکتیک‌ها با توجه به مقدورات و محدودیت‌های خودی، از دیگر اقدامات دافوس در حین جنگ بود که با انتقال افسرانی که سال‌ها در جنگ بودند به دافوس به عنوان استاد یا دانشجو (از ارتش و سپاه) محقق می‌شد.

د- دافوس اولین مکان در نیروهای مسلح بود که در آن اولین اقدام برای تدوین تاریخ علمی و مستند جنگ توسط مرحوم سرهنگ ستاد یعقوب حسینی، آن هم با بهترین شکل و کیفیت انجام گرفت؛ طوری که مبنای هشت جلد کتاب تألیفی آن افسر دانشمند و فرزانه، دلسوز و پرتلاش که در خصوص سال اول و دوم جنگ چاپ و

منتشر شد، هنوز هم برای آن دوران حرف اول را می‌زند و به حق می‌توان گفت همه تاریخ‌نویسان دفاع مقدس به نوعی شاگردان و پیروان او هستند.

مؤلفه چهارم: نقش آئین‌نامه‌ها و متون درسی دافوس در جنگ

الف- تمامی طرح‌های عملیاتی، به ویژه دستورهای عملیاتی، برآوردها و پیوست-های عملیاتی تدوینی و تنظیمی برای عملیات‌ها مبتنی بر آئین‌نامه‌ها و متون درسی دافوس شکل می‌گرفت. البته مقدورات و محدودیت‌های دفاعی ـ نظامی و ملی در آنها لحاظ می‌شد، یا به زبانی به شکل بومی تهیه می‌شد. کثرت نزدیک به اتفاق عملیات شبانه نسبت به روزانه، عدم انجام آتش تهیه، ضربه زدن به ضعیف‌ترین جای دشمن، انجام عملیات پشتیبانی و تلاش فرعی در قوی‌ترین و حساس‌ترین محل خطوط دشمن جهت فریب او و عملیات نفوذ در جبهه دیگر، تغییرات در بکارگیری هواپیماها و هلیکوپترها و شیوه متحرک پدافند هوایی، بهره‌گیری از گپار (گروه پشتیبانی اطلاعات رزمی)، تشکیل قرارگاه‌های مشترک و قرارگاه‌های مقدم و تاکتیکی در حقیقت بومی-سازی دروس اساسی و آئین‌نامه‌های رزمی دافوس بوده که مورد عمل قرار گرفته است.

ب- در هر عملیاتی که طراحان دافوس‌دیده قادر بودند بدون فشار سیاسی و افکار عمومی و با داشتن فرصت مناسب برای کسب اطلاعات و تنظیم برآوردها و بر اساس علم خویش طراحی و دستورالعمل صادر کرده و مجریان، فرصت مادی و معنوی جهت اجرای آنها را طبق قواعد و ضوابط علمی داشتند، عملیات با صرفه و صلاح و با بهترین نتایج تحقق می‌یافت. عملیات ثامن‌الائمه(ع) در این زمینه بهترین گواه و عملیات‌های طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس شواهد دیگری بر این ادعاست و بالعکس در عملیات‌هایی که به دلایلی این فرصت مادی، معنوی در طراحی و یا اجرا میسر نمی‌شد، نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شد و یا هزینه وصول به هدف و حفظ آن افزایش می‌یافت. البته عدم موفقیت‌ها و یا مواردی شکست‌ها در عملیات‌ها، به ویژه از سال۱۳٦۲ به بعد تا پایان جنگ در ارتش و سپاه دلایل عمده دیگری دارند که فرصت

طرح آن در این مقال و تحت این موضوع نمی‌باشد که ان‌شاءالله در فرصتی دیگر به آن پرداخته خواهد شد.

ج- حضور ارتش در هشت سال دفاع مقدس با جمعیتی به شرح زیر در عملیات‌های پدافندی و آفندی:

- شرکت نزدیک به ۲۱۷هزار نفر کارکنان پایور با متوسط پنج سال حضور در جبهه‌ها.
- شرکت نزدیک به ۲/۵۰۰/۰۰۰ سرباز با متوسط قریب به ۲۰ ماه حضور در جبهه‌ها.

تقدیم تعداد ٤۸هزار شهید (حدود ۱۰هزار شهید پایور و قریب به ۳۸هزار شهید وظیفه) و محاسبه ساده‌ای از درصد شهدا (کادر ٤/۵٪ و وظیفه ۱/۵٪) و نیز نتایج عملیات‌های موفق، دو اصل زیر را به روشنی تبیین می‌کند:

- طراحی‌های عملیاتی و اجرای عملیات‌ها، عالمانه، هوشمندانه، شجاعانه و ایثارگرانه بوده است.
- کارکنان پایور از روحیه شجاعت، شهادت‌طلبی و ایثار و فداکاری در فرماندهی عزیزان جان بر کف و ایثارگر وظیفه به خوبی بهره گرفته‌اند.

این صرفه و صلاح در نیروهای انسانی و تلفات کم و نتایج حاصله، کارآمدی دروس دافوس را عیان می‌سازد.

نتیجه: نقش دافوس در دفاع مقدس

در پایان اشاره می‌کنم به تعریفی از دفاع مقدس از کلام نورانی رهبر حکیم و فرمانده فرزانه و معظم کل قوا حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، فرمایشی که ایشان به مناسبت دفاع مقدس در جمع اهل قلم و هنر دفاع مقدس ایراد فرمودند:

«دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت است، دفاع مقدس مظهر دین‌داری و آرمان‌خواهی است، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، دفاع مقدس مظهر تدبیر و حکمت است و دفاع مقدس مظهر پایداری و مقاومت است.»

با مواردی که بیان شد از این تعریف حکیمانه دفاع مقدس نتیجه بحث در یک جمله جمع‌بندی می‌شود:

«نقش علمی دافوس و دافوس‌دیده‌ها در دفاع مقدس در بُعد تدبیر و حکمت بسیار فراتر از دیگر رزمندگان و در سایر ابعاد همچون سایر رزمندگان است.»

البته تدبیر و حکمت عملیاتی در طراحی عملیات و یا تدوین دستورالعمل‌های عملیاتی متجلی می‌گردد.

فهرست نقشه‌ها

تعداد ۱۹ نقشه عملیات از کتاب نبردهای ماندگار نیروی زمینی ـ انتشارات سازمان ایثارگران، مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس استفاده و در این نقشه‌ها زمین منطقه عملیات، استعداد نیروی خودی و دشمن و طرح عملیات نشان داده شده است.

نقشه شماره ۱: استعداد عراق در آغاز تجاوز (۵۹/۰۶/۳۱)

نقشه شماره ۲: عملیات آفندی پای پل کرخه (۵۹/۰۷/۲۳)

نقشه شماره ۳: عملیات نصر (۵۹/۰۹/۱۵)

نقشه شماره ٤: عملیات توکل (۵۹/۰۹/۲۰)

نقشه شماره ۵: عملیات ثامن‌الائمه (٦۰/۰۷/۰۵)

نقشه شماره ٦: عملیات طریق‌القدس (٦۰/۰۹/۰۹)

نقشه شماره ۷: طرح رزمایش (مانور) در شمال کرخه (مانور احاطه‌ای) در عملیات طریق‌القدس

نقشه شماره ۸: طرح رزمایش (مانور) شمال کرخه (فشار مستقیم) در عملیات طریق‌القدس

نقشه شماره ۹: طرح رزمایش (مانور) جنوب کرخه (جناح راست) در عملیات طریق‌القدس

نقشه شماره ۱۰: طرح رزمایش (مانور) در جنوب کرخه (جناح راست) در عملیات طریق-القدس

نقشه شماره ۱۱: عملیات فتح‌المبین (کربلا ۲) (٦۱/۰۱/۰۲)

نقشه شماره ۱۲: عملیات بیت‌المقدس (کربلا ۳) (٦۱/۰۲/۱۰)

نقشه شماره ۱۳: عملیات والفجر۸ (فاو) (٦٤/۱۱/۲۰)

نقشه شماره ۱٤: عملیات رمضان (٦۱/۰٤/۲۲)

نقشه شماره ۱۵: عملیات خیبر (٦۲/۱۲/۲۳)

نقشه شماره ۱٦: عملیات بدر (٦۳/۱۱/۲۰)

نقشه شماره ۱۷: عملیات قادر (٦٤/۰٤/۲۳)

نقشه شماره ۱۸: عملیات والفجر۱۰ (٦٤/۱۲/۲۹)

نقشه شماره ۱۹: عملیات مرصاد (٦۷/۰۵/۰۵)

نقشه شماره۱: استعداد عراق در آغاز تجاوز: ۵۹/۰۶/۳۱

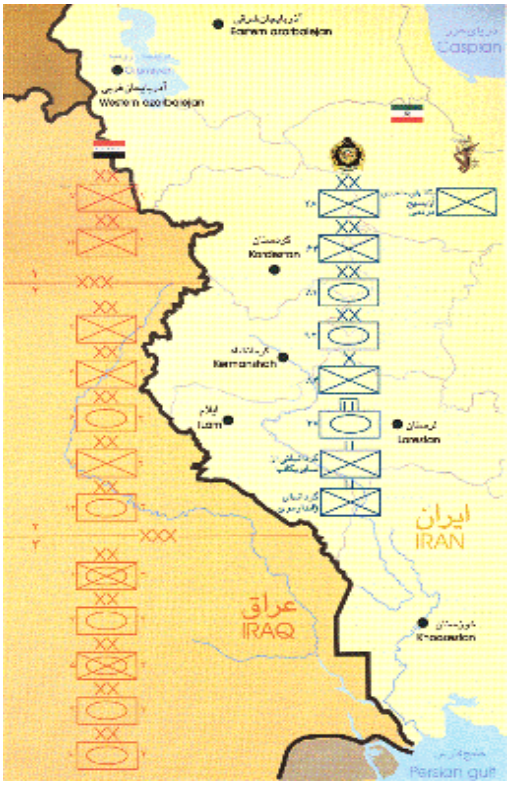

نقشه شماره۲: عملیات آفندی پای پل کرخه: ۵۹/۰۷/۲۳

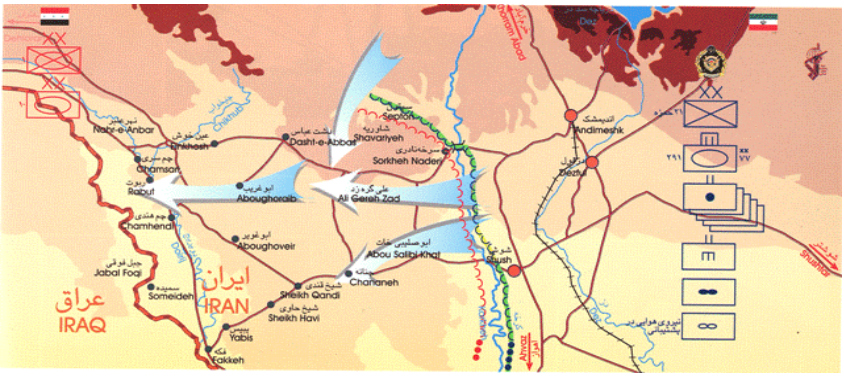

نقشه شماره۳: عملیات نصر: ۵۹/۰۹/۱۵

نقشه شماره٤: عملیات توکل: ۵۹/۰۹/۲۰

نقشه شماره۵: عملیات ثامن‌الائمه: ۶۰/۰۷/۰۵

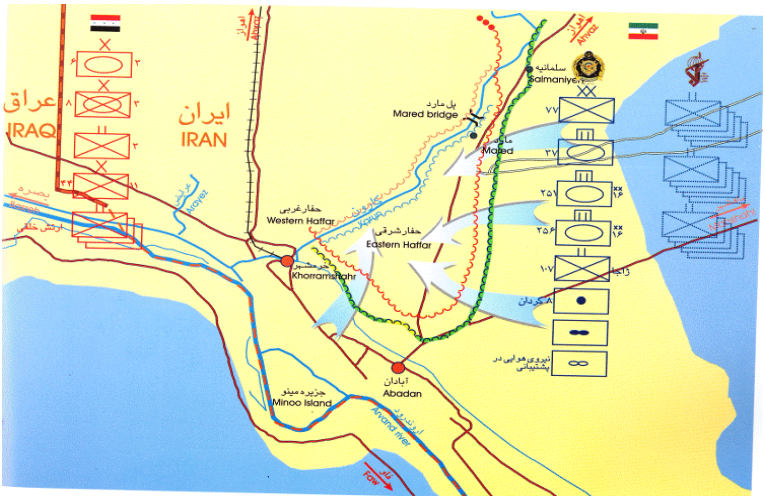

نقشه شماره۶: عملیات طریق‌القدس: ۶۰/۰۹/۰۹

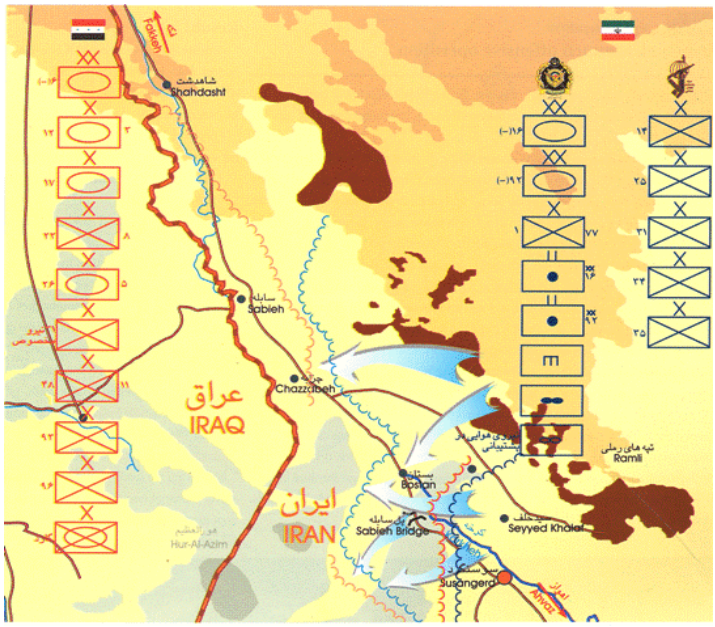

نقشه شماره۷: طرح رزمایش (مانور) در شمال کرخه (مانور احاطه‌ای) در عملیات طریق‌القدس

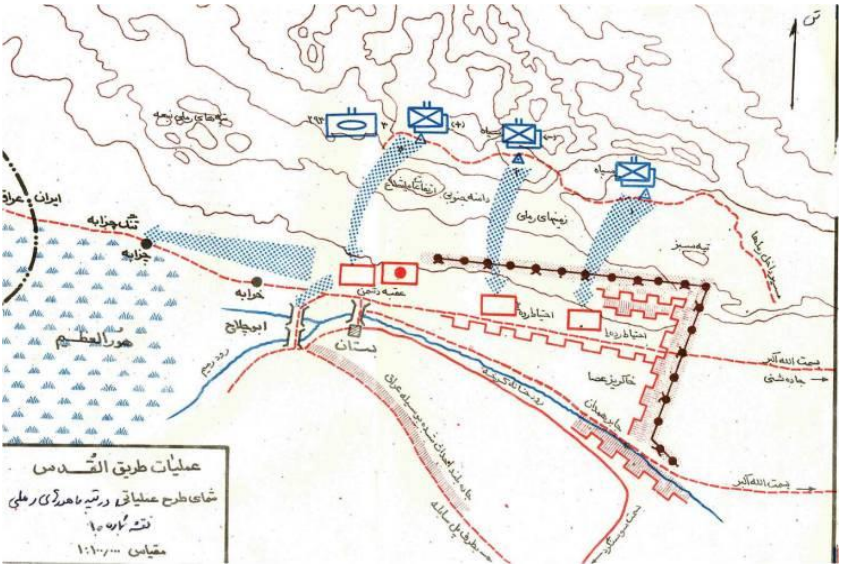

نقشه شماره۸: طرح رزمایش (مانور) در شمال کرخه (فشار مستقیم) در عملیات طریق‌القدس

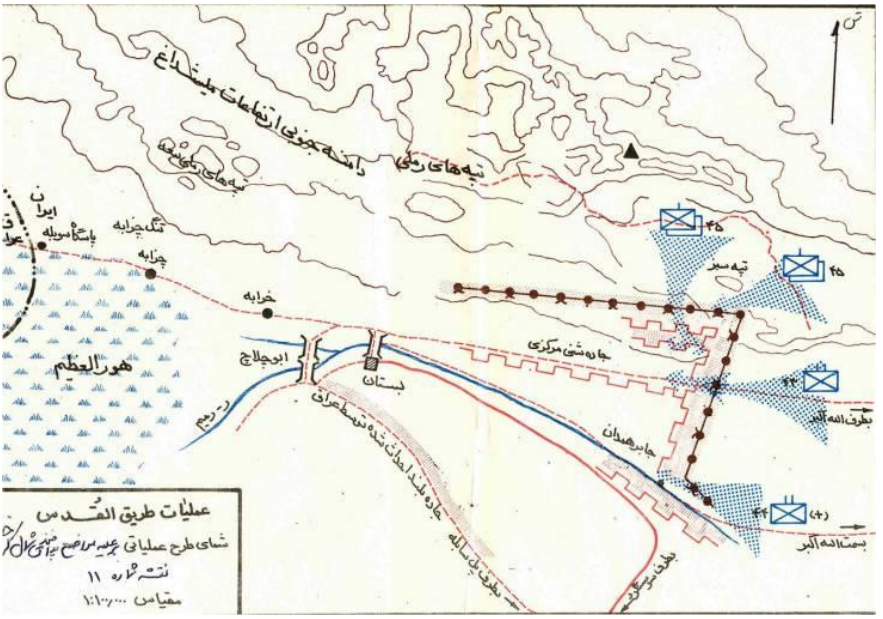

نقشه شماره۹: طرح رزمایش (مانور) در جنوب کرخه (جناح راست) در عملیات طریق‌القدس

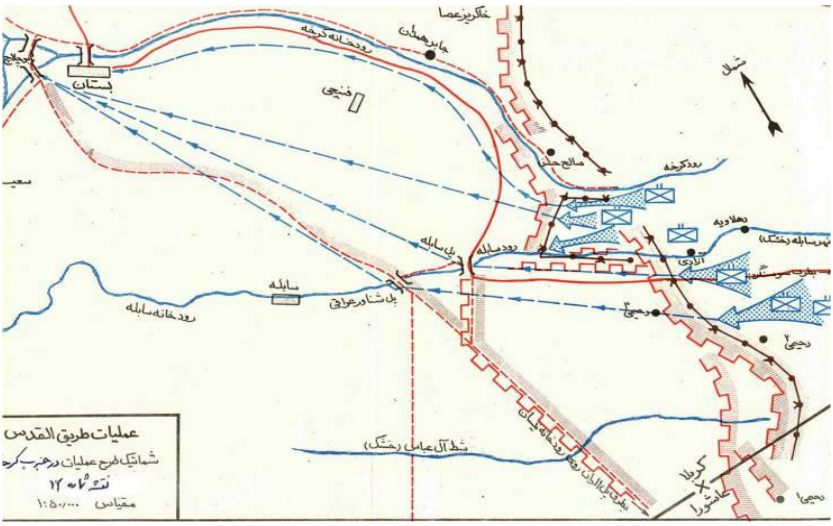

نقشه شماره۱۰: طرح رزمایش (مانور) در جنوب کرخه (جناح چپ) در عملیات طریق‌القدس

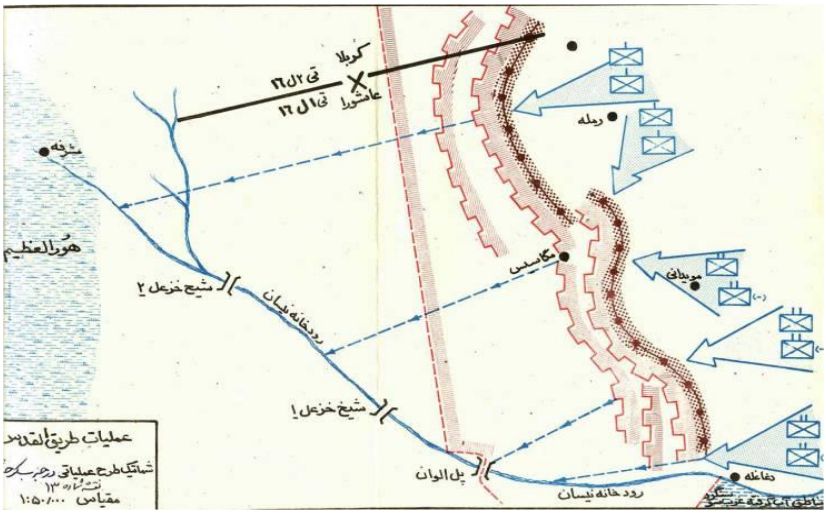

نقشه شماره۱۱: عملیات فتح‌المبین (کربلا۲): ۶۱/۰۱/۰۲

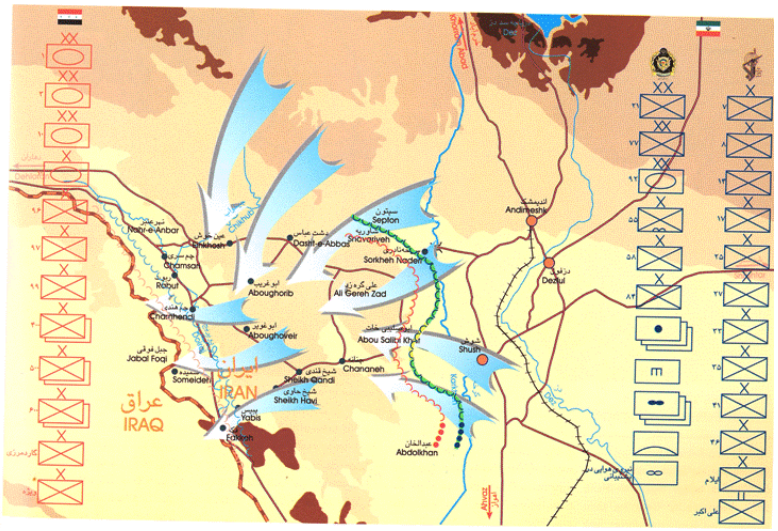

نقشه شماره۱۲: عملیات بیت‌المقدس (کربلا۳): ۶۱/۰۲/۱۰

نقشه شماره۱۳: عملیات والفجر۸ (فاو): ٦٤/١١/٢٠

نقشه شماره١٤: عملیات رمضان: ٦١/٠٤/٢٢

نقشه شماره۱۵: عملیات خیبر: ۶۲/۱۲/۲۳

نقشه شماره۱۶: عملیات بدر: ۶۳/۱۱/۲۰

نقشه شماره۱۷: عملیات قادر: ۶۴/۰۴/۲۳

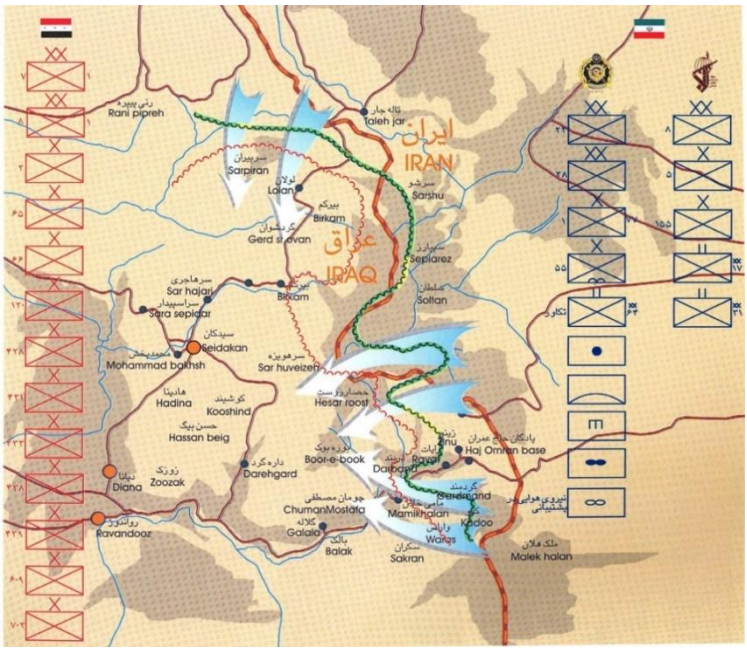

نقشه شماره۱۸: عملیات والفجر۱۰: ۶۴/۱۲/۲۹

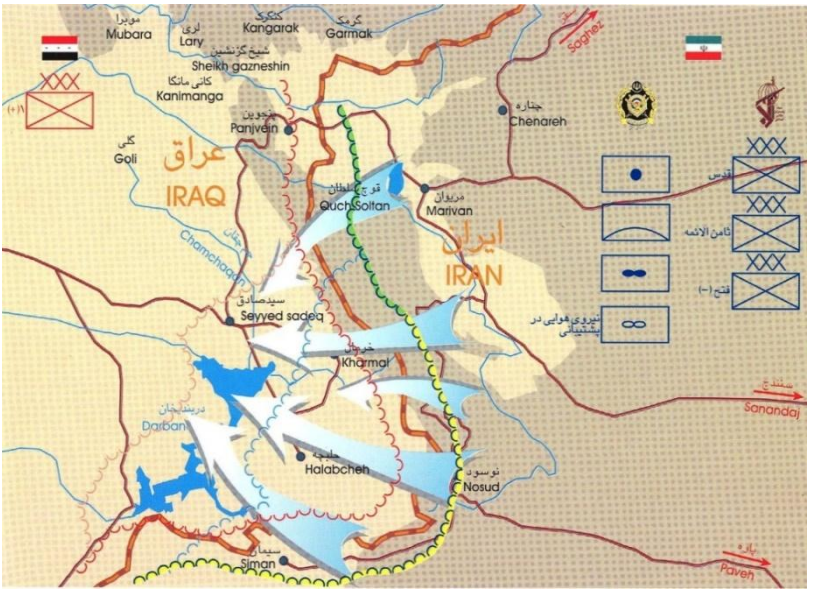

نقشه شماره۱۹: عملیات مرصاد: ۶۷/۰۵/۰۵

منابع و مآخذ

آراسته، ناصر (سرتیپ ستاد). گردآوری علی اعوانی. *امریکا قبل و بعد از اشغال عراق*، تهران، آجا، ۱۳۹۰.

ـــــ *چرا و چگونه از جنگ باید بدانیم؟*، تهران، ایران سبز، ۱۳۹۱.

ـــــ *کلیاتی از جنگ و مواردی از دفاع مقدس*، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۹.

ـــــ *نقش دافوس در دفاع مقدس*، تهران، دافوس، ۱۳۹۱.

آرشیو روزنامه همشهری، ۱۳۸۳/۰۶/۱۲.

آرشیو سازمان ایثارگران.

امام خمینی(ره). صحیفه نور. ج یکم.

بختیاری، مسعود (سرتیپ۲ ستاد). *عملیات طریق‌القدس*، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۷.

بیگلرپور(سرتیپ)، سعید نفیسی، سرهنگ قائم‌مقامی. *تاریخ ارتش نوین ایران*، تهران، ستاد مشترک، ج یکم.

جعفری، مجتبی (سرهنگ). *اطلس نبردهای ماندگار*، تهران، مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس نزاجا، ۱۳۸٦.

جلالی، هوشنگ (سرتیپ۲). *تاریخ نظامی ایران*، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۹.

جوادی‌پور، محمد (سرتیپ۲ ستاد)، سرتیپ۲ ستاد علی نیکفرد، سرهنگ ستاد سید یعقوب حسینی. *نقش ارتش در هشت سال دفاع مقدس*، تهران، سازمان عقیدتی ـ سیاسی، ج یکم، ۱۳۷۲.

حاجی‌وردی‌خان، مهدی. *مهران در تحولات جنگ ایران و عراق*، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۹.

حسینی، سید یعقوب (سرهنگ ستاد). *جبهه جنوب*، معارف جنگ، ۱۳۸٦.

ـــــ *نبردهای سال٦۲ تا پایان٦٤*، تهران، هیئت معارف جنگ، ۱۳۸۹.

دستور رزمی لشکر ۱۰۰-٦۱، تهران، دافوس، ۱۳۵۰.

رامتین، شهرام (سرتیپ۲ ستاد). *تاریخ نظامی و هنر جنگ*، تهران، دانشگاه امام علی(ع)، ۱۳۸٦.

رستمی، محمود (سرتیپ۲ ستاد). *فرهنگ واژه‌های نظامی*، تهران، ایران سبز، ۱۳۸٦.

رواسانی، شاپور. *دولت و حکومت در ایران*، تهران، شمع، ۱۳۷۲. به نقل از *ارتش از دیدگاه امام خمینی(ره)*، تهران، عروج، دفتر سی و نهم.

سالارکیا، علی‌محمد (سرتیپ۲ ستاد). *پیش‌تازان غرب کرخه*، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۰.

سروری، روح‌اله (سرتیپ۲ ستاد). *عملیات ثامن‌الائمه*، عرضان، ۱۳۸۲.

شاهین‌راد، فرض‌اله (سرتیپ). *گردان۱٤٤ در نبرد آبادان*، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۰.

قرآن کریم.

معین‌وزیری، نصرت‌اله (سرتیپ۲ ستاد). *اصول و قواعد اساسی رزم*، تهران، مرکز آموزش اطلاعات، ۱۳۸٦.

ـــــ. *تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان*، تهران سازمان حفظ آثار، ۱۳۸۵.

ـــــ *تحلیل عملیات بیت‌المقدس*، تهران، دافوس، ۱۳۸۲.

ـــــ. *نگرش علمی عملیات فتح‌المبین*، تهران، سازمان حفظ آثار آجا، ۱۳۸٦.

نمکی، علیرضا (سرتیپ۲ خلبان). *نیروی هوایی در دفاع مقدس*، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۹.

نیک‌خواه بهرامی، محمدباقر. *گاه‌شمار حملات شیمیایی عراق*، پژوهشگاه علوم و فنون، ۱۳۸۹.

INFANTRY
AND
HOLLY DEFENCE

(IRAN/ IRAQ WAR)
(1980 – 1988)

(2015)